



منع صادرات پتروشیمی؛ تضاد قانونی؟!

آسیب‌شناسی محدودیت‌های اعمال‌شده در صنعت پتروشیمی

آرمان بخش خصوصی؛ حفظ منافع ملی

تعامل در تنظیم رویه‌های صادراتی بر هم‌افزایی در اجرا

بخش خصوصی توانایی تبدیل بخش عمده نفت خام به فرآورده را دارد



Binas Baya Energy

One of The Major Bitumen
Suppliers From Middle East

GRADES

- 40/50, 60/70, 50/70
- 80/100, 85/100, 100/120
- VG 30

PACKINGS

- Bulk
- New Steel Drum
- Poly Bag

SERVICES

- Prompt Delivery
- Financial Facilities
- Inseption Certificate for Quality and Quantity

IRAN Office: No.32, Mollasadra Ave., Tehran Tel: +9821 88 600 717 (10 Lines) Fax: +9821 88 600 719

For further information please visit our web site at www.binasenergy.com or e-mail: info@binasenergy.com



B.G.K

بنا گستر کرانه

پیشرو در صنعت بانکرینگ

محدوده ارائه خدمات بانکرینگ
خلیج فارس و دریای عمان



انبار فراورده با ظرفیت ۸۴ هزار متریک تن



خطوط انتقال فراورده از انبار فراورده به اسکله های در اختیار



عملیات دریایی

MARINE BUNKERING
PHYSICAL SUPPLIER SHIP TO SHIP

بندر عباس
نشانی: منطقه ویژه اقتصادی شهید رجایی، بندر خلیج فارس، شماره های ۲۷-۳۰
تلفن: ۰۷۶۱ ۴۵۱۴۲۶۶-۷
تلفن: ۰۷۶۱ ۴۵۱۴۳۱۰
بندر عباس
No. 27-30, Persian Gulf Port, Shahid Rajaee Port Complex Free zone
Bandar Abbas, Iran
Tel: +98 761 4514266-7
Fax: +98 761 4514310

www.BGK-Bunkers.com
info@BGK-Bunkers.com

نمایندگی امانی فر

کد ۴۸۲۷

www.reyhaneSabz.ir
alborzagent4827@gmail.com



طرف قرارداد با اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران

<< با هر تعدادی که هستید می توانید از بیمه درمان تکمیلی اتحادیه استفاده کنید.>>

بخشی از مزایای پیوستن به گروه بیمه ای اتحادیه

۱ - بیمه شخص ثالث و بدنه خودرو:

- برخورداری از ۲۰ درصد تخفیف گروهی در بیمه بدنه خودروی شخصی مدیران و کارکنان مخصوص شرکت های عضو اتحادیه علاوه بر تخفیفات عدم خسارت بیمه نامه
- برخورداری از ۵ درصد تخفیف گروهی در بیمه ثالث خودروی شخصی مدیران و کارکنان مخصوص شرکت های عضو اتحادیه علاوه بر تخفیفات عدم خسارت بیمه نامه
- امکان تقسیط حق بیمه شخص ثالث و بدنه خودرو

۲ - بیمه آتش سوزی (کارخانه، انبار، دفتر کار و منزل مسکونی):

- برخورداری از ۲۰ درصد تخفیف مخصوص شرکت های عضو اتحادیه در بیمه آتش سوزی و تقسیط حق بیمه مطابق نظر متقاضی

۳ - بیمه باربری صادراتی:

- صدور بیمه نامه ظرف ۱۰ دقیقه
- دریافت اطلاعات از طریق فکس یا ایمیل
- ارایه ۳۰ درصد تخفیف مخصوص شرکت های عضو اتحادیه

۴ - بیمه امید آفرین (بیمه سرطان):

- با پرداخت مبلغ بین ۲۰۰/۰۰۰ ریال تا ۴۰۰/۰۰۰ ریال حق بیمه طی ۶۰ قسط ماهانه، مادام العمر تا سقف ۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال در صورت ابتلا به سرطان، کلیه هزینه های درمان این بیماری را در داخل و خارج از کشور دریافت نمایید.

- ۵ درصد تخفیف مخصوص شرکت های عضو اتحادیه در بیمه سرطان قابل ارایه می باشد.

۵ - بیمه درمان تکمیلی گروهی مخصوص شرکت های عضو اتحادیه:

- امکان بهره مندی کلیه شرکت های عضو اتحادیه از بیمه عمر و حوادث و درمان تکمیلی گروهی با هر تعدادی که باشند.

آدرس: تهران، خیابان حافظ، بین طالقانی و رشت، ساختمان شماره ۳۶۶، طبقه ۵، واحد ۵۰۵

تلفن: ۶۶۹۷۵۵۸۰ - ۶۶۹۷۵۵۷۹ - ۶۶۴۰۴۵۸۹

ارتباط مستقیم با مدیریت: ۰۹۱۲۸۰۹۳۰۱۲

ARMITIES PERSIA Co.



شرکت آرمیتیس پرشیا

EXPORT various goods into
international and global market.

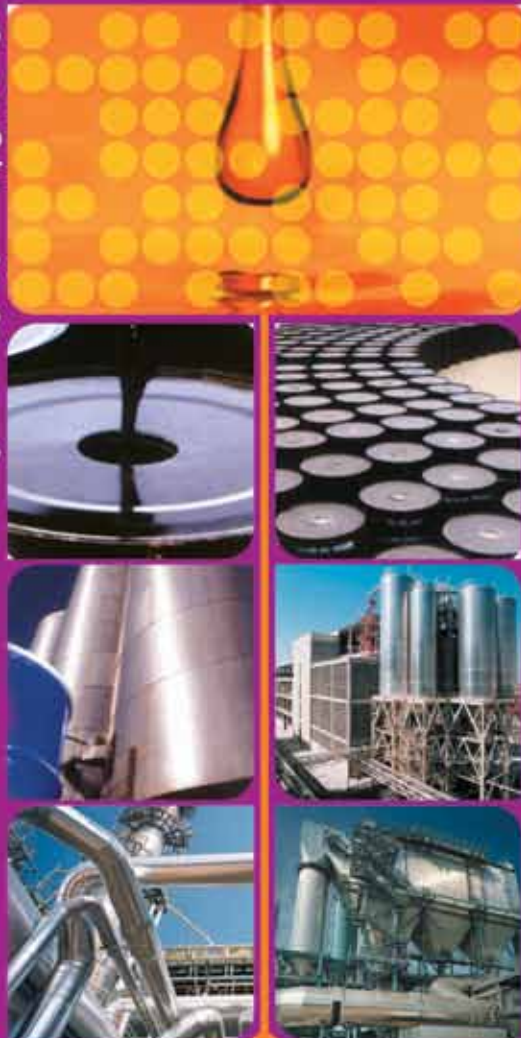
Office : Tehran (IRAN) - Nairobi (KENYA)

AT THE MOMENT ACTIVITY ; Export of :

Bitumen • Sulphur • Fuel oil • Engine oil

• Base oil • Furfural extract

فیر، روغن پایه، فور فورال اکسترکت، روغن موتور



صادرات فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی

Add: Unit 19 - 4th floor-No.92
Esfandiari Blvd.- NiayeshT
Crossing - Valiasr Avenue
Tehran
Iran
Tel:+9821-88203104-7
Fax:+9821-88650703
E-mail: info@armities.com
w w w . armities . Com

نشانی: تهران - تقاطع نیایش، ولی عصر
بلوار اسفندیاری - پلاک ۹۲
طبقه ۴-واحد ۱۹
تلفن: ۸۸۲۰۳۱۰۴-۷
نمابر: ۸۸۶۵۰۷۰۳
E-mail: info@armities.com
Armities_persia@yahoo.com
w w w . armities . Com



شرکت شیمیائی بصیرت رازی ملارد
Basirate Razi Malard Chemical Co.

شرکت بصیرت رازی ملارد در سال ۱۳۷۱ با هدف تولید و پالایش انواع حلالهای شیمیایی تأسیس گردید و به بهره برداری رسید.

این شرکت مواد اولیه خود را از شرکتهای پتروشیمی، پالایشگاهها، کارخانجات رنگ و رزین داروسازی ها و همچنین منابع خارج از کشور تأمین می نماید.

از سال ۱۳۸۵ این شرکت با فعال شدن در زمینه صادرات فرآورده های خودبه بازارهای جهانی پیوسته و از شرکتهای پیشرو در زمینه صادرات حلالها و تینرهای صنعتی می باشد.

واحد کنترل کیفی شرکت در تمام مراحل ورود مواد اولیه، در حین تولید و محصول نهایی مشخصات مورد نظر را به طور کامل کنترل می نماید.

شرکت بصیرت رازی ملارد دارای آزمایشگاه مجهز و امکانات گسترده جهت تحقیقات می باشد.

این شرکت در حال احداث یک واحد پالایشگاه با ظرفیت ۱۵۰۰ بشکه نفت خام در روز در شهرک صنعتی اشتهارد تحت عنوان شرکت البرز پالایش اشتهارد (APEC) می باشد که حدود ۵۰٪ از عملیات احداث آن انجام گرفته و در نیمه دوم سال ۱۳۹۱ به بهره برداری می رسد.

شرکت بصیرت رازی ملارد در چشم انداز فعالیتهای خود تأمین فرآورده های نفتی مورد نیاز کشور و جلوگیری از خروج مواد اولیه با ارزش از کشور در نظر دارد.



شرکت البرز پالایش اشتھارد



شرکت البرز پالایش اشتھارد واقع در شهرک صنعتی اشتھارد با اخذ مجوز تاسیس پالایشگاه خصوصی با ظرفیت ۲۰۰۰ بشکه در روز در زمینه تولید بنزین، نفت سفید، گازوئیل نفت کوره و سایر فراورده های نفتی و همچنین سایر حلالها و تینر های تخصصی و با ظرفیت سالانه ۱۵۰ هزار تن از پیشتازان پالایش نفت خام در واحد های خصوصی می باشد.

واحد پالایشگاه این شرکت با بیش از ۷۰ درصد پیشرفت در بهمن ماه سال جاری (۱۳۹۱) به بهره برداری می رسد.

در سیستم های تولید ، پالایش و مدیریت مسائل زیست محیطی

این شرکت آخرین تکنولوژی روز به کار گرفته شده و در نوع خود اولین پالایشگاه خصوصی کشور

محسوب می شود. واحد تحقیق و توسعه این شرکت با آخرین استاندارد های کشوری و بین المللی

علاوه بر انجام امور مربوط به شرکت در ارائه زمینه خدمات تحقیقاتی و آزمایشگاهی به سایر شرکت ها و موسسات نیز فعال خواهد بود.

APEC

A
P
E
C

نشانی: اشتھارد-شهرک صنعتی اشتھارد-خیابان دکتر حسابی غربی-نبش گلریز ۳

مدیر عامل: جناب آقای قاسمی تلفن: ۰۹۱۲۱۶۹۳۱۲۳

تلفن: ۰۲۶-۳۷۷۷۸۱۴۰-۹

Nakhle Barani Pardis Co. (NBP Co.)



شرکت نخل بارانی پردیس



Managing Director: Hassan Khosrow Jerdi

Type of Activity:

Export , Import & Swap of Oil Products , Crude Oil & LPG.

مدیر عامل: حسن خسرو جردی

نوع فعالیت:

صادرات، واردات و سوآپ فرآورده های نفتی، نفت خام و گاز مایع (LPG).

نشانی: خیابان ولیعصر ، خیابان دستگردی ، پلاک ۳۸۶، طبقه ۴

Address: No. 386, Fourth floor, Dastgerdi St, Valieasr Ave., Tehran ,Iran Tel: (0098-21) 88644311-5 Fax: (0098-21) 88644310

web site: www.nbpco.com

e-mail: nbp@nbpco.com



شرکت کارگزاری مفید
Mofid Securities Co.



هوشمند و کارا در صنعت کارگزاری

کارگزار برتر از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰

کارگزار مؤسس بورس کالای ایران

دفتر مرکزی شعبه بورس کالا
تهران، خیابان طالقانی، بعد از خیابان ولی عصر (عج)، جنب ساختمان بورس کالای ایران،
خیابان بندر اتزلی، پلاک ۱۳
تلفن: ۰۲۱-۸۷۲۲۲ / نمابر: ۰۲۱-۸۷۲۲۷

Head Office in IME
No.13, Beside IME (Iran Mercantile Exchange) Building, Anzali St.,
Taleghani Ave., After Valiasr Cross, Tehran - IRAN
Tel: +9821- 87222 / Fax: +9821- 87227
www.mofidkala.com / info@emofid.com

AMIRAL

MOTOR OIL

کیفیتی مطمئن برای تمامی فصول



با تاییدیه
استاندار ملی ایران



Qom Motor Oil

محصولی از شرکت روغن موتور قم
آدرس: قم - شهرک صنعتی سلفچگان - نبش خیابان فتح
تلفن: ۰۲۵۲۳۶۷۳۹۰۵ فکس: ۰۲۵۲۳۶۷۳۹۳۳

www.qmoil.com

هفتمین همایش سالانه اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران با موضوع (نقش بخش خصوصی در شکوفایی اقتصاد مقاومتی)

محورهای همایش :

نقش روانسازی صادرات در اقتصاد مقاومتی
اقتصاد مقاومتی و سیاستهای حمایتی سازمانهای پولی و مالی در حوزه تولید و صادرات
اقتصاد مقاومتی و راهبرد آن بر مبنای سند چشم انداز ۱۴۰۴
افزایش صادرات فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی در شرایط اقتصاد مقاومتی

میهمانان ویژه :

وزارت صنعت معدن و تجارت، وزارت نفت
سازمان توسعه و تجارت، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، گمرک ایران و ...
کمیسیونهای اقتصاد و انرژی مجلس شورای اسلامی
اتاق های مشترک بازرگانی ایران و تهران

زمان : ۱۵ بهمن ماه ۹۱

مکان : تهران - مرکز همایش های صدا و سیما

دبیرخانه های اجرایی و ثبت نام :

مشهد : بلوار معلم - حد فاصل میدان
تربیت و چهارراه ستاری - پلاک ۲۳ واحد ۴
تلفکس : (۵۰ خط) ۸۹۲۱۰۱۷ - ۵۵۱۱
فکس مستقیم : ۸۹۲۱۱۶۲ - ۵۵۱۱

تهران : خیابان سهروردی شمالی - بین هویزه
و آپادانا - کوچه سرمد - پلاک ۸ - واحد ۳
تلفن : ۸۸۵۰۱۶۷۰ - ۴ (۵۲۱)



این فصلنامه را می‌توانید در www.opex.ir ببینید

- ۱۳ سرمایه/ اقتصاد مقاومتی و صادرات
- ۱۴ از رؤیا تا واقعیت
- ۱۶ آرمان بخش خصوصی؛ حفظ منافع ملی
- ۲۲ تعامل در تنظیم روبه‌های صادراتی با هم‌افزایی در اجرا
- ۲۴ سوآپ را دولت از بین برد
- ۲۶ بخش خصوصی توانایی تبدیل کل نفت به فرآورده را دارد
- ۲۸ ایکو؛ حیات بخش صنایع نفت، گاز و پتروشیمی
- ۳۲ آسیب‌شناسی محدودیت‌های اعمال‌شده در صنعت پتروشیمی
- ۳۵ منع صادرات پتروشیمی؛ تضاد قانونی
- ۳۶ تعامل یا تقابل ؟
- ۳۸ تحریم نفتی و سیاست‌های انرژی
- ۴۰ شرکت‌های خصوصی نفتی موتور محرک اقتصاد آمریکا
- ۴۴ میزان بهره‌وری فرآورده‌های نفتی
- ۴۶ گروه فرآورده‌های نفتی
- ۴۸ مکانیزم فروش نفت کاغذی
- ۵۰ کاهش یا افزایش؟
- ۵۲ اهتمام اتحادیه برای رفع مشکلات صادرکنندگان سوخت تقطیری
- ۵۳ تولید و صادرات سوخت تقطیری اجتناب‌ناپذیر است
- ۵۴ جلوگیری از فعالیت قاچاقچیان حرفه‌ای !
- ۵۵ دولت گازوئیل را گران کند!
- ۵۸ صادرات گاز ایران از منظر ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک
- ۶۲ نفت و سیاست
- ۶۴ چیستی دولتی‌بودن نفت

صاحب‌امتیاز:

اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی

مدیر مسئول:

دکتر سیدحمید حسینی

شورای سردبیری:

وحید ابراهیمی، دکتر سیدمحمد حسینی،

مهندس احمد صرامی

و مهندس نیما اسلامی

دبیر تحریریه:

رضا رضی

دبیر اجرایی:

محسن جندقی

هیأت تحریریه:

مهدی زرین‌نام، اسدالله خسروی

دانش پورشفیعی، سعید بهید، یلدا یزدان‌فرحی

شهاب‌الدین زمانی

مدیر هنری:

حمیدرضا یزدان‌فرحی

دبیر عکس:

امیر نریمانی

ادیت عکس:

سپهر خامه‌ور

طراح لوگو:

امین حاجی‌خانی

نمونه‌خوانی و تصحیح:

حسین رستمی

چاپ پویا

خیابان ملت- نرسیده به جمهوری- پلاک ۱۴۴

تلفن: ۶۶۹۴۸۶۷۹

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه



مطالب نشریه لزوماً نظر اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران نبوده و صرفاً دیدگاه نویسنده مطلب می‌باشد.



اقتصاد مقاومتی و صادرات

وحید ابراهیمی*



در حوزه نفت و فرآورده‌های نفتی، پرهیز از خام‌فروشی با هدف دستیابی به بازارهای جدید و متنوع و در عین حال با ارزش افزوده بیشتر به یکی از اولویت اصلی صادرات تبدیل گردیده است. صادرات فرآورده‌های نفتی در شرایطی که دشمن همه روزه‌ها را مسدود کرده و بیشترین تمرکز خود را بر روی این بخش متمرکز کرده است علاوه بر مشقت‌های خاص آن، نیاز به هنرمندی نیز دارد.

حرکت در مسیر اقتصاد مقاومتی نیازمند انسجام و وحدت میان بخش‌های خصوصی و دولتی و ارائه تسهیلات ویژه است نه به معنای پرداخت مستقیم پول و یا حمایت‌های مادی، بلکه کمک‌های معنوی مانند حذف قوانین دست و پاگیر و جلوگیری از وضع مقررات لحظه‌ای که سردرگمی صادرکنندگان را در پی دارد، راهکار دولت برای افزایش صادرات می‌باشد. مثلاً صدور بخشنامه‌ای مبنی بر اضافه شدن میعانات گازی، انواع قیر و انواع روغن موتور به فهرست کالاهای نفتی و تحمیل هزینه‌های سنگین مالیاتی به صادرکنندگان این محصولات، به جز وارد آوردن ضرر و زیان‌های مضاعف به صادرکنندگان در این برهه حساس و از دست دادن ارز حاصل از صادرات، صدمات شدیدی نیز به کل صادرات کشور وارد خواهد آورد. بخش خصوصی در صورت حمایت‌های دولت می‌تواند با اتکاء به منابع داخل و ثروت‌های موجود نقش بسزایی در شکوفایی اقتصادی داشته باشد. کشور ما دارای سرمایه‌ها و ثروت‌های بسیاری برای پیشرفت در زمینه‌های تولیدی و اقتصادی است باید بپذیریم در یک دهه اخیر به دلیل غفلت و غرور ناشی از این نعمت‌ها و فرصت‌های خدادادی نتوانسته‌ایم چرخه پیشرفت اقتصادی را به شایستگی به حرکت درآوریم.

دولت باید با تقویت بخش خصوصی و بسترسازی، شرایط لازم را برای شکوفایی این بخش و تحقق اقتصاد مقاومتی فراهم کند. موارد فوق را همه قبول دارند و در اظهارنظرهای خود به آن تاکید کرده‌اند اما برخی مسئولان با عملکرد خود نشان داده‌اند که برای کمک به توسعه صادرات و ایجاد تسهیلات برای صادرکنندگان مشکل دارند. به عنوان مثال بحث ممنوعیت صادرات چند کالا که اتفاقاً برخی محصولات نفتی و پتروشیمی را هم در فهرست خود دارد، قطعاً کمکی به توسعه کشور و تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی نمی‌کند. جالب‌تر اینکه بدانیم طبق قانون پنجم توسعه اعمال سیاست‌هایی که صادرات کالاها را ممنوع می‌کند غیرقانونی بوده و هیچ مرجعی نمی‌تواند صادرات فرآورده‌های نفتی و سایر کالاها را محدود کند. متأسفانه طبق اعلام آمارهای رسمی، صادرات فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی کاهش چشمگیری داشته که تصمیمات عجیب و لحظه‌ای دست‌اندرکاران در این امر دخیل بوده است. اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی امیدوار است مسئولان با اتخاذ تصمیمات صحیح موجبات افزایش حجم و ارزش ریالی و توسعه جغرافیای صادرات را فراهم کنند تا بخش خصوصی در روزگاری که نوسانات نرخ ارز مشکلات فراوانی را برای اقتصاد ایران به وجود آورده بتواند خلا این نوسانات را با ارزآوری مناسب پر کند. قطعاً تعامل دولت با بخش خصوصی می‌تواند اهداف اقتصاد مقاومتی را زودتر از پیش‌بینی‌ها محقق کند.

سعدیا! گرچه سخندان و مصالح گویی

به عمل کار برآید، به سخندانی نیست

* دبیر کل اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی

«بخش خصوصی را باید کمک کرد. اینکه ما «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم، خوب، خوداقتصاد مقاومتی شرایطی دارد، ارکانی دارد؛ یکی از بخش‌هایش همین تکیه به مردم است.» مقام معظم رهبری
سخنان مقام معظم رهبری در تبیین ابعاد مختلف «اقتصاد مقاومتی» موجب شد تا اقتصاد و فعالیت‌های اقتصادی در کانون توجه دولتی‌ها قرار گیرد. اقتصاد مقاومتی یک بحث تئوریک محض علمی نیست، بلکه بیشتر اقتصاد کاربردی (Applied Economy)

است. اقتصاد مقاومتی یک شعار نیست، یک واقعیت اقتصادی است که شاخص‌های آن ریشه در عمل دارد، نه حرف.

این نگاه جدید به اقتصاد را می‌توان با واژه اقتصاد سیاسی- مقاومتی (Political Resistive Economy) نزدیک دانست که مفهومی سیاسی- اقتصادی دارد و به طور قطع می‌بایستی بر مبنای شاخص‌های آن نیز مورد ارزیابی قرار گیرد. کاربردی‌ترین ویژگی این دیدگاه، فایده‌آمدن بر بحران‌های ایجادشده بر پایه آموزه‌های اسلامی با ویژگی آینده‌نگری و آمادگی برای آینده است.

اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشارمانند تحریم‌های کنونی و تلاش برای کنترل، بی‌اثر کردن و تبدیل آن به فرصت که باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه، پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. چنین رویکردی نمی‌تواند، کوتاه‌مدت، سلبی و اقدامی صرفاً پدافندی باشد بلکه کاهش وابستگی‌ها و تاکید روی مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است.

در واقع هدف در اقتصاد مقاومتی آن است که بر فشارها و ضربه‌های اقتصادی از سوی نیروهای متخاصم که سد راه پیشرفت جامعه است، غلبه کرد و قطعاً مفهوم اقتصاد مقاومتی با ریاضت اقتصادی بسیار متفاوت است چرا که ریاضت اقتصادی به طریقی گفته می‌شود که دولت‌ها برای کاهش هزینه‌ها و رفع کسری بودجه، به کاهش و یا حذف ارائه برخی خدمات و مزایای عمومی دست می‌زنند.

ایجاد «اقتصاد موازی» را نیز برخی از صاحب‌نظران، وجهی از وجوه مقاومت پذیر بودن اقتصاد می‌دانند. یعنی همان‌طور که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز خود به ایجاد نهادهایی جدید مانند جهاد سازندگی روی آورد، امروز نیز بایستی برای تداوم تأمین اهداف انقلاب، این پروژه را با تقویت نهادها و بخش‌های غیردولتی و استفاده از ظرفیت‌های ملی موجود همچون بخش خصوصی و تعاون در اقتصاد ادامه داده و تکمیل کرد. این یک ضرورت است که استراتژی مقاومت خود را متناسب با ابزارها و شیوه‌های نوین هجمله دشمن، تدوین و اجرا کنیم.

با ورود به مصادیق اقتصاد مقاومتی درمی‌یابیم که توسعه صادرات و پرهیز از واردات کالاها غیر ضروری و فاقد کیفیت خارجی (که این روزها واکنش مراجع رسمی را نیز در پی داشته است) دو رکن اصلی آن می‌باشند. معلوم‌ترین بخش در اقتصاد کشور، همان مهم‌ترین رکن در توسعه کشور یعنی صادرات است که تحقق اقتصاد مقاومتی و دسترسی به سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ وابستگی کاملی به آن دارد.

صادرات به عنوان یکی از ابزارهای مهمی است که کشور را در مسیر توسعه مقاومتی قرار می‌دهد و قطعاً دولت بیشترین نقش را در توسعه صادرات و حمایت از صادرکنندگان دارد. افزایش صادرات، تولید داخلی و تقویت بخش خصوصی مهمترین برنامه‌هایی است که می‌تواند ما را در نیل به اهداف اقتصاد مقاومتی موفق گرداند.

هدف در اقتصاد مقاومتی آن است که بر فشارها و ضربه‌های اقتصادی از سوی نیروهای متخاصم که سد راه پیشرفت جامعه است، غلبه کرد و قطعاً مفهوم اقتصاد مقاومتی با ریاضت اقتصادی بسیار متفاوت است

پیشنهاد ایران برای تاسیس «اوپک پتروشیمی»

از رؤیا تا واقعیت

علی علیمردانی

جهانی برخوردار هستند. برای اولین بار به پیشنهاد ایران مجمع کشورهای صادرکننده گاز در دسامبر ۲۰۰۸ میلادی با تصویب اساسنامه آن در نشست وزارتی مسکو به طور رسمی فعالیت‌های خود را آغاز کرد که الجزایر، بولیوی، برونزی، مصر، اندونزی، ایران، لیبی، مالزی، نیجریه، قطر، روسیه، ترینیداد و توباگو، امارات و ونزوئلا اعضای این مجمع را تشکیل می‌دهند.

همچنین سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) با حضور الجزایر، ایران، عراق، کویت، لیبی، نیجریه، قطر، عربستان، امارات، اکوادور، آنگولا و ونزوئلا از سال ۱۳۴۴ شمسی فعالیت‌های خود را آغاز کرده است.

در همین حال، آخرین وضعیت توسعه صنعت پتروشیمی ایران حاکی از آن است که هم اکنون ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی کشور به سالانه بیش از ۵۰ میلیون تن رسیده است که پیش‌بینی می‌شود با اجرا و تکمیل ۶۶ طرح پتروشیمیایی این ظرفیت به ۱۰۰ میلیون تن در سال افزایش یابد.

در حال حاضر سهم تولید محصولات پتروشیمی ایران در منطقه خاورمیانه به مرز ۲۵٫۸ درصد رسیده است که باید تا افق چشم‌انداز با کنار زدن عربستان به جایگاه نخست منطقه دست یابد.

داشت: در حال حاضر منطقه خاورمیانه بزرگترین تولیدکننده و عرضه‌کننده محصولات پتروشیمی و فراورده‌های پلیمری به بازار جهانی است. این عضو هیات مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی با یادآوری اینکه تاسیس این مجموعه با مشارکت کشورهای بزرگ تولیدکننده محصولات پتروشیمی منطقه خاورمیانه می‌تواند در تامین بلندمدت نیاز مصرف‌کنندگان تاثیرگذار باشد، تاکید کرد: همچنین منافع تولیدکنندگان را هم در بلندمدت تامین می‌کند.

مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی پیشتر نحوه حضور در بازارهای هدف، قیمت‌گذاری فروش محصولات و چگونگی تولید هر یک از فراورده‌های پتروشیمی توسط کشورهای مختلف را به عنوان برخی از اهداف ایجاد این مجمع جهانی عنوان کرده و گفته بود: قطعاً شکل‌گیری مجمع کشورهای صادرکننده محصولات پتروشیمی می‌تواند اثرگذاری بیشتری در بلندمدت در بازارهای جهانی نسبت به شرایط فعلی داشته باشد.

بیات در خصوص نحوه عضویت کشورهای تولید و صادرکننده محصولات پتروشیمی در این مجمع بیان کرده بود: در شرایط فعلی برخی از کشورها همچون جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، روسیه، قطر، ترکیه و چند کشور دیگر از شرایط عضویت در این مجمع

پس از تاسیس سازمان اوپک و مجمع کشورهای صادرکننده گاز با پیشنهاد ایران، مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی از ارائه پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران برای تاسیس سازمانی مشابه اوپک برای تولیدکنندگان محصولات پتروشیمی جهان خبر داد.

عبدالحسین بیات با اشاره به پیشنهاد ایران به چند کشور بزرگ تولیدکننده و مصرف‌کننده محصولات پتروشیمی و فراورده‌های پلیمری برای تاسیس اوپک پتروشیمی، گفت: اخیراً پیشنهادهایی به برخی از شرکای تجاری برای تاسیس مجمع کشورهای صادرکننده و مصرف‌کننده محصولات پتروشیمی ارائه شده است.

مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی با اعلام اینکه در حال حاضر وجود سازمانی همچون اوپک نفت و یا مجمع کشورهای صادرکننده گاز برای بازار جهانی محصولات پتروشیمی ضروری به نظر می‌رسد، تصریح کرد: ایران آمادگی خود را برای تاسیس سازمانی مشابه اوپک نفت برای محصولات پتروشیمی ارائه کرده است.

معاون وزیر نفت با تاکید بر اینکه تاسیس و سیاست‌گذاری مجمع کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده پتروشیمی می‌تواند منافع تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان محصولات پتروشیمی را در بازار جهانی تامین کند، اظهار

در حال حاضر وجود سازمانی همچون اوپک نفت و یا مجمع کشورهای صادرکننده گاز برای بازار جهانی محصولات پتروشیمی ضروری به نظر می‌رسد



گفت و گوهای درباره آخرین وضعیت فرآورده های نفتی



گفت‌وگوی رئیس هیأت‌مدیره اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی با دنیای انرژی

آرمان بخشی خصوصی؛ حفظ منافع ملی

بایز امسال برای فرآورده‌های نفتی فصل عجیبی بود. تصمیم‌های شگفت‌انگیز دولت برای عدم صادرات برخی کالاهای نفتی و اعتراض صادرکنندگان و همچنین فرصت بسیار مناسب برای صادرات فرآورده‌های نفتی موجب شد فصلی که گذشت برای نفتی‌ها پرنوسان باشد. بدین منظور با حسن خسروجردی رئیس اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی گفت‌وگویی انجام دادیم که از نظر تان می‌گذرد.

اسدالله خسروی

مطابق قانون ۲۷ درصد صادرات و واردات نفت و فرآورده‌های آن از کانال بخش خصوصی انجام می‌شود، فکر می‌کنید چرا تاکنون از توانایی و قابلیت‌های این بخش مهم در ارزیابی و ایجاد اشتغال کشور استفاده لازم به عمل نیامده تا مسیر خام فروشی نفت نیز در جاده پیشرفت تغییر کند؟

بزرگان علم اقتصاد و فعالین این بخش از دیرباز تاکنون معتقد بوده و هستند که سرمایه و اقتصاد باید در دست مردم باشد، نه حکومت‌های زمان یا دولت‌ها، اما متأسفانه طی دوران گذشته همه حکومت‌ها یا به مفهومی دولت‌ها بیم از آن داشته‌اند که اگر سرمایه و قدرت در بخش خصوصی متمرکز شود ممکن است مشکلاتی را به همراه داشته باشد. اما از آنجایی که همیشه دولت تاجر خوبی نبوده و در فعال کردن حوزه‌های اقتصادی کم‌رنگ ظاهر شده است بنابراین چنانچه به بخش خصوصی توجه می‌شد یا به نوعی مردم فعالیت‌های اقتصادی را به دست می‌گرفتند بی‌تردید چرخ اقتصاد با شتاب بیشتر و بهتری به حرکت در می‌آمد. اما باید گفت اقتصادی که در گذشته اجباراً دست دولت‌ها افتاده است خصوصاً درصد سال اخیر شاید بیشتر به موجب بروز انقلاباتی بوده که اتفاق افتاده است چرا که پس از رخداد هر انقلابی به جهت وجود مخالفین نسبتاً قدرتمند، تلاش شده است تا اقتصاد و سرمایه‌ها در دست حکومت قرار گیرد با این نگرش که اگر سرمایه و پول در دست مخالفین یا غیراز دولت باشد طبیعتاً ممکن است حکومت دچار چالش و گرفتاری شود و انقلابیون نتوانند به اهداف خود برسند با این وجود طی دوران‌های گذشته همیشه سعی بر این بوده که دولت یک تنه سکاندار اقتصاد کشور شود و سایر بخش‌های فعال



اقتصادی در محدودیت قرار گیرند.

چنین شیوه‌ای یعنی ورود دولت به فعالیت‌های اقتصادی و چنبره بر آن به منظور حفظ قدرت آیا توانسته است پیشرفت و توسعه را به دنبال داشته باشد یا اینکه هر حکومتی در ابتدا بنا به مقتضیات و شرایط زمانی، اقتصاد دولتی را دستمایه قدرت قرار داده است؟

رویداد هر انقلابی در جهان به خصوص در گذشته، همواره توأم با مدیریت اقتصاد دولتی تقریباً به عنوان نسخه‌ای که داروی مسکنی در آن باشد ابتدا مورد توجه قرار گرفته است. چرا که ثبات و حفظ انقلاب را در گرو برخورداری از منابع هنگفت مالی و داشتن پول و درآمد بالا

دانسته‌اند تا بتوانند در مقابل مخالفین که صاحب سرمایه و امکانات مالی بالایی هستند بایستند و مردم عادی و کوچه بازاری که در حقیقت پشتیبان اصلی انقلاب بودند با حمایت‌های دولت در تنگنای معیشتی قرار نگیرند و اجرای سیاست‌ها همواره منافع عمومی را در برداشته باشد. در حقیقت شروع انقلاب اسلامی ایران نیز مثل اکثر انقلاباتی که رخ می‌دهد این موضوع را تبیین می‌کند. البته تداوم اقتصاد دولتی در ایران پس از سرنگونی رژیم پهلوی بنا به شرایط آن موقع شاید لازم هم بود ولی به مرور که حکومت جمهوری اسلامی تثبیت و نظام، جایگاه واقعی خود را به خوبی پیدا کرد و مجلس تشکیل شد انگونه که بایستی در اقتصاد کشور اصلاحات ساختاری صورت نگیرد چرا که متأسفانه در همان اوایل انقلاب اداره امور کشور با شروع جنگ هشت ساله همراه شد که در این زمان چندین ساله دولتی بودن اقتصاد منطقی و قابل قبول به نظر می‌رسید. به رغم اینکه شاید ضرباتی نیز به اقتصاد وارد شد اما اگر قرار بود بین بد و بدتر یکی انتخاب می‌شد ترجیحاً شرایط به گونه‌ای بود که بهتر بود دولتی کردن اقتصاد را که تقریباً بد بود نسبت به بدتر، انتخاب کنند. اما پس از اتمام جنگ با وجودی که حکومت یخبوی شکل گرفته بود فکر می‌کنم دیگر ضرورتی برای ادامه تفکر اقتصاد دولتی در کشور دیده نمی‌شد و می‌بایستی تغییرات اساسی در سیستم اقتصاد برای واگذاری اقتصاد دولتی به بخش خصوصی ایجاد می‌شد.

منظور تان از ایجاد تغییرات اساسی در برنامه‌های توسعه‌ای کشور پس از جنگ، شکل‌گیری خصوصی سازی و خروج دولت از فعالیت‌های اقتصادی است؟

رویداد هر انقلابی در جهان به خصوص در گذشته، همواره توأم با مدیریت اقتصاد دولتی تقریباً به عنوان نسخه‌ای که داروی مسکنی در آن باشد ابتدا مورد توجه قرار گرفته است

فرآورده‌های نفتی در قبال چنین سیاست‌هایی چیست؟

این تفکر غلط که بخش خصوصی در انجام فعالیت‌های اقتصادی و غیره فقط به فکر خودشان هستند و منافع ملی را کمتر در نظر می‌گیرند هنوز در بین مدیران دولتی وجود دارد. در حالی که چنین نیست و بخش خصوصی همیشه به فکر منافع ملی نظام و انقلاب بوده و هست و این تفکر را باور ندارد که متهم به این شود که به فکر مردم نیست و مشکلات اقتصادی کشور را درک نمی‌کند. باید بخش خصوصی و دولتمردان متقابلاً با اعتمادسازی نسبت به همدیگر در انجام امورات محوله ابتدا منافع ملی را در اولویت قرار دهند و برنامه‌ریزی خاصی در این راستا داشته باشند آنگونه که ما در اتحادیه با همفکری همکاران برنامه‌ریزی کردیم که نخستین کاری که باید انجام داد اعتمادسازی است و به مسوولان بقبولاتیم که بخش خصوصی فارغ از عیب‌جویی و ایرادگیری مشکلات روز و موقعیت کشور را در این شرایط سخت اقتصادی درک می‌کند و برحسب تجربه و تخصصی که دارد به خوبی برای فعال کردن حوزه‌های اقتصادی ارزآور کشور راهکار و برنامه‌ریزی دقیق دارد و به صورت منسجم تدوین کرده تا مدیران دولتی را از ایده‌های نو و ثمر بخش بخش خصوصی در انجام امورات آگاه سازد.

درخواست شما به عنوان اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی از دولت به منظور فعال کردن حوزه نفت و فرآورده‌های آن چیست؟ و اگر بخش قابل توجهی از تولید نفت را به بخش خصوصی واگذار کنند چه راهکاری را برمی‌گزینید تا از این محصول استراتژیک، نهایت بازدهی را به عمل آورید؟

یکی از راهکارهای بخش خصوصی در توسعه، ارزآوری و ایجاد اشتغال انبوه این است که بخشی از نفت برای فروش و تبدیل به فرآورده به این بخش ارائه شود که دولت و مجلس نیز با این درخواست موافقت کرده‌اند تا حداقل بیش از ۲۰ درصد فروش نفت خام در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد تا در این زمینه هم بخش خصوصی امتحان خود را در چگونگی ارزآوری مناسب و ایجاد اشتغال کشور پس دهد و هم این بخش بتواند در یک بازه زمانی که کشور مورد تحریم دشمنان است و بیگانگان مشکلاتی را بر ما تحمیل کرده‌اند، با دست بازی که دارد و ظرفیت‌های بالقوه‌ای که در اتحادیه دیده می‌شود راهکارهای اصولی را برای فائق شدن بر مشکلات و سیاست‌های دشمن بکار گیرد.

با توجه به شرایط کنونی کشور رویکرد بخش خصوصی در فروش بیست درصد نفت بر این بود که با شیوه‌ای پارتیزانی وارد عمل شود تا با راهکارها و رفتارهای حرفه‌ای بتواند تحریم‌ها و تهدیدهای دشمن را دور بزند. نظر تان در این باره چیست و آیا چنین شیوه‌ای می‌تواند به فروش



هم ترس از سیستم‌های نظارتی است. معتقدم سیستم‌های نظارتی قریب به اتفاق‌شان ولایتی هستند و وقتی که رهبر معظم انقلاب این دستور را صادر کنند بعید است که یک سازمان نظارتی در حقیقت نسبت به این دستور بی‌تفاوت باشد. اما با فرض اینکه این نگرانی را دارند این واگذاری‌ها بیشتر به شرکت‌هایی که مالکیت آن عمومی است واگذار شده که در حقیقت نه خصوصی شده و نه دولتی مثل شرکت‌هایی که تامین اجتماعی مالک آن است، شرکت‌های صندوق بازنشستگی یا سهامی عام از دید خودشان خیالشان راحت است که نمی‌گویند با یک شرکت خصوصی یا یک فردی در واگذاری‌ها زد و بند صورت گرفته است. متأسفانه عوض کردن این باورها بسیار سخت است.

یعنی واگذاری‌ها در قالب خصوصی سازی واقعی صورت نگرفته و شیوه کار به گونه‌ای بوده که مالکیت شرکت‌های بزرگ دولتی به نام خصوصی سازی اکنون در دست شبه‌دولتی‌هاست؟

قطعاً بسیاری از واگذاری‌ها اینطوری است. حتی در بعضی مقاطع که برخی از واحدها به بخش خصوصی واقعی واگذار شده بود، آنقدر توسط مخالفین سیاسی، فرد مسوول یا سازمان واگذارکننده بازخواست و علیه آن جوسازی می‌شد که حتی سهام واگذار شده بعضاً پس گرفته می‌شد و مجبور می‌شدند سهام شرکت واگذار شده را به مجموعه‌ای که در حقیقت نیمه دولتی محسوب می‌شد واگذار کنند. به هر حال تغییر این فضای ذهنی یک کار فرهنگی گسترده می‌خواهد که زمان‌بر است و این جای تأسف دارد که در حقیقت یک چنین فضایی بر تفکر بسیاری از دولتمردان حکم فرماست.

حال که مدیران دولتی در واگذاری سهام شرکت‌ها کمترین توجه را به بخش خصوصی دارند، رسالت شما به عنوان رئیس هیئت مدیره اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان

بله، چرا که شرایط سخت و محدودیت‌های زمان جنگ پس از پایان هشت سال دفاع مقدس از سر راه برداشته شده بود و زمینه خصوصی سازی همچنین مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی فراهم بود، که البته این موضوع ابتدا در زمان دولت آقای هاشمی پس از جنگ تا اندازه‌ای شروع شد و آرام آرام بحث خصوصی سازی به دولت آقای خاتمی رسید هر چند این موضوع از سرعت قابل توجهی برخوردار نبود زیرا بیشتر مدیران دولتی به شدت به اقتصاد چنگ زده بودند و به هیچ قیمتی حاضر نبودند منابع هنگفت و بسیار بالای شرکت‌های دولتی را به آسانی از دست دهند. در چنین شرایطی رهبر معظم انقلاب با درایت و آگاهی از روند کند خصوصی سازی در کشور مجبور شدند وارد صحنه شوند و دستور خصوصی سازی را بر مبنای اصل ۴۴ قانون اساسی اعلام و اجرای این اصل مهم را تکلیف کردند.

چرا پس از گذشت هفت سال با وجود تاکیدات مقام معظم رهبری نسبت به شتاب دهی خصوصی سازی در کشور این موضوع همچنان از روند کندی برخوردار است؟

پس از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل چهل و چهار اگر چه شاید خیلی کارها در زمینه خصوصی سازی انجام شد اما به واسطه فضای نادرست تربیتی مدیران که حالا تقریباً در رده بالای ۲۰ سال خدمت هستند؛ به شکلی اینها تربیت شده‌اند و ذهن شان پر شده بود از اینکه به سرمایه‌داران نباید اعتماد کنند و آنان را با عناوین خیلی بد چون زالو صفت و افراد بی‌مسئولیت که فقط منافع خودشان را می‌بینند و هیچ‌گاه منافع ملی را در نظر نمی‌گیرند، این شعارها ملکه ذهن بسیاری از آنها شده بود و مدیران دولتی براحثی حاضر نمی‌شدند اقتصاد دولتی را در قالب خصوصی سازی به مردم محول کنند، این کار بشدت کند انجام می‌گرفت و هم اکنون نیز این مشکل وجود دارد و آن جایی هم که نهایتاً دستشان به امضا می‌رود ترجیح می‌دهند به شهرک‌های دولتی بدهند و توجیه این کارشان

دولت خصوما
مدیران سطح بالا
با جلوگیری از
صادرات فرآورده‌های
نفتی و محصولات
پتروشیمی کارهایی
انجام دادند که خیلی
برای ما مشکل آفرین
شد



نفت و فرآورده‌های آن منجر شود؟

البته بخش خصوصی بحثی را به‌عنوان رفتار پارتیزانی در فروش نفت مطرح کرد که به نوعی همان رفتارها و خلاقیت‌های بسیجی گونه‌ای است که نیروهای مردمی که در کنار دولت و نیروهای نظامی طی جنگ هشت ساله از خود نشان داده و به توفیقات قابل توجهی رسیدند، ما در جنگ نیروهای کلاسیک و به اصطلاح سیستماتیک نظیر ارتش و سپاه داشتیم اینها وقتی که وارد عملیات می‌شدند یک نیروی مردمی هم در کنار آنها حضور داشت که بافت این نیروی مردمی به شکلی بود که به قول فرنگی‌ها فلکسی بل بود و تحت هر شرایطی خودش را می‌توانست وفق دهد و بازو و کمک فوق‌العاده توانمندی برای مجموعه نظامی محسوب می‌شد. از این‌رو ما فکر کردیم در این جنگ اقتصادی که اکنون از سوی دشمنان بر ما تحمیل شده است باید به شیوه‌ای پارتیزانی وارد عمل شویم و به دولت بقولانیم که بازوان توانمند شناخته شده سیستماتیک فعال و زبده اقتصادی وجود دارند که از مشخصه‌هایی نیز برخوردارند و برنامه و پروژه‌هایشان نیز روی میز است. حالا هم در چنین شرایطی شرکت‌های خصوصی می‌توانند بیایند و در قالب همان رفتار بسیجی‌گونه و پارتیزانی که انصافاً در جنگ نیز موفقیت‌های چشم‌گیری داشت عمل کنند. الان هم معتقدیم که امروز مساله تحریم‌ها و تهدیدها در بخش اقتصادی، جنگی تمام عیار است و بخش خصوصی به شیوه پارتیزانی می‌تواند وارد عمل شود، چرا که بخش خصوصی بر فضاهای موجود، تفکرات و روش‌های حرفه‌ای بازار و معاملات کاملاً مسلط است. حال با توجه به وجود ظرفیت‌های بالای بخش خصوصی چنانچه این ظرفیت نسبتاً عظیم در اختیار دولت قرار گیرد انقلاب اقتصادی رخ خواهد داد که پیشنهاد فروش نفت از سوی بخش خصوصی مطرح و خوشبختانه پذیرفته شد و مجلس نیز مصوب کرد که فروش حدود ۲۷

درصد نفت و فرآورده‌های آن به بخش خصوصی محول شود چرا که این بخش هم توان واردات و هم صادرات را داراست. پیشنهاد فروش نفت توسط بخش خصوصی که مورد استقبال و موافقت دولت و مجلس قرار گرفت در حقیقت موجب شد تا برای نخستین‌بار در تاریخ نفت ایران بخش خصوصی با فروش نفت به عنوان کالایی استراتژیک که حرف اول را در ارزآوری کشور می‌زند بتواند مسوولیت‌پذیر شود و از این مسیر دستاوردهای اقتصادی بالایی را کسب نماید.

بعضاً دیده می‌شود که ابلاغ برخی دستورالعمل‌ها از سوی دولت یا ناهماهنگی در تصمیم‌گیری‌ها بدون مشارکت متخصصین بخش خصوصی نظیر جلوگیری از فروش محصولات پتروشیمی مشکلاتی را برای این بخش به وجود می‌آورد، نظر شما نسبت به تجدید نظر در برخی سیاست‌های دولت و چگونگی تعامل آن با بخش خصوصی آنگونه که برخی فعالیت‌های اقتصادی را دچار مشکل نکنند، چیست؟

چنین موضوعی باید از ۲ نگاه دیده شود؛ یکی شرایط استثنایی ارزی که در کشور پدیدار شد و نسخه‌هایی که دولت برای حل آن می‌پیچد اکنون خارج از بحث ما است، اما دولت خصوصاً مدیران سطح بالا با جلوگیری از بعضی صادرات فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی کارهایی انجام دادند که خیلی برای ما مشکل آفرین شد و این موضوع که دولت با بخش خصوصی همکاری لازم را در امورات اقتصادی ندارد و بخواد سنگ جلوی پای ما بیندازد چنین نیست، بلکه بزرگترین مشوق و پشتیبان ما دولتمردان رده بالای کشور خصوصاً مدیران صنعت نفت هستند. اما از سوی دیگر یکسری عادت‌های بی‌منطقی هنوز در دولت وجود دارد که وقتی مشکلی برنامه اقتصادی را تهدید می‌کند به ناچار مسوولین دولتی دست به انجام کارهایی می‌زنند که زیان احتمالی آن را از خود دور کنند. مثلاً اگر تکه آهنی داغ را بخواهند از زمین بردارند با وجودی که انبر و ابزار کار را در دست دارند و می‌توانند با وسیله‌ای آنرا بردارند بخش خصوصی را وادار به برداشتن آن آهن گداخته می‌کنند در حالی که آنها هیچ ابزار کاری را ندارند و اگر بخش خصوصی معترض شود که این آهن داغ است و دست را می‌سوزاند و همانطور که برای شما امکان پذیر نیست برای ما نیز سخت است پس اکنون آن انبر را به ما بدهید تا آهن گداخته را برداریم، متأسفانه در این بخش از همه چیز تقریباً دریغ می‌کنند تا بهانه‌ای برای ناکارآمدی بخش خصوصی داشته باشند. به طور مثال وقتی کشور ما نفت نمی‌فروخت و ایران در دنیا به عنوان فروشنده نفت مطرح نبود این امکان وجود داشت که مثلاً بخش خصوصی گازوئیل بفروشد اما چون مارک فروش نفت به پیشانی ما نخورده بود حالا اگر مثلاً از مسؤولان امور بین‌الملل نامه‌ای درخواست می‌کردیم تا ما را به تجارت معرفی کنید و بگویند این

شرکت یا این مجموعه امکان خرید نفت را دارد، همین درخواست نامه را به منزله این می‌دانستند که ما تمام امکانات را در اختیار شما قرار دادیم اما بخش خصوصی توانایی انجام کار را نداشت. یعنی نتیجه‌اش در یک فاصله کوتاه این می‌شد که بخش خصوصی هنوز نتوانسته با ریزنی اقدام به جذب مشتری کند. هر چند این نامه‌ها وظیفه اولیه‌ای است که باید مطابق روال کار انجام می‌شد.

یعنی شرکت‌های بین‌المللی طرف معامله، به شما اعتماد نمی‌کردند یا اینکه باید شرکت خاصی متضمن فعالیت‌های تجاری شما می‌شد تا بتوانید خریدار یا فروشنده نفت و فرآورده‌های آن شوید؟

به هر حال ما که سابقه فروش نفت را نداشتیم بلکه دولت به هر ازگانی یا شرکتی که به آن اعتماد داشت اعتباری کالا می‌داد، اما در حقیقت باید با حمایت‌های اولیه این فرصت به بخش خصوصی نیز داده شود تا خود را دریا بد چرا که این مساله طبیعی است، کسی که تازه وارد کاری می‌شود با آن کسی که قدیمی‌تر است فرق می‌کند. اول باید این باور به مشتری داده شود تا آنها نیز با اعتماد و آگاهی کامل با شرکت طرف معامله، تجارت کنند.

حال برای اینکه شرکت‌های بخش خصوصی در بازارهای بین‌المللی معتبر جلوه داده شوند چه راهکاری را برگزیده‌اید تا اعتماد سازی بین‌المللی با تاجار در فروش نفت و فرآورده‌های آن برای شما به‌سهولت انجام شود؟

بخش خصوصی (اتحادیه تولید و صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی) ابتدا تلاش کرد تا با تشکیل کنسرسیومی در راستای اعتماد سازی به همه نشان دهد که به تنهایی یک شرکت نیست بلکه می‌توان به یک کنسرسیوم قوی و منسجم که چندین شرکت سهامدارش هستند اعتماد کرد. دوم اینکه این کنسرسیوم را تقریباً مدیران قریب به اتفاق نفتی تشکیل می‌دهند که بازنشسته‌های صنعت نفت بوده و خدماتشان را هیچ‌گاه به خارجی‌ها نفروخته‌اند تا با وجود این تیم متخصص در کنسرسیوم و برخورداری آنها از علم و تجربه کافی دیگر کسی نگوید شما اطلاعات کافی درباره فروش نفت و ... ندارید چرا که این تیم کارشناسی در اتحادیه اکنون از نظر دانش فنی فروش نفت و بازاریابی از عوامل نفت قوی‌تر است. مشکلات بعدی که ما داشتیم و از گفتن آن نیز ابایی نداریم این است که ما در بخش خصوصی شاید در بخش ساخت و ساز و ساختمان سازی و جاده‌سازی و کارهایی از این دست سرمایه‌گذاران نسبتاً قوی داشته باشیم اما متأسفانه در بخش صنعت و خصوصاً بخش نفت که تقریباً حرف اول را دولت می‌زند و اقتصاد تقریباً ۷۰ درصد دست دولت است؛ ما بخش خصوصی بزرگی نداریم، پس اگر قرار باشد ما مثلاً فرض کنیم که ۵۰۰ هزار بشکه نفت در روز توسط بخش خصوصی فروخته می‌شود یعنی بخش خصوصی

در بعضی مقاطع که برخی از واحدها به بخش خصوصی واقعی واگذار شد، آنقدر توسط مخالفین سیاسی، فرد مسوول یا سازمان واگذارکننده بازخواست و علیه آن جوسازی می‌شد که برای بخش خصوصی ناخوشایند بود



به‌طور متوسط ۱۰۰ دلار سرمایه برای هر شبکه نیاز دارد که بتواند از عهده این ۵۰۰ هزار بشکه نفت برآید. در چنین شرایطی این اصلا در بخش خصوصی میسر و امکان‌پذیر نیست چرا که روی این اصل، سرمایه‌های ما محدود بوده و عملیاتی را هم که انجام بدهیم محدود به نظر می‌رسد و شاید الان به مرحله‌ای رسیده‌ایم که فقط چند تا قرارداد فروش نفت در دستان باقی مانده است اما به لحاظ سرمایه و ضمانت‌نامه اگر بخواهیم وارد کارشوییم شاید فقط به اندازه یک محموله عمل کنیم.

از دولت چه انتظاری دارید تا در معاملات بین‌المللی نفت و فرآورده‌های آن، مشکلات سد راه تجارت خارجی و داخلی را برای شما هموار مرتفع کند؟

درخواست بخش خصوصی از دولت این است که مثلاً وقتی یک فروشنده نفت در «Nioc» با یک شرکت مذاکره می‌کند و با توافق به‌صورت اعتباری به او کالا می‌دهد از آن حمایت کند. با این وجود ابتدا ما باید بیشتر حواسمان جمع شود، دوم اینکه ما اگر انتظار داشته باشیم که «ای سی» دولت همین طور که دارد تقریباً قریب به اتفاق نفتش را نسیه می‌فروشد و هر کدام از این شرکت‌ها با این عنوان که شناخته شده‌اند یا دولت‌ها هستند یا شرکت‌های شناخته شده‌ای هستند اگر دولت واقعا ضرورت می‌دانند در وضعیت فعلی که واقعا ضروری هم هست بخش خصوصی انتظار داریم حداقل یکی، دو تا از این مجموعه‌های دولتی که در حقیقت ثابت کردند توان عملیاتی خاصی دارند به صورت اعتباری نفت یا فرآورده به آنها بدهند و از ما نیز چک و سفته بگیرند که پشتش را همه اعضای کنسرسیوم امضا می‌کنند تا به این ترتیب نگرانی از حیث احتمال زیان و بحران در بین نباشد.

البته این انتظار بی‌جایی نیست؛ ما این همه تلاش کردیم، آمده‌ایم یک فضایی را فراهم کردیم، بازاریابی کردیم، با مشتری قرارداد بستیم، همه کارها را انجام دادیم و حالا که می‌خواهیم خریدی انجام دهیم بگویند یک ضمانت‌نامه از خارج به ما بدهید. اگر آن شرکت‌ها می‌توانستند به شما ضمانت بدهند که به ما دیگر مراجعه نمی‌کردند، اگر ما هم می‌توانستیم به آنها ضمانت‌نامه بدهیم شما نیز محموله‌هایتان را می‌فروختید. با این وجود درخواستی که بخش خصوصی از دولت دارد فروش نفت اعتباری از سوی دولت به ما همچون سایر شرکت‌ها است.

مگر به شرکت‌های دیگر که نفت می‌فروشند چگونه اعتبار داده می‌شود. دولت حداقل به میزان ۲۰۰ هزار بشکه در روز با بخش خصوصی معامله اعتباری برقرار کند تا این بخش بتواند چون سایر شرکت‌های مشتری، استفاده لازم را از فروش نفت ببرد.

بخش خصوصی در شرایط بحران ارزی و تحمیل فشارها و محدودیت‌ها از سوی دشمنان چه اندازه توانست با فعالیت‌های اقتصادی خود به دولت کمک کند؟

اتحادیه ما سال گذشته طبق آمار گمرک ۱۸ میلیارد دلار صادرات داشت که تقریباً بخش اعظم آن صددرد خصوصی یا چند تایی هم شرکت‌های نیمه خصوصی بود. فرآورده‌های نفتی را حول و حوش ۱۸ میلیارد داشتیم و میزان فرآورده‌هایی که بخش خصوصی نقش داشته حول و حوش ۹ میلیارد است. در گذشته ما نمی‌توانستیم اظهار گمرکی داشته باشیم، اگر ما مازوت صادر کردیم، اگر سوآپ انجام دادیم که کلیه سوآپ فرآورده‌ها دست بخش خصوصی بوده هیچ کدام اظهار گمرکی‌اش به نام ما نبوده، مجموعه اینها هم ۹ میلیارد است. این مقدار را اگر روی ۱۸ میلیارد بگذاریم ۲۷ میلیارد است که بیش از یک سوم صادرات کل کشور است. این فقط در بخش فرآورده‌هاست که در سال ۹۰ بوده. امسال شرایط کمی فرق کرده. این تاثیر ماست. فقط در یک سوم کل صادرات کشور ما تاثیر گذاریم. همه اینها را بدون بحران و به رغم تحریم صادرات انجام دادیم. ارز را داخل کشور آوردیم و یا فرآورده خریدیم یا ارز را به نوعی به دیگر متقاضیانی که نیاز به واردات کالا داشتند واگذار کردیم. همه این اتفاقاتی که افتاده، نشان‌دهنده این است که این بخش توانمند است.

اگر دولت حمایت‌های ویژه‌ای از بخش خصوصی داشته باشد و بستر لازم نیز برای فعال کردن حوزه‌های اقتصادی کشور فراهم شود فکر می‌کنید بخش خصوصی بنا به تجربه و تخصصی که دارد چه اندازه می‌تواند میزان نفت تولیدی کشور را به فرآورده با ارزش افزوده تبدیل کند تا از خام فروشی آن جلوگیری شود؟

این سوال مهم را منتظر بوم برسید، حرفتان هم درست است. اتحادیه امسال دو کنسرسیوم را در برنامه‌های خود تعریف کرده است، اولی‌اش

فروش نفت خام بود که تشکیل شد. دومی نیز تشکیل ناوگان دریایی برای حمل و نقل دریایی و رفع مشکل حمل نفت و فرآورده‌ها و پتروشیمی. همچنین سومین برنامه این اتحادیه ساخت پالایشگاه کوچک است. به هر حال ضرورتی برای خام فروشی نفت با توجه به پتانسیل‌های موجود دیده نمی‌شود. معتقدیم که ما ضرورتی برای انجام خام فروشی نداریم حداقل در مقطع فعلی اگر خیلی نفت اضافه داشته باشیم برای صادرات حدود یک میلیون بشکه در روز است که این یک میلیون بشکه را اگر تبدیل به فرآورده کنیم اصلا هیچ مشکلی با این تحریم‌ها و اینجور چیزها نداریم. تحریم خودش یک نعمت است. یک نعمتش این است که نفت‌مان در خانه می‌ماند. نعمت دومش این است که بالاخره شرکت‌های داخلی وادار می‌شوند توانمندی‌های خودشان را برای رفع نیازهای کشور بالا ببرند. آن چیزی که برای خیلی‌ها نگران کننده است، این است که ارزآوری ما پایین می‌آید. اگر این را از طریق صادرات فرآورده‌های صنایع پایین دستی نفت و صادرات غیرنفتی بتوانیم جبران کنیم ما اصلا نگران چه هستیم که از ما نفت نخرند. بالاخره یک میلیون بشکه را می‌دهیم به کشورهای دوست و نزدیک و همسوس با ما و همیشه می‌خرند اصلا دغدغه این نیست. گو اینکه به عقیده من همان هم نباید به صورت خام فروش برود. اما علی‌الحساب دغدغه‌ای نیست. می‌ماند این یک میلیون که خیلی راحت ظرف یک برنامه حداکثر ۲ ساله می‌توانیم با افزایش ظرفیت پالایشگاه‌های داخل و احداث پالایشگاه‌های کوچک با تکنولوژی‌های جدید، وابستگی مان را از فروش نفت کم کنیم.

برخی کارشناسان معتقد بودند که چنانچه نفت ایران از سوی آمریکا و متحدانش تحریم شود قیمت جهانی آن بشدت بالا می‌رود اما این اتفاق نیفتاد، دیدگاه شما در این باره چیست؟

نرخ نفت را اولاً ما بالا نمی‌بریم. بهای نفت را تولیدکننده‌های بزرگ که در حقیقت از این ۸۷

فقط در یک سوم کل صادرات کشور ما تاثیر گذاریم. همه اینها را بدون بحران و به رغم تحریم صادرات انجام دادیم. فرآورده خریدیم یا ارز را به نوعی به دیگر متقاضیانی که نیاز به واردات کالا داشتند واگذار کردیم

مشکل‌تر است اما وقتی تحریم وجود داشته باشد واردات کمی سخت‌تر می‌شود نه صادرات.

مشکلی ندارید؟

به عنوان اتحادیه یا شرکت؟

کلا بخش خصوصی.

وقتی یکسری کالاها را ممنوع می‌کنند و اجبار این است که بیاورند در مرکز مبادله، ارز را تبدیل کنند نگرانی شرکت‌ها از این است که ارز اگر ۲۷۰۰ تومان است مجبور شوند به ما بدهند ۲۵۰۰ تومان. همه روابطی که کم و زیاد می‌شود، همه‌اش ایجاد مشکل می‌کند. یکسری تولیدکننده‌هایی هستند که اظهارنامه نمی‌دهند، برای اینکه تولیدکننده قیر می‌گوید چون من فقط قیر دارم اظهار نمی‌کنم. صادرکننده هم می‌گوید ارز و قیرش را همه دست این داده‌اند و چرا من باید تعهد بدهم. اینها باعث شده اظهارنامه‌ای پر نمی‌شود.

ما می‌آییم به اتاق مبادله ارز ولی شرط‌مان این بود که به نرخ توافقی معامله شود نه به نرخ تحمیلی. اجباری ندارد. توافق می‌شود اما اگر تحمیلی نرخ گذاشته‌اند چون نرخ ارزی که همین الان ۲۵۰۰ تومان از اتاق مبادله بخیرید یک محصولی را مواد اولیه را بیاورید تبدیل به کالا کنید مجدداً صادر کنید این سرمایه‌هیچی کار نداشته باشد ۳ ماه خوابیده است. یعنی ۸ درصد فقط زیان سود پول دارد. تولیدش هست ساخت هست، هزینه‌های جانبی دیگر هست، که به اینها اضافه می‌شود در حقیقت. چطور ارزی را که ارزش بیشتری پیدا کرده به واسطه این هزینه‌ها، بعد بیاید با ارزش کمتری بدهد.

در بازار بعضی جاها نرخ دولتی ۲۵۰۰ تومان است در بازار دلار ۲۴۵۰ تومانی هم هست. عرضه زیاد است تقاضا کم است. نمی‌برند. یک وقت که می‌خرند برای چه صادرکننده است برای چه شما منعمش می‌کنید. آنکه آبرومند است کار انجام نمی‌دهد آنی هم که اهمیتی به این چیزها نمی‌دهد می‌کشد به کارهای زیرزمینی. این به ضرر کشور است.



تولید کنند؟ ما هر چیزی که در کشور یا بعضی معادن به عنوان مواد اولیه فراوان داریم می‌شود مزیت نسبی این کشور. شک نکنیم می‌توانیم از همه جای دنیا ارزان‌تر فرآورده تولید کنیم. چرا نباید تولید فرآورده را به دست بخش خصوصی بدهیم؟ بخش خصوصی که الان دارند نسخه برایش می‌پیچند زیر اقتصاد ۸۰ درصد دولتی رشد کرده است. قد و قواره بزرگی ندارد اما اگر اراده دولت بر این واقع شود که حتماً و به هر شکلی شده به بخش خصوصی نقش بدهد، به شرطی که تنگ نظری نباشد، قد و قواره هم پیدا می‌کند.

ما باور کنیم الان که از ماهاتیر محمد به عنوان یک اقتصاددان بزرگ و یک سیاستمدار عقلایی و منطقی یاد می‌کنند به علت اعتماد به بخش خصوصی است. اگر الان ماهاتیر محمد در ایران مسئولیت داشته باشد تکفیرش می‌کنند که چرا به بخش خصوصی اعتماد می‌کند و بها می‌دهد. باید ذهنیت‌مان را نسبت به اقتصاد و بخش خصوصی عوض کنیم. در بخش صادرات خوشبختانه خیلی از مسائل‌مان حل است. اما در بخش واردات الان خیلی ما مظلوم واقع می‌شویم. بسا اینکه صادرات همیشه تاریخ سخت‌تر از واردات و کارش بسیار

میلیون بشکه در روز شاید بخش اعظم آن در اختیار آنهاست بالا بردند که عمدتاً تولیدکننده‌های غربی هستند. ما را بهانه می‌کنند. ما یک میلیون نفت روی زمین داریم. زمانی که مصرف در دنیا پایین است مثل فصل بهار - از اوایل فروردین تا اواخر اردیبهشت ماه - تقریباً مصرف نفت همه ساله پایین‌تر است؛ ۲ میلیون بشکه پایین می‌آید. در همین زمان مخصوصاً در خردادماه وقتی اتحادیه اروپا اعلام کرد که دیگر از ایران از اول ماه جولای نفت را نمی‌خرد بلافاصله بهای نفت بالا رفت. چه اتفاقی افتاد. عرضه که کم نشد مصرف هم که کم بود، ۲ میلیون بشکه روی دست کشورها بود اما قیمت آن حدود ۲۵ دلار بالا کشید در بعضی از جاها شاید ۳۲ دلار بالا کشید، علت آن چه بود؟ از ۸۰ دلار در آن مقطع به ۱۱۲ و ۱۱۶ رسید، چرا؟ این موضوع نشان می‌دهد که ما و بعضی از حوادث دنیا بهانه بالا بردن قیمت نفت هستند، نه عامل صددرصد تاثیرگذار. چون وقتی تاثیر دارند که انصافاً نیاز بالا باشد و عرضه کم، این یک منطقی است که در تجارت خودبه‌خود قیمت بالا بکشد. خب، روی گاز چه اتفاقی می‌افتد. گاز چند محصول اصلی دارد یکی خود گاز طبیعی است همچنین می‌توانید تبدیلیش کنید به گاز ال ان جی که به صورت مایع صادر شود یا اینکه به صورت کپسول فشرده سی ان جی که در فروشگاه‌ها هست. با کشتی صادر کردنش سخت است. اینها را بخش خصوصی می‌تواند انجام دهد اگر در اختیار دولت باشد دردی را دوا نمی‌کند. شما بیایید در صنایع، نفت را به هزاران محصول تبدیل کنید. ما پلاستیک تولید می‌کنیم آیا لنز چشم هم تولید می‌کنیم؟ لنز یک محصول نیست؟

در حقیقت از همین نفت گرفته نمی‌شود؟ در همین اتاق در هر جا دست روی هر چیزی بگذارید محصول نفتی و گازی است. چرا باید یک شرکت خارجی نفت ما را ببرد و برایمان فرآورده تولید کند و بعد به ما بدهد. هر کاری کنیم چین یا بعضی کشورهای خاور دور با آن ارزانی نیروی انسانی و روشی که اعمال می‌کنند ارزان‌تر از ما تولید می‌کنند. اما آیا نفت دارند که ارزان‌تر از ما محصول

ما این همه تلاش کردیم، آمده‌ایم یک فضایی را فراهم کردیم، بازاریابی کردیم، با مشتری قرارداد بستیم، همه کارها را انجام دادیم و حالا که می‌خواهیم خریدی انجام دهیم بگویند یک ضمانتنامه از خارج به ما بدهید



وزارت نفت

چگونه تحریم کالا را دور می‌زند

معاون وزیر نفت با تشریح برنامه ایران برای مقابله با تحریم واردات کالا و تجهیزات به صنایع نفت و گاز، اعلام کرد: با تولید بومی ۱۹ قلم کالای پرمصرف، امکان خودکفایی کامل در صنعت نفت فراهم می‌شود. محمدرضا مقدم در یک نشست خبری درباره مهمترین طرح‌های اولویت‌دار پژوهشی وزارت نفت برای مقابله با تحریم کشورهای غربی و بویژه اتحادیه اروپا، گفت: یکی از سیاست‌های کلان مجموعه صنعت نفت کاهش صادرات نفت و گاز خام و تولید محصولات تجاری، پژوهشی و کاربردی در صنایع نفت و گاز است. معاون وزیر نفت در امور پژوهش و فناوری با اعلام اینکه در حال حاضر برخی از کشورهای پیشرفته صنعتی، درآمدی بیش از کشورهای نفت و گاز خیز از محل صادرات فناوری و دانش فنی دارند، تصریح کرد: بر این اساس شرکت‌های چند ملیتی به منظور افزایش سرعت اجرای طرح‌ها و کاهش هزینه تولید نفت و گاز اقدام به تولید دانش فنی و فناوری‌های جدید و نوین می‌کنند. این مقام مسوول از پژوهش و فناوری به عنوان خط مقدم جنگ اقتصادی غرب با صنعت نفت ایران یاد کرد و افزود: هم‌اکنون برای دستیابی به دانش فنی و بسیاری از تکنولوژی‌های جدید نقشه راه و برنامه جامع تعریف و اجرایی شده است. وی با اشاره به یکپارچه‌سازی، حذف موازی‌کاری و قطب بندی مراکز علمی و دانشگاهی برای تولید بومی کالا و محصولات مورد نیاز صنعت نفت، تاکید کرد: تاکنون شوراهای تخصصی همچون شورای سیاست‌گذاری پژوهش و فناوری و شورای توسعه توان داخلی در سطح صنعت نفت تشکیل شده است. مقدم با بیان اینکه در حال حاضر تولید و ساخت ملی ۱۹ قلم کالا و تجهیزات پرمصرف در سطح صنایع نفت، گاز و پتروشیمی در دستور کار قرار گرفته است، اظهار داشت: بر این اساس هم‌اکنون سیاست‌گذاری‌های کلان، سند راهبردی و مقدمات ساخت بومی و ملی این کالاها آغاز شده است. به گفته معاون وزیر نفت در شرایط فعلی طراحی و ساخت دکل‌های حفاری خشکی و دریایی، کاتالیست، مواد افزودنی شیمیایی و لیسانس تولید محصولات پتروشیمی، انواع پمپ، توربین و حفاری در آبهای عمیق در صدر سیاست‌های پژوهشی وزارت نفت قرار گرفته است. این مقام مسوول با بیان اینکه با تولید بومی این کالاها امکان خودکفایی کامل در تامین کالا و تجهیزات صنایع نفت، گاز و پتروشیمی کشور فراهم می‌شود، اعلام کرد: علاوه بر این در تدوین سناریو و مراحل ساخت این کالاها، مشارکت حداکثری با اصناف و انجمن‌های سازندگان داخلی و دانشگاه‌ها انجام شده است. وی سیاست کلان تولید کالاها بومی را تولید تجاری محصول با هدف صادرات کالا به سایر کشورها عنوان کرد و گفت: در این صورت امکان مقابله با تحریم‌های بین‌المللی هم فراهم می‌شود. مقدم همچنین از مشارکت دانشگاه شریف در بومی سازی زنجیره حفاری در آب‌های عمیق خبر داد و اظهار داشت: از این رو به زودی سند راهبردی این فرآیند هم در سطح صنعت نفت تدوین و ابلاغ می‌شود.

مهمترین مباحث

کمیسیون فرآورده‌های پارافینی

کمیسیون فرآورده‌های پارافینی بازارهای بین‌المللی را به طور مرتب مورد مطالعه قرار داده و نوسانات قیمت در بازارهای هدف از جمله هند، چین و بازارهای آفریقا را دقیقاً مورد بررسی قرار می‌دهد و با توجه به بیشترین استفاده پارافین در صنایع شمع سازی کیفیت محصول را مورد توجه قرار داده و با در نظر گرفتن احتمال تغییرات قیمت در بازارهای جهانی نسبت به قیمت گذاری برای انواع پارافین و فوتس اوایل اقدام می‌نماید.

وضع عوارض صادراتی بر اسلاک واکس

با توجه باینکه اسلاک واکس در فرایند پالایش روغن پایه بعنوان یک محصول جانبی استحصال می گردد که بعنوان ماده اولیه تولیدکنندگان پارافین مورد نیاز مبرم می باشد و صادرات این محصول توسط تولیدکنندگان آن موجب کمبود این ماده در بازار داخلی و تعطیل شدن کارخانجات تولید پارافین شده است لذا در جهت تنظیم بازار و جلوگیری از صدور مواد اولیه فرآوری نشده و حمایت از تولیدکنندگان داخلی، وضع عوارض صادراتی برای این محصول مورد تأیید کمیسیون قرار گرفته و پیشنهادات لازم از طریق اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران برای وضع عوارض برای صادرات اسلاک واکس به سازمان توسعه تجارت ایران ارائه گردیده تا بر اساس تبصره د ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم توسعه از طریق شورای عالی صادرات در این مورد اقدام مقتضی معمول گردد.

تشکیل کارگروه کارشناسی برای تعیین قیمت گذاری لوب کات

با توجه به اینکه از لوب کات بعنوان ماده اولیه در صنایع پارافین سازی استفاده بعمل می آید، لذا به منظور مشخص شدن فرمولی برای تعیین قیمت لوب کات بر مبنای موادی که از آن تولید می گردد و تعیین ضریب وابستگی آن به محصولات تولیدی، کمیسیون فرآورده‌های پارافینی کارگروهی متشکل از چند نفر از اعضای با تجربه خود را به منظور بررسی و انجام کار کارشناسی در این زمینه مشخص نموده است که امید است نتایج حاصله توسط این کارگروه در آینده نزدیک اعلام گردد.

بررسی مشکلات قیر

با توجه به مشکلات مربوط به صادرات قیر و در جهت رونق صادرات این محصول، کمیسیون پیشنهاد نموده است تا شرکت‌های تولیدکننده قیر، محصول را به صورت امانی و با نرخ مشخص روز، در اختیار صادرکنندگان قرار دهند تا آنها محصول را با هزینه خودشان بسته‌بندی نمایند و در شرایط فعلی که بازار متوقف شده است در انبارها بصورت دیو نگهداری گردد و در این فاصله بازاریابی انجام گیرد، البته انجام این کار بصورت سرمایه گذاری مشارکتی و بیشتر به لحاظ ذخیره سازی قیر و تخلیه کردن مخازن تولیدکنندگان انجام خواهد گرفت. ضمناً تولیدکنندگان قیر نیز بایستی برای بازپرداخت وجه قیر مهلت لازم را برای حداقل ۳ الی ۴ ماه در اختیار صادرکنندگان قرار دهند.

تعیین قیمت برای قیر صادراتی

کمیسیون، نوسانات بازارهای بین‌المللی و بازار داخلی را به طور مرتب مورد بررسی قرار داده و قیمت‌های جدید انواع قیر صادراتی را در هر ماه تعیین و اعلام می‌نماید. قابل ذکر است این قیمت‌ها بنا به درخواست بانک مرکزی جهت تهیه شاخص بهای کالاهای صادراتی به بانک مذکور اعلام می‌گردد.

بررسی ۳ پرداختی به تولیدکنندگان قیر بابت تجمیع عوارض

با توجه به اینکه تعدادی از صادرکنندگان قیر در سال ۱۳۸۴ مبالغی را بابت تجمیع عوارض (ودیعه صادراتی) به تولیدکنندگان پرداخت نموده‌اند، لذا به دنبال پیگیری های انجام گرفته و توافقات حاصله مقرر گردید صادرکنندگان ضمن ارائه مستندات لازم و اعطای وکالت محضری به تولیدکنندگان وجوه پرداختی را مسترد نمایند.

کمیسیون قیر
نوسانات بازارهای
بین‌المللی و بازار
داخلی را به طور مرتب
مورد بررسی قرار
داده و قیمت‌های
جدید انواع قیر
صادراتی را در
هر ماه تعیین و
اعلام می‌نماید

گفت‌وگو با عضو هیئت مدیره اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی

تعامل در تنظیم رویه‌های صادراتی بر هم‌افزایی در اجرا

ناهماهنگی در برخی تصمیم‌گیری‌ها، ابلاغ دستورالعمل‌های آنی و ایجاد قوانین و مقررات از سوی دستگاه‌های دولتی بدون در نظر گرفتن منافع بخش خصوصی هر از گاهی موجب می‌شود تا بیشتر بنگاه‌های اقتصادی کشور دچار مشکل شوند. حال با توجه به جایگاه بخش خصوصی در توسعه اشتغالزایی و ایجاد ارزآوری برای کشور، چرایی عدم مشارکت این بخش در تصمیم‌گیری‌های مهم اقتصادی را در گفت‌وگویی با «دکتر سید محمد حسینی» عضو هیئت مدیره اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی بررسی کردیم تا وی ما را از موانع سد راه بخش خصوصی و توانمندی‌های این بخش در توسعه اقتصاد کشور با خبر کند. متن مصاحبه با دکتر حسینی را در زیر با هم می‌خوانیم.

دکتر سید محمد حسینی

با شرایط و موقعیت خاصی تشخیص داده شود که تغییراتی در تعرفه‌ها به وجود آید تصمیم‌گیری‌ها به گونه‌ای نباشد که به زیان فعالین اقتصادی بخصوص صادرکنندگان و واردکنندگان تمام شود.

تحلیل شما از تبعات منفی ممنوعیت ناگهانی صادرات یا جلوگیری از ورود برخی کالاها به کشور چیست؟

ممنوعیت ناگهانی صدور کالا و محصولات داخلی به خارج از کشور در حقیقت سمی مهلک بر پیکره حوزه صادرات محسوب می‌شود چرا که منع صدور کالاها بدون اطلاع قبلی و در نظر گرفتن شرایط صادرکنندگان، زیان بسیار سنگینی را به آنها وارد کرده که اینک چنین رویکرد نامطلوب و بی‌منطقی موجب بی‌اعتمادی بازارهای خارجی طرف قرارداد خرید کالا از ایران و ازدست رفتن مشتریان در بازارهای بین‌المللی می‌شود. به دیگر سخن زمانی که طرف قرارداد در بازار جهانی، انتظار ورود کالای ایرانی را می‌کشد و با ممنوعیت صادرات و خلف وعده تجار ایرانی مواجه می‌شود بی‌تردید برای تامین نیاز خود به این کالاها به خرید از دیگر کشورها روی می‌آورد. بنابراین چنین رویه نادرستی یعنی جلوگیری آنی از صدور کالا، تخریب بازارهای صادراتی را در پی داشته و به‌دست آوردن مجدد مشتریان در بازارهای جهانی و جلب اعتماد آنها هزینه‌های بالایی را بر صادرکنندگان تحمیل می‌کند. این قوانین سخت‌گیرانه و تصمیم‌گیری‌های یک شبه که فوراً شکل اجرایی نیز به خود می‌گیرند، بعضاً در حوزه واردات نیز صدق می‌کند تا جایی که فعالین این حوزه با وجودی که هزینه‌های بسیار سنگینی برای واردات کالا محتمل شده‌اند اما با یک دستورالعمل از سوی دولت با منع ورود کالا روبه‌رو می‌شوند که چنین مسائلی باید مورد تجدید نظر دولت قرار گیرد تا اقتصاد کشور و فعالیت‌های بخش خصوصی دچار مشکل نشود.

پیشنهاد شما به مسئولان برای رفع موانع



سیستم پایدار در حوزه صادرات فرآورده‌های نفتی و غیره منجر شود، ثبات مقررات قانونی و عدم دستکاری آن است، مگر در شرایطی بسیار ضروری که آن هم باید زوایا و چگونگی تغییرات را از قبل به فعالین اقتصادی اعلام کنند تا آنها نیز سطح فعالیت‌های خود را با مقررات و دستورالعمل‌های جدید وفق دهند چرا که ثبات مقرراتی و اصول منسجم قانونی همواره به صادرکنندگان و واردکنندگان کالا و محصولات اطمینان می‌دهد که آنها با رعایت قانون در محیطی شفاف به رقابت سالم تجاری بپردازند. در چنین شرایطی یکی از ابزارهای لازم استفاده از تعرفه‌های گمرکی است چرا که وقتی فعالین اقتصادی از تعرفه استفاده می‌کنند با خطری آسوده مطمئن هستند که در بازاری شفاف داد و ستد می‌نمایند، با این وجود شرط این است که اعلام تعرفه‌های گمرکی از سوی مراجع دولتی به‌صورت آنی و یکباره و بدون اطلاع قبلی صورت نگیرد و چنانچه به دلایل

با توجه به قابلیت‌های بخش خصوصی در جذب و جلب بازارهای هدف، به نظر شما برای فروش فرآورده‌های نفتی، اصول کار و وضع قوانین باید چگونه باشد تا مشکلی فعالیت‌های اقتصادی این بخش را در داخل و خارج تهدید نکند؟

اگر بخش خصوصی بخواهد بدون هر مشکلی وارد بازارهای بین‌المللی شود ابتدا باید ساز و کار لازم و برنامه‌ریزی قوی و دقیقی را برای خود طراحی و ترسیم کند و سپس با تفکر بین‌المللی به مقوله تولید و تجارت بیندیشد، البته باید به این مهم نیز توجه کرد که چنانچه برنامه‌ریزی و تلاش‌ها برای ورود به بازارهای بین‌المللی انجام شود ولی برخی موانع سد راه چون عدم ثبات قوانین در حوزه‌های مختلف فعالیت بنگاه‌های اقتصادی وجود داشته باشد، هیچ گاه نمی‌توان به اهداف مد نظر رسید زیرا شرط نخست تعامل بازارهای جهانی با تجار، برخورداری از قانون و رعایت اصول و مقرراتی است تا هر معامله و معاهده و قراردادی سالم و بدون دغدغه و مشکل صورت گیرد.

به هر حال وجود ثبات در مقررات و قوانین این اطمینان را به فعالین اقتصادی می‌دهد تا در انجام امور و فعالیت‌های خود با برآورد هزینه و درآمد، سنجیده عمل کنند و مطابق مقررات اصولی تعریف شده برنامه ریزی نمایند اما متأسفانه برخی تصمیم‌گیری‌های خلق‌الساعه و ابلاغ آنی دستورالعمل‌های تجاری، برنامه‌ریزی فعالین اقتصادی را مختل کرده و علاوه بر زیاندهی به عدم اعتماد و اطمینان آنها نسبت به قوانین وضع شده منجر می‌شود.

ارزبایی شما از چگونگی ثبات قوانین و مقررات در حوزه اقتصادی کشور چیست؟ و چنانچه مقررات تجاری برخی مواقع دستخوش تغییراتی شود تبعات آنرا چگونه می‌بینید؟
در حقیقت مهمترین اصلی که می‌تواند به رشد فعالیت‌های اقتصادی کشور بخصوص ایجاد یک

یکی از ابزارهای لازم استفاده از تعرفه‌های گمرکی است چرا که وقتی فعالین اقتصادی از تعرفه استفاده می‌کنند با خطری آسوده مطمئن هستند که در بازاری شفاف داد و ستد می‌نمایند



بخش خصوصی در تصمیمات اقتصادی بهره‌گیری می‌شود.

آیا بخش خصوصی توانایی تحول صنعت نفت را دارد تا با ورود به این بخش مهم، ارزآوری قابل توجهی را از محل تبدیل نفت به فرآورده نصیب کشور کند؟

در پاسخ به این سوال باید گفت، با وجودی که بخش خصوصی در تحرک بخشی اقتصاد کشور از توانایی بالایی برخوردار است، اما در حقیقت بخش نفت در گذشته قدرت مانور اقتصادی چشم‌گیری نداشت، چون بنگاه‌های نفتی در کشور بنگاه‌های کوچکی بودند، بنابراین برای رفع چنین ضعفی اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی امسال با تجمع بنگاه‌های کوچک و حوزه‌های مرتبط نفتی و تبدیل آن به یک کنسرسیوم منسجم قوی وارد عمل شد و اکنون این کنسرسیوم با تجربه و توان مالی و عملیاتی همراه با شیوه مدیریتی فوق‌العاده بالا قدرت ورود به عرصه‌های بین‌المللی و توانایی مانور خاصی در تبدیل نفت خام به فرآورده و فروش آن به بازارهای جهانی را دارد. از سوی دیگر به عقیده من در بخش تولید و تجارت نخستین چیزی که باید به آن اهمیت داده شود ایجاد یک فضای سالم کسب و کار است تا قابلیت رقابت پذیری سالمی بین بنگاه‌های اقتصادی به وجود آید. بنابراین اگر به بخش خصوصی بها داده شود و قابلیت‌های ویژه آن شناسایی و سپس نقاط ضعف این بخش مهم برطرف شود شکی نیست زمینه ورود بخش خصوصی به فضای استراتژیک اقتصادی ارزآور حاصل از صادرات نفت و فرآورده‌های آن به آسانی برای این بخش فراهم می‌شود و تولید ناخالص کشور نیز از این طریق افزایش خواهد یافت. به هر حال منابع مختلف زیادی در کشور وجود دارد که باید از آن استفاده بهینه شود. اما تاکید بر این است که در راستای توسعه یافتگی و کسب علم و تخصص، مدیران بخش صادرات چه در بخش دولتی و چه بخش خصوصی را با علم و تجربه و دانش روز تجارت بین‌المللی آشنا کنیم تا نمایندگان ایرانی بتوانند با رایزنی در محیط بین‌المللی ضمن جلب و جذب بازارهای جدید، مشتریان را نیز حفظ کنند البته تحقق این امر نیازمند همکاری و همگامی بخش‌های مختلف اقتصادی چون گمرکات و موسسات مالی، بانک‌ها و دستگاه‌های دولتی است.

از پیچ پرتلاطم تحریم‌ها با موفقیت عبور کنیم باید واحدهای تولیدی که زمینه صادرات کالا برای آنها فراهم است مورد توجه قرار گیرند، چراکه تنها با تولید کالاهای کیفی و توسعه صادرات، می‌توان پیشرفت و پویایی اقتصادی کشور را لمس کرد.

بهره‌گیری از تخصص مشاورین اتاق‌های بازرگانی چه اندازه می‌تواند به تحقق اهداف حوزه تولید و تجارت کمک کند؟ آیا دولت از تخصص اتاق‌های بازرگانی در تصمیم‌گیری‌های خود آنگونه که به هماهنگی بین بخش خصوصی و دولت در برنامه‌های اقتصادی منجر شود، استفاده می‌کند؟

همانطوری که مطرح شد اتاق‌های بازرگانی به موجب تبحر و تخصصی که در حوزه تجارت و تولید و فنون اقتصادی دارند می‌توانند به عنوان یکی از بال‌های توسعه بخش خصوصی در کنار دولت با ارائه مشاوره‌های فنی تاثیرگذار، نقش آفرین شوند. زیرا اتاق‌های بازرگانی هماهنگ‌کننده تشکلهای اقتصادی در حوزه‌های مختلف صنعتی، تولیدی و تجارت بوده و می‌توانند با یکپارچه‌سازی برنامه‌ها و اهداف توسعه‌ای مسیر حرکت این گونه تشکلهای را برای تسهیل امورات هموار کنند. البته اتاق‌ها براساس قانون بهبود فضای کسب و کار و برنامه پنجم توسعه کشور جایگاه مشاوره‌ای دولت را دارند و باید در انتقال توانمندی‌ها و مشکلات تشکلهای اقتصادی به دستگاه‌های اجرایی ذیربط همچنین ایجاد راهکارهای مناسب و ارائه پیشنهادهای در جهت رفع موانع حوزه‌های مختلف اقتصادی اقدام کنند، تا بنگاه‌های اقتصادی در بعضی مواقع با اجرای دستورالعمل‌های ابلاغ شده از سوی دولت در تنگنا قرار نگیرند. به هر حال اتاق‌ها به دلیل ارتباط نزدیک با مسؤولان دستگاه‌های دولتی و وزارتخانه‌ها می‌توانند با انتقال تجارب و راهکارهای کارشناسانه به دستگاه‌های دولتی از تشدید مشکلات و بروز بحران‌های احتمالی جلوگیری کنند. البته این را باید گفت که دولت اگرچه برخی مواقع در برنامه‌ها و جلسات مشترک با بخش خصوصی مشارکت می‌کند و بعضاً از متخصصین و مسؤولان اتاق‌ها نیز در برنامه‌های خود دعوت به عمل می‌آورد اما متأسفانه در این مراودات، خروجی قابل توجهی به چشم نمی‌خورد و کمتر از نظرات و ایده‌های

سرد راه بخش صادرات و واردات چیست تا این حوزه فعال و ارزآور در انجام امورات خود با مشکل مواجه نشود و با انگیزه خاص بتواند در پیشبرد اهداف و پیشرفت اقتصاد کشور نقش آفرین شود؟

به نظر من محیط کسب و کار باید از حاشیه امنی برخوردار شود که مهمترین اصل آن همان ثبات بخشی به این‌نامه‌ها و قوانین و مقررات در حوزه‌های اقتصادی است که از طرف دولت تعیین و وضع می‌شود. اگر این موضوع مهم مورد توجه قرار گیرد فعالین بخش خصوصی بدون هردغدغه‌ای برنامه‌های توسعه‌ای خود را طرح‌ریزی و مسیر فعالیت خود را با رعایت اصول قانونی و حمایت‌های دولت در قالب رفع موانع مشخص شده می‌بینند. چرا که دستیابی به اهداف توسعه‌ای کشور در حوزه اقتصاد مستلزم حمایت از تولید داخل، تشویق و رفع موانع صادراتی و در نهایت مشارکت حداکثری بخش خصوصی در اجرای برنامه‌های اقتصادی است. با این وجود اگر بخواهیم به اهداف کمتی پیش‌بینی شده صادرات غیرنفتی (به خصوص صدور فرآورده‌های نفتی) بر مبنای افزایش حمایت‌های دولت از صادرکنندگان و ادامه روند رشد چشمگیر صادرات غیرنفتی برسیم لازم است تمامی دستگاه‌های ذی‌ربط برای رفع موانع بسد راه صادراتی بسیج شوند نه اینکه با ابلاغ دستورالعمل‌های غیرکارشناسی حتی مانع صدور کالاهای ارزآور از کشور شوند. بنابراین پیشنهاد بخش خصوصی به مسؤولین آن است که در تدوین آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها، متخصصین این بخش را در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دهند تا بخش خصوصی نیز با آگاهی، مطابق قانون در امورات خود برنامه‌ریزی کند.

در شرایط تحریم چطور؟ فکر می‌کنید در این برهه حساس زمانی، سیاست‌گذاری‌های دولت در قبال تسهیل تجارت و حمایت از این بخش مهم ارزآور چگونه باید باشد تا از قابلیت‌ها و پتانسیل‌های موجود به نحو احسن استفاده شود؟

بی تردید در چنین شرایطی باید به دست‌اندرکاران بخش تولید، صنعت، حوزه تجارت و تشکلهای مختلف بها داده و اعتماد بیشتری شود تا با ایجاد انگیزه و حمایت‌های ویژه مسیر پیشرفت فعالان اقتصادی هموار و زمینه رشد آنها نیز بیش از پیش فراهم شود تا از این کانال‌های موثر بهره‌برداری لازم به نفع منافع ملی حاصل گردد. با این حال اگر به توانایی‌های بخش خصوصی نگریسته شود خواهیم دید که صف نخست تامین ارز کشور را در شرایط تحریمی، صادرکنندگان تشکیل می‌دهند چرا که از این بخش متخصص و متبحر با تجربه‌ای که در بازارهای بین‌المللی دارند امکان دور زدن تحریم‌ها به خوبی ساخته است. علاوه بر این چنانچه از تولیدات صادرات محور حمایت ویژه شود، نقشه شوم دشمنان و تحریم‌ها به سهولت نقش بر آب می‌شود. با این حال حمایت از صادرکنندگان و صنایع تولیدی نیازمند برنامه ریزی‌های راهبردی است تا با توجه به اهمیت این مقوله و سایر بخش‌های مهم زیربنایی اقتصاد کشور، راه حل پیشرفت و رسیدن به اقتصاد مقاومتی هموار شود. از سوی دیگر چنانچه بخواهیم

اتاق‌های بازرگانی
هماهنگ‌کننده
تشکلهای اقتصادی
در حوزه‌های مختلف
بوده و می‌توانند
با یکپارچه‌سازی
برنامه‌ها و اهداف
توسعه‌ای مسیر
حرکت این گونه
تشکلهای را برای
تسهیل امورات
هموار کنند

گفت‌وگوی دنیای انرژی با سید حمید حسینی

سوآپ را دولت از بین ببرد

مظلومیت سوآپ و پنکرینگ، نگاه دولتی‌ها به بخش خصوصی، بازی ندادن به بخش خصوصی نفت و آخرین وضعیت اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی مهمترین موضوعات گفت و گوی دنیای انرژی با سید حمید حسینی عضو اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی بود. به گفته وی بخش خصوصی اعتقاد دارد استراتژی فعلی کشور باید استراتژی مشارکت و همکاری باشد و نباید رقابت ناسالم و غیر اصولی در بنگاه‌های اقتصادی صورت گیرد اما دولت در شرایط تحریمی به جای حمایت از بخش خصوصی، مانع تراشی و سختگیری می‌کند. مشروح گفت‌وگوی دنیای انرژی با وی در زیر می‌آید.

علی خسروی

وارد عمل شده تا ترانزیت کالا کند و می‌خواهد کار انجام دهد متأسفانه سیلی‌اش را می‌خورد و فضایی که می‌توانست در آن مانور دهد بسته شده است. به هر حال عملکرد غلط و ناکارآمد از سوی برخی که با حمایت و رابطه‌هایی وارد بازار شده و به نام بخش خصوصی دست به فعالیت‌های اقتصادی زده‌اند و اکنون با عملکرد منفی دارای کارنامه‌ای سیاه هستند، فردا به اسم بخش خصوصی واقعی تمام می‌شود تا بعد دولتی‌ها بگویند، دیدید آمدیم راه را برای بخش خصوصی باز کردیم اما این بخش نتوانست کاری کند.

تحلیل شما از عدم خرید نفت خام کشور در بورس کالا که توسط بخش خصوصی انجام شد چیست و فکر می‌کنید آینده بورس نفت به کجا ختم شود؟

دولت سال گذشته برای اینکه ثابت کند به بخش خصوصی در فروش نفت بها می‌دهد نفت را در بورس کالا عرضه کرد تا به قول خود توانمندی بخش خصوصی را بسنجد که این بخش چگونه می‌تواند نفت را بفروشد. اما متأسفانه رقیبی را برای نفت تعیین کرد که هیچ کس در بازار بین‌المللی خریدار آن نشد، تا با این ترفند بگوید که بخش خصوصی در تجارت و تبادلات بین‌المللی ناکارآمد است. این رویکرد یعنی راه‌اندازی پروژه بورس نفت و چگونگی نحوه عرضه آن بی‌تردید فقط بازی دادن بخش خصوصی بود. البته بخش خصوصی بنا به تجربه‌ای که داشت ابتدا پیشنهادات بسیار منطقی و معقولانه‌ای به آقایان دولتی داد که اگر می‌خواهید بورس نفت را راه‌اندازی کنید قطعاً این راهش نیست که روز اول بخواهید محموله بزرگی با شرایط پرداخت غیرمعقول عرضه کنید چرا که با چنین قیمتی هیچکس نخواهد توانست خریدار نفت ما شود. پیشنهاد شد که بیا باید با همکاری هم ابتدا بورس منطقه را راه‌اندازی کنیم. ما به همسویان دولتی گفتیم معاملات محموله‌های سوآپ نفت‌خام را راه‌اندازی کنیم تا قیمت نفت و سوآپ در بازار جهانی شناخته شود، چرا که این موضوع کمک می‌کند که بخش خصوصی



نتواند به وضوح وارد عرصه فعالیت‌های اقتصادی شود، اما متأسفانه اکنون می‌بینیم کسانی به نام بخش خصوصی وارد بازار شده‌اند که تجربه کاری، سابقه و تخصص درست و حسابی در زمینه تولید و تجارت ندارند. عملکرد غیر حرفه‌ای و مسالهدار این افراد که متأسفانه توسط سیستم دولتی حمایت و به نام بخش خصوصی وارد عرصه فعالیت‌های اقتصادی شده‌اند بازار و تجارت خارجی را به آستانه هلاک کشیده است. همین افراد الان بازار نفت‌خام و فرآورده‌های آن را به معضلی دچار کرده‌اند که هیچ وقت بخش خصوصی نمی‌تواند چنین کاری کند. این خطری است که الان حس می‌شود تا فردا همه کاسه و کوزه‌ها و عملکردهای غلط را روی سر بخش خصوصی واقعی بشکنند و بعد بگویند، ببینید عملکرد بخش خصوصی همین است که مشاهده می‌شود. به طور مثال مازوت ایران که ما دو ماه قبل در بندرعباس با ۵ دلار می‌فروختیم، الان باید با ۲۰ دلار همراه با هزینه حمل به دومی برده و با قیمت ۳۰ دلار بفروشیم. در حالی که مازوت را ما قبلاً ۵ دلار به راحتی می‌فروختیم. اکنون که بخش خصوصی واقعی

اگر به بخش خصوصی مجال کار داده شود و با اعتماد سازی موانع سد راه پیشرفت این بخش برداشته شود، فکر می‌کنید بخش خصوصی چه اندازه می‌تواند با ارزآوری و ایجاد اشتغال در اقتصاد کشور آن هم در شرایط تحریم موثر واقع شود؟

بخش خصوصی مدت‌هاست که مطرح می‌کند استراتژی فعلی کشور باید استراتژی مشارکت و همکاری باشد و نباید رقابت ناسالم و غیر اصولی در بنگاه‌های اقتصادی کشور صورت گیرد. بلکه این روزها بحث همکاری و مشارکت باید مد نظر قرار گیرد. متأسفانه در شرایط تحریمی کشور دولت به جای حمایت از بخش خصوصی، مانع تراشی و سختگیری می‌کند، در حالی که در این موقعیت حساس باید توان، نیرو و امکانات را کنار هم بگذاریم تا با عبور از تحریم‌ها چشم‌انداز خوبی را برای اقتصاد کشور ترسیم کنیم، اکنون دولت به جای دخالت و یا میدان ندادن به بخش خصوصی، باید بیاید و با نگاه حاکمیتی علاوه بر تنظیم مقررات صحیح، وضعیت اقتصاد کشور را رگلاژ کند و نگذارد مشکلات کشور در چنین شرایطی بیش از این شود. این روزها که دشمن با تحریم خرید نفت خام ایران سعی بر تضعیف اقتصاد کشور را دارد، به نوعی دست وزارت نفت باز است تا در این شرایط فضا را برای ورود بخش خصوصی به عرصه فعالیت آنگونه که بتواند نفت خام را به فرآورده ارزآور تبدیل کند فراهم نماید. از سوی دیگر تحریم‌ها اگر چه بر اقتصاد کشور تأثیر گذاشته اما حسن آن این است که شرکت نفت را خلع سلاح کرده و زمینه حضور بخش خصوصی را در عرصه فعالیت بخش‌های مختلف نظیر صادرات، واردات و حتی سرمایه‌گذاری جدید فراهم کرده است و چنانچه دولتی‌ها اجازه دهند باید از این فرصت مناسب حداکثر استفاده لازم به عمل آید. اگر دولت معتقد است که در بخش خصوصی افراد نابابی وجود دارند که ممکن است ورود آنها به بازار کار، اقتصاد کشور را دچار آسیب کند، باید جلوی این آدم‌ها گرفته شود.

اگر چه امکاناتی فراهم شد که بخش خصوصی

**تحریم ایران
دست وزارت نفت
را باز گذاشته تا
در این شرایط
فضا را برای ورود
بخش خصوصی به
عرصه فعالیت آنگونه
که بتواند نفت خام
را به فرآورده ارزآور
تبدیل کند
فراهم نماید**



که قبلاً برگزار شد بحث اوراق سلف نفت مطرح بود که ما فقط نقاط ضعف آن را درآوردیم و کلی آن را تبلیغ کردیم اما متأسفانه این موضوع اکنون به کما رفته و تاکنون روی این مسئله بحث مشترکی نشده است.

با این حال به نظر می‌رسد دولت اعتقادی به بهره‌گیری و استفاده از نظرات و مباحث کارشناسانه بخش خصوصی و مجلس ندارد و اتاق بازرگانی تنها کاری را که توانسته انجام دهد همان حفظ فضای کارشناسی است و بعضاً با مصاحبه‌هایی نیز افکار عمومی را علیه برخی تصمیمات غیر کارشناسی دولت تحریک می‌کند.

چگونه باید سرمایه‌های ریز و کلان موجود در بازارهای موازی، جلب و جذب صنعت نفت شود؟

در حقیقت کارشناسان اقتصادی به‌خصوص خبرگان حوزه انرژی باید با واکاوی جزئیات معامله سلف نفت تأثیر مثبت این بازار نوین را در اقتصاد برای مردم بازگو کنند تا سرمایه‌گذاران با آگاهی دقیق از شیوه معاملات و چگونگی کسب درآمد از این راه با خاطری آسوده وارد چنین بازاری شوند. بیشتر مردم هنوز تعجب می‌کنند در معامله «سلف نفت» روی چه حسابی اقدام به پیش خرید نفت بشکهای ۱۴۰ دلار کنند درحالی که باید سرمایه‌های شان ۵ سال بخواهد تا با افزایش قیمت این کالا طی این مدت زمان، علاوه بر سود سالانه ۸ درصدی، بتوانند پس از ۵ سال از این معامله کسب درآمد کنند. با این وجود دیده می‌شود در بحث اطلاع‌رسانی معاملات صکوک و سلف نفتی مسؤولان کم توجهی می‌کنند زیرا خیلی از مردم هنوز نمی‌دانند معاملات سلف نفت به چه معنا است، به هر حال کارشناسان حوزه نفت باید سرمایه‌گذاران را برای ورود به این بازار سودآور و موثر در توسعه اقتصاد کشور تشویق کنند و با نظرسنجی در برنامه‌های تلویزیونی همچنین ایجاد میزگرد و سمینارهای مختلف اطلاع‌رسانی گسترده‌ای نسبت به این موضوع داشته باشند. چراکه راه‌اندازی معاملات سلف نفتی از هر نظر به نفع مردم، دولت و اقتصاد کشور است.

خصوصی گذاشته شد. ما در این بازار توانستیم با فعالیت شبانه‌روزی، شرکت‌های منطقه را از میدان سوآپ خارج کنیم. آن روزها ایران از همه این شرکت‌ها گردن کلفت‌تر بود. همچنین ۱۵ سال پیش، ایران در بورس ترکمنستان در بحث سوآپ نفت حرف اول را می‌زد. اما متأسفانه با تصمیم غلط دولت و انحصاری کردن سوآپ همچنین واگذاری آن به غیر بخش خصوصی، رسماً بخش خصوصی واقعی کارآمد را از این بازار بیرون کرد و الان شرکت‌های آذری، ترک و روس که آن روزها به گرد پای ما هم نمی‌رسیدند در بحث معاملات سوآپ نفتی در منطقه حرف اول را می‌زنند. با این وجود انتظار داریم که آقایان بیایند بگویند ما برای توانمندسازی بخش خصوصی برای حضور در بازار برای اینکه ارزش افزوده نفت خام بیشتر شود این کارها را به نفع بخش خصوصی انجام داده‌ایم، اما بخش خصوصی استقبال نکرده است نه این که بگویند بخش خصوصی توانمند نیست. به هر حال باید گفت، دولت و بدنه وزارت نفت هیچ کاری که به نفع بخش خصوصی باشد را تاکنون انجام نداده و دوست دارند همه چیز در انحصار خودشان باقی ماند.

آیا کمیسیون انرژی مجلس و اتاق‌های بازرگانی برای حل مشکلات بخش خصوصی با وزارت نفت و مسؤولان دولتی تاکنون اقدامات درخور توجهی داشته‌اند؟

قاعدتاً وقتی مجلس شورای اسلامی با همه اختیارات قانونی که دارد عملاً دور زده می‌شود و دست‌اندرکاران وزارت نفت کمیسیون ویژه درست می‌کنند تا خط بطلان روی برخی قوانین کشیده شود چه انتظاری باید از آنها داشت. باید از نظرات بخش خصوصی که نقش مشاور را دارد و پیشنهادات آن، بهره‌گیری شود که متأسفانه چنین نیست. با این وجود هر وقت کارگروه‌های مشترکی در خصوص چگونگی ورود بخش خصوص به معاملات نفتی هم تشکیل می‌شود خیلی از مسؤولان دولتی در جلسه شرکت نمی‌کنند. به طور مثال کارگروه نفت اکنون بیش از ۵ ماه است در اتاق بازرگانی تشکیل نشده و در طول دو جلسه

بتواند در معاملات به‌خوبی محموله نفتی خود را بفروشد و اگر محموله کوچک‌تر باشد بهتر می‌توان در فروش نفت مانور داد. اما هیچکس از آقایان به پیشنهاداتی که بخش خصوصی برای راه‌اندازی بورس منطقه ارایه داد توجه نکرد چرا که آنها بنایشان بر این بود که بورس نفت شکست بخورد و قطعاً هم موفق شدند.

پس از شکست بورس نفت در سال گذشته، بخش خصوصی چه پیشنهادی برای ورود به تجارت نفت داد؟ آیا اصلاً وزارت نفت پیشنهادهای کارشناسانه شما را به عنوان نمایندگان بخش خصوصی قبول دارد؟

بنده اوایل سال جاری در یکی از جلسات کارگروه اتاق بازرگانی تهران که با هدف ورود بخش خصوصی به تجارت نفت تشکیل شده بود به مسؤولان وزارت نفت حاضر در جلسه گفتم، بیا باید بنشینید با هماهنگی هم موضوع ورود بخش خصوصی به تجارت نفت را تسهیل کنیم، اما نمایندگان وزارت نفت رسماً مخالفت کردند و در جواب گفتند ما هیچ مشکلی در فروش نفت خام نداریم و کل قراردادهای سال ۲۰۱۲ در زمینه فروش نفت را نیز بسته‌ایم و اگر فردا نیز در بحث فروش نفت با مشکلی مواجه شویم سه بنیاد یا به نوعی بنگاه بزرگ نظیر آستان قدس رضوی، بنیاد مستضعفان و هیات امنای اجرایی نفت ما را خواهند فروخت. اصلاً شما مسؤولان بخش خصوصی وارد این بحث نشوید و بحث تحریم‌ها نیز هیچ ربطی به نفت خام ندارد. بنده همان موقع پیش بینی کردم که ظرف چند ماه آینده نفت خام ایران تحریم خواهد شد به آنها هشدار دادم و گفتم راه را برای ورود بخش خصوصی تا بازار بسته نشده است باز کنید تا چنانچه تحریم نفتی شدید بدانید که این بخش متخصص و با تجربه می‌تواند راه‌گشای خوبی برای فروش نفت و قراردادهای آن شود. اما آقایان اصلاً موضوع را از جلسه خارج کردند. با این وجود وقتی طرف دولتی حاضر نیست به هیچ عنوان پیشنهادات کارشناسی بخش خصوصی را بشنود و خودشان را دانشمند صنعت نفت و تجارت می‌دانند دیگر چه انتظاری باید داشت تا بخش خصوصی وارد فعالیت‌های اقتصادی شود. متأسفانه مسؤولان وزارت نفت همه فکر می‌کنند هر فردی که مهندس نفت نباشد یا در سیستم وزارتخانه نباشد حق ندارد راجع به موضوع نفت یا تجارت آن حرفی بزند. اما با این همه مشکلات، موانع و بی‌اعتمادی نسبت به بخش خصوصی از سوی دولت، باز بخش خصوصی کنسرسیون فروش نفت را در اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان قراردادهای نفتی راه‌اندازی کرد و همچنان تلاش می‌کند مسؤولیت‌ها را بر عهده گیرد. البته باید گفت بازی نفت در دنیا بازی بزرگان و کارسختی است و نیاز به تجربه دارد. روزی که ما وارد بازار نفت ترکمنستان شدیم شرکت‌های گردن کلفت چون شرکت‌های آذری و ترک، خیلی ریز و پیش پا افتاده بودند، آن وقت ما آمدیم با آقای زنگنه ترانزیت سوآپ نفتی را راه‌اندازی کردیم و موضوع فعالیت در کار سوآپ نفتی رسماً برعهده بخش

کارشناسان
اقتصادی به‌خصوص
خبرگان حوزه
انرژی باید با واکاوی
جزئیات معامله سلف
نفت تأثیر مثبت این
بازار نوین را
در اقتصاد برای
مردم بازگو کنند

گفت‌وگو با عضو هیئت مدیره اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران

بخش خصوصی توانایی تبدیل بخش عمده نفت خام به فرآورده را دارد

اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی با واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی به بخش غیردولتی به منظور شتاب‌دهی رشد اقتصاد ملی، گسترش مالکیت عمومی، تامین عدالت اجتماعی، ارتقاء کارایی بنگاه‌ها، رقابت‌پذیری و در نهایت بالا بردن سهم بخش‌های خصوصی در اقتصاد ملی، چند سالی است که در کشور شکل عملیاتی به خود گرفته است. با این وجود شرکت‌ها و صنایع بزرگ پایین‌دستی چون «نفت و گاز» از جمله بنگاه‌های مهمی هستند که طبق قانون اصل ۴۴ باید فعالیت آنها به بخش خصوصی محول شود. در گفت‌وگویی با «سیدابولقاسم هاشمی» عضو هیئت مدیره اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی زوایای کار را جویا شدیم که متن این مصاحبه را در ذیل می‌خوانید.

سعید بهبد

به موانع سد راه پیشرفت بخش خصوصی اشاره کردید، فکرمی‌کنید چه عواملی موجب می‌شود تا بخش خصوصی نتواند به نحو شایسته از ظرفیت‌های موجود خود استفاده کند؟

اینکه بخش خصوصی با توجه به توانایی فوق‌العاده‌ای که دارد، چنانچه مورد حمایت قرار گیرد و مسیر پیشرفت آن نیز با مرتفع شدن موانع سد راه هموار شود، بی‌تردید به قله‌های افتخار می‌رسد. اگرچه نیست، اما اگر به برخی دستورالعمل‌ها و تصمیم‌گیری‌های دولت (به‌خصوص مدیران میانی و معاونت‌ها) نگرسته شود خواهیم دید که برنامه‌ها، تصمیم‌گیری و ساز و کارها به گونه‌ای طراحی و شکل عملیاتی به خود می‌گیرد که بخش خصوصی کمترین مشارکت و نقش را در برنامه‌ریزی، ایده‌پردازی و تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان در ابعاد مختلف دارد و بیشتر مدیران و متصدیان دولتی هستند که بی‌پروا و بدون هماهنگی و ملاحظه با بخش خصوصی و کارشناسان اتاق‌های بازرگانی دست به هرکاری می‌زنند و بعضاً با تنظیم آیین‌نامه و دستورالعمل‌های غیراصولی بدون اینکه تبعات منفی و عواقب کار را موشکافانه بسنجند و یا پیش‌بینی و برآورد خاصی نسبت به اجرای چنین برنامه‌هایی داشته باشند وارد عمل شده و چه بسا بعضاً با تصمیم‌گیری‌های آنی و تصویب آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌هایی غیرمنسجم علاوه بر نابودی بخش خصوصی و چالش‌آفرینی در بخش‌های مختلف اقتصاد کشور، همان تصمیمات و تصویبات، در جریان کار به زیان دولت و عامه مردم نیز تمام می‌شود.

انتظار شما از دولتمردان چیست تا مسیر بخش خصوصی برای پیشرفت هموار شود و این بخش بتواند به اهداف مدنظر خود که همانا توسعه، ارزآوری و ایجاد اشتغال در کشور است، برسد؟



اقتصاد کشور در این عرصه شود، اما متأسفانه برخی ناهماهنگی‌ها موجود و تصمیم‌گیری‌های غیراصولی از سوی مسوولان همراه با ساز و کارهای نادرست در کنار مقررات و قوانین دست و پاگیر موجب شده تا بخش خصوصی با وجود توان و تخصص بالایی که دارد نتواند جایگاه شایسته خود را آن گونه که هست پیدا کند. با این وجود اگر همراهی و همگامی لازم از سوی دستگاه‌های دولتی و مراجع تصمیم‌گیرنده در رفع برخی موانع و مشکلات سد راه پیشرفت بخش خصوصی همچنین تسهیل امورات در تامین منابع مورد نیاز این بخش مهم به عمل آید، به جرات می‌توان گفت کل نفت تولیدی را در کشور به فرآورده، همراه با ارزش افزوده بالا تبدیل خواهیم کرد تا علاوه بر توسعه و ارزآوری، خام‌فروشی نفت در ایران اسلامی نیز به بوته فراموشی سپرده شود.

توان بخش خصوصی را در فعال کردن حوزه نفت و انرژی در شرایطی که فروش این محصول اکنون با محدودیت‌هایی در بازارهای بین‌المللی همراه است چگونه ارزیابی می‌کنید، تا بتوانیم با ریزینی و ایجاد ارزش افزوده بروی مشتقات چنین کالایی، دنیا را مجذوب محصولات و فرآورده‌های نفتی کشور کنیم؟

بخش خصوصی به موجب دارا بودن تخصص لازم، دانش و تجربه کافی از توانایی فوق‌العاده بالایی در تحرک بخشی و فعال کردن حوزه‌های مختلف اقتصادی به‌خصوص بخش انرژی برخوردار است چه بسا که ایران به جهت داشتن اقتصاد تک محصولی (نفت) بیش از یک قرن است با این حوزه مهم سروکار دارد، اما از آنجایی که بیشتر فعالیت‌ها در بخش نفت طی دوران گذشته فقط بر استحصال، اکتشاف و فروش آن متمرکز شده بود و از سوی دیگر با دولتی بودن اقتصاد، کمتر به تولید فرآورده‌های نفتی و ایجاد ارزش افزوده روی این منبع مهم خدادادی توجه می‌شد بنابراین باید گفت، تاکنون حرکت اقتصادی قابل قبول و در خور توجهی جز وابستگی اقتصاد کشور طی بیش از یک قرن به فروش نفت دیده نشده است.

البته همانطور که گفته شد دولت با گذشت سال‌های مدید نتوانست از توان بخش خصوصی با وجود پتانسیل فراوانی که دارد بهره لازم را بگیرد تا این بخش متخصص با ورود به کار و فعال کردن حوزه‌های مختلف زیر مجموعه چنین صنعتی دستاوردهای مهمی را کسب و تولید فرآورده‌های نفتی همچنین ارزآوری بالا را جایگزین خام‌فروشی نفت کند، اما پس از سالیان سال با خروج دولت از فعالیت‌های پایین‌دستی نفت و... به موجب اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، اکنون بخشی از شرکت‌ها و صنایع بزرگ پایین‌دستی نفت و گاز به دست بخش خصوصی افتاده است البته این بخش با درایت و توانایی خاصی که دارد تاکنون توانسته بازیگر خوبی برای توسعه

برخی ناهماهنگی‌های موجود و تصمیم‌گیری‌های غیراصولی از سوی مسوولان در کنار مقررات و قوانین دست و پاگیر موجب شده تا بخش خصوصی نتواند جایگاه شایسته خود را پیدا کند



توجه به اینکه اصلی‌ترین صادرات کشور ما نفت و پتروشیمی و فرآورده‌های مربوط به آن است و بیشترین کشورهای جهان نیز به دلیل عدم برخورداری از این نعمت خدادادی، نیازمند چنین محصولاتی می‌باشند، بنابراین توجه ویژه به تولید و توسعه فرآورده‌های نفتی در کشور می‌تواند رقابت در عرصه جهانی را برای قبضه بازارهای بین‌المللی آسان‌تر کند.

رایزنی برای جذب بازارهای هدف با توجه به شرایط تحریمی کشور چگونه باید باشد تا بتوان فرآورده‌های نفتی را به کشورهای جهان عرضه کرد؟ در ضمن فکر می‌کنید شرکت‌های تولیدی و صادرکنندگان نیز باید از چه حمایت‌هایی برخوردار شوند تا با انگیزه خاصی در اقتصاد کشور نقش آفرینی کنند؟

دارا بودن کشورمان از منابع غنی طبیعی و ذخایر خدادادی موهبتی است که البته باید از این نعمت کم نظیر و محدود به نحو شایسته استفاده کنیم. اینکه بتوانیم چنین منابع مهمی را با ایجاد ارزش افزوده به ثروت تبدیل کنیم بی‌شک نیازمند حمایت ویژه است تا تحول و تحرک خاصی در ارتقای سطح تکنولوژی تولید همراه با بکارگیری آخرین استانداردهای جهانی در این بخش مهم صورت پذیرد تا محصول نهایی با قیمت منطقی و کیفیت عالی در بازارهای بین‌المللی بتواند حرفی را برای گفتن داشته باشد.

به هر حال تغییر تکنولوژی در راستای تنوع تولید کیفی، تامین اعتبارات لازم از سوی بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری را می‌طلبد، با این وجود دولت باید شرایطی را فراهم کند تا فعالین و کارآزموده‌های عرصه تولید و صادرات بتوانند از مشوق‌ها و تسهیلات بانکی استفاده کنند. از سوی دیگر باید مجوز و اختیارات نسبی به تشکلهای بخش خصوصی به منظور مرتفع شدن بروکراسی اداری داده شود تا با تسهیل‌سازی امورات، فعالیت‌های صادراتی با ثبات در این بخش مهم اقتصادی حفظ شود و گمرکات کشور نیز همراهی و همکاری لازم را با فعالین اقتصادی در این زمینه به عمل آورند.

می‌شود و تاثیر آن به نفع کشور تمام خواهد شد، اما متأسفانه در حال حاضر امکان این هماهنگی و همراهی و قبول نظرات این دوبخش بخصوص بهره‌گیری از نظرات کارشناسی بخش خصوصی که ناشی از عملکرد واقعی و عینی است زیاد مورد پسند مدیران میانی نیست در حالی که ما از لحاظ قانون هیچ مشکلی نداریم بلکه تمام بدبختی‌ها و مشکلات بخش خصوصی در اجرا نمود عملی به خود می‌گیرد. همچنین اگر به عدم همراهی دولت در اجرای دقیق و به موقع قوانین در زمینه خصوصی‌سازی نگریسته شود خواهیم دید که حتی با وجود تاکید مقام معظم رهبری بر شتاب‌دهی اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و واگذاری بخش عظیمی از فعالیت‌های اقتصادی دولت به مردم در قالب خصوصی‌سازی همچنان کندکاری و ناکارآمدی‌های مدیریتی در این عرصه مشهود و ملموس بوده که این موضوع خود مصداق بارز مشکلات اجرایی است.

همانطور که می‌دانید قرار است نفت به بورس راه یابد و معاملات نفتی نیز از طریق بخش خصوصی انجام شود، به نظر شما آیا تشکیل بورس نفت می‌تواند راهکاری اصولی برای مشارکت مردم در اقتصاد کشور باشد؟ همچنین تاثیرات آنرا در پویایی اقتصاد چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بورس نفت می‌تواند یک بازار مطمئن، قوی و گسترده برای رقابت بین خریداران این کالا شود تا با این شیوه اصولی بتوان منابع بیت‌المال را با قیمت واقعی روز فروخت و منافع عموم ملت را نیز از این طریق حفظ کرد، البته مشروط به اینکه نظارت دقیق و مدیریت صحیح بر عملکرد بورس حکم‌فرما باشد و بهای نفت منطقی و منصفانه به دست بخش خصوصی برای سودآوری و جذب بازارهای داخلی و خارجی برسد.

از سوی دیگر اگر چه تشکیل بورس نفت ایده خوبی است اما ما باید تفکر خام فروشی نفت را به تدریج از اذهان خارج کنیم و با حرکت در مسیر توسعه و اشتغالزایی همچنین ارزآوری بیشتر با ایجاد ارزش افزوده بالا در محصولات، نفت را به فرآورده‌های مختلف تبدیل کنیم چرا که با

بخش خصوصی راه خود را برای دستیابی به اهداف کوتاه و بلندمدت آن هم در شرایط رقابتی حاکم بر تولید، تجارت و بازاریابی به خوبی می‌داند و با برنامه‌ریزی دقیق و حساب شده چشم‌اندازهای خاصی را برای خود ترسیم می‌کند، اما دولت با بی‌توجهی و بی‌اعتنایی به سیاست‌های بخش خصوصی گاه و بیگاه قوانین و دستورالعمل‌هایی را اجرا می‌کند که باعث به هم ریختگی برنامه‌ها و طرح‌های در دست اقدام بخش خصوصی می‌شود. در چنین شرایطی انتظار می‌رود دولت در راستای حفاظت و حمایت از اشتغال و پویایی اقتصاد کشور، چنانچه می‌خواهد لایحه‌ای را برای تصویب به مجلس بفرستد یا برنامه جدید اقتصادی داشته باشد ابتدا بخش خصوصی را به خوبی دریابد و بدون مشورت تخصصی اتاق‌های بازرگانی و فعالین خبره اقتصادی، یک طرفه دست به اقدامی نزنند که تبعات منفی آن دامن‌گیر بخش مولد و کارآفرین کشور شود چرا که تلاش اتحادیه‌ها و تشکلهای بخش خصوصی همیشه افزایش درآمدزایی کشور و ایجاد اشتغال انبوه است.

فکر می‌کنید بی‌تفاوتی دولت در مشارکت‌دهی بخش خصوصی و عدم همراهی آن در ایجاد تفکرات همسو برای تصمیم‌گیری‌های ناشی از آن چیست و این مشکل باید چگونه حل و فصل شود؟

این موضوع که چرا میان بخش دولتی و بخش خصوصی حتی با اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در بیشتر تصمیم‌گیری‌ها اختلاف نظر و فاصله‌هایی دیده می‌شود، در حقیقت به وجود مشکل فرهنگی در کشور برمی‌گردد چرا که افراد تاثیرگذار و مدیران میانی کشور از نظر فرهنگی پذیرای متخصصین و فعالین با تجربه بخش خصوصی به عنوان یک همکار و مشاور و دلسوز به جامعه نیستند. به نظر من اگر به لحاظ فرهنگی و باورهای اعتقادی زمینه‌ای فراهم شود تا بتوان مدیران میانی را با بخش خصوصی آشتی داد و در تصمیم‌گیری‌ها از نمایندگان بخش خصوصی به عنوان طرف مشورت دعوت شود به طور حتم خیلی از مشکلات و ناهمگونی‌ها حل و فصل

اگر چه تشکیل بورس نفت ایده خوبی است اما ما باید تفکر خام فروشی نفت را به تدریج از اذهان خارج کنیم و با حرکت در مسیر توسعه و اشتغالزایی، نفت را به فرآورده‌های مختلف تبدیل کنیم

گفت‌وگو با مدیر عامل شرکت راهاندازی و بهره‌برداری صنایع نفت (ایکو)

ایکو؛ حیات بخش صنایع نفت، گاز و پتروشیمی

شرکت راهاندازی و بهره‌برداری صنایع نفت در کوران فعالیت‌های ساخت پالایشگاه پنجم عسلویه در فازهای ۹ و ۱۰ پارس جنوبی در سال ۱۳۸۶ در قالب همکاری مشترک با شرکت E&C GS کره جنوبی، واحدهای مربوط در این کنسرسیوم را راهاندازی کرد و دانش فنی را به کشور انتقال داد. در ابتدای سال ۱۳۹۰، با توجه به توانمندی‌های ایجاد شده و فرصت‌های بازار، شرکت راهاندازی و بهره‌برداری صنایع نفت تأسیس و بصورت رسمی فعالیت خود را آغاز نمود. با مهندس بهزاد محمدی مدیر عامل شرکت راهاندازی و بهره‌برداری صنایع نفت درباره خدمات و چشم‌انداز این شرکت گفت‌وگویی انجام دادیم که از نظر می‌گذرد.

تربیت و پرورش نیروی متخصص در این حوزه فراهم نبوده، در نتیجه امروزه با مشکل کمبود نیروی انسانی متخصص و مجرب در این حوزه مواجهیم. شرکت OICO با جذب و آموزش فارغ التحصیلان ممتاز و نمونه از طریق اجرای دوره‌های آموزشی تخصصی و بکارگیری اساتید دانشگاه‌ها و متخصصان صنعت نفت و گاز کشور در حال رفع این مشکل می‌باشد.

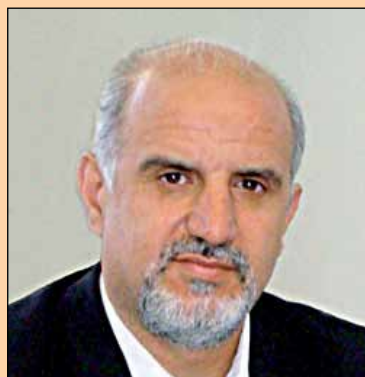
ب - عدم تخصیص اعتبارات و بودجه مناسب و همچنین زمان کافی به مراحل پیش راهاندازی و راهاندازی در زمان تهیه برنامه زمانبندی:

عدم آشنایی پیمانکاران و مجریان داخلی طرح‌های پالایشگاهی و پتروشیمی با ماهیت و اهمیت پیش‌راهاندازی و راهاندازی بعنوان یکی از کلیدی‌ترین مراحل ساخت پالایشگاه‌های کشور سبب شده است تا در زمان تهیه برنامه زمانبندی و تخصیص اعتبارات اولیه پروژه، بودجه و بازه زمانی کافی برای این حوزه در نظر گرفته نشود که بالطبع حاصل این موضوع، بروز مشکلات جدی در تحقق زمان‌بندی و انجام صحیح و به‌موقع تحویل‌دهی در این پروژه‌ها است.

ج - محدودیت‌های ناشی از عدم حضور نمایندگان سازندگان تجهیزات خارجی:

عدم تعهد سازندگان خارجی در ارائه خدمات فنی، عدم حضور به موقع کارشناسان و ندور در زمان‌های تعهد شده و عدم ارائه گارانتی به ویژه در زمان راهاندازی و بهره‌برداری پروژه‌ها نمود بیشتری دارد. البته ضرورت راهاندازی تجهیزات سنگین پروژه NGL سیری در شرایط تحریم، این فرصت را فراهم ساخت تا شرکت OICO بدون حضور و ندور خارجی با استفاده از توان و تخصص کارشناسان و متخصصان داخلی به دانش راهاندازی موفقیت آمیز این تجهیزات عظیم دست یابد.

از جمله فعالیت‌های شرکت ایکو، ارائه خدمات مشاوره در حوزه راهاندازی است، در این خصوص لطفاً توضیحات بیشتری ارائه دهید.



پیش‌راهاندازی (Pre-Commissioning) و راهاندازی (Commissioning) است که اجرای بی‌عیب و نقص آن، می‌تواند مجموعه عظیم پالایشگاه را در نهایت دقت و ایمنی، در هیأت ساختاری زنده و دارای حیات صنعتی فرا روی ما قرار دهد. در واقع با آغاز عملیات راهاندازی، حیات در شیران‌های این واحدهای عظیم صنعتی جریان یافته و حاصل تمامی تلاش‌ها و پیگیری‌های مراحل طراحی، خرید و ساخت متبلور خواهد شد.

انجام مراحل پیش‌راهاندازی و راهاندازی پروژه‌های نفت، گاز و پتروشیمی در کشور معمولاً با چه مشکلاتی رو به رو است؟ مشکلات و موانع موجود در مراحل پیش‌راهاندازی و راهاندازی را می‌توان به سه گروه اصلی دسته بندی کرد:

الف - کمبود نیروی انسانی متخصص: با توجه به اینکه مراحل پیش‌راهاندازی و راهاندازی پروژه‌ها در حوزه نفت و گاز و پتروشیمی تا پیش از راهاندازی فازهای ۹ و ۱۰ پارس جنوبی (پالایشگاه پنجم)، صرفاً توسط شرکت‌های خارجی و بدون مشارکت مؤثر شرکت‌های ایرانی صورت می‌گرفت، عملاً امکان

جناب آقای مهندس محمدی، لطفاً شرکت OICO و حوزه فعالیت‌های شرکت را معرفی نمایید.

شرکت راهاندازی و بهره‌برداری صنایع نفت (ایکو) از سال ۱۳۸۵ فعالیت‌های حرفه‌ای خود را در قالب دیارتان راهاندازی شرکت مهندسی و ساختمان صنایع نفت (اویک) در فازهای ۹ و ۱۰ پارس جنوبی و با مشارکت کنسرسیومی از شرکت GS کره جنوبی و شرکت اویک آغاز نمود و بخش‌های مهمی از پالایشگاه فازهای ۹ و ۱۰ پارس جنوبی را طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ به صورت مشترک با شرکت GS و برخی از واحدها را نیز بصورت مستقل راهاندازی نموده است.

این شرکت در سال ۱۳۹۰ رسماً به عنوان یکی از شرکت‌های تابعه شرکت OIEC با مأموریت ارائه خدمات راهاندازی و بهره‌برداری به صنایع نفت، گاز و پتروشیمی به ثبت رسید و در حال حاضر در پروژه فازهای ۱۸ و ۱۷ و فازهای ۲۰ و ۲۱ پارس جنوبی و پروژه NGL جزیره سیری به عنوان پیمانکار راهاندازی در حال فعالیت می‌باشد. حوزه فعالیت‌های شرکت ایکو به طور خلاصه شامل:

- راهاندازی صنایع نفت، گاز و پتروشیمی پس از اتمام عملیات اجرایی
- اجرای عملیات بهره‌برداری، تولید، تعمیر و نگهداری
- اجرای دوره‌های آموزش عملیات بهره‌برداری، نگهداری و تعمیر و تربیت نیروهای متخصص در این حوزه می‌گردد.

لطفاً جایگاه فعالیت‌های پیش‌راهاندازی و راهاندازی در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی را تبیین فرمایید.

به جرأت می‌توان گفت حلقه اتصال و پل ارتباطی بین دو مرحله EPC و بهره‌برداری با ماهیت‌های کاملاً متفاوت در پروژه‌های نفت و گاز و پتروشیمی، مجموعه عملیات

مراحل
پیش‌راهاندازی و
راهاندازی پروژه‌ها
در حوزه نفت و
گاز و پتروشیمی تا
پیش از راهاندازی
فازهای ۹ و ۱۰
پارس جنوبی، توسط
شرکت‌های خارجی و
بدون مشارکت مؤثر
شرکت‌های ایرانی
صورت می‌گرفت



با شرایط موجود و نیازهای واقعی صنعت نفت و گاز کشور می‌باشند.

جایگاه شرکت OICO را در حوزه فعالیت‌های راه‌اندازی و پیش‌راه‌اندازی صنعت نفت، گاز و پتروشیمی تبیین فرمایید.

با توجه به سوابق ارزنده این شرکت در زمینه راه‌اندازی طی سالیان گذشته و پروژه‌های مهم در دست اجرا همچون فازهای ۱۷ و ۱۸ پارس جنوبی و پروژه NGL سیری، دانش راه‌اندازی در این شرکت نهادینه شده و سرمایه نیروی انسانی متخصص و کارآموده به تثبیت موقعیت این شرکت در صنعت نفت و گاز کشور کمک شایان نموده است.

از طرفی طراحی دوره‌های آموزشی تخصصی و تربیت نیروهای جوان و کارآمد و بکارگیری روش‌های نوین و متدهای پیشرفته در حوزه راه‌اندازی در قالب متدولوژی OICOCOM این شرکت را به شرکتی پیشرو در حوزه راه‌اندازی صنایع نفت تبدیل نموده است.

بدون شک شرکت OICO با دارا بودن چهار پروژه بزرگ در سه حوزه نظارت، مدیریت و اجرای فعالیت‌های پیش‌راه‌اندازی و راه‌اندازی در جایگاه نخست شرکت‌های فعال در حوزه راه‌اندازی صنعت نفت، گاز و پتروشیمی کشور به شمار می‌رود.

دورنمای بازار عملیات پیش‌راه‌اندازی و راه‌اندازی در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی و جایگاه OICO در آن را چگونه می‌بینید؟

رشد سریع صنعت نفت، گاز و پتروشیمی کشور، شرایط خاص کنونی و حساسیت حاکم بر فعالیت‌های حوزه پیش‌راه‌اندازی و راه‌اندازی از یکسو و فرارسیدن مراحل اجرای عملیات پیش‌راه‌اندازی و راه‌اندازی اغلب پروژه‌های نفت و گاز کشور، بالاخص در میداین مشترک از سوی دیگر، ضمن ایجاد بازارهای جدید در این حوزه، ضرورت ایجاد تمهیدات و مقدمات لازم برای ورود مقتدرانه به این عرصه را القا می‌نماید. شرکت OICO با آگاهی از این ضرورت‌ها و شناخت موانع و مشکلات پیش‌رو با برنامه‌ریزی جامع در جهت رفع موانع موجود، حضور فعال، چشمگیر و پرقدرت در این حوزه از صنعت نفت، گاز و پتروشیمی کشور را به‌عنوان چشم انداز خود برگزیده است.

سه گانه EPC، تأثیر مستقیم و انکارناپذیری در اجرای بدون نقص و بهنگام فعالیت‌های راه‌اندازی خواهد داشت. این ویژگی، ضرورت لحاظ نمودن پیش‌نیازها و تمهیدات مورد نیاز دوران راه‌اندازی را در مراحل EPC بیش از پیش برجسته نموده و ابزاری است کارآمد در جهت مدیریت صحیح مراحل حساس Pre-Commissioning و Commissioning پروژه‌ها.

به عبارت دیگر جاری شدن تفکر راه‌اندازی که بر مبنای آن یک واحد صنعتی در حال ساخت، به بخش‌های فرایندی کوچکتر (Subsystem) تقسیم می‌شود و عملیات طراحی، خرید و ساخت در آن، با لحاظ کردن اولویت‌های راه‌اندازی و به صورت موازی صورت می‌گیرد، این امکان را فراهم می‌سازد که در زمان و هزینه اجرای این عملیات کاهش چشمگیری حاصل شود.

آیا شرکت OICO برای مدیریت فعالیت‌های راه‌اندازی، از روش یا سیستم خاصی بهره می‌گیرد؟

توسعه صنایع نفت و گاز ایران در سال‌های اخیر، پیچیدگی طراحی و ساخت پالایشگاه‌ها و نقش روزافزون شرکت‌های ایرانی در این زمینه، مستلزم آشنایی و بکارگیری روش‌های نوینی است که امروزه در جهان برای گسترش این صنایع مورد استفاده قرار می‌گیرد.

شرکت راه‌اندازی و بهره‌برداری صنایع نفت (OICO) نیز با اعتقاد به این ضرورت، با پیاده سازی نرم افزار توانمند ICAPS در زمینه راه‌اندازی و بکارگیری متدولوژی OPERCOM که توسط شرکت فرانسوی TOTAL به همین منظور طراحی و توسعه یافته و همچنین بهره‌گیری از کارشناسان و کاربران مسلط به این نرم‌افزار، از یک‌سو فعالیت‌های پیش‌راه‌اندازی و راه‌اندازی را مدیریت نموده و از سوی دیگر مدیران ارشد پروژه‌ها را قادر می‌سازد تا تمامی مراحل پیش‌راه‌اندازی و راه‌اندازی را مدیریت و کنترل نموده و از جزئیات پیشرفت کار و موانع موجود در هر مرحله از کار آگاهی یابند. هم‌اکنون بومی‌سازی متدولوژی OPERCOM به‌عنوان یک ضرورت، توسط مدیران ارشد شرکت OICO مورد توجه جدی قرار گرفته و کارشناسان و متخصصان این شرکت در حال انجام تغییرات لازم در این متدولوژی و انطباق آن

راه‌اندازی فازهای پارس جنوبی، به ویژه فازهای ۹ و ۱۰ و پروژه NGL سیری که برای اولین بار در کشور با مشارکت و با بصورت مستقل توسط شرکت OICO از طریق به‌کارگیری نیروهای متخصص داخلی صورت گرفت و تحلیل و بررسی مسائل و مشکلات این پروژه‌ها در مراحل مختلف احداث پالایشگاه از طراحی تا بهره‌برداری، زمینه‌ساز باز شدن افق‌های تازه‌ای در حوزه مدیریت پروژه‌های نفت و گاز و پتروشیمی در مراحل Pre-Commissioning و Commissioning گردید و این شرکت را برآن داشت تا تجارب حاصله از این دوره‌ها را بصورت درس آموخته‌های مدون گردآوری نموده و در قالب قراردادهای مشاوره مهندسی راه‌اندازی در سه حوزه طراحی و مهندسی، خرید و تدارکات و ساخت و نصب به پروژه‌های نفت، گاز و پتروشیمی کشور ارائه نماید.

در اجرای این خدمات کارشناسان و متخصصان این شرکت با مطالعه مدارک مهندسی پروژه، بررسی دستورالعمل‌های تدوین شده برای پروژه، مطالعه و بررسی قراردادهای منعقد به پیمانکاران و تأمین کنندگان داخلی و خارجی و تمهیدات در نظر گرفته شده جهت مراحل راه‌اندازی و بهره‌برداری، ضمن تشخیص و اعلام نقایص و مشکلات احتمالی در حوزه‌های فوق، راهکارهای عملی جهت رفع مشکلات یاد شده ارائه خواهند نمود.

ارائه این خدمات، پیمانکاران EPC پروژه‌های نفت، گاز و پتروشیمی را قادر خواهد ساخت تا ضمن پیش‌بینی و شناسایی مشکلات و نواقص احتمالی پروژه در فازهای مهندسی، خرید و تدارکات و ساخت و نصب، نسبت به رفع این گونه مشکلات اقدام و فعالیت‌های راه‌اندازی و بهره‌برداری را با سهولت، در زمان مقرر و با حداقل هزینه و در بالاترین شرایط ایمنی اجرا نمایند.

تأثیر و نمود فعالیت‌های راه‌اندازی را در عملیات طراحی، خرید و اجرای پروژه‌های نفت، گاز و پتروشیمی توضیح دهید.

از آنجایی که نتیجه نهایی اجرای مراحل طراحی، خرید و ساخت با اتمام فعالیت‌های راه‌اندازی به منته ظهور رسیده و تحویل دهی پالایشگاه با پایان یافتن این مرحله انجام می‌شود، لذا دقت و حساسیت در اجرای هر یک از مراحل

بومی‌سازی
متدولوژی
OPERCOM
توسط مدیران ارشد
شرکت OICO مورد
توجه جدی قرار گرفته
و کارشناسان
و متخصصان این
شرکت در حال انجام
تغییرات لازم در این
متدولوژی هستند

راهاندازی کنسرسیوم حمل و نقل دریایی

کنسرسیوم حمل و نقل دریایی با حضور پررنگ اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی راهاندازی شد. روابط عمومی اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی، در این باره اطلاعیه‌ای بدین شرح منتشر کرد: احتراماً پیرو اطلاع رسانی‌های قبلی در مورد کنسرسیوم حمل و نقل دریایی اعلام می‌دارد، مراتب راهاندازی این کنسرسیوم که موفقیت دیگری به دنبال موفقیت اول (راهاندازی کنسرسیوم صادرات نفت خام) برای اتحادیه محسوب می‌گردد، خوشبختانه مورد استقبال جمع کثیری از اعضا و علاقمندان خارج از اتحادیه قرار گرفته و با انتخاب هیات مدیره کنسرسیوم در مجمع مورخ ۹۱/۰۸/۳۰ امور مربوط به ثبت آن در حال پیگیری است. از آنجا که این کنسرسیوم با محدودیت پذیرش سهامداران مواجه نمی‌باشد و افراد حقیقی و حقوقی داوطلب چه عضو و چه غیر عضو می‌توانند به عضویت آن نائل شوند و از طرفی این اتحادیه وظیفه دارد با معرفی موقعیت‌های سرمایه‌گذاری و تجاری به اعضا، فرصت لازم را برای مشارکت ایشان در پروژه‌های مرتبط با حوزه نفت، گاز و پتروشیمی مهیا سازد، لذا مراتب جهت اطلاع اعضای اتحادیه اعلام می‌شود، تا در صورت تمایل در این پروژه که می‌تواند شرایط بهتری برای گسترش فعالیت‌های تجاری و بازرگانی، تسهیل حمل و نقل دریایی و عرضه کالاهای ایرانی در بازارهای بین‌المللی فراهم نماید، مشارکت فرمایند.



راهاندازی بزرگترین واحد اتیلن جهان تا خرداد ۹۲

هر دو واحد بزرگترین تولیدکننده اتیلن جهان می‌شود. امیری اظهار داشت: تاکنون ۱۰ هزار تن اتیلن تولید شده که بخش کوچکی از آن ذخیره شده و بخشی به وسیله خط اتیلن غرب به پتروشیمی ارون و بخشی نیز به آریاساسول ارسال شده است.

وی اضافه کرد: قرار است خرداد ماه آینده فاز دو این طرح وارد سرویس شود که بخشی از آن منوط به دریافت بعضی قطعات در حال ساخت است. مدیر عامل پتروشیمی کاویان اضافه کرد: ۲۰٫۵ درصد از سهام کاویان به صندوق بازنشتگی نفت، ۲٫۵ درصد به شرکت خصوصی پانید، ۵۱ درصد به هلدینگ پتروشیمی باختر و ۲۶ درصد سهام به تعدادی از طرح‌های مسیر خط لوله غرب که به پتروشیمی باختر تعلق دارند، اختصاص دارد. امیری اضافه کرد: اتان به قیمت ۱۷۵ دلار در هر تن دریافت می‌شود و قیمت اتیلن در فروش داخل فوب منهای ۵ درصد است که عملاً در قیمت‌های فعلی ۹۵۰ دلار در هر تن خواهد بود. وی در باره انگیزه کاویان برای صادرات اتیلن اظهار داشت: هلدینگ باختر در تمام مجموعه‌های دریافت‌کننده خوراک سهام دارد و با توجه به سهام آن در کاویان این شرکت انگیزه چندانی در صادرات محصولات خود به جای تزریق به خط لوله اتیلن غرب نخواهد داشت. مدیرعامل کاویان تأکید کرد: صادرات محصولات پتروشیمی با مجوز ان‌پی‌سی (شرکت ملی پتروشیمی) ممکن می‌شود و تنها در صورت مازاد بودن محصولات صادر می‌شود. وی در خصوص نحوه ارسال اتیلن در خط لوله غرب گفت: اتیلن با فشار اولیه ۳۰ کیلو بار به صورت گاز منتقل می‌شود و تا پلیمر کرمانشاه بدون تقویت فشار قابل ارسال است، اما بعد از کرمانشاه اتیلن وارد فاز سوپرکریتیکال می‌شود که نه مایع و نه گاز است و به وسیله کمپرسورها منتقل خواهد شد. وی اظهار داشت: زمان بازگشت سرمایه‌گذاری انجام شده در برآورد اولیه شش سال در نظر گرفته شده است و هزینه تمام شده به طور تقریبی ۱۰ میلیارد تومان در ماه است.

مدیر عامل پتروشیمی کاویان از راهاندازی واحد دوم این پتروشیمی در صورت تامین خوراک مورد نیاز تا خرداد ماه ۹۲ خبر داد. رضا امیری در نشست خبری با بیان اینکه پتروشیمی کاویان یکی از بزرگترین تولیدکنندگان اتیلن است که در نهایت توان تولید ۲ میلیون تن اتیلن را در سال دارد، گفت: هدف از اجرای این طرح پتروشیمی تزریق اتیلن به خط لوله غرب است، تا توسعه صنعت پتروشیمی معدود به مناطقی که خوراک در دسترس دارند، نباشد. وی افزود: واحدهای اندیمشک، کرمانشاه، کردستان، لرستان، میاندوآب و مهاباد از این خط لوله، اتیلن دریافت می‌کنند و مازاد اتیلن کاویان کمبود این خوراک را در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر برطرف می‌کند. مدیر عامل پتروشیمی کاویان با اشاره به آغاز اجرای این طرح از سال ۸۵ اظهار داشت: کاویان با تمام محدودیت‌های خارجی ایجاد شده کار خود را پیش برده و الان یکی از واحدها در مدار تولید قرار گرفته است. وی افزود: تمرکز روی بومی‌سازی است چنانکه از نظر وزنی بیش از ۶۵ درصد از تاسیسات و قطعات توسط شرکت‌های داخلی ساخته شد و از نظر ارزش ۶۰ درصد تجهیزات خارجی و ۴۰ درصد داخلی است.

امیری هزینه سرمایه‌گذاری این طرح را ۳۹۰ میلیون یورو به اضافه ۴۵۰ میلیارد تومان اعلام کرد و گفت: منابع ارزی ۳۹۰ میلیون یورویی از طریق صندوق ذخیره ارزی و به عاملیت بانک صنعت و معدن از صندوق توسعه ملی تامین شد که بازپرداخت آن به صندوق توسعه ملی انجام می‌شود. وی درباره تامین خوراک اتان این پروژه توضیح داد: قرار بود از فازهای ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ هر کدام یک میلیون تن در سال و بقیه نیاز ما از مازاد تولید فازهای ۹ و ۱۰ و ۴ و ۵ پارس جنوبی تامین شود، اما فازهای ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ با تاخیر مواجه شدند و تنها ۵۰ درصد خوراک یک واحد را از مازاد فازهای ۹ و ۱۰ دریافت می‌کنند. وی ظرفیت کل خوراک مورد نیاز کاویان در دو واحد را ۲٫۵۸ میلیون تن دانست و گفت: کاویان پس از راهاندازی

هلدینگ باختر در تمام مجموعه‌های دریافت‌کننده خوراک سهام دارد و با توجه به سهام آن در کاویان این شرکت انگیزه چندانی در صادرات محصولات خود به جای تزریق به خط لوله اتیلن غرب نخواهد داشت

پرونده‌ای برای پتروشیمی



بررسی آخرین وضعیت پتروشیمی در کشور

آسیب‌شناسی محدودیت‌های اعمال‌شده در صنعت پتروشیمی

در چند ماه اخیر از میان فرآورده‌های نفتی، پتروشیمی پرخبرترین محصول بوده است و با توجه به اظهارات مسوولان درباره گرانی‌ها و افزایش قیمت‌ها، دست‌اندرکاران صنعت پتروشیمی شاهد محدودیت‌هایی عجیب و غریب بودند. مهمترین اظهارنظر در این باره را مدیرکل دفتر نظارت بر کالاهای غیرفلزی سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان انجام داد. وی در این باره به یکی از خبرگزاری‌ها گفت: تمامی واحدهای تولیدکننده مشمول اعلام موجودی خود شده و از سوی دیگر، باید محصولات خود را به همراه کد شناسه بر روی بسته‌بندی عرضه کنند تا تخلفات قابل پیگیری باشد.

دانش پورشفیعی

تمامی مجتمع‌های تولیدی پتروشیمی حداکثر تا پایان سال جاری محصولات خود را به همراه کد شناسه بر روی بسته‌بندی عرضه کنند تا در صورت مشاهده در بازار امکان رهگیری آن و برخورد با واحد متخلف وجود داشته باشد.

توقف صادرات!

وی اظهار داشت: افزایش نرخ ارز مهمترین عامل انگیزه تجار و صادرکنندگان برای خروج مواد پتروشیمی از کشور و در نتیجه کمبود عرضه و افزایش بی‌رویه قیمت محصولات در داخل به شمار می‌رود لذا همانطور که واردات بی‌رویه به تولیدات داخل لطمه می‌زند، صادرات کنترل نشده و بی‌رویه نیز بازار را مختل کرده و به هم می‌ریزد که سیاست توقف صادرات برخی از محصولات پتروشیمی با اجماع تمامی اعضای کمیته تخصصی مربوطه همراه بوده است. مدیرکل دفتر نظارت بر کالاهای غیرفلزی سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان ادامه داد: علاوه بر این، تعدیل قیمت محصولات با استقبال انجمن‌های صنفی و صنعتی تولیدکنندگان پایین دستی نیز مواجه شده است که البته این نکته را نیز باید مورد توجه داشت که به دلایلی از جمله اشباع بازار یا مقاومت تقاضا در برابر قیمت بورس و روند رو به کاهش قیمت مواد و نیز نداشتن نقدینگی خریداران، احتمال انباشت کالا در انبارهای مجتمع‌های پتروشیمی و در نتیجه بروز مشکلات حادث‌تر وجود دارد، لذا به نظر می‌رسد پس از اطمینان از تامین نیاز داخلی که با ارائه آمار دقیق تولید واقعی، واردات، صادرات و مصرف متولیان امر مشخص می‌شود می‌بایست سریعاً برخی از مقررات وضع شده را در کارگروه تخصصی مربوطه بازنگری و جهت تصویب در مراجع ذی‌ربط تصمیم‌گیر طرح نماییم.

صنعتی کاملاً خصوصی

سخنان مدیرکل دفتر نظارت بر کالاهای غیرفلزی در حالی بیان می‌شود که خطر

عرضه خارج از بورس تخلف تعزیراتی محسوب می‌شود. این مقام مسوول در سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان خاطرنشان کرد: هم‌اکنون این موضوع به صورت جدی از طریق وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت نفت در حال پیگیری است به طوری که عرضه محصولات در آبان ماه در بورس نسبت به مهرماه سال جاری، حدود ۱۶۷ هزار تن معادل ۶۵ درصد افزایش داشته است. این امر مانع رسیدگی به تخلفات واحدهایی که در ماه‌های گذشته تولید خود را در بورس عرضه نکرده‌اند یا عرضه نامناسب داشته‌اند، نمی‌شود و دیر یا زود باید پاسخگو بوده و تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت؛ از طرفی طبق مصوبه ستاد هدفمندی یارانه‌ها قطع خوراک پتروشیمی‌های متخلف از طریق وزارت نفت نیز امکان پذیر است. به گفته مولاخواه، با تدبیر و دستور کارگروه کنترل بازار، با توجه به مشکلاتی که در حوزه پتروشیمی وجود دارد، کارگروهی تخصصی متشکل از نمایندگان وزارت نفت، وزارت صنعت، معدن و تجارت، شرکت ملی صنایع پتروشیمی، بورس کالای ایران و انجمن‌های صنفی بخش خصوصی، مجتمع‌های پتروشیمی و صنایع پایین دستی با هدف تنظیم بازار، قیمت و توزیع محصولات پتروشیمی تشکیل شده است که هفته‌ای دو بار تشکیل جلسه داده و موضوعات مرتبط با تامین، توزیع، مصرف، قیمت و صادرات محصولات پتروشیمی را بررسی و به مشکلات رسیدگی می‌کند. طبق مصوبه ستاد هدفمندی یارانه‌ها با توجه به شرایط عرضه و تقاضای محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی در بازار، وزارت نفت با همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت موارد کمبود را از طریق واردات جبران خواهد کرد. با توجه به اینکه تولید برخی از مواد پتروشیمی کفاف نیاز داخلی را نمی‌دهد، سقف خرید آن در بورس در نظر گرفته شده است و از طرفی در بازار آزاد نیز تصمیم گرفته شده که

محصولات پتروشیمی به عنوان ماده اولیه تاثیرگذار در بهای تمام شده اکثر محصولات تولیدی صنایع پایین دستی و قیمت نهایی این تولیدات از اهمیت بسزایی برخوردار است. بر همین اساس، با توجه به حساسیت این مواد و نوسانات شدید قیمت آن در بازار، طرح تشدید اقدامات نظارتی بر توزیع و مصرف مواد پتروشیمی از ۲۰ آبان ماه در سراسر کشور اجرا شده است. در این طرح که تا زمان عادی شدن وضعیت قیمت محصولات پتروشیمی ادامه دارد، رسیدگی به فعالیت تمامی واحدهای تولیدکننده و مصرف‌کننده مواد پتروشیمی و انبارهای مربوطه و استقرار بازرس در مراکز نگهداری در دستور کار قرار گرفته است. مولاخواه تصریح کرد: در این طرح واحدهای تولیدی که اقدام به ثبت‌نام در سایت بهین‌یاب و خرید محصولات پتروشیمی از بورس کالا کرده‌اند، مورد بازرسی قرار می‌گیرند و با واحدهای فاقد صلاحیت که عدم صحت نشانی یا غیرفعال بودن آنها برای بازرسان سازمان صنعت، معدن و تجارت استان‌ها محرز شود طبق قوانین و مقررات جاری رفتار خواهد شد.

به گفته مولاخواه، تاکنون ۱۰۰ واحد غیرتولیدی در استان‌ها شناسایی و به مراجع ذی‌ربط قانونی جهت رسیدگی و غیرفعال نمودن کد فعالیت معرفی شده‌اند، همچنین تمامی واحدهای تولیدی حق تخلیه بار و نگهداری مواد مصرفی در انبارهای خارج و دور از کارگاه تولیدی خود را نداشته یا باید دلیل موجه داشته باشند. البته در این ارتباط نیز ناظران افتخاری به طور نامحسوس موارد احتکار و اختفاء محصولات پتروشیمی را در انبارهای غیررسمی شناسایی و به تلفن ۱۲۴ گزارش دهند. وی اظهار داشت: بر اساس تصمیمات متخذه در ستاد هدفمند کردن یارانه‌ها و کارگروه کنترل بازار، عرضه مستمر و کامل محصولات تولیدی مجتمع‌های پتروشیمی اعم از دولتی و غیردولتی در بورس کالا امری الزامی است و گذر از آن و

۱۰۰ واحد
غیرتولیدی در
استان‌ها به مراجع
ذی‌ربط قانونی جهت
رسیدگی و غیرفعال
نمودن کد فعالیت
معرفی و اعلام شده
واحدهای تولیدی حق
تخلیه بار و نگهداری
مواد مصرفی در
انبارهای خارج و دور
از کارگاه را ندارند



عربستان نباشد. او راهاندازی یک واحد پتروشیمی را نیازمند یک میلیارد دلار سرمایه‌گذاری اولیه می‌داند. مهدوی ادامه می‌دهد: زمانی که سایبیک عربستان قیمت خوراک واحدهای پتروشیمی را به مدت ۱۰ سال ثابت نگه می‌دارد، سرمایه‌گذار با اطمینان و امنیت کامل اقدام به سرمایه‌گذاری در چنانچه در ایران نیز دولت در موضوع خوراک دقت لازم را داشته باشد، سرمایه‌گذاران خارجی می‌آیند چون می‌دانند که خوراک مورد نیاز واحدهای پتروشیمی که همان گاز است در ایران به خوبی قابل تهیه است.

مهدوی گلابیه می‌کند که در زنجیره‌های پایین‌دستی پتروشیمی قصور کردیم، هم مجلس شورای اسلامی، هم بخش خصوصی و هم دولت؛ چون به آنها توجهی نشده است و باید مشوق‌هایی برای آنها ایجاد کرد. به گفته دبیر کل انجمن صنایع صنفی پتروشیمی ایران، برای تسهیل تامین خوراک واحدهای پتروشیمی، مجلس شورای اسلامی مصوباتی دارد که دولت نصف آن را انجام داده و بقیه را رها کرده است. به عنوان نمونه برای راهاندازی واحدهای پتروشیمی که از گاز استفاده می‌کنند، تقاضا زیاد است و در مقابل برای واحدهای پتروشیمی‌ای که از نفتا استفاده می‌کنند چون قیمت خوراک آنها مناسب نیست، تقاضا وجود ندارد.

صادرات به ۶۰ کشور دنیا

دبیر کل انجمن صنایع صنفی پتروشیمی ایران از صادرات محصولات پتروشیمی به ۶۰ کشور دنیا و ۵ قاره جهان خبر می‌دهد و اذعان می‌کند با وجود تحریم‌ها، میزان صادرات کاهش پیدا نکرده است. حتی اگر کشوری اروپایی میزان خرید خود را کم کرده بلافاصله کشور و بازار دیگری جایگزین شده است. او تنوع محصولات تولیدی پتروشیمی را

شاید در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ یا تا پایان برنامه هشتم، تولید محصولات پتروشیمی را به یکصد میلیون تن در سال برساند.

مهدوی گفت: اکنون گاز چه اتان و چه متان یک خوراک مهم در صنعت پتروشیمی است ولی به میزان کافی در اختیار واحدهای پتروشیمی قرار نمی‌گیرد. او در پاسخ این پرسش که چند درصد از گاز تولیدی کشور در صنعت پتروشیمی استفاده می‌شود؟ میزان آن را حدود ۸ درصد اعلام و اضافه می‌کند: ما توقع داریم سهم پتروشیمی از مصرف گاز به ۳۰ و حتی ۴۰ درصد برسد، در جایی که قطری‌ها ماهانه ۴ هزار میلیارد دلار گاز از سهم ایران در میدان مشترک پارس جنوبی را می‌برند. به اعتقاد مهدوی، چنانچه به اعداد ۳۰ تا ۴۰ درصدی سهم پتروشیمی از مصرف گاز کشور برسیم، صادرات محصولات پتروشیمی که در حال حاضر (سال ۱۳۹۱) نزدیک به ۱۵ میلیارد دلار است و ۴۴ درصد صادرات غیرنفتی را تشکیل می‌دهد به حدود ۸۰ میلیارد دلار در سال می‌رسد.

از سایبیک عقب نمانیم

مهدوی تاکید می‌کند اگر متانول را که نخستین صادرکننده آن به چین و دومین صادرکننده به اروپا هستیم، به جای صادرات به زنجیره‌های بعدی تولیدی بیاوریم، ارزش افزوده بالایی نصیب کشور می‌شود. مهدوی می‌گوید باید برای صنعتی که مزیت فراوان داشته و پایدار بوده چون خوراک به اندازه کافی دارد، جذب سرمایه کرد. اکنون شرکت «سایبیک» عربستان رقیب اصلی ایران در منطقه است که در طول دوره چشم‌انداز ۲۰ ساله باید از آن پیشی بگیریم اما برای تحقق این امر تنها سرمایه‌گذاری داخلی کافی نیست باید سرمایه‌گذاری خارجی را هم جذب کرد. برای این کار باید فضای کسب و کار را درست کنیم و قیمت خوراک واحدهای پتروشیمی بالاتر از کشور

سیاسی شدن، صنعت پتروشیمی را تهدید می‌کند. محدودیت‌های جدید با وجود ظاهری قانونی نشان می‌دهد که مسوولان تمایل زیادی برای تعامل با بخش خصوصی ندارند. توسعه و گسترش صنعت پتروشیمی ایران از دهه ۷۰ و همزمان با برنامه سوم توسعه صورت گرفت طوری که به اذعان بیشتر فعالان اقتصادی چنانچه دیگر صنایع نیز همراه صنعت پتروشیمی چنین پیشرفتی را تجربه کرده بودند اکنون ایران، ایران دیگری بود اما حیف که چنین نشد.

دبیر کل انجمن صنایع صنفی پتروشیمی ایران معتقد است موضوع خصوصی‌سازی و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در صنعت پتروشیمی از سایر بخش‌ها جلوتر بوده است. به گفته وی، این صنعت باید به دست بخش خصوصی توسعه پیدا کند چرا که براساس اصل ۴۴، دولت حق سرمایه‌گذاری ندارد.

آن ۴۱ واحد هر یک به طور مجزا در حال فعالیت بوده و محصول خاصی از پتروشیمی را تولید می‌کنند. بنا بر اعلام انجمن صنایع صنفی پتروشیمی ایران، ظرفیت اسمی تولید این واحدها بالای ۴۰ میلیون تن در سال بوده ولی ظرفیت واقعی آنها هم اکنون ۳۰ میلیون تن است. گفتنی است میزان اشتغالزایی ایجاد شده از سوی صنعت پتروشیمی با توجه به زنجیره‌های آن هم بیش از ۵۰ هزار تن است. اینکه چرا تولیدکنندگان محصولات پتروشیمی از همه ظرفیت خود برای تولید استفاده نمی‌کنند، به دلیل عدم تامین خوراک واحدهای پتروشیمی است که بعضی از آنها وابسته به فازهای پارس جنوبی است البته برخی از واحدها حتی بیش از صد درصد ظرفیت تولید کار می‌کنند با این وجود اغلب واحدها با ۸۰ درصد ظرفیت خود کار می‌کنند.

خوراک واحدهای پتروشیمی هیدروکربن‌ها هستند اما گازی که ایران دارد، کشور عربستان ندارد و گاز آن همراه نفت است؛ از این توان و نعمت خدادادی و برکت، ایران باید استفاده کند و اقتصاد خود را رشد دهد چه اینکه اگر زنجیره پتروشیمی کامل شود و از همه ظرفیت‌ها استفاده کنیم و زنجیره‌های تولید را کامل کنیم، تنها پتروشیمی می‌تواند اقتصاد این کشور را اداره کند و به هیچ چیز دیگر هم نیازی نیست. در واقع باید از خام‌فروشی جلوگیری کرده و فقط به پتروشیمی بهاد داد. به طور قطع این صنعت می‌تواند اقتصاد کشور را نجات داده و به اقتصاد پایدار برساند.

خوراک بدهند، تولید به ۱۰۰ میلیون می‌رسد

احمد مهدوی اعتقاد دارد خداوند نعمتی به این کشور برای خوراک محصولات پتروشیمی داده است که این تنوع محصول را هیچ کجای دنیا ندارد یعنی کشورهای عربستان، قطر و دیگر کشورهای همسایه ایران و حتی روسیه هم این مزیت را ندارند. مهدوی در پاسخ این پرسش که چه اتفاقاتی لازم است بیفتد تا پتروشیمی بتواند اقتصاد کشور را نجات دهد، می‌گوید: ابتدا باید به برنامه‌های ۵ ساله کشور و به قانون عمل کنیم. در واقع ظرفیت‌هایی که اکنون در حال ایجاد است

اگر متانول را که
نخستین صادرکننده
آن به چین و دومین
صادرکننده به
اروپا هستیم، به
جای صادرات به
زنجیره‌های بعدی
تولیدی بیاوریم
ارزش افزوده بالایی
نصیب کشور
می‌شود

نزدیک به ۲۰ نوع اعلام می‌کند که در حال افزایش است و در آینده نزدیک و با راه‌اندازی واحدهای جدیدی که در دست اجرا هستند این میزان به ۳ برابر رقم کنونی خواهد رسید. به تاکید مهدوی چنانچه چرخه تولید در صنعت پتروشیمی کشور کامل شود، انقلابی در این صنعت به وجود می‌آید. چه اینکه با تحقق این امر در تنوع محصولات پتروشیمی با توجه به تنوع خوراک، به طور قطع آنچه را که علم امروز در دنیا توانسته اجرایی کند و به تولید برساند ما هم می‌توانیم به همان اندازه تنوع محصولات داشته باشیم.

او وضعیت صنعت پتروشیمی در بخش دانش فنی را بسیار مناسب می‌داند طوری که بسیاری از پروژه‌ها به دست متخصصان داخلی در حال اجراست و امروز لنگ اینکه بخواهیم از مهندسان خارجی برای پروژه‌ای استفاده کنیم، نیستیم. به گفته مهدوی، صنعت پتروشیمی از جمله صنایعی است که هیچ‌گاه در دنیا کهنه نمی‌شود و همیشه و هر روز به آن نیاز است.

او اعتقاد دارد چنانچه بخواهیم ظرفیت تولید این صنعت را از ۵۴/۵ میلیون تن کنونی به یکصد میلیون تن برسانیم به یکصد میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز است در حالی که میزان سرمایه‌گذاری صورت گرفته این صنعت تاکنون بیش از ۵۰ میلیارد دلار است. مهدوی تاکید می‌کند که این صنعت ریسک ندارد و دودو تا چهارتاست.

خروج قیمتگذاری از بورس

دبیرکل انجمن صنایع صنفی پتروشیمی ایران در ادامه تصریح می‌کند: محصولات پتروشیمی‌ای که تولید آنها کم است نباید وارد بورس شده و قیمتگذاری شود چراکه به دست تولیدکننده اصلی نمی‌رسد.

مهدوی اضافه می‌کند: در این زمان برخی معامله‌گران وارد بورس شده و محصول را خریداری می‌کنند و به دلیل نبود آن در بازار، با قیمت بالاتری به تولیدکنندگان واقعی می‌فروشند.

او از برگزاری جلساتی با حضور سازمان بورس و اوراق بهادار، تولیدکنندگان، وزارت صنعت، معدن و تجارت و شرکت ملی پتروشیمی خبر می‌دهد که تلاش شده از بروز چنین مشکلاتی جلوگیری شود البته در این باره سامانه بهین یاب طراحی شده تا چنانچه کسی کالای پتروشیمی را از بورس خرید، کد رهگیری به او داده شود که بر این اساس اجازه صادرات آن را ندارد. او پیشنهاد می‌کند محصولات پتروشیمی عرضه شده در بورس، درجه‌بندی شوند که در این صورت مصرف‌کنندگان اصلی آنها نیز مشخص هستند. به عنوان نمونه گرید فیلم در PP را فقط ۵ کارخانه در ایران مصرف می‌کنند و نیاز آنها هم بر اساس میزان تولیدشان معلوم است. بر این اساس همین ۵ مصرف‌کننده هم می‌توانند آن محصول را از بورس خریداری کنند.

مهدوی درخواست می‌کند بهتر است چنانچه عرضه ماده‌ای بیش از نیاز مصرف‌کنندگان اصلی بود پس از ۲ بار عرضه در بورس و عدم خرید، به آن اجازه صادرات داده شود.



محصولات
پتروشیمی‌ای که
تولید آنها کم است
نباید وارد بورس
شده و قیمتگذاری
شود چراکه به دست
تولیدکننده اصلی
نمی‌رسد

این روزهای پتروشیمی

منع صادرات پتروشیمی؛ تضاد قانونی



پدرام سلطانی*

در واقع ممکن است این کالاها با قیمتی مناسب در بازار داخلی عرضه شود اما به دلیل تفاوت قیمت این کالاها با نرخ جهانی، زمینه‌ای مساعد برای قاچاق به وجود می‌آید.

علاوه بر این صدور بخشنامه‌های متعدد و لوايح دولت از قبيل ماليات‌های مستقيم و اصلاح قانون نظام صنفی موجب ايجاد جرم‌های جديد مالياتی و بروز مشکلات پی‌درپی می‌شود. همچنان که اتفاقات چند ماهه اخير و تصمیماتی که از سوی دولت گرفته می‌شود، صدمات زیادی به حوزه نفت و پتروشیمی وارد کرده است. در این میان صدور بخشنامه ممنوعیت صادرات، حمله‌ای به صنایع پتروشیمی است. گرچه برخی اقلام محصولات پتروشیمی را از فهرست کالاهایی که صادرات آنها ممنوع شده بود، خارج کرده‌اند اما به نظر می‌رسد که در این بخش از صنعت پتروشیمی که کمیسیون انرژی متولی آن است نیاز به بررسی، اظهارنظر و ارائه گزارش هست. همچنین تصمیم دولت برای دریافت مالیات بر درآمد از برخی اقلام صادراتی فرآورده‌های نفتی به این صنعت آسیب خواهد زد. نکته قابل توجه اینکه تعدد بخشنامه‌های دولت و لوايحي که مرتب به مجلس می‌روند هر کدام فاجعه‌ای در پی دارند که در این راستا اتاق ایران کارگروهی برای بررسی لایحه مالیات‌های مستقیم که به مجلس ارائه شده، تشکیل داده است و این لایحه را به طور جدی بررسی می‌کند. این لایحه موجب ايجاد جرم‌های جديد در حوزه مالیاتی می‌شود.

*نایب رئیس اتاق ایران

از سوی دیگر تاکنون سندی مبنی بر احتکار محصولات پتروشیمی و افزایش قیمت آن از سوی واحدهای تولیدی پتروشیمی ارائه نشده است. از این رو، نمی‌توان این ادعا را تایید کرد که به واسطه احتکار، این مشکلات به وجود آمده است. کالاهای پتروشیمی در زمره محصولاتی هستند که از نرخ جهانی برخوردارند و قیمت این محصولات نیز تابع نرخ ارز است. در چنین شرایطی با افزایش نرخ ارز، نرخ ریالی این کالاها نیز افزایش می‌یابد. دولت اگر به دنبال تنظیم بازار داخل است و البته به این نکته توجه دارد که خوراکي که به واحدها تعلق می‌گیرد یارانه‌ای است باید به نسبت رقم یارانه‌ای که به تولید محصولات پتروشیمی تعلق گرفته است، برای صادرات آن عوارض تعیین کند البته برای دوره‌ای موقت. تصریح می‌کنم که به هر حال میزان شفافیت در اقتصاد یارانه‌ای در سطح نازلی قرار دارد و امکان شکل‌گیری رانت بالاست. بنابراین مدیریت این اقتصاد دشوار است و به عقیده من تدبیر اصلی این است که به جای توسل به سیاست‌های پیچیده‌تر، یارانه‌ها کاهش یابند. اگر استنباط این است که در جنگ اقتصادی قرار داریم و می‌خواهیم با پایین نگه‌داشتن قیمت‌ها در بازار داخل، مجالی برای تولید کالاهای ارزان‌تر ایجاد کنیم و زمینه را برای رونق صنایع پایین‌دستی و در نهایت حفظ قدرت خرید مردم فراهم کنیم، باید بر مبنای اصول اقتصاد تصمیم بگیریم. در شرایط موقت، تعیین عوارض برای صادرات ممکن است راهگشا باشد اما باید این نکته را مورد توجه قرار دهیم که این اقدام نیز موجب شکل‌گیری رانت در بازار داخل می‌شود.

اقتصاد کشور در شرایط کنونی با چالش‌های بسیاری روبه‌رو است اما مدیریت این چالش‌های روزافزون باید به گونه‌ای باشد که به چالش‌ها و تهدیدات جدید دامن نزند. یکی از موضوعاتی که به طور حتم در این شرایط باید از آن پرهیز شود، گرفتن تصمیمات خلق‌الساعه است. ریشه‌های که در چند وقت اخیر دامنگیر بازار محصولات پتروشیمی شد، در رانتي است که به وجود آمده اما بخشنامه‌ای که به منظور ممانعت از صادرات ۵۲ قلم کالا صادر شد، با قانون در تعارض است؛ نخست ماده ۱۰۴ قانون برنامه پنجم که ممنوعیت صادرات کالاهای به غیر از اشیای عتیقه، آثار باستانی و ذخایر ژنتیکی کشور مجاز ندانسته و بنابراین صادرات هیچ کالایی نباید ممنوع اعلام شود و اگر یارانه مستقیمی به واردات یا تولید کالایی اختصاص یافته است، میزان یارانه باید توسط سازمان حمایت تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان تشخیص داده شود و پیش از صادرات به عنوان عوارض از صادرکنندگان این کالاها دریافت شود. از سوی دیگر، اعمال این ممنوعیت از منظر قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار نیز دارای اشکال است. ماده ۲۴ این قانون، دولت را مکلف کرده که پیش از گرفتن هر تصمیمی که ممکن است اقتصاد را تحت‌تأثیر قرار دهد، متناسب با این تصمیم، اطلاع‌رسانی کند و به گونه‌ای عمل کند که ضرر و زیانی متوجه فعالان اقتصادی نشود. در حالی که این بخشنامه بدون هر نوع پیش‌آگهی صادر شده است. من معتقدم این دستورالعمل، اثر خود را در آینده روی نرخ ارز آشکار خواهد کرد.

صادرات هیچ
کالایی نباید ممنوع
اعلام شود و اگر
یارانه مستقیمی
به واردات یا تولید
کالایی اختصاص یافته
است، میزان یارانه
باید توسط سازمان
حمایت تولیدکنندگان
و مصرف‌کنندگان
تشخیص داده شود

نمایی از مشکلات صادرکنندگان

سازمان توسعه تجارت تعامل یا تقابل؟

وزارت صنعت، معدن و تجارت در زیرمجموعه خود سازمانی به نام «سازمان توسعه تجارت ایران» دارد که ریاست آن نیز برعهده معاون وزیر در توسعه روابط اقتصادی است. در واقع این سازمان از سال ۱۳۸۴ کار خود را آغاز کرد. آن زمان که مرکز توسعه صادرات ایران تبدیل به سازمان شد. بر اساس اطلاعات مندرج در پایگاه اطلاع‌رسانی این سازمان به نشانی www.tpo.ir اهداف بنیادین این سازمان شامل ارتقای صادرات و توسعه تجارت خارجی، تقویت و توسعه ظرفیت‌های تجاری در سطح کشور، تقویت تراز تجاری، ارتقای دانش و فرهنگ صادراتی و تجارت خارجی و برنامه‌ریزی، سیاستگذاری و اعمال نظارت عالیه در امر توسعه تجارت خارجی است. آنچه از این اهداف حاصل است اینکه وظیفه اصلی سازمان زمینه‌سازی و گسترش تجارت خارجی و به دنبال آن افزایش صادرات است.

بیتدا یزدان‌فرجی

حوزه تجارت خارجی و تعامل بیشتر صادرکنندگان با واردکنندگان در راستای وفاق و هم‌افزایی دولت و بخش خصوصی در جهت رفع محدودیت‌های ارزی کشور انجامید.

این فشار اما یکسویه شد، چرا که تاکنون هنوز گروه‌هایی از جمله ۱۴/۵ درصد منابع شرکت ملی نفت و شرکت‌های پتروشیمی و دولتی ارز خود را به مرکز مبادلات ارزی نیاورده‌اند و در این میان سازمان توسعه تجارت در مقام تنها متولی بخش صادرات در این باره سکوت کرده است.

هم‌اکنون نرخ ارز مبادله‌ای با هزینه‌های تمام شده آن بیش از ۲۵۰۰ تومان است؛ یک ماه خواب پول و هزینه فرصت آن هم به هزینه تمام شده واردکنندگان اضافه شده و همچنین ۳۵ درصد تضامینی که به صورت نقدی توسط بانک بلوکه می‌شود از عوامل افزایش قیمت تمام شده نرخ ارز در مرکز مبادلات ارزی است، پس نرخ ارز مرکز مبادلات ارزی ۲۵۰۰ تومان نیست بلکه حداقل ۱۰ تا ۱۲ درصد به این عدد اضافه می‌شود.

همچنین در این مسیر ارز صادرکنندگان ۱۰ درصد ارزان‌تر خرید می‌شود و با توجه به اینکه صادرکننده برای تحصیل ارز خود در شرایط تحریم، هزینه می‌کند این هزینه نیز بیش از ۱۰ درصد است بنابراین در مجموع حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد اختلاف میان ارز مرکز مبادلات و ارز صادرکننده به وجود می‌آید. این روش در حقیقت اجحاف در حق صادرکنندگان است که با فشار و اجبار صورت می‌گیرد و سکوت سازمان توسعه تجارت ایران در این باره، دایره را بر صادرکنندگان روز به روز تنگ‌تر می‌کند.

به راستی این سازمان با دانستن تمام این راستی‌ها نباید حداقل در جهت اجرای خط‌مشی‌های سازمانی خود و حرکت در مسیر دستیابی به اهداف خویش، به حمایت از صادرکنندگان بپردازد. کاش حداقل سازمان توسعه تجارت عملکرد خود را با کشورهای رقیب ایران از جمله ترکیه در بخش صادرات مقایسه می‌کرد و

مورد نیاز برای واردات مواد اولیه و نامدیریتی‌های دولت در ساماندهی بازار ارز، کار را به تشکیل مرکز مبادلات ارزی کشاند تا در نهایت تقسیم‌بندی و اولویت‌گذاری‌های ارزی ملاک اختصاص ارز مرجع و مبادلاتی برای واردات کالا شود.

پس از تشکیل مرکز مبادلات ارزی در تابستان سال جاری، پرداخت ارز به نرخ تعیین شده (۲) درصد کمتر از نرخ بازار آزاد از سوی مرکز به اولویت‌های دهگانه آغاز شد اما در عمل تنها ۲ اولویت غذا و دارو از آن برخوردار شدند که به دنبال اظهارات مرضیه وحیددستجردی، وزیر سابق بهداشت، درمان و آموزش پزشکی روشن شد اولویت برخی تجهیزات و نیازمندی‌های پزشکی از غذای سگ، زین اسب و... بالاتر است.

این رویه سبب شد، تولید کاهش چشمگیری را تجربه کند که خود تعدیل نیروی کار را به دنبال داشت. کاهش تولید هم در نهایت به کاهش صادرات انجامید که البته نتایج قطعی آن، چنانچه این رویه ادامه پیدا کند در ۳ ماه پایانی سال جاری و ۶ ماه نخست سال آینده بیش از پیش نمایان خواهد شد.

تا اینجا می‌توان مطالب را شاید خوانندگان متوجه سازمان توسعه تجارت ندانند اما با آغاز شل‌کن سفت‌کن‌های این سازمان در صدور بخشنامه‌های صادراتی و ابلاغ فهرست کالاهای ممنوعه صادراتی، تنش در این حوزه بالا گرفت.

جالب توجه آنکه این اتفاق بلافاصله پس از برگزاری مراسم روز ملی صادرات افتاد. مراسمی که اگرچه سازمان توسعه تجارت متولی برگزاری آن بود اما به اظهار سرپرست روابط عمومی این سازمان، همه هزینه‌های آن را بخش خصوصی پرداخت کرد. در این روز به صادرات و صادرکنندگان توهین شد و از آن پس فشار برای آوردن ارز حاصل از صادرات به مرکز مبادلات ارزی اوج گرفت. در نهایت این فشار به «توافقنامه فروش ارز حاصل از صادرات در ۶ ماده» در تاریخ ۷ آبان‌ماه ۱۳۹۱ با هدف مدیریت منابع و مصارف ارزی کشور در

این سازمان قرار است تجارت خارجی کشور را تقویت کند و برای دستیابی به سهم بیشتر بازار هدف به طور یکپارچه و اثربخش بکوشد. علاوه بر این توسعه صادرات غیرنفتی، نوسازی و روانسازی ساختار تجاری کشور، بهبود تراز بازرگانی، تقویت توان رقابتی محصولات و خدمات صادراتی در بازارهای بین‌المللی، افزایش درآمدهای صادراتی و بالا رفتن سهم کشور در تجارت جهانی و همچنین حرکت به سمت آزادسازی کامل تجارت خارجی کشور در راستای تعامل فعال با اقتصاد جهانی و محوریت اقتصاد متکی به بازار، خط‌مشی اساسی سازمان توسعه تجارت ایران است.

این اهداف و خط‌مشی‌ها در سال‌های اخیر دستخوش نوساناتی شد که اجرای آن را دچار تردید کرده؛ اوج این نوسانات در سال جاری تا به آنجا رسید که جایگاه اجرایی سازمان توسعه تجارت زیر سوال رفت. آن زمان که بازار ارز کشور از دور مهار خارج و مسیر صعودی قیمت دلار آغاز شد، تولیدکنندگان، صادرکنندگان و واردکنندگان کالاهای و اجناس و در مجموع بنگاه‌های اقتصادی دچار سردرگمی شدند چرا که ایشان از آینده‌نگری در هر یک از این بخش‌ها عاجز ماندند.

تشکیل مرکز مبادلات ارزی

این سیر موهوم در سال ۱۳۹۱ شدت بیشتری گرفت؛ نابسامانی تولید به همراه کاهش مواد اولیه و سپس بی‌نظمی در حوزه صادرات به‌رغم توانمندی‌های بسیار خوب صادراتی در این سال، صادرکنندگان را خسته کرد.

ایشان اگرچه رضایت نسبی خود را از افزایش قیمت ارز اعلام داشتند اما نگرانی و هراس آنها از جای دیگری بود. ترس از دست دادن بازارهای هدف صادراتی در این ماه‌ها به مهم‌ترین دغدغه فعالان بخش خصوصی حوزه صادرات تبدیل شده و دلیل آن نیز تعدد و تکرار بخشنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مصوب درباره صادرات است. در همین باره نگرانی تولیدکنندگان از تأمین ارز

در سال ۱۳۹۱
نابسامانی تولید
به همراه کاهش
مواد اولیه و سپس
بی‌نظمی در حوزه
صادرات به‌رغم
توانمندی‌های بسیار
خوب صادراتی در این
سال، صادرکنندگان را
خسته کرد

یک سوزن به خود می‌زد.

ممنوعیت یکباره صادرات

از جمله اتفاقاتی که در پاییز امسال در حوزه صادرات روی داد و همگان را در بهت و حیرت فروبرد، صدور و اجرای شبانه دستورالعملی بود که بر اساس آن صادرات ۵۲ قلم کالا ممنوع اعلام شد. این فهرست که شرح آن در این مقال امکانپذیر نیست در ۹ آبان ماه ابلاغ و سبب شد گمرکات سراسر کشور به روی کامیون‌هایی که برخی در حال ترانزیت این نوع کالاها بودند، بسته شود. عدم صدور این کالاها از یکسو موجب از بین رفتن آنها و از سوی دیگر از دست دادن بازار هدف صادراتی، بدنام شدن برند صادراتی و در مجموع زیان دیدن صادرکنندگان ایرانی شد.

این فهرست اما در ۲۱ آبان ماه از سوی سازمان توسعه تجارت اصلاح شد؛ بدین گونه که این سازمان در بخشنامه‌ای جدید فهرست ۳۹ قلم کالا که صادرات آنها منع شده و ۳۴ قلم کالا که صادرات آنها مشمول پرداخت عوارض است را اعلام کرد و به این ترتیب تعداد کالاها از ۵۲ به ۷۳ قلم افزایش پیدا کرد. صدور اینگونه بخشنامه‌ها از آن تاریخ تا امروز ادامه دارد و هر روز «از این باغ بری می‌رسد».

تعدد این دستورالعمل‌ها و کاهش و افزایش کالاهای ممنوع صادراتی و وارداتی در این مدت به گونه‌ای است که نه تنها تهیه‌کنندگان و امضاکندگان این بخشنامه‌ها بلکه مجریان آن که بخش خصوصی هستند نیز نمی‌دانند اجازه صادرات کدام کالاها را دارند.

آش شله قلمکار سازمان

جالب آنکه در تازه‌ترین اظهار نظر رسمی سازمان توسعه تجارت که از سوی ساسان خدایی، معاون مدیرکل دفتر مقررات صادرات و واردات به زبان آورده شده، ثبت سفارش واردات کالاها ۱۰ اولویت ۱۰ ارزی (کالاهای مصرفی غیر ضرور) ممنوع است.

بر اساس اعلام این مقام مسؤول در سازمان توسعه تجارت، همه کالاهایی که تولید آنها جوابگوی نیاز بازار داخلی بوده، ثبت سفارششان متوقف است که می‌توان به تجهیزات مبلمان و لوستر، لوازم خانگی مانند یخچال، لباسشویی و ماشین ظرفشویی، کاشی آلات و سرامیک، چینی آلات بهداشتی، کفش و البسه اشاره کرد. به گفته خدایی تعدادی از لوازم خانگی که تولیدات داخلی آنها کفاف نیاز بازار را نمی‌داد، خودروهای با حجم موتور زیر ۲۵۰۰ سی‌سی و انواع و اقسام پارچه از اولویت ۱۰ به ۹ منتقل شدند. او تاکید دارد که نمی‌توان به صورت کلی گفت که چه کالاهایی برای واردات، ارز مبادله‌ای می‌گیرند. اگرچه امسال، تعداد ثبت سفارش‌های انجام شده برای واردات بین ۳ تا ۴ درصد افزایش یافته اما با توجه به محدودیت‌های اخیر، پیش‌بینی می‌شود



نهایندی، معاون کمک‌های تجاری سازمان توسعه تجارت جزئیات آن را تشریح کرد و اجرای آن را وابسته به اعتبارات دولتی دانست، پس به این ترتیب و در عمل چنین بسته‌ای هم اجرا نخواهد شد.

اطلاع‌رسانی نامناسب

در کنار تمام این شل کن سفت‌کن‌های سازمان توسعه تجارت و عدم حمایت جدی از صادرکنندگان و خروج از مسیر اصلی سازمانی که در نهایت به تحقق اهداف و خط‌مشی‌ها نخواهد انجامید، ضعف عملکرد روابط عمومی سازمان نیز به چشم می‌خورد.

تعویض چندباره مدیریت و سرپرست روابط عمومی در این سازمان و عدم اطلاع‌رسانی مناسب سبب شده انتشار اخبار در حد یک یا دو خبرگزاری آن هم در حد اخبار رسمی محدود شود.

تاکنون این سازمان جوابگوی ابهامات جدی در حوزه تجارت خارجی و سردرگمی صادرکنندگان نبوده و گزارش عملکردی نیز از راینزبان بازرگانی ارائه نکرده است، البته در این باره انتظار زیادی هم نمی‌توان داشت، چراکه آنان نیز از مدیران بالادستی خود تبعیت می‌کنند و به طور قطع وقتی عملکرد مدیران بالاتر چنان است، عملکرد آنان نیز چنین خواهد بود.

به هر تقدیر چنان چه این رویه ناسالم در حوزه تجارت خارجی تداوم پیدا کند و سازمان توسعه تجارت به فکر بازگشت به مسیر اصلی اهداف و خط‌مشی‌های خویش نباشد بیم آن می‌رود که همه تلاش‌های صادرکنندگان و بخش خصوصی در بازاریابی، کسب بازار و حفظ بازارهای هدف صادراتی که به سختی و در سالیان سال صورت گرفته در مدت زمان چند ماه بر باد رود که اگر چنین شود با توجه به قرار گرفتن در ماه‌های پایانی دولت کنونی و زمینه‌سازی برای حضور دولت بعدی، فرصتی برای بازگشت به دوران رونق صادراتی باقی نخواهد ماند.

تعداد کل ثبت سفارش‌ها تا پایان سال نسبت به سال قبل با کاهش روبه‌رو شود. اما از این نکته نباید غافل شد که همه ثبت سفارش‌های انجام شده تا قبل از آذر امسال، می‌توانند تا پایان سال عملیاتی شوند بنابراین به مرور شاهد واردات کالاهایی که وزارت صنعت، معدن و تجارت آنها را لوکس خوانده، خواهیم بود. پیش از این هم گوشی تلفن همراه و رایانه در اولویت ۱۰ قرار داشتند اما پس از لختی از اولویت ۱۰ خارج شده و ثبت سفارش آنها آزاد شد. ثبت سفارش برخی از لوازم خانگی فاقد تولید داخل مانند انواع تهویه‌ها و کولرهای گازی، انواع دوربین‌های عکاس و لباسشویی غیرخانگی نیز دوباره از سر گرفته شد.

بسته‌هایی که اجرا نشد

سازمان توسعه تجارت ایران به طور مشخص در سال ۱۳۹۱ حمایتی از صادرکنندگان به عمل نیاورد و حتی با بخشنامه‌های خود زمینه سردرگمی این بخش از تجارت خارجی کشور را فراهم کرد. این رفتار به دنبال نپرداختن جوایز مصوب صادراتی که همگی معوق مانده است، نمک دیگری است که بر زخم صادرات پاشیده می‌شود. در این راستا اما هر از چند وقتی یکی از کارمندان سازمان در اطلاعیه خبری، اشاره‌ای به زمان پرداخت جوایز صادراتی می‌کند و پس از آن نیز همه چیز رو به فراموشی می‌رود.

از سوی دیگر هم خبری از بسته‌های حمایتی‌ای که سازمان قولش را داده بود نیست. یکی از این بسته‌ها قرار بود در مدت زمان اجرای فاز اول قانون هدفمندکردن یارانه‌ها تهیه و اجرا شود که نه تهیه شد و نه اجرا و پس از مدتی هم حمید صافدل، رئیس سازمان توسعه تجارت آب پاکی را روی دست صادرکنندگان ریخت و گفت از اول هم قرار نبوده که چنین بسته‌ای تهیه شود.

اما بسته دیگری که خبر از تهیه آن در سال ۱۳۹۱ داده شد، بسته‌ای با عنوان «حمایت‌های غیرمستقیم از صادرات» است که محمدمهدی

تعدد

دستورالعمل‌ها و کاهش و افزایش کالاهای ممنوع صادراتی و وارداتی در این مدت به گونه‌ای است که مجریان آن به بخش خصوصی هستند نیز نمی‌دانند اجازه صادرات کدام کالاها را دارند

بررسی حقوقی تحریم‌های ایران

تحریم نفتی و سیاست‌های انرژی

تحریم نفتی ایران اقداماتی از سوی تعدادی از کشورهای جهان است که با هدف محروم کردن کشورمان از درآمدهای نفتی شکل گرفته است. این تحریم‌ها با ابزارهای مستقیمی همچون تحریم خرید یا خریداران و ابزارهای نامستقیمی همچون تحریم بیمه‌های کشتی‌های نفتکش یا تحریم بانکی، اعمال و با هدف انصراف خریداران نفت از کشور و رو آوردن آنها به دیگر عرضه کنندگان این کالا انجام می‌شود.

دکتر سیهلا گوشا* - ایمان احمدی**

قطعه‌نامه ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲ شاخص‌ترین و جدی‌ترین رویکردهای فرا قطعه‌نامه‌های اتحادیه اروپایی علیه ایران است.

- تحریم مرحله‌بندی نفت خام و ممنوعیت واردات آن اعم از خرید و فروش و...

- تحریم پوشش‌های بیمه‌ای و منابع مالی مربوط به واردات نفت خام

- تحریم پتروشیمی و سرمایه‌گذاری در این حوزه

- تحریم بانک مرکزی شامل انسداد دارایی‌های بانک مرکزی در قلمرو دولت‌های اتحادیه اروپا، تجارت فلزات گرانبها با نهادهای دولتی ایران و بانک مرکزی و تحویل اسکناس و مسکوکات به این بانک

- تحریم کالاهای حساس و با کاربرد دوگانه - گسترش فهرست تحریم افراد نسبت به قطعه‌نامه‌های گذشته

با توجه به مقررات فوق‌الذکر و شرایط سخت و مضیق در منشور ملل متحد که سند اساسی مبنا و مشروعیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، تحریم‌های یک‌جانبه‌ای که از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا علیه ایران به کار گرفته می‌شود از جهات مختلفی مغایر با حقوق بین‌الملل تلقی می‌شود. اتحادیه اروپا پس از تحریم صادرات نفت ایران در اقدامی خصمانه دیگری فهرست جدیدی از شرکت‌های دولتی و خصوصی را مورد تحریم قرار داد. با ورود نام چند شرکت خصوصی نفتی در لیست تحریم‌های جدید که مغایر با حقوق بین‌الملل می‌باشد شرکت‌ها به دنبال راه حل‌های متعددی می‌باشند تا بتوانند به فعالیت خود ادامه دهند که یکی از این راه‌حل‌ها اقامه دعوی در محاکم قضایی بین‌المللی و حل این مسئله از طریق امور حقوقی است که تجربه نبرد حقوقی بانک‌ها نشان می‌دهد این شرکت‌ها می‌توانند تحریم‌ها را به چالش کشانده و از آنها عبور کنند.

تحلیل و بررسی وضع تحریم‌ها علیه ایران در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و حقوق بشری و مقایسه مفاد این تحریم‌ها با اسناد و قواعد کلی و یا خاص حقوق بین‌الملل و بویژه عملکرد گزینشی،

غیر منصفانه و رویکرد دوگانه برخی کشورهای غربی نسبت به وضع و یا اعمال تحریم‌ها، آشکارا نشان می‌دهد که قواعد و اصول حقوقی بسیاری نادیده گرفته و یا زیر پا گذاشته شده است که در اینجا به برخی از این دلایل به عنوان نمونه اشاره می‌شود.

- تعارض با مقررات منشور ملل متحد و انکتاد طبق ماده ۵۲ منشور سازمان ملل متحد «انجام هرگونه اقدام قهری علیه کشورها بدون مجوز شورای امنیت» فاقد وجاهت قانونی است. همچنین ماده ۳۲ منشور سازمان ملل متحد نیز «یکارگیری اقدامات سیاسی و اقتصادی برای بازداشتن یک کشور از اعمال حقوق حاکمیتی خویش» را دارای منع قانونی تلقی نموده و آن را غیرمشروع بر می‌شمرد. از سوی دیگر اعمال فشار اقتصادی به خصوص علیه کشورهای در حال توسعه نیز از سوی کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد محکوم شده است. کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (انکتاد) قطعه‌نامه‌ای با عنوان «قبول نکردن اقدامات اقتصادی قهرآمیز» صادر کرد که در آن اشاره می‌کند «کشورها حق اعمال محدودسازی، محاصره، ممنوعیت معامله یا سایر مجازات‌های اقتصادی به عنوان شکلی از اجبار سیاسی که بر توسعه اقتصادی سیاسی و اجتماعی کشورها اثر گذارد را ندارند». کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (انکتاد) با توجه به این مطلب در قطعه‌نامه‌ای اعلام می‌کند که «این اقدامات کمکی به ایجاد جو مسالمت‌آمیز که لازمه توسعه است» نمی‌کند.

- تعارض با مبانی و مقررات حقوق بشر و قواعد حقوق بشر دوستانه

با وجود گرایش‌های اعلام شده از طرف اتحادیه اروپا مبنی بر رویکرد اصلی حقوق بشری در سیاست‌های این اتحادیه، تحریم وضع شده اخیر به روشنی با بسیاری از مقررات حقوق بشری تعارض دارد که در این جا به بخشی از آنها اشاره می‌شود.

حقوق فردی و مدنی: همچنان که در فهرست ضمیمه تحریم‌ها تصریح شده، بسیاری از اشخاص حقیقی و مسؤولان و مدیران و حتی افراد عادی ایرانی، بدون اثبات هیچ اتهامی، در فهرست‌های

ضمیمه قطعه‌نامه‌های تحریمی، مورد تحریم واقع شده‌اند. این افراد آشکارا از بسیاری از حقوق اساسی مانند حق آزادی و امنیت شخصی، حق آزادی رفت و آمد، آزادی تجارت و کار، آزادی دفاع قضایی و دادخواهی عادلانه، حیثیت فردی و خانوادگی و ده‌ها حق شخصی و خانوادگی محروم شده‌اند. این حقوق در اعلامیه حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ و مواد مختلفی از میثاق حقوق مدنی سیاسی مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی که اکثر کشورها و از جمله کشورهای عضو اتحادیه اروپا به آن پیوسته‌اند و به خصوص در کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ (ECHR) و پروتکل‌های پنج‌گانه آن تصریح شده و لازم‌الرعایه است.

حق توسعه و حق تعیین سرنوشت: تحریم‌ها، «حق توسعه» بنا به تعریفی که در اعلامیه وین و برنامه عمل ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳ از آن به عنوان جزئی جدا نشدنی از حقوق اساسی بشر یاد شده و نیز «حق تعیین سرنوشت» بنا به تعریفی که در بند ۲ ماده ۱ منشور ملل متحد ذکر شده را در مورد برخورداری مردم ایران از این حقوق مورد تعرض قرار داده و نادیده گرفته است. کمیسیون حقوق بشر تحت عنوان «حقوق بشر و اقدامات قهرآمیز یک جانبه» به صراحت محدودیت‌های تجاری، محاصره ممنوعیت معامله و مسدود کردن دارایی‌ها را به عنوان اقدامات مجبور کننده‌ای فهرست می‌کند که از لحاظ حقوق بشر نامشروع محسوب می‌شوند. این حقوق نه تنها حق نسل‌های کنونی، بلکه حق نسل‌های آتی را نیز شامل می‌شود.

حقوق اقتصادی: میثاق بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ مصوب مجمع عمومی که اکثر دولت‌ها از جمله دولت‌های اروپایی به آن ملحق شده‌اند، در مواد ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۸ حقوقی از قبیل حق برخورداری از شرایط عادلانه و مناسب کار، حق برخورداری از زندگی مناسب و برخورداری از غذا، پوشاک و مسکن کافی، بهداشت، آموزش و پرورش و نیز حق برخورداری از پیشرفت علوم و فنون و حق برخورداری از مزایای دستاوردهای فکری و هنری را به تشریح بیان کرده است. حتی تحریم برخی از کالاهای خاص مانند

کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (انکتاد) در قطعه‌نامه‌ای اعلام می‌کند که «این اقدامات کمکی به ایجاد جو مسالمت‌آمیز که لازمه توسعه است» نمی‌کند



رادیوداروها و قطعات هواپیما و یا کالاهایی که از آن به عنوان کالاهایی با کاربرد دوگانه یاد شده، بنابر گزارش‌های رسمی، حق حیات برخی از اتباع ایرانی را سلب و یا مورد مخاطره جدی قرار داده است.

با بررسی معیارهای جهانی حقوق بشر مندرج در منشور سازمان ملل متحد (۱۹۴۵)، اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) و سایر اسناد مربوطه که مبنای اصول پذیرفته‌شده بین‌المللی می‌باشند، می‌توان ادعا کرد که چنانچه تحریم‌های اقتصادی منجر به رنج و مشقت انسان‌ها گردند این تحریم‌ها توجیهی از منظر حقوق بین‌الملل ندارند.

تعارض تحریم با تعهدات بین‌المللی و دوجانبه

در زمینه معاهدات دوجانبه باید گفت ایالات متحده آمریکا با تحریم‌های خود علیه ایران، تعهدات صریح منبعت از عهدنامه مودت، تجارت و حقوق کنسولی ۱۹۵۵ (از جمله بند ۲ ماده ۸ و ماده ۱۰) و بیانیه ۱۹۸۸ (از جمله بند ۱۰ بیانیه) الجزایر را نقض کرده است. هم ایران و هم ایالات متحده در سال‌های اخیر به این عهدنامه استناد جست‌اند و اعتبار حقوقی دارد. اعتبار این عهدنامه توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه دعوای سکوه‌های نفتی ایران علیه آمریکا به عنوان بخشی از حقوق حاکم بر روابط ایران و آمریکا مورد تایید و تصریح قرار گرفته است.

به همین ترتیب کشورهای اروپایی موافقت‌نامه‌های متعددی در زمینه‌های مختلف روابط اقتصادی و مالی، بانکی و مالیاتی با ایران دارند که توسط نهادهای قانونی دو کشور به تصویب رسیده و لازم‌الرعایه هستند. به طور مشخص، موافقت‌نامه‌های «تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری متقابل» و «معافیت از اخذ مالیات مضاعف» از جمله موافقت‌نامه‌های دوجانبه رایج بین کشورها هستند که ایران نیز این موافقت‌نامه‌ها را با بسیاری از کشورها منعقد کرده است. تحریم‌های اخیر وضع شده می‌تواند نقض یک جانبه این موافقت‌نامه‌ها تلقی شود.

تعارض تحریم و آزادی تجارت
«آزادی کشتیرانی تجاری» نماد برجسته و مکمل «آزادی تجارت» است که متأسفانه در تحریم‌های وضع شده علیه ایران به‌طور جدی مورد تحدید و تحریم واقع شده است. «آزادی کشتیرانی» یکی از محوری‌ترین اصول پذیرفته شده حقوق دریاه و «کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاه» عرف بین‌المللی است.

تحریم بانک مرکزی ایران
«کنوانسیون اروپایی ۱۹۷۲ مصونیت دولت» از جمله معاهدات مهم در این ارتباط است که لازم‌الاجرا شده است. تئوری مصونیت محدود دولت، اساس و پایه اصلی این دو کنوانسیون است. کنوانسیون مزبور، اعمال حاکمیت دولت (Jure imperii) را (مانند اموال دیپلماتیک و اموال نظامی) اعمالی تعریف کرده که دولت برای اقتدار حاکمیت خود انجام می‌دهد و بنا براین گمرک، سیاست پولی و ... جزو این گونه اعمال هستند.

یا خارجی دولت‌های دیگر باز می‌دارد». در مورد تحریم اتحادیه (و نیز تحریم‌های فراقطعنامه‌ای آمریکا) علیه ایران باید گفت، این تحریم‌ها آشکارا موجب دخالت «غیرمستقیم» در امور «داخلی» و «خارجی» ایران می‌شود چرا که دست کم در مورد نهادهای تحریم شده همچون بانک‌ها و شرکت‌ها و نهادهای نظامی، باید گفت جزء لاینفک امور داخلی محسوب می‌شوند. علاوه بر مصوبات فوق الذکر بسیاری از سازمان‌های منطقه‌ای نیز در اساسنامه‌های خود بر اصل عدم مداخله در امور دیگر کشورها تأکید کرده‌اند؛ از جمله ماده ۱۵ منشور کشورهای آمریکایی، ماده ۸ اساسنامه تشکیل دهنده کشورهای اتحادیه عرب، ماده ۳ منشور اتحادیه آفریقا و نیز کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله کنوانسیون مونته ویدئو (۱۹۳۳) در خصوص حقوق و تکالیف دولت‌ها و نیز کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۷۶.

کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد نیز در قطعنامه‌ای تدابیر تحمیلی اقتصادی، اعمال تحریم‌های اقتصادی از سوی کشورهای توسعه یافته علیه کشورهای در حال توسعه را ممنوع کرده.

حقوق بین‌الملل به صورت عام و اسناد بین‌المللی ناظر بر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و مهم‌ترین سند آن یعنی منشور ملل متحد و نیز عرف و رویه قضایی بین‌المللی در کلیه موارد اختلافات و یا ابهام‌های بین‌المللی و یا منطقه‌ای، همواره اصل را بر حفظ و تحکیم حاکمیت و حقوق کشورها بر پایه حل و فصل مسالمت‌آمیز این گونه اختلافات قرار داده و در موارد بسیار نادر و مشروط به شروط بسیاری استفاده از اقدامات قهرآمیز را آن هم به صورت موقتی و با تأکید بر حسن نیت و مشروط بر رعایت مصادیق و قواعد عام حقوق بین‌الملل و موضوعات حقوق بشری (human rights) و حقوق بشردوستانه (humanitarian rights) مجاز شمرده است. این موضوعی است که در اسناد و کنوانسیون‌های اروپایی مربوط نیز همواره بر آن تأکید شده است. بررسی وضع تحریم‌ها علیه ایران در همه زمینه‌ها آشکارا نشان می‌دهد که قواعد و اصول حقوقی بسیاری نادیده گرفته شده به گونه‌ای که حاکمیت یک کشور عضو ملل متحد مخدوش و حقوق اتباع آن مورد تهدید قرار گرفته و مهم‌تر از آن استمرار این تحریم‌ها تهدیدی برای آینده جامعه بین‌المللی محسوب می‌شود. علاوه بر این در عرصه مبادلات تجاری و اقتصادی ایران و کشورهای عضو اتحادیه اروپا با وجود همه مشترکات این کشورها با ایران و داشتن اقتصادی مکمل، وضع و استمرار این تهدیدها به ویژه در شرایط خاص اقتصادی کنونی این اتحادیه، حق آزادی مبادلات مالی و تجارت را بین شرکت‌های خصوصی دوطرف تهدید کرده و فرصت‌های بسیاری را از این کشورها و شرکت‌های تجاری و اتباع این کشورها سلب کرده است که خسارات جبران‌ناپذیر آن را در آینده بیش از پیش آشکار خواهد شد.

* استادیار دانشگاه پیام نور تهران

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل

مواد ۶ تا ۱۰ کنوانسیون اروپایی مصونیت دولت، اعمال تجاری تصدی‌گری دولت را به دقت احصا کرده است. در ضمن کنوانسیون مصونیت دولت و اموال آن مصوب ۲۰۰۴ مجمع عمومی ملل متحد نیز، اموال بانک مرکزی و یا دیگر نهادهای مالی متعلق به دولت را به عنوان اموال خاص دولت تلقی کرده و در ماده ۲۱ به صراحت آن را در کنار اموال نظامی و دیپلماتیک به عنوان دسته‌های خاص اموال دولت محسوب کرده و این گونه اموال را مصون تلقی کرده است. بالاتر از این باید گفت تعدادی از کشورهای اروپایی و حتی دولت آمریکا، به دلیل اهمیت بانک‌های مرکزی دولت‌ها و ارتباط مستقیم این بانک‌ها با سرنوشت مردم کشورها، در مقررات خود اساساً مصونیتی جدی از مصونیت اموال دولت، برای بانک‌های مرکزی قائل شده‌اند که حتی در صورت مورد تعرض قرار گرفتن مصونیت دولت، مصونیت بانک مرکزی مورد تعرض و خدشه واقع نشود. از این رو تحریم بانک مرکزی ایران نیز به نوبه خود یکی از نقض‌های آشکار حقوق بین‌الملل در عرصه اقتصادی و سیاسی است.

تعارض تحریم‌های اروپایی و اصل حقوقی «مداخله نکردن» (Non-intervention)
اصل مداخله نکردن کشورها در امور داخلی و یا خارجی کشورهای دیگر از اصول اساسی حقوق بین‌الملل است. این اصل در بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد تصریح شده و تلویحاً از مقدمه و برخی مواد دیگر منشور مزبور نیز قابل استخراج است. رویه دولت‌ها وجود این اصل را با جدیت مورد تأیید قرار می‌دهد و یک اجماع حقوقی میان دولت‌ها در این مورد وجود دارد.

این اصل در معاهدات بسیار دیگر و نیز عرف بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. مداخله اعم از مداخله مستقیم و یا غیرمستقیم و یا دخالت در امور داخلی و یا خارجی کشورهاست. دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوای فعالیت‌های شبه نظامی علیه نیکاراگوئه این اصل را بدین صورت تأیید می‌کند «با توجه به یک قاعده عموماً پذیرفته شده، اصل مداخله نکردن، هر کشور یا گروهی را از مداخله مستقیم یا غیر مستقیم در امور داخلی

«آزادی کشتیرانی»
تجاری» نماد برجسته
و مکمل «آزادی
تجارت» است
که متأسفانه در
تحریم‌های وضع شده
علیه ایران به‌طور
جدی مورد تحدید
و تحریم واقع شده
است

ایالات متحده چگونه غول اقتصادی شده است؟

شرکت‌های خصوصی نفتی
موتور محرک اقتصاد آمریکا

در این که شرکت‌های خصوصی فعال در بخش انرژی آمریکا نقش گسترده‌ای در اقتصاد این کشور دارند هیچ تردیدی نیست. این شرکت‌ها در واقع یکی از اشتغالزایان بخش‌ها و خریداران کالا در بازار آمریکا به شمار می‌روند. حتی در بحبوحه بحران اقتصادی، این شرکت‌های انرژی هستند که همچنان دستمزدهای بالایی به کارکنان خود پرداخت می‌کنند، برای دولت درآمدزایی دارند و منبع قابل اتکا برای سرمایه‌گذاری میلیون‌ها آمریکایی به شمار می‌روند. کمکی که این شرکت‌ها به اقتصاد آمریکا می‌کنند حتی طرح‌های کاخ سفید درباره محرک‌های اقتصادی را نیز تحت الشعاع قرار داده است. کافی است بسته اخیر محرک انرژی در آمریکا را مد نظر قرار دهیم: براساس این بسته، ۴۷۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ میلادی به اقتصاد آمریکا تزریق شد - این مبلغ تقریباً شصت درصد کل بسته محرک اقتصادی دولت فدرال آمریکا را شامل می‌شود - این بسته محرک اقتصادی نیازی به تصویب در کنگره نداشته و به اقتصاد آمریکا بیش از پیش کمک می‌کند.

علی علیمردانی

صنایع نفت و گاز آمریکا از نگاه آمر

- ۹،۲ میلیون شمار افرادی است که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم در صنایع انرژی آمریکا مشغول به کارند.

- ۱،۴ میلیون شمار فرصت‌های شغلی است که این صنایع تا سال ۲۰۳۰ میلادی در این کشور ایجاد خواهند کرد.

- ۸۶ میلیون دلار مبلغی پرداختی این شرکت‌ها به دولت فدرال آمریکا در هر روز است.

- ۱۰۰ میلیون دلار مبلغی است که شرکت‌های انرژی آمریکا برای اجاره و نیز حق تولید از سال ۲۰۰۰ میلادی به دولت آمریکا پرداخت می‌کنند.

- ۲۰ درصد افزایش تقاضا برای محصولات شرکت‌های انرژی تا سال ۲۰۳۵ میلادی

- ۲۶۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری شرکت‌های انرژی در بخش پروژه‌های جدید سرمایه‌گذاری در آمریکا

- ۱۷۶ میلیارد دلار میزان دستمزدی است که کارمندان شرکت‌های انرژی دریافت می‌کنند.

- ۳۵ میلیارد دلار میزان سودی است که سالانه به سهامداران شرکت‌های انرژی در آمریکا پرداخت می‌شود.

نقش شرکت‌های انرژی در اقتصاد آمریکا

اقتصاد آمریکا بزرگترین اقتصاد ملی و دومین اقتصاد از نظر کلی در جهان است. تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۱ میلادی بیش از ۱۵ تریلیون دلار بوده است که تقریباً یک چهارم تولید ناخالص داخلی اسمی جهان است. آمریکا یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان به شمار می‌رود، از ذخایر طبیعی فراوان و نیز تاسیسات زیربنایی توسعه یافته‌ای برخوردار است و از نظر نسبت سرانه تولید ناخالص داخلی در جهان جایگاه ششم را داراست. آمریکا در تولید نفت خام سوم و دومین

تولیدکننده گاز طبیعی در جهان است. نکته جالب این است که آمریکا هر چند دومین مصرف‌کننده انرژی در جهان است، اما از نظر سرانه مصرف انرژی پس از کانادا در رتبه هفتم قرار دارد. بیشتر انرژی تولیدی این کشور از سوخت‌های فسیلی به دست می‌آید. در سال ۲۰۰۵، از کل انرژی مصرفی آمریکا، چهل درصد از نفت، ۲۳ درصد از زغالسنگ، ۲۳ درصد از گاز طبیعی، ۸،۴ درصد از انرژی هسته‌ای و ۶،۸ درصد نیز توسط انرژی‌های تجدید پذیر تامین شد. وابستگی آمریکا به واردات نفت از ۲۴ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۶۵ درصد در پایان سال ۲۰۰۵ میلادی افزایش یافته است. براساس آمار، آمریکا تا سال ۲۰۱۵ میلادی برای تامین ۷۰ تا ۷۵ درصد از نفت مصرفی خود نیازمند واردات است.

بودجه غول‌های انرژی آمریکا

شرکت‌های بزرگ انرژی آمریکا از جمله بخش‌های با نفوذ در اقتصاد و حتی سیاست این کشور به شمار می‌روند. شرکت اکسون موبیل که پس از پتروچاین بزرگترین شرکت نفتی جهان به شمار می‌رود، سرمایه‌های بالغ بر سیصد و پنجاه میلیون دلار دارد. این شرکت به همراه شرکت نفتی چورون که هشتمین شرکت نفتی جهان به شمار می‌رود نقش عمده‌ای در سیاستگذاری‌های این کشور دارند.

لیست ۱۰ شرکت برتر انرژی آمریکا و سرمایه آنها

۱. اکسون موبیل سرمایه بالغ بر ۳۵۰ میلیون دلار
۲. چورون سرمایه ۱۵۴ میلیون دلار
۳. کوناکو فیلپس سرمایه ۱۶۶ میلیون دلار
۴. اوکسینتال سرمایه ۷۵ میلیون دلار
۵. آپاچی سرمایه ۳۴ میلیون دلار

۶. دوون سرمایه ۳۲ میلیون دلار
۷. انداکو سرمایه ۲۷ میلیون دلار
۸. هالپر تون سرمایه ۲۷ میلیون دلار
۹. EOG رپورس سرمایه ۲۴ میلیون دلار
۱۰. ماراتن سرمایه ۲۲ میلیون دلار

نقش سیاستگذاری‌های دولت آمریکا در رونق بخش انرژی

سیاست‌گذاران با توسعه بازارهای آزاد و پایبندی به قانون و تجارت آزاد فضا را برای شرکت‌های مختلف به منظور شناسایی و پیگیری ابتکارات و فرصت‌های جدید و سرمایه‌گذاری و دستیابی به رونق اقتصادی و ارزش افزوده فراهم می‌کنند. سیاست‌های دولت آمریکا در زمینه پایبندی به اصل وفور عرضه انرژی، پاسخگویی و نیز توجه به قدرت خرید جامعه نه تنها متمرکز بر مدیریت خرد و یا دستکاری بازار انرژی نبوده، بلکه مبتنی بر اصول و پارامترهای اولیه و ایجاد فضا برای فعالیت بازار آزاد است.

صنایع انرژی آمریکا با توجه به سیاست‌های با ثبات و غیرجانبدارانه دولت در زمینه حمایت از بازار آزاد، رقابتی شدن روز افزون را شاهد بوده است و شرکت‌هایی نظیر اکسون موبیل می‌توانند در این بازار با سرمایه‌گذاری پایدار و قانونمند در پروژه‌های خود، فرصت‌های جدید شغلی ایجاد کنند که در سطح کلان تضمین‌کننده ثبات آمریکا در زمینه انرژی و اقتصاد این کشور می‌باشد.

نقش شرکت‌های نفتی آمریکایی در اشتغالزایی و تولید ناخالص داخلی

صنایع انرژی آمریکا در سال ۲۰۱۰ میلادی ۴۷۶ میلیارد دلار برای اقتصاد آمریکا سوددهی داشتند که سه برابر بیش از دیگر درآمدهای دولت این کشور است. این صنایع یکی از معدود صنایعی هستند که طی سال‌های اخیر فرصت‌های شغلی

سیاست‌گذاران
آمریکایی با توسعه
بازارهای آزاد پایبندی
به قانون و تجارت
آزاد فضا را برای
شرکت‌های مختلف به
منظور شناسایی
و پیگیری ابتکارات
و فرصت‌های جدید
و سرمایه‌گذاری
فراهم می‌کنند

میزان خود رسید. در ژوئن ۲۰۰۵ میلادی، اسنادی منتشر شد که نشان می‌داد دولت بوش با اکسون موبیل درباره موضع آمریکا درباره پیمان زیست محیطی کیوتو رایزنی کرده است. شرکت‌های نفتی همچنین در گروه ویژه‌ای که دیک چنی معاون رییس جمهور وقت آمریکا برای توسعه میادین نفتی، پالایشگاه‌ها و نیز دیگر تاسیسات زیربنایی عراق تشکیل داده بود، حضور گسترده‌ای داشتند و جالب اینکه اسناد مربوط به بررسی میادین نفتی و پروژه‌های بالقوه عراق به دو سال پیش از حمله آمریکا به این کشور باز می‌گردد.

نفوذ بین‌المللی

لایه انرژی در آمریکا سابقه درگیری درباره منافع بین‌المللی را نیز دارد. گروه موسوم به سازمان انرژی‌های پایدار آمریکا و لایه‌های نفتی این کشور دومین کنفرانس تغییرات اقلیمی ملل متحد را به شکست کشاندند. در این کنفرانس یونسکو منشور جهانی انرژی را ارائه کرد که در صورت تصویب آن قوانین جدیدی درباره حفاظت از محیط زیست و انسان در برابر آلاینده‌ها تصویب می‌شد، با این حال آمریکا از تصویب این منشور جلوگیری کرد و در دیگر کنفرانس‌های تغییرات اقلیمی در برلین، کیوتو، لاهه و مراکش نیز همچنان به این موضع خود ادامه داد. آمریکا همچنان پرتکل کیوتو و نیز منشور حفاظت در برابر تغییرات آب و هوایی را نادیده می‌گیرد.

اطلاق می‌شود. شرکت‌های بزرگ نفتی از جمله اکسون موبیل، رویال داج شل، بریتیش پترولیوم، توتال، کخ اینداستریز، چورون و کوناکو فیلیپس، شرکت‌هایی هستند که بیشترین نماینده را در این لایه‌ها دارند. شرکت جنرال الکتریک، ساترن کامپانی، فرست انرژی و ادیسون نیز از جمله شرکت‌های بانفوذ توزیع برق در آمریکا هستند که در این لایه نماینده دارند. شرکت‌های نفتی و نیز شرکت‌های توزیع برق در آمریکا از جمله شرکت‌هایی هستند که بیشترین هزینه‌ها را برای پیشبرد مذاکرات لایه انرژی با دولت آمریکا متقبل می‌شوند.

در انتخابات کنگره آمریکا در سال ۲۰۰۶ میلادی شرکت‌های انرژی آمریکا بیش از ۱۹ میلیون دلار به تبلیغات سیاسی کمک کردند که ۸۲ درصد از این مبلغ به جمهوریخواهان و ۱۸ درصد به دموکرات‌ها تعلق یافت. همچنین شرکت‌های انرژی آمریکا در تبلیغات انتخاباتی سال ۲۰۱۲ آمریکا مبالغ هنگفتی به نامزدهای انتخاباتی کمک کردند. لایه انرژی در آمریکا به اعمال نفوذ برای توقف و یا منحرف کردن تصویب قوانین مربوط به تغییرات اقلیمی متهم شده است.

نفوذ بر دولت

رسوایی‌های مختلف سیاستمداران برجسته آمریکایی موجب جلب توجه به ارتباط نزدیک لایه‌های انرژی و دولت آمریکا شده است. این نگرانی‌ها بویژه در دوران جرج بوش به بیشترین

گسترده‌ای را در آمریکا ایجاد کرده‌اند. بررسی موسسه «وود مکنزی» نشان داد که دسترسی باز شرکت‌های آمریکایی به منابع انرژی در این کشور می‌تواند تا سال ۲۰۲۵ منجر به ایجاد ۵۰۰ هزار فرصت شغلی دیگر در این کشور شود.

بر اساس آماری که وزارت کار آمریکا ارائه کرده است، طی ۱۰ سال اخیر فرصت‌های شغلی مربوط به اکتشاف، توسعه و نیز تولید انرژی در آمریکا بیش از پنجاه درصد رشد داشته است و این فرصت‌های شغلی که نقش گسترده‌ای در کاهش بیکاری فزاینده ناشی از بحران اقتصادی در آمریکا داشته‌اند، مانع توجه جدی به مساله آلودگی‌های زیست محیطی ناشی از فعالیت‌های این شرکت‌ها می‌شود. بررسی اخیر موسسه «پرایس واتر هاوس کوپر» نشان می‌دهد، ایجاد هر فرصت شغلی در صنایع نفت و گاز آمریکا موجب ایجاد بیش از سه فرصت شغلی در دیگر مناطق جهان می‌شود. این موسسه تخمین زده است که صنایع نفت و گاز آمریکا در مجموع موجب ایجاد نه میلیون و دویست هزار شغل تمام وقت و پاره وقت برای مردم شده و ۱۰۱ تریلیون دلار ارزش افزوده را به جیب دولت آمریکا سرازیر کند و این یعنی ۷۰۷ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور.

لایه‌های انرژی

لایه انرژی عبارتی است که به نمایندگان شرکت‌های انرژی که در سیاستگذاری‌های آمریکا به دولت این کشور مشاوره می‌دهند،

در انتخابات
کنگره آمریکا در
سال ۲۰۰۶ میلادی
شرکت‌های انرژی
آمریکا بیش از
۱۹ میلیون دلار به
تبلیغات سیاسی
کمک کردند که ۸۲
درصد از این مبلغ به
جمهوریخواهان و ۱۸
درصد به دموکرات‌ها
تعلق یافت

افتتاح اولین فاز نیروگاهی پتروشیمی دماوند در اسفند

مدیرعامل پتروشیمی دماوند گفت: یکی از فازهای نیروگاهی پتروشیمی دماوند به عنوان تأمین‌کننده سرویس‌های جانبی اسفند امسال وارد مدار می‌شود. محمدرضا رضایی در یک نشست خبری اظهار داشت: پتروشیمی دماوند که سرویس‌های جانبی و تأمین خوراک پتروشیمی‌های عسلویه را برعهده دارد توان تولید ۷۸۰ تن بخار را خواهد داشت که واحدهای تولید بخار بین ۶۲ تا ۶۵ درصد پیشرفت دارند.

وی افزود: یکی از دوربین‌های گازی فاز یک صد درصد و توربین دیگر ۹۵ درصد پیشرفت فیزیکی دارد که جمعاً ۷۹ درصد در کل فاز یک پروژه پتروشیمی دماوند پیشرفت کرده است. مدیرعامل پتروشیمی دماوند با بیان اینکه پتروشیمی دماوند از جمله طرح‌هایی مهر ماندگار است، گفت: مجموعه دماوند در سه فاز باید برق، آب، بخار، نیتروژن و کلیه سرویس‌های جانبی چند مجتمع پتروشیمی را تأمین کند. وی اضافه کرد: منابع لازم برای اجرای فاز یک از طریق فاینانس بانک‌های داخلی و خارجی تأمین شده است و فعلاً کل پروژه به شرکت ملی پتروشیمی تعلق دارد. رضایی گفت: در بخش فعلی تاکنون ۲۱۰ میلیون یورو هزینه شده است، اما در کل این پروژه باید در مجموع ۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری انجام شود.

وی با تأکید بر اینکه از نیمه دوم سال آینده باید فاز دو این پروژه کلید بخورد، اعلام کرد: مپنا و دیگر گروه‌های صنعتی اعلام کردند که برای سرمایه‌گذاری آمادگی دارند. رضایی افزود: سرویس‌های جانبی و تأمین خوراک در صنعت پتروشیمی سودآور است و متقاضیان زیادی برای سرمایه‌گذاری دارد. مدیرعامل پتروشیمی دماوند با بیان اینکه تا این مرحله ۷۰ درصد از ارزش تجهیزات به کار رفته داخلی است، گفت: یکی از فازهای نیروگاهی اسفند امسال وارد مدار تولید می‌شود.



کشف ذخایر عظیم هیدرات گازی ایران در دریای عمان

مجری طرح اکتشاف منابع هیدرات گازی پژوهشگاه صنعت نفت از کشف ذخایر عظیم هیدرات گازی در دریای عمان خبر داد و گفت: حجم این منابع معادل کل ذخایر متعارف نفت و گاز کشور است. ناصر کشاورز مجری طرح اکتشاف منابع هیدرات گازی دریای عمان در یک نشست خبری که در پژوهشگاه صنعت نفت برگزار شد، گفت: براساس آخرین پژوهش‌های صورت گرفته در منطقه دریای عمان که از غرب خلیج فارس تا منطقه شرقی کشور محسوب می‌شود، به ذخایر هیدرات گازی دست یافتیم که معادل ذخایر متعارف نفت و گاز کشور است. وی با اشاره به کاهش حجم ذخایر متعارف نفت و گاز در جهان تصریح کرد: اگر چه راهکارهایی برای جایگزینی منابع هیدروکربوری مانند توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر از سوی بسیاری از کشورها پیش‌بینی شده است ولی به دو دلیل عمده نمی‌توان نیاز به ذخایر هیدروکربوری را انکار کرد.

کشاورز ضرورت تأمین خوراک واحدهای پتروشیمی و سوخت خودروها از طریق منابع هیدروکربوری را دو دلیل عمده نیاز کشورها به منابع هیدروکربوری اعلام کرد و افزود: با توجه به دلایل گفته شده و کاهش روزافزون منابع هیدروکربوری در جهان، به این فکر افتادیم تا طرحی به منظور شناسایی منابع نامتعارف نفت و گاز برای تأمین نیازهای آتی اجرا شود. کشاورز با بیان این که طرح شناسایی هیدرات‌های گازی در دریای عمان با همکاری پژوهشگاه صنعت نفت و مدیریت اکتشاف شرکت ملی نفت ایران و تعدادی از شرکت‌های داخلی و خارجی از اردیبهشت سال گذشته آغاز شده است، اظهار داشت: هدف این طرح در فاز اول، شناسایی منابع جدید و بررسی میزان گستردگی و حجم ذخیره آنها با استفاده از روش‌های لرزه‌نگاری بوده است. مجری طرح اکتشاف منابع هیدرات گازی پژوهشگاه صنعت نفت تأکید کرد: به منظور شناسایی ذخایر نامتعارف هیدروکربوری در دریای عمان، طرح جامعی در پژوهشگاه صنعت نفت تهیه شده است که از آن می‌توان به عنوان یک نوآوری ملی یاد کرد. مجری طرح اکتشاف منابع هیدرات گازی در دریای عمان درباره ضرورت استفاده از هیدرات‌های گازی در آینده گفت: هر متر مکعب از هیدرات گازی پس از استخراج معادل ۱۶۴ مترمکعب گاز برای ما ارزش حرارتی ایجاد می‌کند.



**ضرورت تأمین
خوراک واحدهای
پتروشیمی و سوخت
خودروها از طریق
منابع هیدروکربوری
دو دلیل عمده
نیاز کشورها به منابع
هیدروکربوری
است**

مذاکره ایران و افغانستان

برای احداث خط لوله صادرات

فرآورده‌های نفتی

کارشناسان صنعت نفت به منظور احداث خط لوله صادرات فرآورده‌های نفتی عازم افغانستان می‌شوند.

ایران یک تیم کارشناسی از مسئولان صنعت نفت را به منظور احداث خط لوله صادرات فرآورده‌های نفتی به افغانستان اعزام می‌کند. این خط لوله که ۸۹۶ کیلومتر طول دارد و می‌تواند انواع فرآورده نفتی از جمله گازوئیل را به این کشور صادر کند.

از این خط لوله می‌توان علاوه بر صادرات نفت‌گاز و فرآورده‌های دیگر نفتی برای انتقال نفت خام نیز استفاده کرد به طوری که این خط توان انتقال روزانه ۱۵۰ هزار بشکه انواع فرآورده‌های نفتی را دارد. تمام تجهیزات مورد استفاده از جمله لوله‌های به کار رفته در این خط از تولید کنندگان داخلی خریداری می‌شود و در عین حال با راه‌اندازی این خط لوله تعداد زیادی از تانکرهای حمل مواد سوختی به بخش‌های دیگر کشور منتقل خواهند شد.

ایمن‌گزارش حاکی است این خط لوله می‌تواند فرآورده‌های نفتی را نیز به شهرهای در طول مسیر ارسال کند ولی هدف اصلی احداث این خط همانطور که اشاره شد صادرات فرآورده‌های نفتی به کشور افغانستان است.

چندی پیش معاون وزیر نفت اعلام کرد ایران قصد دارد تا صادرات فرآورده‌های نفتی خود را به کشورهای همسایه از جمله ارمنستان و عراق و افغانستان افزایش دهد.

هم‌اکنون بیشترین حجم از فرآورده‌های نفتی ایران به کشور افغانستان و عراق صادر می‌شود که ایران می‌تواند برای دور زدن تحریم‌ها با احداث پالایشگاه‌های جدید نفتی و فرآورش نفت خام و تولید انواع فرآورده‌های نفتی به جای صادرات نفت خام اقدام به صادرات این فرآورده‌ها از جمله بنزین کند. ایران به تازگی اقدام به احداث ۷ پالایشگاه جدید کرده است که شامل پالایشگاه‌های شهریار تبریز، آنالیتا، ستاره خلیج فارس، پالایشگاه دوم خوزستان، هرمز، کاسپین و پالایشگاه پارس هستند که با اتمام این پالایشگاه‌ها می‌تواند به عنوان یک صادرکننده جدی بنزین در منطقه و جهان مطرح شود.

از طرف دیگر نیز باید گفت ایران علاوه بر این کار سعی دارد با خرید و راه‌اندازی پالایشگاه‌های کوچک در کشورهای مختلف از جمله برخی از کشورهای آفریقایی و آمریکای جنوبی اقدام به صادرات نفت به این کشورها کرده و کار پالایش را نیز در اختیار گرفته و از این طریق فرآورده‌های نفتی تولید شده را به فروش برساند.

به هر حال باید گفت احداث این خط لوله صادرات نفتی و فرآورده و حتی خطوط مشابه می‌تواند یکی از روش‌های دور زدن تحریم‌ها در شرایط کنونی باشد.

وزیر نفت نیز پیش از این از توقف صادرات نفت خام به غرب هشدار داده و اعلام کرده بود با تشدید تحریم‌های نفتی، ایران صادرات نفت خود را کاهش و تولید فرآورده‌های نفتی را افزایش داده و به جای صادرات نفت خام به صادرات انواع فرآورده نفتی روی می‌آورد.

دلایل افزایش ۱۱۰ درصدی

قیمت پلیمرها

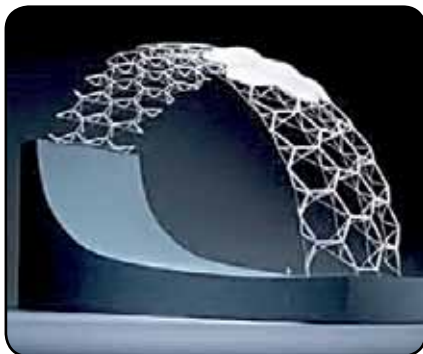
مرکز پژوهش‌های مجلس با اشاره به رشد ۱۱۰ درصدی قیمت برخی از پلیمرها و محصولات پتروشیمی در بازار بورس کالا از افزایش نرخ ارز به عنوان یکی از دلایل گرانی محصولات پتروشیمی یاد کرد و ۵ راهکار برای ساماندهی بازار پلیمرها ارائه کرد.

دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن مرکز پژوهش‌های مجلس با انتشار گزارشی درباره مهمترین دلایل افزایش قیمت محصولات پلیمری در بورس کالا، اعلام کرد: با توجه به حساسیت محصولات پتروشیمی به عنوان ماده اولیه مورد نیاز در تولید بسیاری از محصولات و بهای تمام شده اکثر کالاهای تکمیلی در ماه‌های اخیر، قیمت محصولات پلیمری که یکی از پرمصرف‌ترین محصولات پتروشیمی در صنایع تکمیلی بوده نسبت به آغاز سال ۱۱۰ درصد افزایش یافته است.

بر این اساس علل تغییرات قیمت محصولات پلیمری، میزان عرضه و تقاضای آن و عوامل موثر بررسی شده است که بررسی‌ها نشان می‌دهد که افزایش نرخ ارز، کاهش عرضه و افزایش تقاضا از دلایل اصلی این افزایش قیمت در بورس کالا بوده‌اند.

از سوی دیگر بررسی روند عرضه شرکت‌های تولیدی و برخی از مجتمع‌های پتروشیمی در بورس کالا نیز حاکی از آن است که برخی از شرکت‌های خصوصی و حتی برخی از شرکت‌های دولتی در مرداد و شهریور ماه یا اصلاً عرضه‌ای نداشته یا عرضه محصولات خود را کاهش داده‌اند. نکته قابل توجه این است که به رغم مصوبه ستاد هدفمند کردن یارانه‌ها مبنی بر لزوم عرضه محصولات تمامی واحدهای پتروشیمی در بورس، بر خروج شرکت‌ها از بورس عملاً نظارت موثری وجود ندارد.

وجود بازار آزاد و تفاوت بین قیمت‌های معامله شده در بورس و بازار آزاد نیز موجب آشفتگی در بازار و ترجیح برخی از تولیدکنندگان به عرضه محصولاتشان در این بازار شده است. در این گزارش از افزایش حداکثری عرضه محصولات پلیمری در بورس، اطلاع‌رسانی سریع‌تر شرکت بورس کالای ایران، تامین کمبود خوراک، واردات توسط نهادهای دولتی، اتخاذ روش‌های کنترلی مناسب‌تر توسط سایت بهین‌یاب وزارت صنعت، معدن و تجارت و اجتناب از هرگونه مداخله قیمت‌گذاری در بورس به عنوان راهکارهای پیشنهادی برای ساماندهی بازار پتروشیمی و محصولات پلیمری یاد شده است.



ایران سعی دارد
با خرید و راه‌اندازی
پالایشگاه‌های کوچک
در کشورهای مختلف
اقدام به صادرات
نفت به این کشورها
کرده و کار پالایش
را نیز در اختیار
گرفته و از این طریق
فرآورده‌های نفتی
تولید شده را به
فروش برساند

گزارش سامانه ملی اندازه‌گیری و تحلیل شاخص‌های بهره‌وری

میزان بهره‌وری فرآورده‌های نفتی

بهره‌وری گروه پتروشیمی

پتروشیمی به عنوان یکی از بخش‌های اصلی صنعت نفت از جمله صنایع مهم و مادر کشور است. این صنعت به عنوان یکی از گزینه‌های مهم صادرات غیرنفتی در جهت شکوفایی اقتصادی کشور، توسعه و بومی کردن فناوری و گسترش صنایع جانبی اعم از صنایع پایین‌دستی و یا صنایع تأمین‌کننده نیازهای فنی، مهندسی و تحقیقاتی در کشور نقش اساسی دارد. تاریخچه پیدایش صنعت پتروشیمی در ایران به سال ۱۳۴۲ که نخستین واحد تولید کود شیمیایی در شیراز ساخته شد برمی‌گردد. در حال حاضر این صنعت دوران تثبیت و جهش خود را طی می‌کند و در سال ۸۸ سهم ایران از سبد محصولات تولیدی پتروشیمی در خاورمیانه به ۲۵/۳ درصد رسید. همچنین در این سال سهم صنعت پتروشیمی کشور در سبد تولید جهانی این دسته از محصولات ۲/۱۴ درصد، در سبد صادرات غیرنفتی ۳۶/۶ درصد و در بخش صنعتی ۴۲/۵ درصد بوده است. براساس پیش‌بینی‌های انجام شده تا پایان چشم‌انداز ۲۰ ساله (سال ۱۴۰۴) باید سالانه ۱۲۶ میلیون تن از انواع محصولات پتروشیمی با سرمایه‌گذاری ۵۰ میلیارد دلار تولید شود که این امر سهم ایران را از ارزش محصولات تولیدی پتروشیمی خاورمیانه و جهان به ترتیب به ۳۴ و ۶/۳ درصد می‌رساند. در جداول پیش‌رو میزان بهره‌وری گروه‌های تولیدکننده محصولات پتروشیمی از سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۸۸ آمده است در جدول زیر گروه‌های محصولات پتروشیمی مورد مطالعه ذکر شده است.



بهره‌وری به معنای توانایی یک نظام برای ایجاد ارزش بیان شده است و مدیریت بهره‌وری به دنبال حداکثرسازی ایجاد ارزش از طریق بهره‌گیری موثر از فرآیندها و منابع مورد استفاده و توزیع آن به بهترین نحو بین ذینفعان نظام می‌باشد. به تعبیر دیگر بهره‌وری، استفاده کارا و اثربخش از منابع برای تولید محصولات و ارائه خدمات مطلوب است و از یک سو پیگیر استفاده کامل و مناسب از مواد و اقلام واسطه‌ای مصرفی و سایر منابع ورودی و از سوی دیگر هدایت‌کننده ستاندها و خروجی فعالیت‌ها و فرآیندها به سمت اهداف مشخص و از پیش تعیین شده سازمان است. از آنجایی که هدف مالی اولیه هر شرکتی حداکثرسازی ارزش شرکت و ثروت سهامداران می‌باشد، لذا مدیریت بهره‌وری می‌تواند به عنوان بهترین پشتیبان و تضمین‌کننده تحقق این هدف در نظام‌های اقتصادی باشد.

با مروری اجمالی بر گذشته نه چندان دور در وضعیت بهره‌وری در کشور نکته‌ای که می‌توان به آن اشاره نمود آن است که ارتقای بهره‌وری در سطح کل اقتصاد کشور رشد مناسب و قابل قبولی نداشته که این موضوع به‌ویژه در برخی از زیربخش‌های اقتصادی غیرقابل انکار است. مهمترین دلایلی را که برای این ناکامی در سطح ملی می‌توان به آن اشاره نمود شامل چنین مواردی می‌باشد: عدم وجود وحدت رویه در فرآیند اجرایی در زمینه مدیریت بهره‌وری در زیربخش‌های مختلف اقتصادی، کمبود اطلاعات مناسب در سازمان‌ها، عدم آشنایی و نیز بی‌توجهی سازمان‌ها به مفاهیم پایه‌ای در ارتباط با بهره‌وری، پرهیز و طولانی بودن فرآیند جمع‌آوری اطلاعات و اندازه‌گیری شاخص‌های بهره‌وری در سطح دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی و خصوصی. سامانه ملی اندازه‌گیری و تحلیل شاخص‌های بهره‌وری راهکار ارائه شده توسط مرکز مدیریت بهره‌وری هوشمند ایرانیان به عنوان یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های لازم برای رشد بهره‌وری در کشور از سال ۱۳۸۵ فعالیت خود را آغاز نمود.

تاکنون شاخص‌های بهره‌وری بیش از ۹۰۰ بنگاه اقتصادی از سال ۱۳۸۲ تاکنون در قالب ۴۶ بخش اقتصادی در این سامانه اندازه‌گیری شده و اطلاعات موجود در این پایگاه داده سبب گردیده تا این سامانه به عنوان پشتیبان علمی و اطلاعاتی در برگزاری سه دوره جشنواره ملی بهره‌وری مورد استفاده قرار گیرد. در مطالب پیش‌رو میزان بهره‌وری محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی مورد مطالعه قرار گرفته که مشروح آن در پی می‌آید.

از آنجایی که هدف مالی اولیه هر شرکتی حداکثرسازی ارزش شرکت و ثروت سهامداران می‌باشد، لذا مدیریت بهره‌وری می‌تواند به عنوان بهترین پشتیبان و تضمین‌کننده تحقق این هدف در نظام‌های اقتصادی باشد

گروه پتروشیمی

۱	پتروشیمی خارک (برنده بخش اصلی)	۱۱	پتروشیمی زاگرس
۲	پتروشیمی اراک (برنده بخش ویژه)	۱۲	پتروشیمی امیرکبیر
۳	پتروشیمی مارون (برنده بخش جانبی)	۱۳	پتروشیمی تندگویان
۴	پتروشیمی آبادان	۱۴	پتروشیمی رجال
۵	پتروشیمی شیراز	۱۵	پتروشیمی لردگان
۶	پتروشیمی فآرا	۱۶	پتروشیمی اصفهان
۷	پتروشیمی فن‌آوران	۱۷	پتروشیمی ممسنی
۸	پتروشیمی بندر امام	۱۸	پتروشیمی کازرون
۹	اوره و آمونیاک پتروشیمی زنجان	۱۹	پتروشیمی کرمانشاه
۱۰	پتروشیمی پردیس	۲۰	صنایع پتروشیمی زنجان

از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱

وضعیت شاخص‌های مختلف بهره‌وری در گروه پتروشیمی



بر اساس
پیش‌بینی‌های
انجام شده تا پایان
چشم‌انداز ۲۰
ساله (سال ۱۴۰۴)
باید سالانه ۱۲۶
میلیون تن از انواع
محصولات پتروشیمی
با سرمایه‌گذاری
۵۰ میلیارد دلار
تولید شود

گروه فرآورده‌های نفتی

نموده‌اند. این شرایط احداث پالایشگاه‌های جدید در آمریکا را بسیار محدود و پرهزینه کرده است به طوری که آخرین پالایشگاه نفت احداث شده در ایالات متحده مربوط به سال ۱۹۷۶ می‌باشد. تشخیص اینکه کدام پالایشگاه هم‌اکنون بزرگترین پالایشگاه جهان است کار مشکلی است. زمانی ادعا می‌شد پالایشگاه راس التانورا در عربستان سعودی متعلق به آرامکو صاحب این عنوان است. با این حال می‌توان ادعا نمود که در قرن بیستم پالایشگاه آبادان واقع در ایران بزرگترین پالایشگاه جهان بوده است. این پالایشگاه در طی جنگ ایران و عراق متحمل خسارات فراوانی شد. هم‌اکنون کتاب ثبت رکوردهای گنیس (اکتبر ۲۰۰۶) پالایشگاه BP Ameco واقع در تگزاس ایالات متحده را به عنوان پالایشگاه دارای بیشترین ظرفیت پالایش (با ظرفیت ۴۳۳۰۰۰ بشکه در روز) ثبت کرده است. در جداول پیش‌رو میزان بهره‌وری گروه‌های تولیدکننده فرآورده‌های نفتی از سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۸۸ آمده است در جدول زیر گروه‌های فرآورده‌های نفتی مورد مطالعه ذکر شده است.

سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی در همان محل تاسیس گردید. اکثر این پالایشگاه‌ها در طی بمباران نیروی هوایی آمریکا در عملیات تیدال ویو در ۱۹۴۳ از کار افتادند. پس از این حادثه این پالایشگاه‌ها دوباره‌سازی گردیده‌اند. پالایشگاه قدیمی دیگر پالایشگاه Oljeon می‌باشد که هم‌اکنون به عنوان موزه در میراث جهانی یونسکو به عنوان سایت انگلسبرگ (Engelsberg) ثبت شده است.

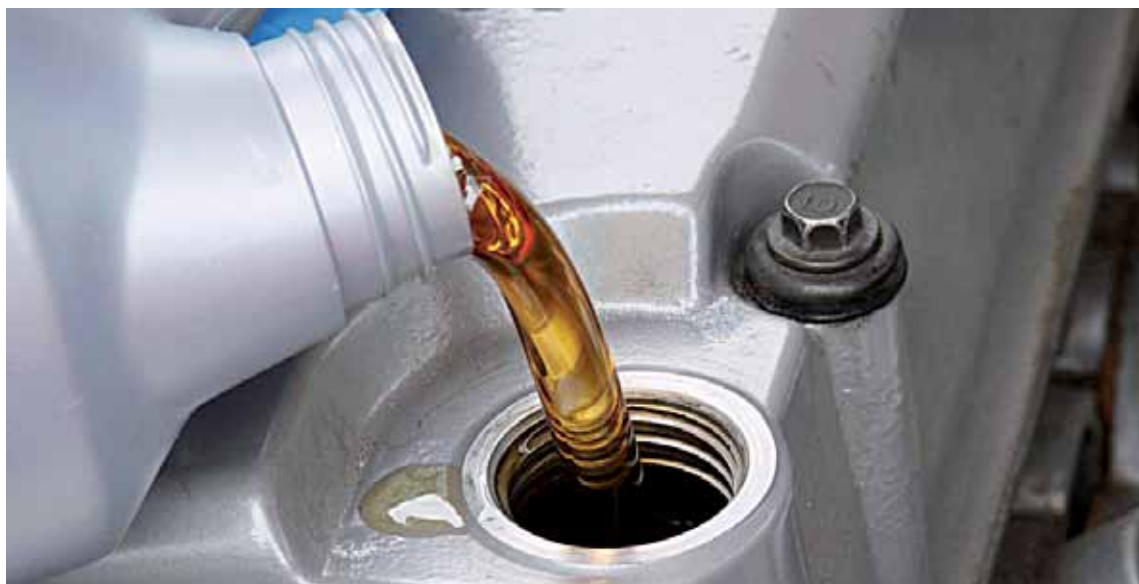
این پالایشگاه در ۱۸۷۵ افتتاح گردیده است. پالایشگاه‌های اولیه در ایالات متحده تنها نفت سفید را پالایش می‌کردند و مابقی محصولات پالایش نشده به نزدیک‌ترین رودخانه تخلیه می‌گردید. با اختراع اتومبیل پالایشگاه‌ها به سمت تولید بنزین و سوخت دیزل هدایت شدند که تا به امروز به عنوان اصلی‌ترین فرآورده‌های پالایشگاه شناخته می‌شوند. پس از نیمه دوم قرن بیستم در ایالات متحده سازمان‌های محیط زیست قوانین بسیار محدودکننده‌ای برای احداث پالایشگاه‌های جدید (از نظر آلودگی‌های آب و هوا) وضع

فرآورده‌های نفتی موادی بسیار پرکاربرد هستند که از نفت خام و در پالایشگاه نفت فرآوری می‌شوند. پالایشگاه‌ها مطابق ترکیب نفت خام و درخواست مشتریان می‌توانند فرآورده‌های نفتی را برای کارهای مختلفی فرآوری کنند. بیشترین کاربری فرآورده‌های نفتی در به دست آوردن انرژی از آنهاست: برای مثال مازوت و بنزین فرآورده‌هایی هستند که برای به کار بردن انرژی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

پالایشگاه‌ها همچنین مواد شیمیایی دیگری نیز فرآوری می‌کنند که برخی از آنها فرآورده‌های شیمیایی را برای فرآوری پلاستیک و دیگر مواد پرکاربرد به کار می‌برند. از آنجا که نفت دارای چند درصدی گوگرد است، مقدار زیاد گوگرد نیز به عنوان فرآورده نفتی فرآوری می‌شود. هیدروژن و کربن در شکل کک نفت هم می‌توانند فرآورده نفتی به حساب آیند.

اولین پالایشگاه جهان در پولشیتی رومانی در سال ۱۸۵۶ ساخته شد. تا قبل از اشغال رومانی توسط نازی‌ها چندین پالایشگاه دیگر نیز با

گروه فرآورده‌های نفتی	
نفت بهران (برنده بخش اصلی، جانبی و ویژه)	۱
پالایشگاه نفت تبریز	۲
تجهیز نیروی زنگان	۳
پالایشگاه نفت اصفهان	۴
نفت پارس	۵
نفت ایرانول	۶
شرکت ملی نفت ایران	۷



از آنجا که نفت دارای چند درصدی گوگرد است، مقدار زیاد گوگرد نیز به عنوان فرآورده نفتی فرآوری می‌شود. هیدروژن و کربن در شکل کک نفت هم می‌توانند فرآورده نفتی به حساب آیند

شماره دوم - زمستان ۱۳۹۱

وضعیت شاخص‌های مختلف بهره‌وری در گروه فراورده‌های نفتی

شد شاخص بهره‌وری سبیل‌برنج ثبت سال ۱۳۸۳



شد شاخص بهره‌وری سبیل‌برنج ثبت سال ۱۳۸۳



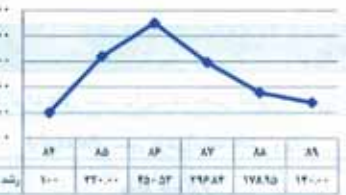
شد شاخص بهره‌وری سبیل‌برنج ثبت سال ۱۳۸۳



شد شاخص بهره‌وری سبیل‌برنج ثبت سال ۱۳۸۳



شد شاخص بهره‌وری سبیل‌برنج ثبت سال ۱۳۸۳



شد شاخص بهره‌وری سبیل‌برنج ثبت سال ۱۳۸۳



شد شاخص بهره‌وری سبیل‌برنج ثبت سال ۱۳۸۳



شد شاخص بهره‌وری سبیل‌برنج ثبت سال ۱۳۸۳



شد شاخص بهره‌وری سبیل‌برنج ثبت سال ۱۳۸۳



شد شاخص بهره‌وری سبیل‌برنج ثبت سال ۱۳۸۳



زمانی ادعا می‌شد
پالایشگاه راس
التانورا در عربستان
سعودی متعلق به
آرامکو صاحب این
عنوان است. با این
حال می‌توان ادعا نمود
که در قرن بیستم
پالایشگاه آبادان واقع
در ایران بزرگترین
پالایشگاه جهان بوده
است

جزئیات طرح ملی فروش اوراق سلف نفتی

مکانیزم فروش نفت کاغذی

طرح ملی فروش اوراق سلف نفت برای عرضه و فروش نفت خام به مردم قرار است به‌زودی عملیاتی شود اما خیلی‌ها از جزئیات آن بی‌خبر هستند. حجم اولیه عرضه نفت در این طرح ملی به میزان یک میلیون بشکه و حداکثر تا سقف ۵ میلیون بشکه نفت خام به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار در نظر گرفته شده است که به صورت ریالی و ارزی (بر مبنای واحد پولی دلار) عرضه خواهد شد. نرخ تغییر دلار در نماد ریالی بر اساس نرخ آزاد مبادله‌ای (مرکز مبادلات ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران) محاسبه و پرداخت می‌شود.

سلف موازی، شرکت ملی نفت را بر آن داشت که این روش معاملاتی را انتخاب کند تا خریداران، انگیزه بیشتری برای حضور در این بازار داشته باشند.

به گفته زارعی وزارت نفت و شرکت ملی نفت برای عرضه اوراق سلف نفتی، به فراهم کردن مستندات قانونی نیاز داشتند که در این راستا، قانون برنامه پنجم، قانون بودجه، مصوبات مجمع عمومی و مصوبات هیات مدیره مدنظر قرار گرفت و با توجه به نوع اوراق هدف، دستورالعمل کمیته تخصصی فقهی بانک مرکزی نیز دریافت شد تا هیچ شائبه‌ای در این زمینه نباشد.

وی با بیان اینکه در این معاملات، دارایی پایه یک بشکه نفت خام است، تاکید کرد: دوره سلف، سه ساله است و سود پیشنهادی شرکت ملی نفت برای اوراق سلف، به صورت ارزی سالانه ۱۰ درصد و به صورت ریالی سالانه هشت درصد است.

آمادگی بورس برای انتشار اوراق سلف موازی نفتی

تمام شرایط و مقدمات برای انتشار اوراق سلف نفتی در سازمان بورس فراهم است و در صورت آمادگی شرکت ملی نفت اوراق منتشر می‌شود. مطلب فوق سخنان محمدرضا خواجه نصیری، مدیر نظارت بر بازارهای سازمان بورس درباره فروش نفت به مردم است. وی با بیان این مطلب که اوراق سلف نفتی با سود بیشتر از اوراق مشارکت روانه بازار سرمایه می‌شود، افزود: سازمان آمادگی انتشار اوراق سلف نفتی را دارد و منتظر درخواست شرکت ملی نفت است.

خواجه نصیری تصریح کرد: با توجه به اینکه سود اوراق مشارکت در زمان تصویب انتشار اوراق سلف موازی نفت تا امروز افزایش یافته است این امکان وجود دارد سود این اوراق هم بالاتر از اوراق مشارکت باشد. وی با اشاره به اینکه اوراق سلف موازی نفتی یکی از بهترین راه‌ها برای تامین مالی در پروژه‌های نفتی است، اظهار داشت: در صورتی که شرکت نفت درخواست خود را برای انتشار این اوراق اعلام کند ما هم به عنوان سازمان بورس برای انتشار اوراق آمادگی داریم. مدیر نظارت بر بازارهای سازمان بورس

داشت: این ابزار مالی اسلامی تحول بزرگی در بحث سرمایه‌گذاری و مشارکت مردم و نیز توسعه بازار سرمایه در پی خواهد داشت. بر اساس این گزارش، اوراق سلف نفتی که به استناد قراردادهای سلف موازی استاندارد منتشر خواهد شد، در قالب طرحی برای فروش نفت خام به مردم برای نخستین بار انجام می‌شود.

جزئیات فروش کاغذی نفت به مردم

یک مقام مسؤول در شرکت ملی نفت نیز با تشریح جزئیات فروش نفت به مردم، گفت: در معاملات سلف نفتی دارایی پایه یک بشکه نفت بوده که دوره سلف، سه ساله است و سود پیشنهادی شرکت ملی نفت برای اوراق سلف، به صورت ارزی سالانه ۱۰ درصد و به صورت ریالی سالانه ۸ درصد است.

عزت‌الله زارعی در تشریح روش جذب منابع مالی از طریق فروش اوراق سلف نفتی گفت: نظر به اهمیت فراوان پروژه‌های نفت و گاز، وزارت نفت و شرکت ملی نفت، روش‌های متعدد تامین منابع مالی را برای پیشبرد اهداف توسعه‌ای خود در این حوزه مدنظر دارند که در این راستا، عرضه اوراق سلف نفتی برای نخستین بار در دستور کار قرار می‌گیرد.

وی با بیان اینکه در مجموع، معاملات پیش فروش را سلف نامگذاری کرده‌اند، افزود: این معاملات به دو دسته معاملات سلف و معاملات آتی تقسیم می‌شود که در معاملات آتی، قیمت قطعی نیست و ملاک، قیمت روز کالا در زمان تحویل است؛ اما در معاملات سلف، قیمتی که در زمان انتشار اوراق اعلام شود، ملاک قرار می‌گیرد.

معاون سرمایه‌گذاری شرکت ملی نفت افزود: همچنین معاملات سلف در دو دسته ساده یا موازی صورت می‌گیرد که در معاملات ساده، تا زمان تحویل کالا، امکان فروش گواهی از سوی خریداران وجود ندارد و خریداران نمی‌توانند در بازارهای ثانویه حضور یابند اما شرکت‌کنندگان در معاملات سلف موازی، مجازند گواهی خریداری شده را حتی قبل از تحویل کالا در بازار ثانویه به فروش برسانند.

این مقام مسؤول تصریح کرد: جذابیت معاملات

بر اساس دستورالعمل ابلاغی وزارت نفت در سال گذشته برای فروش اوراق سلف نفتی، چنانچه قیمت هر بشکه نفت در سال ۹۰، ۱۰۰ دلار در نظر گرفته شود، مردم و بخش خصوصی می‌توانند با خرید این اوراق، در سال ۹۴ یا نسبت به تحویل نفت خام خود اقدام یا از اختیار فروش خود استفاده کنند و با قیمت مشخصی اوراق را به شرکت ملی نفت بفروشند.

در این حالت اگر قیمت نفت از قیمت تعیین شده در اوراق خریده شده کمتر باشد به قیمت تعیین شده در همان اوراق خریداری می‌شود و در صورتی که قیمت نفت بالاتر از قیمت تعیین شده باشد به همان قیمت اوراق از سرمایه‌گذاران خریداری خواهد شد. به عنوان مثال سرمایه‌گذاری، نفت را به قیمت یکصد دلار خریداری می‌کند و اگر قیمت نفت در سررسید زیر ۱۳۰ دلار باشد، سرمایه‌گذار اختیار دارد اوراق خود را به قیمت ۱۳۰ دلار به شرکت ملی نفت بفروشد.

این گزارش می‌افزاید اگر قیمت نفت بالاتر از ۱۳۰ دلار باشد، سرمایه‌گذار به همان قیمت اوراق خود را به شرکت ملی نفت یا خریداران بالقوه دیگر می‌فروشد.

بر پایه این گزارش، شرکت ملی نفت ایران پرداخت اصل و سود این اوراق را تضمین می‌کند.

ابزار مالی

سید محسن فاضلیان، مدیر عامل شرکت امین سرمایه امید در این باره گفت: اوراق سلف نفتی به‌عنوان ابزار مالی اسلامی تحول بزرگی در بحث سرمایه‌گذاری و مشارکت مردم و نیز توسعه بازار سرمایه به دنبال خواهد داشت.

وی افزود: این شرکت به عنوان مشاور عرضه، متعهد پذیرهنویسی و بازارگردان انتشار اوراق سلف نفتی، این اوراق را به عنوان یک راهکار نوین و شرعی از دوم تا دوازدهم دی ماه منتشر می‌کند. اوراق به مدت ۱۰ روز با مجوز سازمان بورس و اوراق بهادار در شعب منتخب بانک سپه فروخته می‌شود. این اوراق سه ساله است و در پایان دوره، خریدار می‌تواند نسبت به تسویه فیزیکی یا نقدی به قیمت روز ضمنی اقدام کند. مدیر عامل شرکت امین سرمایه امید اظهار

اگر قیمت نفت از قیمت تعیین شده در اوراق خریده شده کمتر باشد به قیمت تعیین شده در همان اوراق خریداری می‌شود و در صورتی که قیمت نفت بالاتر باشد به همان قیمت اوراق از سرمایه‌گذاران خریداری خواهد شد



که با این میزان سرمایه‌گذاری، به اهداف برنامه نمی‌رسیم. بنابراین چند وقتی بحث است که با توجه به محدودیت‌های سرمایه‌گذاری، ما به مردم خودمان و منابع داخلی خود تکیه کنیم. به همین دلیل در دوران صادرات آقای سیدمسعود میرکاظمی بر وزارت نفت تلاش شد که بانک‌ها به این بخش ورود کنند اما موفق نبودند و بانک‌ها از ادامه کار انصراف دادند و طرح‌ها به شرکت نفت بازگشتند. اکنون هم قرار شده ۴ تا ۵ میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی به این بخش برود که این هم چندان کار مطلوبی به نظر نمی‌رسد. بنابراین به این جمع‌بندی رسیده‌اند که مردم را در این بخش شریک کنند و محور اصلی آن هم این است که قرار شده به مردم یک چیز واقعی بفروشند نه اوراق مشارکت. در این طرح برای سود مردم میزانی را پیش‌بینی کرده‌اند تا در صورت افزایش قیمت نفت، مردم هم سود ببرند. در واقع در این طرح متقاضیان هم می‌توانند سود را بگیرند و هم می‌توانند تقاضا کنند که به طور واقعی نفت را تحویل بگیرند. کسی که سرمایه‌گذاری می‌کند می‌تواند از دو طریق سود کند اما اگر قیمت نفت کاهش یابد می‌تواند تنها سود خود را بگیرد. از سوی دیگر با این طرح به نظر می‌رسد بخشی از نقدینگی جذب خواهد شد که باید این سرمایه‌ها در بخش‌های نفتی سرمایه‌گذاری شوند. البته در سال گذشته هم این طرح مطرح شده بود اما به دلیل نوسان‌های ارزی شرکت نفت نتوانست این طرح را پیاده کند اما اکنون که نرخ دلار به یک ثبات حداقلی رسیده و با توجه به اینکه از انتشار اوراق مشارکت استقبال نشده، به نظر می‌رسد مسؤولان به این جمع‌بندی رسیده‌اند که سلف نفتی را مطرح کنند تا هم برای مردم و هم برای شرکت نفت سودآور باشد. با وجود این نمی‌توان درباره آینده این طرح پیش‌بینی‌ای داشت اما درباره اینکه آیا این طرح برای دولت‌های آینده تعهداتی را به وجود خواهد آورد باید اشاره کنیم که اگر این پول‌ها به صورت صحیح در بخش نفتی سرمایه‌گذاری شود و افزایش تولید در بخش‌های نفتی رخ دهد دولت‌های بعدی حتی می‌توانند سود هم داشته باشند. مهم این است که مجلس و دستگاه‌های نظارتی بر این موضوع نظارت کنند تا این پول‌ها حتماً در پروژه‌های نفتی سرمایه‌گذاری شود.

نوع ابزار مالی سرمایه‌گذاری می‌کنند. وی درباره انتشار صکوک و اوراق سلف نفتی تصریح کرد: یکی از ابزارهای مهم در زمینه پوشش ریسک نوسان‌های قیمتی، ابزار سلف است و استفاده از این ابزار هم به فروشنده که به نقدینگی برای اجرای پروژه‌های مهم نیازمند است و هم به خریدار که به برنامه‌ریزی میان‌مدت برای تبدیل کالای خریداری شده به کالای نهایی با قیمت مشخص نیاز دارد، کمک شایانی می‌کند. محمد تبار اظهار داشت: تنوع ابزارهای مالی سبب جذب نقدینگی موجود در دست اقشار مختلف می‌شود که اگر نقدینگی جذب شده به درستی به پروژه‌های توجیه‌پذیر اختصاص یابد، در سطح کلان اقتصاد، کارآیی تخصیص منابع خواهیم داشت که این خود در بهره‌وری اقتصاد و توسعه کشور، نقش مهمی ایفا می‌کند.

یک میلیون بشکه

مدتی پیش اعلام شد که در مرحله اول طرح فروش نفت به مردم قرار است یک میلیون بشکه نفت با سود ۸ درصدی عرضه شود. درباره عرضه نفت به مردم باید اشاره کرد که یکی از چالش‌های صنعت نفت ما سرمایه‌مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری در این بخش است. سال‌های سال است که اقتصاد ما با محدودیت‌هایی بین‌المللی در زمینه سرمایه‌گذاری در صنعت نفت مواجه است اما در چند سال گذشته که تعاملات ما با کشورهای دیگر بهتر بود، ۱۰ فاز پارس جنوبی با جذب ۲۵ میلیارد دلار توسعه یافت و به همین میزان در صنعت پتروشیمی نیز سرمایه‌گذاری شد اما در دور جدید محدودیت‌های بین‌المللی اقتصاد ما، جذب سرمایه‌گذاری بسیار مشکل شده و از طرف دیگر عملکرد ما در تعهدات خارجی باعث شده بسیاری از تامین‌کنندگان بازار مالی خود را از دست بدهیم. همچنین با توجه به طرح‌های توسعه پارس جنوبی و افزایش یک میلیون بشکه‌ای تولید نفت خام در برنامه پنجم و از طرفی دیگر طرح‌های پالایشگاهی، در حال حاضر کشور شدیداً نیاز به سرمایه دارد و منابع مالی دولت هم نمی‌تواند پاسخگو باشد. طبق مستندات تنها ۱۴/۵ درصد درآمدهای نفتی که شاید مبلغی معادل ۱۴ تا ۱۵ میلیارد دلار شود را بتوان از بودجه به سرمایه‌گذاری اختصاص داد

خاطر نشان کرد: در حال حاضر تمام پیش شرط و مقدمات برای انتشار اوراق سلف نفتی در بورس اوراق بهادار آماده شده و در صورت آمادگی شرکت نفت این اوراق منتشر می‌شود.

آرامش برای بازار

معرفی اوراق سلف نفتی به دلیل جذابیت‌های این اوراق از نظر سرمایه‌گذاران، می‌تواند علاوه بر رونق بخشیدن به بازار سرمایه، آرامش را به بازار سکه و ارز بازگرداند.

دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اعلام کرد: تامین مالی در صنعت نفت طی سال‌های اخیر با چالش‌هایی روبه‌رو بوده و این در حالی است که سرمایه‌گذاری در میادین مشترک نفتی و گازی ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. به همین دلیل وزارت نفت با طراحی قرارداد جدیدی که به «سلف نفتی» شهرت یافته درصدد جمع‌آوری و جوه مورد نیاز خود است. این قرارداد، قرارداد سلف موازی استاندارد به همراه دو اختیار در قالب شرط ضمن عقد است.

طبق این گزارش، معرفی این اوراق می‌تواند فضا را برای آرامش بازار ارز و سکه و نیز رونق بازار سرمایه فراهم آورد. البته در این مورد باید علت انتخاب این اوراق از میان سایر ابزارهای مالی (مثل اوراق مشارکت و صکوک) شفاف شود.

همچنین، بورس کالایی و مبادلات موجود در آن از سازوکار خاص خود پیروی می‌کند، این سازوکار نیز به‌صورت مقررات (در قالب آیین‌نامه و دستورالعمل تدوین‌یافته) مشخص است. لذا انجام هر معامله مرتبط با عرضه کالا از جمله عرضه سلف نفتی باید در چارچوب مقررات بورس کالایی صورت پذیرد. طبیعتاً فرآیندهای اجرایی، کارمزدها، نهادهای درگیر و ... طبق این مقررات تعیین می‌شوند و لذا ضروری است که وزارت نفت نیز از آن تبعیت کند.

براساس این گزارش بنابر اطلاعات موجود، اوراق سلف موازی استاندارد به سبک پیشنهادی وزارت نفت تاکنون سابقه‌ای در دیگر کشورها نداشته است، اما بررسی آنها از بعد مالی به عنوان یک نوآوری حاکی از جذابیت این طرح از نظر سودآوری است. البته بررسی درجه نقدشوندگی این اوراق نیازمند وجود اطلاعات دقیق درباره نحوه قیمت‌گذاری در بازار ثانویه، شرایط و قدرت بازارگردان و مواردی از این قبیل است.

میزبان مطمئن سرمایه‌های سرگردان

معاون عملیات و نظارت فرابورس ایران گفت: انتشار اوراق صکوک و سلف نفتی می‌تواند افزون بر توسعه صنعت نفت، ریسک‌های نوسان قیمت را در بازار سرمایه پوشش دهد.

حسن محمد تبار ضمن بیان این مطلب افزود: سرمایه‌گذاران در یک اقتصاد متشکل از اقشار مختلف شامل شرکت‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های بیمه، صندوق‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های بازنشستگی، بانک‌های سرمایه‌گذاری و عموم افراد جامعه هستند که هر یک نیازهای مختلفی دارند و به تناسب نیاز خود، در یک یا چند

اکنون که نرخ دلار به یک ثبات حداقلی رسیده و با توجه به اینکه از انتشار اوراق مشارکت استقبال نشده، به نظر می‌رسد مسؤولان به این جمع‌بندی رسیده‌اند که سلف نفتی را مطرح کنند تا هم برای مردم و هم برای شرکت نفت سودآور باشد

گزارشی از وضعیت صادرات فرآورده‌های نفتی

کاهش یا افزایش؟

طبق آمار رسمی گمرک جمهوری اسلامی ایران میزان صادرات فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی کاهش چشمگیری داشته و این آمار زنگ خطر را برای مسوولان و صادرکنندگان به صدا در آورده است. طبق این آمار صادرات میعانات گازی در هشت ماهه ابتدایی امسال نسبت به سال گذشته، از نظر وزن با ۱۲ درصد و از نظر ارزش دلاری با ۱۳ درصد کاهش مواجه بوده است. همچنین آمار نشان می‌دهد محصولات پتروشیمی در هشت ماهه ابتدایی امسال نسبت به سال گذشته، از نظر وزن ۲۸ درصد و از نظر ارزش دلاری ۲۹ درصد کاهش داشت.

ایرانی، حمل و نقل و دریافت پول وجود دارد، باز صادرکننده دارد در این عرصه سالانه ۲۰ درصد ارز حاصل می‌کند. ما چیزی در حد معجزه می‌بینیم، توانایی بخش خصوصی یعنی همین. با همه سختی‌ها و مشکلات توانسته از این موانع عبور کند. اینها نشان‌دهنده توانمندی است. یعنی ظرفیت فقط پول نیست.

در مقابل همه مشکلات بخش خصوصی می‌تواند صادر کند و بازارهایش را از دست ندهد. در دنیا فضای رقابتی درست کرده‌اند که باعث شده بهره‌وری افزایش پیدا کند. وقتی فضای کشور بسته می‌شود قطعاً بهره‌وری کاهش پیدا می‌کند. به قول یکی از اعضای اتحادیه صادرکنندگان نفتی، روزی در حوزه صادرات قیر ۱۲۰ شرکت مشغول کار بودند اما الان ۹۰ درصدشان از بازار رفته و نابود شده‌اند و فقط چند شرکتی که توانسته‌اند در خارج از کشور دفتر و امکانات داشته باشند، مانده‌اند و خیلی انگیزه برای بهره‌وری ندارند.

نشان می‌دهد. در این گزارش پروپان ۳۵ درصد، پلی اتیلن ۱۴ درصد و بوتان مایع شده ۲۱ درصد از نظر ارزش با کاهش صادرات مواجه بوده‌اند. قیر تنها محصولی بود که از لحاظ ارزش، افزایش صادرات داشت.

قطعاً توانمندی صادرکنندگان ایرانی در دنیا بی‌نظیر است. همه کشورهایی که صادرات عمده دارند مانند چین، ترکیه و مالزی ۷۰-۶۰ درصد صادرات‌شان توسط شرکت‌های چند ملیتی انجام می‌شود. این کشور چین نیست که اقدام به صادرات می‌کند بلکه شرکتی چند ملیتی است که این کار را می‌کند. ما تنها کشوری هستیم که صادرات توسط صادرکنندگان ایرانی انجام می‌شود. این خیلی توانمندی بزرگی است که بسیاری نمی‌دانند. ایران ۳۰ میلیارد دلار صادرات دارد که توسط بخش خصوصی انجام می‌شود ارزشش معادل ۱۰۰ میلیارد دلار بقیه کشورهاست. در حالی که هزاران محدودیت برای ویزای صادرکننده

کارشناسان علل گوناگونی را برای رخ دادن این وضعیت برشمردند که اعمال محدودیت‌های غیر کارشناسی دولت و افزایش سخت‌گیری علیه بخش خصوصی از مهم‌ترین عوامل کاهش صادرات فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی است.

البته در بحث پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی ۲ اتفاق مهم افتاده است. تحریم‌هایی که اتحادیه اروپا از جمله درباره کشتیرانی ایجاد کرده یکی از این اتفاقات است که موجب شد به صورت ناگهانی صادرات محصولات پتروشیمی ظرف ۴ تا ۵ ماه شدیداً لطمه بخورد و میزان صادرات ۲ میلیون تن از سال قبل کمتر شود. نگاه‌های بخش خصوصی هم آمادگی این جریان را نداشتند. تصمیمات جدید که تغییراتی در قانون مالیاتی دادند نیز از عوامل دیگر ضربه خوردن صادرات بود. امسال یکباره در برنامه پنجم مسوولیت بودجه و تعیین نوع فرآورده‌ها به نفتی و غیر نفتی به معاونت برنامه ریزی ریاست جمهوری واگذار شد، بدون اینکه از وزارت تجارت نظرخواهی کنند. روغن موتور، صنعتی، قیر و... جزو کالاهای نفتی قلمداد و صادرکنندگان با محدودیت مواجه شدند.

طبق تصمیمات جدید، صادرکننده‌ای که روغن سوخته‌ای را که جمع‌آوری و دوباره پالایش و صادر کرده است، به جای تشویق شدن با محدودیت مواجه شد. طبق پیمان کیوتو اگر شرکتی بتواند ضایعات را اصلاح کند، باید تشویق شود، اما در ایران صادرکننده‌ای که ۵۰۰ هزار تن روغن سوخته را نگذاشته در محیط زیست پخش شود، آن شرکت را نفتی اعلام می‌کنند و برای آن محدودیت جدید تعریف می‌کنند تا مالیات بیشتری از آن بگیرند. برخی تصمیمات غیرکارشناسی و غیرمنطقی موجب ایجاد چنین وضعیتی شد.

آمارها

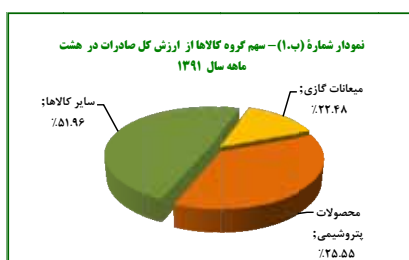
بنا بر گزارش گمرک اکثر ۱۰ کالای اول صادرات ایران جزو فرآورده‌های پتروشیمی بوده‌اند اما بر اساس همین آمار صادرات این محصولات نسبت به سال گذشته کاهش نگران‌کننده‌ای را

طبق پیمان کیوتو اگر شرکتی ضایعات را اصلاح کند، باید تشویق شود، اما در ایران صادرکننده‌ای که ۵۰۰ هزار تن روغن سوخته را از محیط زیست جمع می‌کند با محدودیت مواجه شده و مالیات بیشتری از آن می‌گیرند

جدول شماره (ب)۱ - میزان صادرات انواع کالاهای هشت ماهه سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ به تفکیک گروه کالایی

شرح	هشت ماهه سال ۱۳۹۱			هشت ماهه سال ۱۳۹۰			درصد تغییرات نسبت به مدت مشابه سال قبل	
	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	سهم	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	سهم	وزن	دلار
میعانات گازی	۷,۱۰۶	۱۳,۷۲	۶,۳۸۷	۲۲,۴۸	۸,۱۴۱	۱۵,۷۶	-۱۲,۷۲	-۱۳,۰۶
محصولات پتروشیمی	۱۰,۳۹۶	۲۰,۰۷	۷,۱۴۵	۲۵,۵۵	۱۴,۵۲۴	۲۸,۱۲	-۲۸,۴۲	-۲۹,۶۲
سایر کالاهای	۳۴,۳۰۵	۶۶,۲۲	۱۴,۴۹۰	۵۱,۹۶	۲۸,۹۸۲	۵۶,۱۲	۱۸,۳۶	۳۰,۶۰
جمع کل	۵۱,۸۰۶	۹۹,۰۱	۲۷,۹۶۱	۱۰۰	۵۱,۶۴۷	۱۰۰	۰,۲۱	-۱,۹۲

سهم ارزشی هر دسته از گروه کالاهای صادراتی به شرح ذیل می‌باشد.



صادرات فرآورده‌های نفتی تنها ۵ تا ۱۰ درصد کمتر از نرخ‌های بین‌المللی است

شد تا از روند فروش ارزان فرآورده‌های نفتی جلوگیری شود. وی با اشاره به کاهش صادرات فرآورده‌های نفتی گفت: تلاش شده تا اقدامات لازم برای رفع این مشکل انجام شود و در این راستا کمیسیون‌های اتحادیه فعال شده‌اند. وی گفت: همچنین قرار است قیمت مواد اولیه که تشکیل دهنده و پایه عملیات است، واقعی شود، ضمن آن که به بخش‌های دولتی و نیمه دولتی نیز اعلام شده تا به فروش مواد اولیه بر اساس قیمت بورس و همچنین نرخ‌های مستقیم ۵ تا ۱۰ درصد کمتر از بازارهای بین‌المللی اقدام کنند.

صادرکنندگان امکان فروش فرآورده‌های نفتی کمتر از ۵ تا ۱۰ درصد از قیمت بازارهای بین‌المللی را نداشته باشند. خسرو جردی اظهار داشت: با افزایش نرخ ارز در کشور صادرات فرآورده‌های نفتی برای صادرکنندگان با ارقامی بسیار کمتر از نرخ‌های جهانی نیز سودآور بود که البته در نهایت سود اصلی به جیب خریداران خارجی می‌رفت و به ضرر اقتصاد ملی کشور بود. رئیس اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پترو شیمی گفت: برای جلوگیری از این عارضه با هماهنگی‌های انجام شده تلاش

رئیس اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی گفت: صادرکنندگان نفتی کشور مجاز به صادرات فرآورده‌های نفتی کشور ۵ تا ۱۰ درصد کمتر از قیمت بازارهای بین‌المللی شدند. حسن خسرو جردی افزود: صادرات فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی در شرایط فعلی کاهش یافته و رقم چشمگیری نیست. وی، نوسانات نرخ ارز را مهمترین دلیل کاهش صادرات نفتی دانست و اظهار داشت: تلاش‌های زیادی برای رفع مشکلات در این بخش شده و مکاتباتی نیز در این راستا انجام شده است تا

جدول شماره (ب. ۱) - جدول مقایسه ده قلم عمده صادرات طی هشت ماهه سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱

ردیف	شرح تعرفه	تعرفه	هشت ماهه سال ۱۳۹۱						هشت ماهه سال ۱۳۹۰						درصد تغییرات نسبت به مدت مشابه سال قبل
			وزن (هزارتن)	ارزش (میلیون دلار)	سهم هر کالا		وزن (هزارتن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن	ارزش (میلیون دلار)	سهم هر کالا				
					وزن	ارزش					وزن	ارزش	وزن	ارزش	
۱	پروپان مایع شده در ظروف یکپارز سائنی متر مکعب و بیشتر	۲۷۱۱۱۲۹۰	۱,۲۱۵	۹۰۹	۲,۳۲	۲,۱۹	۱,۷۲۷	۱,۳۰۵	۳,۱۷	۶۶	۲۹,۶۲	۲۵,۲۳	۲۶,۱۳	۸,۸۲	۲,۳۳
۲	آوره حتی به صورت محلول در آب	۳۱۰۲۱۰۰۰	۲,۰۸۲	۸۶۶	۴,۶۶	۴	۱,۹۱۴	۶۸۷	۲,۴	۲,۳۳	۸,۸۲	۲۶,۱۳	۸,۸۲	۲,۳۳	۲۶,۱۳
۳	ماترول (تکلر سلیکات)	۲۹۰۵۱۱۰۰	۱,۹۵۵	۷۴۸	۴,۳۷	۳,۴۵	۲,۵۸۸	۸۸۶	۵,۹۵	۴,۱۶	۵,۹۵	۲۶,۱۳	۵,۹۵	۴,۱۶	۲۶,۱۳
۴	قیر نفت	۲۷۱۲۳۰۰۰	۱,۲۷۶	۷۴۳	۲,۴	۹۵۷	۲,۲	۵۵۹	۲,۲	۵۴,۲۸	۶۱,۷۹	۶۱,۷۹	۵۴,۲۸	۶۱,۷۹	۶۱,۷۹
۵	پلی اتیلن گرید فیلم با ضخامت کمتر از ۹۴ به جز نوع پوئری	۳۹۰۱۱۰۳۹	۵۴۶	۷۲۲	۱,۳۲	۲,۳۳	۶۰۷	۸۲۷	۱,۳۹	۳,۹۸	۱۴,۷۴	۱۴,۷۴	۳,۹۸	۱۴,۷۴	۱۴,۷۴
۶	پروپان مایع شده در ظروف یکپارز سائنی متر مکعب و بیشتر	۲۷۱۱۱۲۹۰	۸۳۱	۶۷۳	۱,۸۶	۱,۳۱	۸۶۲	۲,۳۷	۴,۰۵	۲,۳۷	۱۹,۹۲	۲۱,۱۴	۴,۰۵	۲,۳۷	۲۱,۱۴
۷	سایر اقلام گرانها حتی اگر با روشش شده یا پوشش داده یا اقلام گرانها غیر مذکور در جای دیگر	۷۱۱۲۱۹۹۰	۰۰۱	۶۲۳	۰	۲,۸۸	۰	۱۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۸	سایر سیمان پرتلند (پاستنای سفید)	۲۵۳۲۲۰۰	۵۵۶	۱۵,۳۱	۲,۵۶	۵,۰۱۶	۳۸۷	۱۱,۵۳	۱,۸۲	۳۵,۵۴	۴۴,۶۴	۴۴,۶۴	۱,۸۲	۳۵,۵۴	۴۴,۶۴
۹	انواع پسته خندان در داخل پوسته تازه یا خشک	۰۸۰۲۵۱۱۰	۶۱	۴۹۲	۰,۱۴	۲,۲۷	۶۸	۴۹۶	۰,۱۶	۲,۳۳	۰,۸۹	۰,۸۹	۰,۱۶	۲,۳۳	۰,۸۹
۱۰	سنگ آهن و کانسارته های آن غیر از پیریت های آن نفته شده به هم فشرده نشده	۲۶۰۱۱۱۰۰	۱۱,۴۰۵	۷۷۴	۲,۵۵۱	۲,۱۹	۱۰,۶۴۲	۲۲۳	۳۳,۵۹	۱,۱۴	۱۲,۳۴	۱۲,۳۴	۳۳,۵۹	۱,۱۴	۱۲,۳۴
سایر تعرفه‌ها			۱۸,۳۲۸	۱۴,۶۹۱	۲۱,۰۰	۶۸,۰	۱۹,۳۳۶	۱۳,۸۰۷	۴۴,۴۴	۶۹,۹۹	۵۰,۲۱	۰,۲۲			
جمع کل			۴۴,۷۰۰	۲۱,۶۷۵	۱۰۰	۴۳,۵۰۶	۲۱,۲۷۷	۱۰۰	۱۰۰	۲,۷۵	۱,۸۷	۲,۷۵	۱۰۰	۱,۸۷	۱,۸۷

آمار صادرات قطعی به تفکیک میعانات گازی، محصولات پتروشیمی (به جز نفت و گاز و تجارت چمدانی) و سایر کالاهای طی هشت ماهه سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱

نوع صادراتی	هشت ماهه سال ۱۳۹۱						هشت ماهه سال ۱۳۹۰						درصد تغییرات نسبت به مدت مشابه سال قبل	
	وزن (هزارتن)			ارزش (میلیون دلار)			وزن (هزارتن)			ارزش (میلیون دلار)			وزن	
	وزن	ارزش	سهم از کل	وزن	ارزش	سهم از کل	وزن	ارزش	سهم از کل	وزن	ارزش	سهم از کل	وزن	ارزش
میعانات گازی	۷,۱۰۶	۴,۹۲۷	۶,۲۸۷	۱۳,۷۲	۲۲,۴۸	۸,۱۴۱	۵,۱۰۶	۷,۲۳۱	۱۵,۷۶	۲۵,۳۶	۱۳,۷۲	۳,۴۹	-۱۳,۰۶	-۱۳,۰۶
محصولات پتروشیمی	۱۰,۳۹۶	۵,۵۹۶	۷,۱۴۵	۲۰,۰۷	۲۵,۵۵	۱۴,۵۲۴	۱۰,۱۵۲	۷,۱۷۴	۲۸,۱۲	۳۵,۶۱	۲۸,۴۲	-۲۲	-۲۹,۶۲	-۲۹,۶۲
سایر کالاهای	۳۴,۳۰۵	۱۱,۴۱۰	۱۴,۵۲۹	۶۶,۲۲	۵۱,۹۶	۲۸,۹۸۲	۱۱,۱۲۵	۷,۸۷۳	۵۶,۱۲	۳۹,۰۲	۱۸,۳۶	۴۴,۹۲	۳۰,۶۰	۳۰,۶۰
جمع کل	۵۱,۸۰۶	۲۱,۹۳۳	۲۷,۹۶۱	۱۰۰	۱۰۰	۵۱,۶۴۷	۲۰,۱۵۳	۲۸,۵۰۸	۱۰۰	۱۰۰	۰,۳۱	۸,۸۳	-۱,۹۲	-۱,۹۲

صادرکنندگان نفتی کشور مجاز به صادرات فرآورده‌های نفتی کشور ۵ تا ۱۰ درصد کمتر از قیمت بازارهای بین‌المللی شدند. تلاش شده تا اقدامات لازم برای رفع این مشکل انجام شود و در این راستا کمیسیون‌های اتحادیه فعال شده‌اند

مشکلات صادرکنندگان کاهش می‌یابد؟

اهتمام اتحادیه برای رفع مشکلات صادراتی اعضا

(این شماره: روغن سوخت تقطیری)

اصولاً در بیشتر صنایع کشور از جمله نفت و گاز و پتروشیمی و زیرمجموعه‌های آن به‌دلیل تنوع مواد و مولکول‌های تشکیل دهنده خوراک ورودی واحدهای پالایش و فرآوری، علاوه بر محصول اصلی محصولات جانبی نیز ناخواسته استحصال می‌گردد که در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی این مواد اکثراً دارای ارزش بوده و حتی ممکن است این محصول جانبی خوراک سایر واحدهای تولیدی بوده و ارزش نسبتاً بالایی نیز داشته باشد. مانند HAB که محصول جانبی واحدهای تولید LAB است که این ماده در ساخت روغن قیبل استفاده بوده و بازار صادراتی خیلی خوبی نیز دارد.

پیمان مقدم

سردرگمی در مرزها شده است. به عنوان مثال پس از بخشنامه‌هایی که مجوز صادرات سوخت تقطیری را صادر می‌کند، بخشنامه دیگری در ۱۰ مهر صادر می‌شود که مغایر دستورات قبلی است: «گمرک ایران در بخشنامه ۱۰ مهرماه ۹۱ خود به ناظرین گمرکات استان‌ها آورده است: مطابق بند ۱۲ بخش اجرای رویه موصوف، صادرات روغن سوخت تقطیری پس از انجام اقدامات مذکور در رویه ابلاغ شده و انجام تشریفات گمرکی صادرات قطعی، صرفاً از طریق گمرکات ماهیرو و دوغانرود به مقصد افغانستان و گمرک جلفا از مرز نوردوز امکان‌پذیر می‌باشد. گمرکات باید آمار ماهانه صادرات روغن سوخت تقطیری را مستقیماً به ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز و اداره کل ساماندهی فرآورده‌های نفتی، ارسال و دفتر صادرات گمرک را نیز مطلع نمایند. صادرات کالاهای تولید شده از روغن سوخت تقطیری مجاز نمی‌باشد لذا چنانچه مطابق فرمولاسیون اظهاری از سوی صادرکنندگان مشخص شود در تولید محصولات صادراتی از روغن سوخت تقطیری استفاده شده است، گمرک مربوطه باید از صدور محموله اظهاری معافیت نماید.»

این محدودیت‌ها در حالی اعمال می‌شود که سازمان استاندارد، وزارت بهداشت و وزارت تجارت با صادرات سوخت تقطیری کاملاً موافق بوده و هیچ مشکلی با این مساله ندارند.

در این باره واحدهای تولیدی تصفیه دوم کشور اقدامات متعددی در خصوص قانونمند کردن صادرات این کالا انجام داده و در چند سال اخیر پیگیر این موضوع بوده‌اند که نهایتاً با تعاملاتی که با ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز صورت گرفت، کارگروه فنی شامل نمایندگان شرکت نفت، سازمان استاندارد، وزارت صنعت، معدن و تجارت، ستاد مبارزه با قاچاق و اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران تشکیل گردید و ضمن رسیدگی و بررسی فنی و شناسایی علمی این کالا میزان حجم استحصالی روغن

ارزآوری بسیاری برای کشور خواهد داشت. با این وجود مدتی است برخی از رسانه‌های مجازی در کشور درباره این مساله گزارش‌های متعددی را منتشر می‌کنند و به مسوولان هشدارهای ناجبا می‌دهند که سرمایه کشور در حال از دست رفتن است. در این رسانه‌ها آمده است: «آمار پروانه‌های سوخت گمرکات خراسان جنوبی در سال ۹۰ نشان می‌دهد که ۲۸ شرکت یا شخص حقیقی حدود ۵۰۰ پرونده صادرات داشته اند که ارزش کل کالاهای این ۵۰۰ پرونده معادل ۹۴ میلیارد و ۹۷۶ میلیون تومان بوده است اما به خاطر آنکه درصد قابل توجهی از این کالاهای پارانهای بوده است، در نتیجه تخلفات عدیده و قاچاق بزرگی انجام شده که مبلغ جریمه آن معادل ۲۷۱ میلیارد تومان بوده است. یعنی حدود ۹۰ میلیارد تومان از ارزش کالا یا ۹۵ درصد کالاهای صادر شده این ۵۰۰ پرونده قاچاق بوده است. به عبارت دیگر، این ۲۸ شرکت یا شخص حقیقی فعال در زمینه صادرات سوخت که ۹۵ درصد کالاهای این ۵۰۰ پرونده آنها سوبسیددار یا قاچاق محسوب می‌شود مرکب تخلف بزرگی شده‌اند که باید بابت آن ۲۷۱ میلیارد تومان جریمه پرداخت نمایند. این روند نشان‌دهنده ضعف در نظارت و مدیریت است و به خاطر امتیازی که به این شرکت‌های به اصطلاح خوشنام داده‌اند، آنها توانسته‌اند کالای پارانهار و سوخت را صادر نمایند و بعد از مدتی مشخص شده که آنها قاچاق یا پارانهار بودند.»

این گزارش‌ها در حالی منتشر شد که معاونت پیشگیری طی دستورالعملی جدید، صادرات سوخت تقطیری را بلامانع اعلام کرده است و در تاریخ ۲۱ شهریور ۹۱ معاون پیشگیری و هماهنگی سازمان‌ها و استان‌های ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز درخصوص رویه اجرایی صادرات روغن سوخت تقطیری بخشنامه‌ای را جهت اقدام لازم ارسال کرده است. البته گمرک بخشنامه‌های متعددی در این زمینه صادر می‌کند که موجب

لذا در صنعت تصفیه روغن که روغن‌های خودرو و صنعتی را باز یافت می‌نمایند محصول اصلی روغن پایه می‌باشد لیکن در فرایند باز یافت و تصفیه روغن محصولات جانبی استحصال می‌گردد.

از جمله روغن‌های سبک که مورد مصرف در ساخت روغن هیدرولیک داشته و در برخی روانکاری‌های عمومی مصارف متنوعی دارد. محصول جانبی دیگری نیز در این فرایند حاصل می‌گردد که اصطلاحاً در صنعت تصفیه دوم روغن «روغن سوخت تقطیری» نامیده می‌شود. این ماده نوعی ماده سبک پایه نفتی است که به‌عنوان سوخت صنعتی قابل استفاده بوده و کیفیت مناسبی دارد و قابل صادرات است. منشاء این ماده نیز مواد هیدروکربنی سبک حاصل از شکسته شدن مولکول‌های روغن در داخل موتورهای درون سوز است که پس از مدتی به‌دلیل انباشته شدن این مولکول‌ها عملاً کیفیت روغن افت کرده و همراه با سایر عوامل باعث می‌گردد که روغن موتور را تعویض نماییم. واحد باز یافت کننده روغن ابتدا باید جهت باز یافت روغن کار کرده با روش تقطیر و همچنین عملیات کراکینگ و شکست مولکولی، این مواد سبک را از روغن کار کرده جدا نماید که اصولاً بیش از ۱۰ درصد حجم روغن کار کرده ورودی به کارخانه تصفیه روغن شامل این مواد سبک می‌شود که به‌طور ناخواسته در فرایند تولید روغن پایه از روغن کار کرده حاصل می‌گردد و روغن سوخت تقطیری نامیده می‌شود. دیو و انباشت روغن سوخت تقطیری به‌عنوان ماده‌ای آتش زا برای واحد تولیدی مخاطره آمیز بوده و علاوه بر آن موجب اشغال مخازن گردیده و به‌دلیل عدم امکان فروش در داخل (به‌دلیل قیمت تمام شده و همچنین پارانهای که به سوخت در داخل کشور تخصیص می‌یابد) معضل بزرگی برای واحدهای تصفیه دوم روغن است. یعنی خروج سوخت تقطیری حتی برای محیط زیست کشور مفید است و طبق قوانین گذشته این تجارت

واحدهای تولیدی تصفیه دوم کشور اقدامات متعددی در خصوص قانونمند کردن صادرات این کالا انجام داده و در چند سال اخیر پیگیر این موضوع بوده‌اند که نهایتاً با تعاملاتی که با ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز صورت گرفت



سوخت تقطیری در فرایند باز یافت روغن کار کرده تعیین گردید. پس از برگزاری جلسات متعدد سرانجام اعضای کارگروه موافقت کردند که پس از کنترل و بررسی مستندات و سوابق واحد تولیدی و تطبیق حجم روغن سوخت تقطیری موجود در واحد تولیدی با اسناد و مدارکی از قبیل میزان صادرات روغن، میزان روغن کار کرده ورودی به واحد، بررسی قبوض آب و برق و گاز و لیست بیمه کارکنان و ... امکان صادرات فراهم شود و بر اساس دستورالعمل پیشگیری از قاچاق و عرضه خارج از شبکه فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای رویه‌ای تنظیم و به تأیید رسیده و توسط ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز ابلاغ گردید. انتشار اخبار نادرست درباره سوخت تقطیری که خواستار محدودیت‌های این کالا شده، تأمل برانگیز بوده و بعید است نیست افرادی که به حواشی پرداخته و در این خصوص سیاه‌نمایی می‌نمایند دلسوزی برای کشور و مسائل ملی باشد.

ضرورت تسهیل صدور تمام فرآورده های نفتی برای ارز آوری

تولید و صادرات سوخت تقطیری اجتناب ناپذیر است



در حالی که ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، سازمان استاندارد و سایر دستگاه‌های دولتی صدور هرگونه سوخت تقطیری را به منظور ارزآوری و تولید اجتناب ناپذیر آن ضروری و بلامانع می‌دانند اما برخی بدون آگاهی با سنگ اندازی و مانع تراشی سعی بر آن دارند تا با مجاب کردن ستاد مبارزه با قاچاق کالا از صادرات این محصول جلوگیری شود.

روغن سوخت تقطیری محصول شرکت‌های تولیدی تصفیه دوم روغن از استحصال و پالایش روغن کار کرده است. این فرآورده به جهت وجه تشابهی که با نفت و گاز دارد صادرات آن طی چند سال گذشته متوقف شده، اما از آنجایی که تولید چنین محصولی به هنگام فرایند پالایش روغن کار کرده اجتناب ناپذیر بوده و حفظ و نگهداری آن نیز در مخازن ضمن اشغال مخزن به جهت اشتعال‌زایی و خطر حریق به‌سختی امکان پذیر است بنا براین ستاد مبارزه با قاچاق کالا با در نظر گرفتن جمیع جهات و همکاری سازمان استاندارد «که این محصول مغایر نفت و گاز است» صدور این کالا را بلامانع دانسته و رویه اجرایی صادرات آنرا به گمرکات کشور بر اساس دستورالعمل پیشگیری و مبارزه با قاچاق فرآورده‌های نفتی ابلاغ نموده است.

البته رویه اجرایی صدور روغن سوخت تقطیری از سوی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز منوط به تأیید سازمان استاندارد و نمایندگان وزارت صنایع، نفت و ... بود تا با تصمیم‌گیری کلی خللی از حیث قانونی، جریان تولید و صادرات این کالای ارزآور را تهدید نکند. در چنین شرایطی با تمام سخت‌گیری‌ها پس از زمینه‌سازی صادرات روغن

با این وجود این دسته که مخالف ارزآوری برای کشور و رونق بخش خصوصی هستند با جوسازی، اجرای مقررات قانونی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و همراهی گمرکات کشور را در صدور سوخت تقطیری با لغو مصوبه سال گذشته زیر سوال برده تا با جنجال‌آفرینی و جریان‌سازی به خواسته‌های مبهم خود برسند، در حالی که به قول خودشان شکایات و انتقادات پی در پی آنها به واحدهای نظارتی برای جلوگیری از صادرات این محصول تاکنون خریداری نداشته و نتوانسته کاری را از پیش ببرد.

حال این سوال پیش می‌آید که چرا با وجودی که برخی کشورهای همجوار نظیر افغانستان خریدار پر و پا قرص این فرآورده هستند و نیاز به این محصول در داخل در حد صفر است عده‌ای با گذاشتن چوب لای چرخ تولید و صادرات کشور آن هم در شرایطی که اقتصاد کشور نیاز مبرم به ارزآوری برای مقابله با تهدیدهای اقتصادی غریبی دارد می‌خواهند به توسعه کشور ضربه بزنند.

سوخت تقطیری، شرکت‌های خوشنام بخش خصوصی، متعهد به صدور این فرآورده شده و اکنون هفتاد تا هشتاد درصد آن صادر می‌شود. اما طی چند وقت اخیر برخی اخبار پوچ و بی‌محتوا بدون آگاهی از رویه قانونی کار و مقررات اجرایی دستگاه‌های دولتی و عبور از فیلترهای فراوان در بلا اشکال بودن صادرات، صدور قانونی سوخت تقطیری را غیر قانونی اعلام کرده و بر این باورند که ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز خارج از اختیارات قانونی خود اقدام به لغو مصوبه جلوگیری از صدور این فرآورده و ابلاغ آن به گمرکات سراسر کشور کرده است.

در واقع لغو مصوبه جلوگیری از صادرات سوخت تقطیری و بلا مانع بودن خروج این فرآورده از گمرکات کشور که سال گذشته از سوی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز صورت گرفت، اکنون عده‌ای بی‌هویت را نگران کرده که چرا باید برخی شرکت‌های بخش خصوصی از این طریق کسب درآمد کنند.

**رویه اجرایی
صدور روغن سوخت
تقطیری از سوی ستاد
مبارزه با قاچاق کالا
و ارز منوط به تأیید
سازمان استاندارد و
ارگان‌های ذی‌ربط بود
تا با تصمیم‌گیری کلی
خللی از حیث قانونی،
جریان تولید و
صادرات این کالای
ارزآور را تهدید نکند**

رونمایی از مافیای قاچاق سوخت

جلوگیری از فعالیت
قاچاقچیان حرفه‌ای!

افزایش دوباره قاچاق سوخت از مرزها، گازوئیل در کانون توجه قاچاقچیان، فعالیت مافیای قاچاق سوخت، طرح فروش سوخت با قیمت تعادلی در مرزها، کشف محموله‌های سوختی و لوله‌کشی در دریا به منظور قاچاق سوخت از مهم‌ترین بخش‌های گفت‌وگوی معاون ستاد مرکزی قاچاق کالا و ارز بود. مهدی ابویی از جدیدترین تصمیمات، اقدامات، برنامه‌ها و سیاست‌های دولت در حوزه انرژی به ویژه بنزین و گازوئیل گفته و درباره افزایش دوباره قاچاق سوخت از طریق مرزها پس از فزاول هدفمندی یارانه‌ها، می‌گوید: باند‌هایی مافیایی سودجو و اقتصادی که در جهت منافع ملی نیستند، در این حوزه‌ها عملیات می‌کنند. در مطلب پیش رو گزیده‌ای از مهمترین اظهارات معاون ستاد مرکزی قاچاق کالا و ارز درباره قاچاق سوخت را منتشر می‌کنیم که خواندن آن خالی از لطف نخواهد بود.

قاچاق نرود و هم اینکه دولت بتواند از محل فروش سوخت درآمد کسب کند. با این حال، مسوولیت اجرای این طرح به عهده وزارت نفت است که با همکاری استانداری‌ها باید به مرحله اجرا گذاشته شود. البته تاکنون این پیشنهاد به مرحله اجرا درنیامده است اما از دولت خواستیم تا با تصویب این موضوع، اجرای آن را از وزارت نفت بخواهد. رویه اجرایی این پیشنهاد تهیه شده و به استانداری‌های مرزی و وزارت نفت، ابلاغ شده است. هم اکنون قرار است نشست‌های را با وزیر نفت داشته باشیم که از طریق وزارت نفت به اجرا گذاشته شود.

* در حقیقت وزارت نفت سوخت مورد نیاز برای فروش در مرزها را تامین می‌کند و در نقاط مرزی به مرزنشین فروخته می‌شود تا بتوان با قیمت تعادلی در آن سوی مرز آن را به فروش رساند.

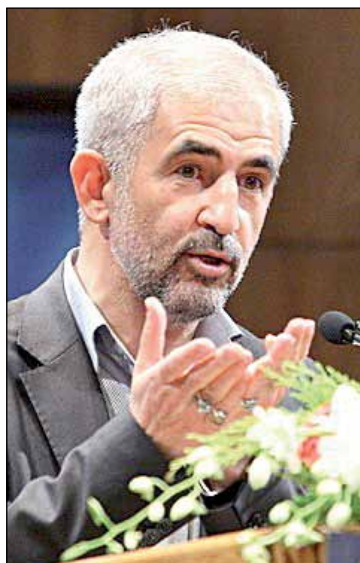
* درباره نحوه قیمت‌گذاری بنزین و گازوئیل برای فروش در مناطق مرزی و انتقال آن به خارج کشور، باید گفت که قیمت‌ها در این بخش به صورت تعادلی تعیین می‌شود. به عنوان نمونه، وزارت نفت قیمت فروش گازوئیل در ترکیه که ۶۰۰۰ تومان در هر لیتر است را در مرز به عنوان نمونه ۵۵۰۰ تومان به مرزنشین بفروشد و آنها نیز با کسب مقداری سود، گازوئیل را در آن سوی مرزها به متقاضیان بفروشند.

* در هر صورت انجام قاچاق برای مرزنشینان با خطرات و درگیری‌هایی همراه است ولی در این طرح می‌تواند با کسب سود و به روش قانونی نسبت به خرید و فروش سوخت اقدام کند؛ هرچند شاید سود قاچاق را برای وی به همراه نداشته باشد.

* مرزنشینان هم اکنون برای اجرای این برنامه رغبت دارند و این موضوع از راهکارهایی است که ستاد قاچاق کالا ارائه کرده است.

* با این حال آنچه که اصل قرار می‌گیرد، نحوه عرضه سوخت و مدیریت بر عرضه آن است. به هر حال مدیریت عرضه سوخت در اختیار مردم نیست؛ بلکه در اختیار دولت است.

* منشاء این قاچاق باید خشک شود و این



این است که اختلاف قیمت سوخت را با کشورهای دیگر از بین ببریم تا بتوانیم جلوی قاچاق سوخت را بگیریم اما در شرایط فعلی این موضوع برای کشور عملی نیست.

* اینکه ما بخواهیم قیمت نفت گاز را یک باره از ۳۵۰۰ تومان فعلی به ۶۰۰۰ تومان که در ترکیه است، افزایش دهیم، به هیچ وجه عملی نیست. برای این منظور، ستاد طرحی را به دولت ارائه داد که مصوب شد و باید از سوی وزارت نفت و استان‌های مرزی کشور به اجرا گذاشته شود.

* پیشنهاد شد در نقاط مرزی کشور که هم اکنون قاچاق سوخت دارد، با در نظر گرفتن قیمت سوخت در داخل و خارج کشور، جایگاه‌های عرضه سوخت ایجاد شود و با همکاری استانداری‌ها و استفاده از اختلاف قیمت با مرز مقابل، از طریق مرزنشینانی فعال و فروخته شود.

* در این اقدام هم مرزنشین می‌تواند یک فعالیت را در فروش سوخت انجام دهد و به سمت

* بیشتر قاچاقی که در بحث سوخت انجام می‌شود، با هدف کسب درآمدهای بیشتر است، همچنین قاچاقچیان به دنبال این هستند تا بتوانند ارز مورد نیاز افرادی که برای انجام واردات به دنبال ارز هستند را با هدف سودآوری، تامین کنند. قاچاق فرآورده‌های نفتی نیز از همین دست موضوعات است که باید گفت همواره این بخش دارای قاچاق است و ما در نفت گاز، بیشتر با این موضوع مواجه هستیم.

* در حال حاضر قیمت سوخت در داخل با کشورهای همسایه ایران به شدت اختلاف دارد و این مسئله باعث افزایش انگیزه برای قاچاق سوخت می‌شود. یک لیتر گازوئیل در حال حاضر در ایران ۳۵۰۰ تومان و در ترکیه ۶۰۰۰ تومان است.

* برخی‌ها حاضرند ریسک بالایی را بپذیرند و با تمام توان در مقابل مأموران مقاومت کنند تا بتوانند موفق به قاچاق سوخت به خارج کشور شده و از درآمد سرشار آن بهره‌مند شوند.

* یک دسته از افراد هم در مرزها هستند که به عنوان کارگر و جا به جا کننده سوخت قاچاق عمل می‌کنند، اما کسانی که نقش مدیریت و رهبری قاچاق سوخت را دارند، شبکه‌های اصلی قاچاق و مافیای قاچاق را تشکیل می‌دهند و این کار را مدیریت می‌کنند. هدایت‌کنندگان این موارد با تامین، تبانی و تخلف؛ کار قاچاق سوخت را انجام می‌دهند و در شرایط موجود انگیزه قاچاق و خروج فرآورده‌های نفتی تشدید شده، اما با اقدامات و خروج ارزیابی‌هایی که صورت گرفته است در حال حاضر نه تنها میزان قاچاق سوخت نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش نداشته، بلکه کمتر نیز شده است.

* هم اکنون اقداماتی را در بندرعباس که از مبادی اصلی قاچاق سوخت است صورت دادیم که ۴۰ درصد قاچاق در این منطقه کاهش یافته است، همچنین در مرز ترکیه و عراق نیز به همین صورت از طریق تدابیر بسیار خوب اتخاذ شده، نتایج خوبی را به دست آورده‌ایم. با این حال راهکار اساسی

در حال حاضر قیمت سوخت در داخل با کشورهای همسایه ایران به شدت اختلاف دارد و این مسئله باعث افزایش انگیزه برای قاچاق سوخت می‌شود یک لیتر گازوئیل در حال حاضر در ایران ۳۵۰۰ تومان و در ترکیه ۶۰۰۰ تومان است



سوخت فعال بودند که هم اکنون به حداقل رسیده و یا اگر هم باشد به صورت موردی است؛ حتی حدود ۷۰۰ وانت در این منطقه فعال بودند.

* هم اکنون در هرمزگان قاچاق به صورت پمپاژ در دریا را شاهد هستیم و می‌بینیم در نقاط ساحلی آمده‌اند، مخازنی را ایجاد کردند و با لوله کشی در داخل دریا، شناورها می‌آیند و سوخت‌گیری می‌کنند. عملیات پاکسازی در نقاط ساحلی در حال انجام است و عملیاتی در یک روستای بندرعباس انجام شد که چندین مخزن سوخت کشف شد و البته این عملیات‌ها باعث افت ۴۰ درصدی قاچاق در آن منطقه شد. این عملیات‌ها در مرحله دوم و سوم کار است که باید انجام شود، چون در مرحله اصلی باید در منشأ ایجاد سوخت قاچاق مدیریت صورت گیرد.

واقعی شود و سهمیه‌ای هم که واگذار می‌شود دارای نظارت باشد که دقیقاً در محل تخصیص به مصرف برسد.

پمپاژ سوخت به آن سوی مرز

* منشأ قاچاق سوخت را باید خشک کنیم، مثلاً می‌بینید قاچاقچیان با استفاده از شیوه لوله‌کشی برای قاچاق سوخت از کشور اقدام کرده‌اند. در مرز عراق تا ۳ سال قبل از این طرف مرز سوخت پمپاژ می‌شد و در آن سوی مرز دریافت می‌شد. البته در حال حاضر این موارد در مرز عراق جمع شده و حتی کوله‌بری‌ها نیز در این منطقه متوقف شده است. در حقیقت در مرز عراق توانستیم قاچاق سوخت را کنترل کنیم.

* در مرز ترکیه روزانه ۱۰۰۰ قاطر برای قاچاق

منشأ در دستان وزارت نفت است و این منشأ در داخل کشور قرار دارد، چون ما مدیریت درستی بر عرضه فرآورده‌های نفتی و بر مصرف اعمال نکردیم و در این بخش دارای اشکال هستیم.

* بنابراین در این چرخه، سوخت خارج می‌شود و بیرون از شبکه وارد بخش قاچاق می‌شود. فرض کنید بخشی از مصرف‌کنندگان در روز در حوزه‌های مختلف کشاورزی، صنعت و نیروگاهی، سهمیه‌ای که می‌گیرند واقعی نیست و این سهمیه را می‌برند قاچاق می‌کنند و یا اینکه در این بخش تبانی صورت می‌گیرد.

کشف یک محموله قاچاق ۷۰۰ هزار بشکه‌ای نفت

* ما وقتی در نقاط آلوده مرزی پاک‌سازی انجام می‌دهیم در آن محل مخازنی وجود دارد که دیگر با بشکه‌های کوچک نیست و با تانکرهای می‌آیند سوخت را خالی می‌کنند و نیروی انتظامی در آن محل‌ها پلمپ‌های شرکت پخش را کشف می‌کنند. آنگاه می‌بینید تانکر نفتی که باید به نیروگاه می‌رفت، می‌رود در آنجا (محل نگهداری سوخت قاچاق) خالی می‌شود.

هم اکنون در خود تهران شرکت پخش منطقه تهران در موضوعی ورود پیدا کرد و مشخص شد نفتی که برای ۳ واحد صنعتی در کرج تخصیص داده می‌شد، با تبانی آن واحدهای صنعتی قاچاق می‌شد. حدود ۷۰۰ هزار لیتر نفت در این تبانی کشف شد.

در هر حال، ستاد به دنبال این است که بتواند با کمک وزارت نفت، تخصیص سهمیه‌ها

افزایش جرایم قاچاقچیان سوخت

دولت گازوئیل را گران کند!

اسلامی باید در یک شرایط مساعد اقتصادی اقدام به افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی کند، بیان کرد: تا زمانی که بهای یک لیتر آب معدنی بیش از سه لیتر گازوئیل باشد، قاچاق ادامه دارد.

قاسمی در پاسخ به پرسشی مبنی بر ضرورت تشدید جرمه قاچاقچیان سوخت، تأکید کرد: قطعاً افزایش جرایم قاچاقچیان سوخت در دستور کار قرار دارد.

وزیر نفت همچنین در خصوص زمان بندی سهمیه بندی گازوئیل توضیح داد: هنوز تصمیم‌گیری نهایی در خصوص تعیین زمان سهمیه‌بندی گازوئیل انجام نشده است.

آمارهای مصرف گازوئیل در کشور نشان می‌دهد از ابتدای سالجاری تاکنون به طور متوسط روزانه ۹۲ میلیون لیتر گازوئیل در کشور مصرف شده که حدود یک درصد افزایش یافته است.

همزمان با افزایش مصرف گازوئیل، قاچاق این فرآورده استراتژیک نفتی هم افزایش یافته به طوری که اخیراً خط لوله‌های چند کیلومتری قاچاق گازوئیل در مبادی مرزی کشف شده است.



این مقام مسؤول با اشاره به افزایش کنترل مبادی مرزی توسط نیروهای امنیتی و انتظامی، اظهار داشت: حتی کمیته‌ای با مسؤولیت مستقیم وزیر کشور در وزارت کشور برای افزایش نظارت بر مبادی مرزی و مقابله با قاچاق سوخت تشکیل شده است.

وی با بیان اینکه دولت با توافق مجلس شورای

وزیر نفت با اشاره به افزایش جرایم قاچاقچیان سوخت از افزایش قیمت به‌عنوان یکی از راهکارهای مقابله با قاچاق بنزین و گازوئیل یاد کرد و گفت: تا زمانی که بهای یک لیتر آب معدنی بیش از ۳ لیتر گازوئیل باشد، قاچاق ادامه دارد. رستم قاسمی درباره مهمترین برنامه‌های دولت برای مقابله با قاچاق بنزین و گازوئیل در کشور گفت: ایران دارای مرزهای گسترده جغرافیایی با کشورهای همسایه است که امکان قاچاق سوخت را فراهم می‌کند. وزیر نفت از پایین بودن قیمت بنزین و گازوئیل در مقایسه با کشورهای همسایه سخن گفت و تصریح کرد: در حال حاضر بهای یک لیتر گازوئیل در برخی از کشورهای همسایه حتی به ۷۰۰۰ تومان هم رسیده و این در حالی است که قیمت یک لیتر گازوئیل در داخل کشور بین ۱۵۰ تا ۳۵۰ تومان است.

این عضو کابینه دولت دهم از ارزان بودن قیمت بنزین و گازوئیل به عنوان مهمترین عامل قاچاق سوخت یاد کرد و افزود: هم اکنون دولت تدابیر متعددی را برای مقابله با قاچاق فرآورده‌های نفتی در دستور کار قرار داده است.

آمارها نشان می‌دهد از ابتدای سالجاری تاکنون به طور متوسط روزانه ۹۲ میلیون لیتر گازوئیل در کشور مصرف شده که مصرف این فرآورده نفتی در مقایسه با سال گذشته حدود یک درصد افزایش یافته است.



مشاوران آزمایش نفت ایرانیان

در راستای فراهم نمودن بسترهای مناسب برای ورود و فعالیت هرچه بیشتر بخش خصوصی در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و همچنین افزایش ظرفیت‌های کارآفرینی و سرمایه‌گذاری بمنظور دستیابی به اهداف اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شرکت مشاوران آزمایش نفت ایرانیان در خرداد ۱۳۹۱ تأسیس و در اداره ثبت شرکت‌ها به شماره ۴۲۶۴۱۷ ثبت گردیده است.

فعالیت‌ها، خدمات و اهداف شرکت به شرح ذیل می‌باشد:

- الف-** ارائه خدمات مهندسی، بازرسی و نظارت کمی و کیفی فرآورده‌های نفتی و هیدروکربوری.
- ب-** ممیزی و ارائه خدمات به واحدهای تولیدی فرآورده‌های نفتی و هیدروکربوری برای ارتقاء کیفیت محصول.
- ج-** خدمات آزمایشگاهی به تولیدکنندگان و یا مصرف‌کننده‌های مواد نفتی و هیدروکربوری.
- د-** خدمات آموزشی، مشاوره و تربیت نیروی انسانی در موارد مرتبط با صنایع نفت.
- ه-** احداث آزمایشگاه فرآورده‌های نفتی در داخل و خارج کشور با همکاری مهندسان حوزه‌ی نفت و سازمان ملی استاندارد ایران.
- و-** تهیه و تدوین فرمولاسیون با توجه به ماهیت فرآورده‌ها، با بهره‌گیری از علوم و فن‌آوری روز همسو با قوانین و مقررات امور گمرکی

Iranians Oil Testing & Consulting Co. I.O.T.C.

In order to provide appropriate context for the more active private sector in oil, gas and petrochemical industries and also increase the entrepreneurial capacity and investment in order to achieve the objectives of Article 44 of constitution of Islamic Republic of Iran, "Iranian Oil Testing & consulting Co." in Persian date Khordad 1391 was established and registered with the registration number 426 417.

تهران، سعادت آباد، چهارراه سرو
ساختمان مینیاتور، طبقه ۵، واحد ۱۴
تلفن دفتر مرکزی: ۰۲۱ ۲۲۱۱۵۹۴۵
تلفن آزمایشگاه: ۰۲۱ ۶۵۶۱۱۵۷۹

Unit 14, 5th Floor, Miniatur Bldg.
SarvCrossroad., Sadatabad, Tehran, Iran
Office Tel: +98 21 22115945
Laboratory: +98 21 65611579

www.iotcco.com
info@iotcco.com

مقالات علمی و پژوهشی



دنیای انرژی مقالات علمی-پژوهشی استادان و دانشجویان در حوزه فرآورده‌های نفتی و صادرات آن را منتشر می‌کند.

چالش‌های فروش محصولی استراتژیک

صادرات گاز ایران
از منظر ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک

ایران با توجه به تمام معیارهای موجود در جهان به عنوان کشوری غنی در حوزه نفت و گاز شناخته شده و به عنوان دومین تولیدکننده بزرگ نفت اوپک و دومین دارنده ذخایر گاز جهان و قطب انرژی جهان (خاورمیانه و خلیج فارس) محسوب می‌شود. به طوری که جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک منحصر به فردی را برای کشور آفریده و بهره‌گیری از آن می‌تواند مسیر ناهموار توسعه اقتصادی را هموار و طی طریق در این مسیر را تسهیل می‌کند. ولی این موقعیت چالشهای متعددی نیز برای ایران به وجود آورده و همین موضوع اهمیت انرژیهای جایگزین را بیش از پیش تقویت می‌کند. همچنین در این شرایط توجه به موقعیت ژئوپلیتیک با ایجاد پیوندهای صادراتی از جمله صادرات گاز برای ایران از اهمیت بسزایی برخوردار می‌شود که در این گزارش به بیان و تبیین جایگاه ایران در بازار گاز جهان، صادرات گاز، مزایا و معایب آن پرداخته و راهبردهایی نیز در این خصوص ارائه می‌دهیم.

دکتر حیدر لطفی* - عباس آزادی**

اینجاست که شناخت روشهای صادراتی گاز طبیعی و انتخاب بهترین گزینه با توجه به ویژگیهای خاص کشور تولیدکننده و نیاز روزافزون اقتصاد جهانی به این منبع انرژی ارزشمند، می‌تواند فرصتی مناسب برای بهره‌مندی از فرصت‌های پیش رو در جهت توسعه اقتصادی این کشورها فراهم آورد. اما در این راه موانعی نیز وجود دارند که مهمترین چالش‌های ایران در زمینه صادرات گاز طبیعی را می‌توان در قالب موارد ذیل برشمرد:

- ۱- رقابت با سایر تولیدکنندگان در صادرات گاز طبیعی.
- ۲- وجود موانع سیاسی و جغرافیایی.
- ۳- محدود بودن بازار گاز در کشورهای همسایه.
- ۴- تلاش کشورهای بزرگ تولیدکننده گاز برای افزایش فعالیتهای بازاریابی.
- ۵- امکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش گاز.

جایگاه ایران در بازار انرژی گاز

گاز به سرعت به کالایی باارزش در جهان تبدیل می‌شود و این برای ایران به عنوان کشوری که در جایگاه دوم برخورداری از منابع گاز در جهان قرار دارد، یک فرصت استثنایی است. همانطور که اشاره شد از مجموع منابع شناخته شده گاز جهان، حدود ۴۵ الی ۵۴ درصد آن در سه کشور روسیه، ایران و قطر نهفته است و بقیه کشورها منبعی که بتوانند در درازمدت بازار این سه کشور را با آن تهدید کنند، ندارند. روسیه اکنون سالیانست تأمین‌کننده اصلی گاز اروپاست. اما معلوم نیست بتواند با افزایش نیاز اروپا به گاز، همچنان این نقش را بطور کامل بازی کند و در نهایت جا برای کشورهایی نظیر ایران باز می‌شود که با اتصال به خط لوله گاز اروپا در این بازار جدی‌تر حضور یابند.

کرد یا آن را به صنایع انرژی‌بر تزریق نمود و کالاهای حاصل را صادر کرد.

روش دیگر استفاده از گاز در نیروگاههای تولید برق است. می‌توان برق حاصل را در قالب قرارداد به کشورهای همسایه صادر کرد.

تبدیل گاز به جامد و تبدیل آن به فرآورده‌های باارزش‌تر مایع از جمله راههای دیگر صادرات گاز طبیعی به سایر کشورهاست.

عرضه و تقاضای جهانی گاز طبیعی

گاز طبیعی را می‌توان در نقاط مختلف جهان از جمله آمریکای شمالی، آفریقا، اروپا و خاورمیانه یافت. پراکندگی گاز طبیعی متعادل‌تر از نفت است. اما باز هم خاورمیانه و کشورهای آسیای میانه و روسیه سهم بزرگی از ذخایر گاز را در خود جای داده‌اند. به طوری که نزدیک به ۶۶ درصد کل ذخایر جهان در کشورهای خاورمیانه و اتحاد جماهیر شوروی سابق قرار دارند و سه کشور روسیه، ایران و قطر در مجموع ۵۴/۴ درصد از کل ذخایر جهان را در خود جای داده‌اند.

این در حالی است که بیشتر مصرف‌کنندگان گاز در مکان‌هایی دورتر از خاورمیانه و کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق، یعنی در اروپا، آمریکا و آسیای شرقی و جنوب شرقی قرار دارند.

پیش‌بینی می‌شود ذخایر گازی کشورهای چین، ایالات متحده آمریکا، کانادا و بریتانیا که جزء مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان بزرگ گاز جهان هستند به زودی طی یک تا دو دهه آینده تحلیل رفته و این کشورها بطور کامل به واردات گاز از خارج کشور وابسته شوند. علاوه بر آن، دوری ذخایر از کشورهای بزرگ مصرف‌کننده گاز و ذخایر رو به اتمام این کشورها خرید و فروش گاز را امری اجتناب‌ناپذیر کرده است. بطوری که قرن بیست و یکم، قرن سلطه گاز بر بازارهای انرژی لقب گرفته است، همانگونه که نفت سوخت مسلط جهان در قرن بیستم بود.

روند مصرف انرژی در سطح جهان به ویژه استفاده از منابع گاز، حاکی از آن است که صنعت مربوط به گاز به سرعت در حال پیشرفت بوده و کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در حال جایگزینی و تأمین بخشی از انرژی مورد نیاز خود از طریق گاز هستند. به دلیل ارزانی و سهولت مصرف گاز به نسبت نفت، مخاطرات کمتر زیست محیطی، گسترش فناوری مربوط به صنایع گاز و در نهایت تأمین امنیت انرژی، هر روز به حجم تقاضای گاز در سطح جهان افزوده می‌شود و رفته‌رفته همانند نفت، گاز نیز خود را به عنوان یک عامل مهم در مذاکرات و معادلات سیاسی قرار داده و در مواضع سیاسی کشورها مؤثر واقع می‌شود.

در این بین، ایران با در اختیار داشتن دومین ذخایر بزرگ گاز جهان و همسایگی با دو حوزه مهم مصرف‌کننده گاز یعنی هند و چین در شرق و اروپا در غرب، آنچنان جایگاهی در حیطه منابع هیدروکربوری در اختیار دارد که حتی تلاشهای بی‌وقفه ایالات متحد در جلوگیری از گسترش مبادلات انرژی ایران و کارشکنی‌های متعدد این کشور در فرایند مذاکرات صادرات گاز ایران به کشورهای مختلف از جمله هند و اروپا نیز نتوانسته است از شدت علاقه‌مندی و نیاز خریداران گاز به عقد قراردادهای گازی با ایران بکاهد. طبیعی است که عقد قراردادهای بلندمدت فروش و صادرات گاز با کشورهای همسایه و همجوار، آنچنان منافع مشترکی بین این کشورها با ایران ایجاد می‌کند که می‌تواند در مقابل فشارها و تحریم‌های ایالات متحد عمل کرده و منجر به عقیق ماندن این تحریم‌ها در عرصه سیاسی و اقتصادی شود.

علاوه بر این، گاز را می‌توان به شکل خام آن از طریق خط لوله یا در صورت مایع‌سازی از طریق تبدیل آن به گاز طبیعی مایع با استفاده از کشتی‌های حمل گاز طبیعی مایع در قالب قراردادهای فروش گاز به کشورهای خریدار صادر

شناخت روش‌های صادراتی گاز طبیعی و انتخاب بهترین گزینه و نیاز روزافزون اقتصاد جهانی به این منبع انرژی ارزشمند، فرصتی مناسب برای بهره‌مندی از فرصت‌های پیش رو در جهت توسعه اقتصادی این کشورها است



ولی در هر صورت می‌باید منفعت‌ها و زیان‌های صادرات گاز به سایر کشورها مورد بررسی قرار گیرد. اما در هر حال این سؤال اساسی مطرح است که چرا باید به فکر افزایش صادرات گاز باشیم؟

باید بخشی از پاسخ به این سؤال را در حوزه سیاست و توسعه سیاسی جستجو کرد. بر این پایه مشخص است که توسعه صادرات گاز ایران، تنها در جایگاه یک راهبرد، قابل طرح و بررسی است. به بیان دیگر، آیا باید به مقوله گاز در کشور، از دید اقتصادی و فنی نگاه کرد یا به مسائل راهبردی و سیاسی آن نیز باید توجه داشت؟

در ایران همه به دنبال حفظ و ارتقاء منافع ملی به بیشترین میزان ممکن هستند. چه مخالفانی که می‌خواهند انتهای خطوط لوله انتقال گاز از مراکز تولید، تنها به مراکز مصرف داخل کشور یا مخازن نفت کشور برسد و چه موافقانی که صادرات گاز به کشورهای متقاضی را افزون بر اقتصادی بودن، از عوامل تقویت‌کننده جایگاه ایران در عرصه بین‌المللی معرفی می‌کنند. اما اختلاف نظرها و تعریف‌هایی که از منافع ملی ارائه می‌شود، صادرات گاز ایران را هر از گاهی به موضوع روز تبدیل می‌کند.

با این حال اختلاف نظرهای جدی بین صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران در حوزه انرژی در مورد میزان گاز موجود برای تخصیص به امر صادرات وجود دارد که همین موضوع قضاوت درخصوص اولویت‌های تخصیص گاز را مشکل می‌کند.

علاوه بر مطالب ذکرشده، کسب درآمد ارزی حاصل از صادرات گاز طبیعی از همان ابتدای صنعت گاز، همواره مورد توجه تصمیم‌گیران کشور بوده است. اما در سالهای بعد از انقلاب اسلامی به جز صادرات محدود با خط لوله به ترکیه، در عمل هیچ یک از پروژه‌های صادرات گاز طبیعی در عرصه عمل به اجرا در نیامده است.

صادرات گاز از طریق خط لوله، تنها به کشورهای همجوار محدود است، در زمینه گسترش صادرات با خط لوله به ویژه به پاکستان و هند از سال ۱۹۹۰ موضوع در حال بحث است. ایران صادرات گاز را از طریق خط لوله به طور جدی دنبال می‌کند که به علت اختلافات هند و پاکستان، مخالفتها و دخالت‌های آمریکا، همچنین اختلاف درخصوص

در روز و در پایان سال ۱۴۰۳ به بیش از ۱۷۵۲/۷ میلیون مترمکعب در روز برسد.

علاوه بر این یکی از مهمترین رویدادها در صنعت گاز پس از جنگ تحمیلی، کشف مخزن عظیم گازی پارس جنوبی در سال ۱۳۶۸ بود. این میدان بزرگترین میدان گازی مستقل جهان محسوب می‌شود که بر روی خطر مرز مشترک ایران و قطر در فاصله ۹۷ کیلومتری جنوب ایران قرار دارد.

میدان گازی پارس جنوبی یک میدان مشترک بین ایران و قطر است و در عین حال بزرگترین میدان گازی مشترک در ایران و جهان است که میزان گاز موجود در جای اولیه این میدان در بخش مربوط به ایران بالغ بر ۴۶۴ تریلیون فوت مکعب است. در مجموع بالغ بر ۳۸/۶ درصد از ذخایر گازی کشور در میدان پارس جنوبی قرار دارد. با توجه به وسعت و ذخایر عظیم گاز و میعانات گازی این میدان، آن را می‌توان به عنوان یک ذخیره قابل اتکاء انرژی برای منطقه آسیا و حتی اروپا در نظر گرفت.

برداشت از این حوزه از سوی قطر با سرعت ادامه دارد و در حالی که این کشور فعالیتهای خود را از سال ۱۹۷۱ یعنی بیش از ۴۰ سال پیش آغاز کرده است، در این سو و شمال خلیج فارس متأسفانه تا سالها برنامه‌ریزی برای استفاده از این مخزن که به علت وسعت خود می‌توانست تبدیل به یک استراتژی در بکارگیری از گاز در کشور شود، انجام نشد و فعالیتها حداقل با ۱۰ سال تأخیر آغاز شد. اینکه این حوزه گازی چه میزان ذخیره دارد اگرچه مهم است و تخمین دقیق آن می‌تواند به برنامه‌ریزی آینده کمک کند، ولی به هر صورت، رساندن توان برداشت ایران با توجه به امکانات فنی و نیروی انسانی داخلی و کمک شرکتهای خارجی به میزان برداشت قطر و حتی فراتر رفتن از آن باید به طور جدی مورد توجه قرار گیرد.

صادرات گاز طبیعی و دیپلماسی گازی

علاوه بر مطالب ذکر شده، هر روز خبر جدیدی مبنی بر صادرات گاز ایران به سایر کشورها به گوش می‌رسد. البته تا نهایی شدن قراردادهای تعیین قیمت فروش نهایی گاز، امکان تحلیل هزینه - فایده ایده صادرات به صورت دقیق وجود ندارد،

علاوه بر این، توسعه مصرف گاز و تأکید دولت بر گسترش شبکه گازرسانی در سالهای اخیر از یک‌سو و زمان‌بری پروژه‌های تولید و عدم گسترش مناسب، تولید گاز را به صورتی درآورده است که مسأله تخصیص گاز به مصارف مختلف و اولویت‌بندی آن به یکی از مسائل حساس در اقتصاد کشور تبدیل شده است. در این بین تأکید بر افزایش مصرف داخلی، ظرفیت تولید محدود و... تضاد عجیبی را به وجود آورده است که عدم توجه به واقعیت و غفلت از برنامه‌ریزی دقیق می‌تواند اعتبار ایران را در بازار جهانی گاز به شدت مخدوش کرده یا از جنبه داخلی صدمات بسیاری را برای مخازن نفتی، صنایع و... ایجاد نماید.

بررسی وضعیت ذخایر، تولید، مصرف و ژئوپلیتیک گاز ایران

ایران با در اختیار داشتن ۱۴/۹ درصد از کل ذخایر ثابت شده گاز طبیعی جهان، پس از روسیه در جایگاه دوم کشورهای بزرگ دارنده گاز قرار دارد. ایران با وجود تلاشهایی که برای گسترش تولید به عمل آورده است تنها ۳/۱ درصد از کل تولید جهانی گاز را بر عهده دارد و در این زمینه بسیار پایین‌تر از روسیه که ۲۱/۶ درصد کل تولید جهان را به عهده دارد، قرار گرفته است. با وجود آنکه ایران در رتبه دوم صاحبان بزرگ ذخایر گازی جهان قرار دارد، اما تولید به صورت متناسب گسترش نیافته است. البته با توجه به شرایط خاص کشور به لحاظ محدودیت‌ها و تحریم‌ها، رتبه ششم تولید جهان، چندان تعجب‌آور به نظر نمی‌رسد. اما مصرف بسیار بالا در کشور شرایطی را به وجود آورده است که نه تنها ایران در زمینه صادرات، رتبه‌ای به مراتب بدتر داشته و در جایگاه شانزدهم قرار دارد، بلکه با واردات از ترکمنستان، واردکننده خالص گاز به شمار می‌رود.

واقعیت دیگر در عرصه صنعت گاز کشور که اثر شدیدی بر آرایش و ترکیب این بخش دارد، تعرفه‌های گاز طبیعی در داخل کشور است. به عبارت دیگر تغییر قیمت که یکی از متداول‌ترین علائمی است که بازار در موقع اضافه عرضه یا تقاضا برای از بین بردن مازاد و تعدیل نشان می‌دهد، در ایران به دلیل تثبیت قیمت‌ها هیچ کارایی نداشته و عملاً هیچ نشانه اولیه که مصرف‌کننده و تولیدکننده را متوجه شرایط عدم تعادل در بازار نماید وجود ندارد، که نتیجه اولیه آن سوءاستفاده و اتلاف منابع است.

مورد دیگر در ارتباط با واقعیت‌های حاکم بر صنعت گاز، پیش‌بینی تولید و واردات گاز طبیعی است. بنا به آمارها متوسط تولید در ایران و واردات از ترکمنستان در هشت ماهه اول و چهار ماهه آخر سال ۱۳۸۹ به ترتیب حدود ۴۳۷/۲ و ۵۰۱ میلیون مترمکعب در روز بوده است.

پیش‌بینی می‌شود در صورتی که مشکلی در توسعه میادین مستقل داخلی و پیشرفت‌های فازهای مختلف پارس جنوبی پیش نیاید و میادین جدید خشکی و دریایی با موفقیت توسعه یافته و مورد بهره‌برداری قرار گیرد، در پایان برنامه چهارم توسعه تولید گاز به بیش از ۷۰۰ میلیون مترمکعب

بنا به آمارها
متوسط تولید در
ایران و واردات از
ترکمنستان در هشت
ماهه اول و چهار ماهه
آخر سال ۱۳۸۹ به
ترتیب حدود ۴۳۷/۲
و ۵۰۱ میلیون
مترمکعب در روز
بوده است

قیمت گاز صورت اجرایی پیدا نکرده است.

پس از حل این اختلاف نیز، اصرار هندی‌ها به ارزان خریدن گاز و تأکید آنها بر خرید گاز به قیمت پایین، منجر به ناکامی مذاکرات شده است.

همچنین طرح صادرات گاز از طریق خط لوله به اروپا نیز به دلیل رقابت طرح‌های صادرات خطوط روسیه و همچنین درگیری‌ها و مناقشات سیاسی ایران با این کشورها بر سر حقوق هسته‌ای ایران و فشارهای سیاسی آمریکا، با مشکلاتی روبرو است.

طرح‌های صادرات گاز در صورت مدیریت صحیح، تدوین برنامه‌های منسجم به منظور بازاریابی و البته توجه به تزریق به موقع گاز به میادین نفتی به عنوان اولویت اول استفاده از گاز در کشور می‌تواند سودآوری قابل قبولی را برای کشور به همراه آورد. هر طرح صادرات گاز می‌تواند تأثیرات مثبتی در اشتغال نیز به وجود آورد.

البته با وجود منابع قابل توجه گاز طبیعی، گسترش و توسعه صنعت گاز ایران به دلیل مشکلات مالی و تکنولوژی محدودیت‌هایی دارد. صنعت گاز به دلیل ماهیت تکنولوژی‌پر (استحصال، انتقال و مصرف) نیاز به سرمایه‌گذاری زیاد دارد. با یک برنامه‌ریزی استراتژیک هر سه مقوله ذکر شده را می‌توان دنبال کرد.

واقعیات حاکم بر قراردادهای گازی کشور و بازارهای هدف

جمهوری اسلامی ایران به لحاظ جغرافیایی در منطقه خاورمیانه در محدوده دو منطقه غنی گازی یعنی کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق از شمال و خلیج فارس از جنوب قرار دارد که نزدیک به ۷۵ درصد از ذخایر ثابت شده گاز طبیعی جهان، در اختیار دارد.

روسیه، ایران و قطر در مجموع نیمی از ذخایر ثابت شده گاز طبیعی جهان را در اختیار دارند. همچنین بر خلاف مناطق دارای منابع گاز، چون دریای شمال که عمده مخازن گازی آنها رو به اتمام است، ذخایر گازی خلیج فارس و از جمله ایران در مراحل اولیه تولید قرار داشته و نسبت ذخیره به تولید منطقه در مقایسه با متوسط ۶۶ سال جهان، بالغ بر ۱۳۰ سال است.

از سوی دیگر ایران در حد فاصل دو منطقه از بهترین بازارهای خرید گاز جهان قرار دارد. اتحادیه اروپا با بازاری همچنان تشنه گاز و ذخایر رو به پایان در غرب کشور و هند، چین و پاکستان با اقتصادهای نوظهور، شدت مصرف انرژی بالا و ذخایر اندک گاز در شرق، نوید بازاری با آتیه را برای گاز کشور دارند.

بنابراین به دلیل موقعیت خاص ژئوپلیتیک و دسترسی آسان به بازارهای خرید، ایران نیز به قافله صادرکنندگان گاز پیوسته و تاکنون حداقل ۴ قرارداد فروش گاز به میزان سالانه ۱۷ میلیارد مترمکعب از طریق خط لوله را نهایی و امضاء کرده است.

صادرات گاز به ترکیه از سال ۲۰۰۱ آغاز شده است. صادرات گاز طبیعی به نخجوان و امارات متحده نیز در حال بررسی می‌باشد. قرارداد چهارم، صادرات گاز به ارمنستان است. سایر مذاکراتی که

در جریان هستند عبارتند از:

۱- صادرات گاز به جنوب

الف - امارات متحده عربی: امارات متحده عربی پس از ایران، قطر و عربستان، بیشترین ذخیره گازی منطقه خاورمیانه را دارا است اما برای توسعه ظرفیت تولید گاز خود با موانع جدی روبرو است. این در حالی است که شرکتی به نام دناگاز توسط بخش خصوصی در دبی در نظر دارد گاز طبیعی ایران را خریداری و آن را در امارات توزیع کند. اگر این پروژه محقق شود اولین بار در منطقه خواهد بود که یک شرکت خصوصی در زنجیره مصرف انرژی وارد می‌شود.

چنانچه این قرارداد عملی شود انتظار می‌رود ۳/۶ میلیارد مکعب گاز مورد نیاز این شرکت از گاز موجود در میادین نفتی جنوب ایران به ویژه از طریق میدان نفتی و گازی سلمان تأمین شود. این قرارداد به قرارداد کر سنت موسوم است.

ب - کویت: هر چند کویت اخیراً اعلام کرده است که به ذخایر جدید گاز دست یافته است، ولی با این وجود قراردادی قبل از پایان تابستان ۱۳۸۴ امضاء شده که هنوز به سرانجام نرسیده است. تفاهم اولیه صادرات گاز ایران به ارزش ۳۰۰ میلیون دلار در سال در حاشیه اجلاس ۱۳۵ اوپک در اصفهان بین وزرای نفت دو کشور به امضاء رسیده است.

ج - عمان: یکی از دلایل صادرات گاز ایران به عمان می‌تواند میدان گازی هنگام (بوخا) واقع در خلیج فارس و نزدیکی بین ایران و عمان (تنگه هرمز) باشد. لذا در سال ۲۰۰۰ ایران و عمان موافقت کردند که پس از توسعه مشترک میدان هنگام، سهم گازی تولیدی به عمان صادر شود.

۲- صادرات گاز به شرق

پروژه خط لوله هند - پاکستان (خط لوله صلح)

بزرگترین بازار گاز ایران از طریق خط لوله بازار هند است. مصرف گاز هندوستان طی دهه‌های آتی به دلیل نیاز نیروگاه‌های برق و ملاحظات زیست - محیطی با افزایش قابل توجهی روبرو خواهد شد. دو کشور ایران و هند در سال ۲۰۰۳ توافقنامه همکاری درخصوص ایجاد شرکتهای سرمایه‌گذاری مشترک در پروژه‌های نفت و گاز امضاء کردند. مسیر انتقال گاز به دلیل مشکلات فنی کمتر و اقتصادی بودن آن از طریق خشکی تعیین می‌شود و روزانه ۱۰۰ میلیون مترمکعب گاز ایران از طریق پاکستان به هند می‌رسد. در حالی که به نظر می‌رسد چانه‌زنی بر سر قیمت گاز در نهایت به نتیجه رسیده و فرمول ارائه شده از سوی مشاور مورد تأیید طرفین قرار گرفته است. به دلیل اینکه هنوز دو طرف خریدار (هند و پاکستان) بر سر هزینه ترانزیت گاز به توافق نرسیده‌اند، قرارداد هنوز نهایی نشده است.

علاوه بر این تجارت گاز طبیعی بین هند، ایران و پاکستان حقایق استراتژیک، تاریخی و ژئوپلیتیک این سه کشور و کل منطقه جنوب آسیا را از نو تعریف می‌کند. به همین دلیل این موضوع دارای ابعاد متعددی است که تنها به وسیله عوامل اقتصادی مشخص نمی‌شود ولی نفس عوامل اقتصادی به شدت پررنگ خواهد شد.

توافق بین هند و پاکستان بر سر پروژه خط لوله را می‌توان یک پیمان تاریخی در نظر گرفت. زیرا این موضوع به طور مستقیم روی درگیری‌های مربوط به کشمیر تأثیر می‌گذارد. در کنار تمام این مسائل، قرارداد صادرات گاز طبیعی از طریق خط لوله و یا LNG به هند منافی نیز در بر دارد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

الف - این طرح ضمن ارزآوری برای ایران، به مقاصد صادراتی گاز کشور تنوع می‌بخشد.

ب - همکاری ایران و هند در کنار یکدیگر و در چارچوب انتقال گاز طبیعی، باعث افزایش همبستگی و ایجاد همگرایی این کشورها خواهد شد و بستر مناسبی برای همکاری این دو کشور در دیگر زمینه‌ها ایجاد خواهد کرد.

ج - با توجه به نیاز هند به منابع جدید انرژی، عقد این نوع قرارداد علی‌رغم مخالفت‌های آمریکا، موفقیت قابل توجهی برای ایران به شمار می‌رود و دلیل دیگری بر بی‌اثر بودن تحریم‌های آمریکا در مقابل ایران است. در کل از نظر ایران، ورود به بازار گاز طبیعی مایع می‌تواند نقطه عطفی در صنعت گاز کشور تلقی شود، چون ایران به رغم تلاشهای صورت گرفته، هنوز تجربه عملی در این خصوص ندارد.

د - این قرارداد نیازمند احداث تأسیسات جدید در خاک ایران و هند و نیز تأمین ناوگان حمل و نقل گاز طبیعی مایع است. بنابراین زمینه مناسبی برای سرمایه‌گذاری جدید و جذب سرمایه خارجی و در نتیجه تمایل قدرت‌های جهانی برای ایجاد ثبات در منطقه خواهد بود. همکاری منطقه‌ای و جذب سرمایه خارجی باعث شکوفایی اقتصادی منطقه خواهد شد.

ه - کاهش مخاطرات سیاسی و اقتصادی، زمینه‌ای برای کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در کشورهای منطقه خواهد بود.

طبق خبرهای واصله از معاون وزیر نفت صادرات گاز به پاکستان تا پایان سال ۹۲ بر رسیدن به مرز این کشور آغاز خواهد شد.

۳- صادرات گاز به شمال و شمال غرب: صادرات گاز طبیعی به اروپا، اتریش، اوکراین، فرانسه، یونان و ایتالیا از طریق لوله نوباکو.

الف - یونان: این کشور نیز از جمله کشورهایی است که تمایل خود را برای انتقال گاز ایران از طریق خط لوله گاز تبریز - آنکارا برای تأمین نیاز داخلی خود و انتقال گاز به ایتالیا ابراز کرده است. ب - اسپانیا: مذاکرات دو کشور ایران و اسپانیا برای صدور ۳ میلیون تن آل.ان.جی ایران به اسپانیا به نتیجه رسیده است.

ج - اتریش: در سال ۲۰۰۴ میلادی شرکت اتریشی «وام.وی» توافقنامه‌ای را برای مشارکت شرکت ملی صادرات گاز ایران در خط لوله پنج میلیارد دلاری انتقال گاز ناباکو امضاء کرد. این خط لوله از ایران آغاز و پس از عبور از ترکیه با گذشتن از چند کشور اروپایی به اتریش می‌رسد.

صادرات گاز ایران: فرصت‌ها و تهدیدها

با توجه به مطالبی که تاکنون مطرح شده است، می‌توان تهدیداتی که در حوزه گاز، کشور را تهدید می‌کند به صورت ذیل بیان کرد:



منطقه و ایجاد ائتلاف در زمینه‌های موضوعی مختلف و درگیرسازی سرمایه‌های خارجی در منافع داخلی که مؤلفه‌هایی هستند که می‌توانند با توجه به پویایی‌های کنونی منطقه نقش مهمی در ارتقاء توان تأثیرگذاری و چانه‌زنی ایران در روند معادلات منطقه‌ای به ویژه معادلات انرژی و شناخت تحولات اقتصاد بین‌المللی به خصوص در زمینه گاز و تحولات عرصه تولید و بازار فروش آن و همچنین وضعیت کشورهای عمده تولیدکننده داشته باشند، ایفای نقش کند. به خصوص آنکه بازار گاز در آینده به گونه‌ای خواهد بود که هر حادثه‌ای در هر منطقه، تأثیر خود را در بازار بین‌المللی نشان خواهد داد و اهمیت ژئوپلیتیکی گاز طبیعی باعث افزایش توجه کشورها به امنیت در سطح بین‌المللی شده است.

در مجموع باید گفت بازار جهانی گاز طبیعی به سمت ایجاد یکپارچگی و تأثیرگذاری متقابل تمام مناطق بر روی یکدیگر در حال حرکت است.

- با حضور شرکتهای قدرتمند در عرصه انرژی، نقش دولتها در بازار گاز طبیعی در دهه آینده کاهش خواهد یافت.

- افزایش اهمیت ژئوپلیتیکی گاز موجب توجه عمده به سمت تأمین امنیت عرضه خواهد شد.

- بهبود موقعیت بین‌المللی از طریق دیپلماسی انرژی شرط لازم برای جذب سرمایه‌گذاری و تکنولوژی برای توسعه صنایع گاز و تقویت موقعیت ژئوپلیتیکی در عرصه گاز خواهد بود.

- به دلیل اختلافات درخصوص ضرورت صادرات گاز در شرایط کنونی و ظرفیت‌های صادراتی کشور، ضروری است کمیته‌ای مستقل با حضور صاحبان فن درخصوص تعیین استراتژی گاز کشور در زمینه صادرات تشکیل شود و تراز گاز واقعی کشور طی ۲۰ تا ۳۰ سال آینده ترسیم شود.

- کمبود نیروی انسانی متخصص در حوزه صنعت گاز از چالش‌های جدی صنعت گاز کشور است. این امر موجب شده است که محدودیت‌هایی در اجرای استراتژی متنوع در زمینه تولید، توزیع، صادرات و تبدیل گاز کشور ایجاد شود.

* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی

واحد گرمسار

** دانشجوی کارشناسی ارشد

جغرافیای سیاسی

خارج وجود ندارد، ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که با وجود بضاعت اندک در عرصه صادرات، بازارهای هدف صادراتی ایران از گستردگی بسیار زیادی برخوردارند.

بی‌شک نفوذ در بازارهای مختلف، ریسک از دست دادن خریدار را کاهش می‌دهد. ولی با توجه به توان اندک صادراتی کشور، تنوع بیش از این حد خریداران باعث می‌شود حذف از یک بازار خاص، تبعاتی آنچنانی برای طرف‌های خریدار نداشته باشد و آنها بتوانند به راحتی گاز خریداری شده از ایران را جایگزین کنند.

همچنین به نظر می‌رسد در مذاکرات صادرات گاز، هند، چین و پاکستان در اولویت بیشتری نسبت به خریداران اروپایی قرار گرفته‌اند. این در حالی است که بازار اروپا، بازار مستعدتری برای جذب گاز ایران به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران به همراه تقاضای روزافزون مصرف انرژی، هرچند جایگاه کشور را در معادلات انرژی ارتقاء داده است، اما با توجه به پویایی‌ها و تحولات جدید در منطقه دریای خزر و خلیج فارس، حفظ و تقویت جایگاه ممتاز ژئوپلیتیکی مستلزم شناخت این پویایی‌ها و تدوین یک استراتژی جامع و کامل با تأکید بر مؤلفه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی است.

در منطقه دریای خزر، روسیه در پی بازی انحصاری در بازار جهانی بخصوص صادرات گاز به اروپاست و آمریکا با احداث خط لوله باکو - جیهان در پی محروم ساختن ایران از موقعیت ممتاز طبیعی و استراتژیک منطقه‌ای خود است.

استفاده از انرژی به عنوان اهرم فشار توسط روسیه بر برخی کشورهای مشترک‌المنافع، فرصتی برای ایران فراهم کرده تا با عرضه و انتقال گاز بتواند به بازارهای مهم مصرف راه یابد.

جمهوری اسلامی ایران با توجه به این ضرورت می‌تواند به همراه سیاست اعتمادسازی منطقه‌ای و بین‌المللی، اتخاذ سیاست اعلامی غیرچالشی در روند تحولات منطقه‌ای، پیگیری سیاست مذاکرات و تفکر حل‌مسائلی در قبال رقبای منطقه‌ای، شناسایی کانون‌های مهم قدرت در

۱ - بنا به دلایلی همچون نیاز به سرمایه‌گذاری در حجم بالا، نیاز تکنولوژیک به شرکتهای خارجی سرمایه‌گذار، عدم برنامه‌ریزی دقیق مدیریتی، تحریم‌های اقتصادی آمریکا و... رشد تولید گاز در کشور از سرعت کافی برخوردار نبوده، به طوری که تا سال ۱۴۰۳ (با توجه به تراز گاز کشور) امیدی به پیشی گرفتن تولید از مصرف به صورت قابل توجه وجود ندارد.

۲ - توجه به مذاکرات فروش گاز کشور نشان می‌دهد که تمرکز اهداف صادراتی کشور حداقل تا چند سال گذشته بیشتر بر کشورهای شرق آسیا چون هند، چین و کشورهای خلیج فارس چون امارات و کویت بوده و اتحادیه اروپا در درجه سوم اهمیت قرار دارد.

۳ - مصرف گاز در کشور به شدت در حال رشد است و سیاستهای دولت در مورد گسترش شبکه گازرسانی و جایگزینی گاز به جای فرآورده‌های نفتی در بخشهای مختلف اقتصادی، قیمتگذاری گاز در داخل کشور و تأکید بر تثبیت این قیمت‌ها در سالهای اخیر، ائتلاف انرژی، رشد جمعیت و تکنولوژی به شدت انرژی‌بر در کشور، به این شتاب دامن می‌زند.

لذا واقعیت این است که مثبت بودن تراز گازی ایران در آینده نزدیک به شدت مورد تردید است. مسأله‌ای که مکرراً از سوی کارشناسان سیاسی و اقتصادی نسبت به آن هشدار داده شده است. با این حال دولت اقدام به مذاکره برای فروش روزانه بیش از ۴۰۰ میلیون مترمکعب گاز کرده است. تجربه تلخ صادرات گاز به ترکیه نشان می‌دهد که عدم پیش‌بینی صحیح تراز گاز و نداشتن نگرشی منطقی در مورد واقعیات صنعت گاز کشور می‌تواند ضربات جبران‌ناپذیری بر وجهه ایران به عنوان یک صادرکننده گاز در بازارهای جهانی وارد کند و در عرصه داخلی نیز خطرات امنیتی و اجتماعی شدید ایجاد کرده و عملاً باعث فلج شدن صنایع کشور در برهه‌های زمانی خاص شود.

علاوه بر این، نحوه مقابله با کسری گاز طی سالیان گذشته نشان می‌دهد که برای جبران کسری در کوتاه‌مدت، کاهش تزریق گاز به مخازن نفتی که کم‌هزینه‌ترین راه از نظر اجتماعی است و در عین حال از نظر اقتصادی در بلندمدت پرهزینه‌ترین راه‌حل به شمار می‌رود، مورد انتخاب قرار می‌گیرد. شایان ذکر است همواره قیمت‌های جهانی نفت سریع‌تر از قیمت‌های جهانی گاز رشد کرده است و قراردادهای بلندمدت گاز و ساختار ویژه بازار آن مانع از شتاب یکسان رشد قیمت نفت و گاز می‌شود.

راه‌حل دیگر برای مقابله با کسری گاز در سمت تقاضا، خروج صنایع بزرگ از چرخه مصرف است که ناگفته پیداست نیروگاههای بزرگ وابسته به گاز، پتروشیمی‌ها و سایر صنایع بزرگ و کوچک در اثر حتی یک روز قطع گاز دچار زیان می‌شوند و در نهایت قطع صادرات گاز به خارج راه‌حل کوتاه‌مدت دیگری است که آثار مخرب آن در گذشته بارها تکرار شده است.

گذشته از این واقعیت مهم که حداقل در آینده نزدیک (۱۰ سال آینده) گازی برای صادرات به

مثبت بودن تراز
گازی ایران در آینده
به شدت مورد تردید
است. مسأله‌ای
که مکرراً از سوی
کارشناسان اقتصادی
نسبت به آن هشدار
داده شده است. دولت
اقدام به مذاکره برای
فروش روزانه بیش از
۴۰۰ میلیون مترمکعب
گاز کرده است

چگونگی کنترل بازار جهانی نفت

نفت و سیاست

این تحقیق با اشاره به نقش و جایگاه اقتصادی نفت برای جوامع صنعتی غرب، عملکرد اقتصادی و سیاسی دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ نفتی را در مقاطع زمانی مختلف در کشورهای صادرکننده نفت مورد بررسی قرار داده است. تا قبل از دهه ۱۹۵۰، سیاست‌های نفتی به ویژه بهای جهانی نفت و میزان تولید، متأثر از خواست و اراده استثمارگرانه دولت‌ها و شرکت‌های نفتی غربی بود. اما با بیداری ملت‌ها و رشد مبارزات ملی‌گرایانه آنها علیه استثمارگری‌های موجود، نفوذ و قدرت شرکت‌های بین‌المللی نفت نسبت به گذشته محدودتر شد. جوامع صنعتی غرب با بهره‌گیری از سازوکارهای مختلف به گونه‌ای پیچیده‌تر و ظریفتر، ساختاری پیریزی کردند که بهتر از گذشته، تسلط و نفوذ جوامع صنعتی غرب را بر سیاست‌های اقتصادی نفتی تضمین می‌کرد.

حسین موسوی، یدالله محمدی

و روزنت، مجلات علمی و تخصصی، روزنامه‌ها و نشریات بهره‌گیری شده است. فرضیه: با تغییر اوضاع زمانی به‌ویژه بعد از دهه ۱۹۵۰ و بیداری و مبارزات ضداستعماری کشورهای نفت‌خیز، دولت‌ها و شرکت‌های نفتی غربی با تنظیم سازوکارهای گوناگون و شکل‌دهی بازار اقتصاد جهانی نفت، موفق شدند کنترل سیاست‌های جهانی نفت را به‌طور نسبی در دست داشته باشند.

بازار اقتصاد جهانی نفت

به لحاظ اهمیت و جایگاه والایی که نفت در برتری‌های اقتصادی، صنعتی و فناوری غرب ایفا کرده است، دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ نفتی غربی بر آن بوده‌اند تا از طریق به کارگیری اهرم‌ها و سازوکارهای کنترلی با تسلط بر منابع و ذخایر نفتی کشورهای صادرکننده نفت، جریان سالم، ثابت و ارزان نفت را به سوی جوامع صنعتی غرب تضمین کنند. در بهره‌گیری از نوع سازوکارهای کنترل‌کننده، دولت‌ها و شرکت‌های بین‌المللی نفتی غربی در طول زمان یکنواخت عمل نکرده‌اند، چنانکه بعداً به آن اشاره خواهد شد تا قبل از دهه ۱۹۵۰ سیاست‌های نفتی، به طور یکجانبه، غیرمنطقی و غیرمستدل، توسط شرکت‌های نفتی غربی و کاملاً به سود آنها تعیین می‌شد. اما با رشد آگاهی و مبارزات ملی‌گرایانه ملت‌ها علیه استثمارگری‌ها و زیاده‌طلبی‌های دولت‌ها و شرکت‌های غربی و محدود شدن قدرت و نفوذ این شرکت‌ها، جوامع صنعتی غرب در اقدامی پیچیده‌تر و هماهنگ‌تر، بازار اقتصاد جهانی نفت را پیریزی کردند. اقتصادی که ضمن تعیین سیاست‌های جهانی نفت و تضمین امنیت انرژی ارزان‌قیمت برای غرب از هرگونه تکروری و زیاده‌خواهی کشورهای صادرکننده نفت ممانعت می‌کرد. بازار اقتصاد جهانی نفت حاصل رقابت‌ها و کشمکش‌های تاریخی دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ نفتی غرب از یک سو و کشورهای نفت‌خیز از سوی دیگر در طی قرن گذشته بوده است. «در ابتدا ما پیدایش صنعت نفت را در کشورهای توسعه نیافته

و اراده کشورهای صادرکننده نفت را در تعیین سیاست‌های نفتی مستقلشان به منصه ظهور می‌رسانید اما سوال این است که آیا اقدامات فردی و جمعی کشورهای صادرکننده نفت، توانست آنها را در بازی با حاصل جمع جبری صفر در رویارویی با دولت‌ها و شرکت‌های نفتی غربی پیروز گرداند، به تعبیر دیگر با تغییر اوضاع زمانی ناشی از رشد آگاهی و مبارزات ملی‌گرایانه کشورهای نفت‌خیز و مقابله جدی آنها با سلطه‌گری‌های اقتصادی و سیاسی خارجی، آیا دولت‌ها و شرکت‌های نفتی غربی (با توجه به نیاز استراتژیک خود به این ماده حیاتی) به خواسته‌های کشورهای صادرکننده نفت در رابطه با سیاست‌های نفتی، به ویژه بهای نفت مورد نظر آنها تمکین کردند یا بالعکس با تعقیب سازوکارهای جدید و طراحی بازار اقتصاد جهانی نفت همانند گذشته، سلطه خود را بر سیاست‌های جهانی نفت تحکیم کردند. این مطلب بر آن است تا با توجه به حوادث و تحولات تاریخی و عکس‌العمل بازیگران جهان نفت اقدامات و سیاست‌های جهانی را در تأمین امنیت انرژی ارزان‌قیمت و استمرار جریان آن به سمت غرب بررسی کند. در واقع جهان صنعتی برای نهادینه‌سازی استمرار جریان انرژی ارزان به سوی غرب به مجموعه‌ای از سازوکارهای کنترلی متوسل شده که در این تحقیق بررسی می‌شود.

بررسی‌های موجود از تحولات بازار جهانی نفت با رویکرد اقتصاد سیاسی، نویسنده را با روش‌های مختلف تحقیق مواجه می‌کند. اما از آنجا که هدف از متدولوژی و روش‌شناسی، رویارویی با موضوع خاص برای رسیدن به حقیقت و شناخت بیشتر آن است در این تحقیق از روش‌های تاریخی و تبیین علی بهره گرفته شده است. در پرتو متدولوژی یاد شده بازار جهانی نفت را با توجه به بستر و اوضاع زمانی و تاریخی از یک‌سو و تصمیمات و سیاستگذاری‌های بازیگران اصلی بازار جهانی نفت به عنوان فاعلان محتاط و حسابگر (در سود و زیان خود) از سوی دیگر بررسی می‌کنیم. در این تحقیق از منابع، کتاب‌ها، اسناد وزارت خارجه و وزارت نفت، منابع معتبر فارسی و لاتین، اینترنت

نفت این ماده حیاتی و کلای استراتژیک از اوایل قرن بیستم تاکنون به گونه‌های مختلف، حیات اقتصادی و سیاسی کشورهای صادرکننده نفت و کشورهای خریدار و صنعتی غرب را تحت تأثیر قرار داده است. اساس توسعه، پیشرفت، بقا و دوام کشورهای صنعتی را عمدتاً موهون بهره‌مندی مستمر و یکنواخت آنها از انرژی ارزان‌قیمت کشورهای نفت‌خیز دانسته‌اند تا جایی که امروزه نفت را مهم‌ترین نیاز استراتژیک غرب می‌دانند. تاریخ اقتصادی - سیاسی کشورهای نفت‌خیز، طی قرن گذشته از رقابت‌های استعماری و سلطه‌گری‌های شرکت‌ها و دولت‌های بزرگ نفتی غرب به منظور تحکیم و گسترش سلطه بر منابع نفتی کشورهای نفت‌خیز متأثر بوده است، به عبارتی بعد از کشف نفت در این مناطق، سیاست‌های نفتی به ویژه تعیین بهای نفت و میزان تولید و صادرات آن توسط شرکت‌های بزرگ نفتی غربی تعیین می‌شد. در تعیین سیاست‌های نفتی به‌ویژه بهای نفت صادراتی نیز شرکت‌ها و دولت‌های غربی از هیچ روش مستدل، منطقی و عادلانه پیروی نکرده، بلکه فقط سودجویی بیشتر و انگیزه‌های اقتصادی و سیاسی صرفاً تعیین‌کننده سیاست‌های نفتی بوده است.

استثمار شدید شرکت‌های نفتی غربی، زمینه‌ساز نارضایتی، بیداری و خیزش‌های مردمی و مبارزات ضداستعماری آنها به منظور ملی کردن صنایع نفتی شد. در واقع نتیجه وضعی رفتار سلطه‌گرانه دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ نفتی غربی، بستر ساز روح و اراده جمعی در بین کشورهای نفت‌خیز به منظور رهایی از سلطه این دولت‌ها و شرکت‌ها در تعیین سیاست‌های نفتی بوده است. نمود آشکار این روح و اراده جمعی را می‌توان در شکل‌گیری و پیدایش سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در سال ۱۹۶۰ به منظور رویارویی با زیاده‌طلبی‌ها و یکه‌تازی‌های دولت‌ها و شرکت‌های نفتی غربی مشاهده کرد. هرچند کشورهای صنعتی غرب، شکل‌گیری اوپک را در راستای منافع کشورهای صادرکننده نفت و اهرمی علیه منافع سلطه‌گرانه نفتی خود تلقی کردند که خواست

آیا دولت‌ها و شرکت‌های نفتی غربی (با توجه به نیاز استراتژیک خود به این ماده حیاتی) به خواسته‌های کشورهای صادرکننده نفت در رابطه با سیاست‌های نفتی، به ویژه بهای نفت مورد نظر آنها تمکین کردند؟



صنایع در اواخر دهه ۱۹۹۰ ادغام در صنعت نفت نیز صورت گرفت که ابتدا در آمریکا شروع شد و سپس به اروپا سرایت کرد. روند ادغام با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بروز پدیده جهانی شدن اقتصاد در دهه ۱۹۹۰ با هدف افزایش کارایی و سودآوری بیشتر صورت گرفت. برای مثال در اواسط دهه ۱۹۹۰ بی‌پی و موبیل در اروپا و شل و تگزاسو در آمریکا اقدام به ادغام فعالیت‌های پایین‌دستی خود کردند ولی پس از آن شاهد ادغام کامل این گروه از شرکت‌ها بودیم که با ادغام بی‌پی با آموکو در تابستان ۱۹۹۸ آغاز شد.

نتیجه‌گیری

به رغم روند فزاینده افزایش تولید از سوی کشورهای اوپک و غیر اوپک، رشد تقاضا و مصرف نفت تحت تاثیر متغیرهای مختلفی نظیر رشد اقتصاد جهانی، سقف تولید تعیین شده از سوی سازمان‌های نفتی نظیر اوپک، پیشرفت کارایی‌ها و فناوری، سیاست‌های زیست‌محیطی و مالیاتی کشورهای صنعتی و رقابت در به کارگیری سوخت‌های فسیلی و انرژی‌های دیگر نظیر انرژی اتمی است. وابستگی فزاینده جهان صنعتی به نفت آنها را وادار به آغاز سازوکارها و سیاست‌های کنترلی خاصی کرده است که در پرتو آنها روند استمرار امنیت انرژی ارزان به سوی آنها نهادینه شود. در نهایت مجموعه این اقدامات و خط‌مشی‌های منجر به شکل‌گیری بازار جهانی نفت مبتنی بر قواعد و اهداف خاصی شد.

معاهده منشور انرژی که در سال ۱۹۹۸ به تصویب نهاد قانونگذاری جامعه اروپا و برخی کشورهای دیگر رسید یک معاهده چندجانبه بین‌المللی در بخش انرژی است. این معاهده گام دیگری در نهادینه کردن استمرار جریان سوخت به‌ویژه نفت به سوی جهان صنعتی غرب است که حمایت بسیاری از کشورهای توسعه یافته را به همراه داشت. هدف اصلی این معاهده همکاری اقتصادی و ایجاد تسهیلات در کشورهای تولیدکننده انرژی برای سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی در اکتشاف، استخراج، تولید، انتقال و تجارت از طریق سازوکارهای حقوقی قوی بین‌المللی است.

افزایش قیمت این کالا بوده‌اند. در یک کلام، نگرانی آنها همواره تهدید «امنیت انرژی» بوده است. به عبارتی «عرضه انرژی ممکن است سهل‌الوصول باشد، اما این امر در تجارت بین‌المللی پذیرفتنی نیست، زیرا عرضه با خود ریسک‌های امنیتی را حمل می‌کند. هیچ منطقه با اقتصاد نفتی وجود ندارد که این مشکل را برای مدت بیش از بیست سال حل کرده باشد».

جهان صنعتی غرب در راستای تامین امنیت انرژی مورد نیاز و ارزان که اغلب در منطقه خاورمیانه متمرکز است، از دهه ۱۹۷۰ به بعد با توجه به تحول ساختار تجارت بین‌الملل و تاثیر آن در روابط بین‌الملل و تغییر جایگاه شرکت‌های بزرگ نفتی نسبت به گذشته، خط‌مشی‌هایی اتخاذ کرد که بازار اقتصاد جهانی نفت را به وجود آورد. ساختاری که جریان سالم و ثابت نفت به غرب و ژاپن را نهادینه ساخت و مانع هرگونه تندروری و یکه‌تازی از سوی کشورهای صادرکننده نفت درباره افزایش قیمت‌ها یا کاهش تولید می‌شد. در واقع بازار اقتصاد جهانی نفت، قواعدی را برای تجارت جهانی نفت ترسیم و به لحاظ اقتصادی و سیاسی، ساختاری را برای کشورهای نفت‌خیز طراحی کرد که این کشورها اعم از تندرو و میانه‌رو ناگزیر از پذیرش آن شدند. نکته جالب آنکه بعضی از کشورهای صادرکننده نفت، خود به دلایل وابستگی‌های سیاسی و نیازمندی‌های اقتصادی، امنیتی، نظامی و حتی ساختاری، حافظ و مدافع این ساختار شدند و منافع و بقای خود را همسو با حفظ بازار جهانی نفت می‌دانند.

پیدایش و تحولات ساختاری از ابتدای دهه ۱۹۷۰ (که با ملی شدن شرکت‌های نفتی آغاز شد) یکپارچگی شرکت‌های نفتی در فعالیت‌های مختلف در اوایل دهه ۱۹۸۰ را به همراه داشت. پس از آن کوچک‌سازی شرکت‌ها، افزایش کارایی و بازده شرکت‌های کوچک به دنبال نظریه کوچک زیباست تعقیب شد. در اوایل ۱۹۹۰ همزمان با کم شدن نوسانات قیمت نفت، افزایش بیشتر رقابت در صنعت نفت، شکل‌گیری بازارهای نفت و تقویت بازارهای بورس نفت (خصوصاً برنت)، خصوصی‌سازی، تغییر مقررات و تجاری‌سازی آغاز شد. به دنبال شکل‌گیری ادغام‌های بزرگ در سایر

تحت نفوذ امپریالیسم مستعمرات (به ویژه بریتانیا) می‌بینیم که بعدها به ساختار صنعتی نسبتاً باثبات، متشکل از شرکت‌های بزرگ بین‌المللی (عمدتاً آمریکایی و انگلیسی) تبدیل می‌شود. دولت‌ها و شرکت‌های غربی در پرتو برتری‌های فنی و فناوری خود از یک سو و فقر و ناآگاهی کشورهای نفت‌خیز از سوی دیگر در تعیین بهای پرداختی نفت از هیچ نوع سیستم منطقه‌ای و مستدل قیمت‌گذاری پیروی نکردند. در واقع فزون‌خواهی و زیاده‌طلبی‌های آنها تعیین‌کننده بهای نفت و مبالغ پرداختی به کشورهای نفت‌خیز بوده است که در مواردی حتی از مالیات پرداختی این شرکت‌ها به دولت‌هایشان نیز به مراتب کمتر بوده است. استثمارگری و غارتگری‌های بی‌حدوحصر، زمینه‌ساز خیزش‌ها و جنبش‌های ملی‌گرایانه در کشورهای منطقه با هدف ملی کردن صنعت نفت و قطع ید دولت‌ها و شرکت‌های نفتی غربی شد.

اندکی پس از بیداری و آگاهی مردم و دولت‌های کشورهای نفت‌خیز منطقه در سال ۱۹۶۰ سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) به منظور رویارویی با زیاده‌طلبی‌های دولت‌ها و شرکت‌های نفتی غربی و اتخاذ سیاست‌های واحد در رابطه با ثبات قیمت‌ها و میزان عرضه نفت و ... تاسیس شد. شرکت‌های بین‌المللی نفتی و دولت‌های صنعتی غرب به موازات اقدام اخیر کشورهای صادرکننده نفت و در راستای سیاست‌های گذشته خود مبنی بر دسترسی مستمر به منابع نفتی ارزان و ناآرامی ساختن اقدامات اوپک، مجموعه‌ای از اقدامات و سیاست‌ها را طراحی کردند. اقدامات و سیاست‌هایی که به ویژه بعد از دهه ۱۹۷۰ زمینه‌ساز شکل‌گیری بازار اقتصاد جهانی نفت بود و باعث شد تا ضمن برقراری امنیت انرژی، جریان سالم و ثابت نفت به غرب و ژاپن با بهای ارزان، مانع از هرگونه زیاده‌طلبی و یکه‌تازی کشورهای صادرکننده نفت در رابطه با افزایش شدید قیمت‌ها و کاهش عرضه نفت شود.

شواهد حاکی از این است که نفت با حیات سیاسی و اقتصادی جوامع غربی عجین است. امروزه «بیش از ۸۰ درصد تجارت نفت خام و موادنفتی در جهان را کشورهای غربی و شرکت‌های وابسته به آنها تحت کنترل دارند». هرچند نفت را یک انرژی تجدیدناپذیر می‌دانند لیکن تقاضای جهانی نفت در بین جوامع صنعتی غرب روندی روبه افزایش داشته است. کنترل و تسلط غرب بر این میزان نفت جهان، که از الزامات توسعه اقتصادی و صنعتی آنهاست در کنار دانش فنی و فناوری آنها در زمینه صنایع نفتی، استخراج، اکتشاف، تولید، پالایش و میزان سرمایه‌گذاری‌های آنها در زمینه نفت، همگی حاکی از این است که «نفت یک کالای غربی در کل روابط و محاسبات استراتژیک منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود». گرچه نفت برای کشورهای صنعتی بیشتر یک فرصت اقتصادی بوده تا تهدید و همواره عامل توسعه و پیشرفت اقتصاد و صنعت آنها بوده است، اما به لحاظ روانی، آنها نگران روی دیگر سکه یعنی تهدیدات برخاسته از وابستگی به نفت، قطع و کاهش صادرات کشورهای تولیدکننده نفت یا

وابستگی فزاینده
جهان صنعتی به
نفت، مصرف‌کنندگان
را وادار به آغاز
سازوکارها و
سیاست‌های کنترلی
خاصی کرده است
که در پرتو آنها روند
استمرار امنیت انرژی
ارزان به سوی آنها
نهاده شده

صاحبان واقعی طلای سیاه چه کسانی هستند؟

چیستی دولتی‌بودن نفت

مطلب پیش رو که دکتر علی طیب نیا، استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران و ژیان مردوخی، کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران آن را به رشته تحریر در آورده‌اند، براساس رویکرد اقتصاد نهادگرای جدید و به طور خاص، رهیافت حقوق مالکیت، این فرضیه که حاکمیت مالکیت عمومی بر منابع نفتی، موجب بهره‌برداری بیش از اندازه از این منابع و صدور آنها در قیمت‌هایی پایین‌تر از ارزش واقعی آنها می‌شود را مورد بررسی قرار داده است. تحلیل رفتار اجزای تشکیل‌دهنده ساختار حکومت در ایران، حاکی از آن است که نوعی سازش میان کارگزاران اجرایی و مقامات سیاسی در بازار داخلی حکومت، دولت را به یک بیشینه‌ساز درآمدهای نفتی، از طریق تولید و صدور هر چه بیشتر نفت خام تبدیل کرده است. منحنی برآورد شده عرضه نفت خام ایران، چنین الگوی رفتاری را تأیید می‌کند.

آنها بر خورد نشده است، مصداق بهره‌برداری بیش از اندازه از منابع نفتی است. از این رو، در این مورد نیز می‌توان «حاکمیت مالکیت عمومی بر منافع نفتی در ایران را موجب بهره‌برداری بیش از اندازه از این منابع در کشور دانست.» البته، می‌توان موارد دیگری به موارد فوق اضافه کرد، اما به جای آن، به بررسی دقیق‌تر مفهوم «بهره‌برداری بیش از اندازه» پرداخته می‌شود. می‌توان این سؤال را مطرح کرد که با توجه به رفتار حکومت ایران در زمینه عرضه نفت خام، اگر قیمت‌های نفت در سطوح بالاتری نسبت به قیمت‌های تاریخی آن قرار می‌گرفت، مقدار بهره‌برداری از آن چگونه تغییر می‌کرد؟ اگر درآمدهای نفتی محقق شده سال‌های مختلف را به عنوان سطوح مطلوب درآمد برای دولت ایران تصور کنیم، در صورت تحقق قیمت‌های بالاتر نفت خام، میزان بهره‌برداری لازم از منابع نفتی برای رسیدن به سطوح درآمد مورد نیاز حکومت، کاهش می‌یافت. حتی اگر رفتار بیشینه‌خواه اجزای تشکیل‌دهنده حکومت و بیشینه‌سازی درآمد توسط حکومت، در قیمت‌های بالاتر، برخورداری از درآمدهای بالاتر را ایجاب می‌کرد، میزان بهره‌برداری‌های تاریخی انجام شده یا بهره‌برداری بیش از آنها، در قیمت‌های بالاتری رخ می‌داد که به هر حال موجه‌تر نشان می‌داد. لذا در قیمت‌های پایین‌تر محقق شده در طول تاریخ صنعت نفت در ایران (نسبت به قیمت‌هایی فرضی و بالاتر) ارضای رفتار بیشینه‌سازی درآمد عمومی از سوی حکومت، منجر به بهره‌برداری بیش از اندازه از منابع نفتی ایران توسط دولت شده است. (در اینجا، منظور از بهره‌برداری «بیش از اندازه»، بهره‌برداری بیشتر نسبت به شرایط قیمت‌های جهانی بالاتر نفت خام است.)

با این توضیح، دو سؤال دیگر مطرح می‌شوند: اول آنکه آیا قیمت‌هایی بالاتر از سطوح تاریخی قیمت‌های مشاهده شده نفت خام قابل تصور بوده‌اند یا نه؟ دوم آنکه به چه دلیل قیمت‌های فرضی و قابل تصور بالاتر نفت خام بروز ننموده‌اند؟

در پاسخ به سؤال اول، از مفهوم «قیمت واقعی نفت خام» استفاده می‌شود. پیش از تبیین مفهوم فوق، لازم به ذکر است که هر کشور اروپایی (به عنوان مقصد صدور نفت خام ایران)، دارای یک

می‌توان با تأیید فرضیه رفتار بیشینه‌سازی درآمد توسط نهاد حکومت براساس مدل‌های برآورد شده، اینگونه نتیجه گرفت که حاکمیت بی‌قید و شرط مالکیت عمومی بر منابع نفتی در ایران، موجب کاهش کارایی ساختار حکومت در کشور شده است. کاهش کارایی در ساختار حکومت ایران، به مفهوم صرف بخشی از درآمدهای نفتی برای ارضای تمایلات بدنه بوروکراتیک و نیز بدنه سیاسی حکومت است. این بخش از درآمدهای نفتی، می‌بایست صرف ایجاد ظرفیت‌های تولیدی و زیربنایی ماندگار و سرمایه‌انسانی بارآور می‌شدند یا با عدم بهره‌برداری از منابع نفتی، تحقق نیافته و برای فرصت‌های موجه آتی در اختیار آیندگان قرار می‌گرفتند. لذا می‌توان نتیجه گرفت که «حاکمیت مالکیت عمومی بر منابع نفتی در ایران، موجب بهره‌برداری بیش از اندازه از این منابع در کشور شده است.»

بروز رفتار بیشینه‌سازی درآمد از سوی حکومت ایران، به دلیل حاکمیت مالکیت دولتی بر منابع نفت و در نتیجه، برخورداری دولت از درآمدهای هنگفت و سهل‌الوصول نفت، همواره موجب کم توجهی و یا عدم توجه به اصلاح ساختار اقتصادی و زیربنایی جامعه در زمینه کسب درآمدهای عمومی غیرنفتی بوده است. این امر، به دلیل ناکافی بودن درآمدهای عمومی غیرنفتی در تأمین مالی هزینه‌های جاری دولت، سبب شده است که هر سال بخش عظیمی از درآمدهای نفتی در ایران، صرف تأمین اینگونه هزینه‌ها شود. برای مثال، در فاصله سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ هزینه‌های جاری به طور متوسط، حدود ۶۸ درصد کل هزینه‌های دولت را تشکیل داده‌اند، در حالی که درآمدهای مالیاتی و درآمدهای متفرقه دولت با هم، تنها ۳۶ درصد کل درآمدهای دولت بوده‌اند. نفت، یک منبع طبیعی و یک ثروت پایان‌پذیر است و به دلیل تعلق این منابع به همه نسل‌های حاضر و آتی کشور، درآمدهای حاصل از صدور آن به طور حتم، باید منجر به جانشینی ثروت‌هایی ماندگار در کشور شود. لذا هر بخش از این درآمدها که به عوض ایجاد ظرفیت‌های تولیدی و زیربنایی ماندگار و سرمایه‌انسانی بارآور، همانند سایر منابع جاری دولت، صرف امور جاری مملکت شده و به شکل ثروت با

محاسبه ارزش واقعی نفت خام ایران و تحلیل رفتار تاریخی اوپک و تمایلات اعضای آن براساس اصول اقتصاد خرد و اقتصاد صنعتی، نشان می‌دهد که حضور دولت‌ها به جای بخش خصوصی در این کارتل، موجب تولید بیش از اندازه نفت خام توسط آنها و مانع از برقراری ارزش واقعی و انحصاری نفت خام در بازار جهانی بوده است. بدین ترتیب، در نهایت این نتیجه حاصل شد که حاکمیت مالکیت عمومی بر منابع نفت خام و در نتیجه آن حضور دولت‌ها به عوض بنگاه‌های خصوصی در کارتل اوپک، موجب بهره‌برداری بیش از اندازه از این منابع پایان‌پذیر و صدور آن در قیمت‌هایی بسیار پایین‌تر از ارزش واقعی شده است.

بهره‌برداری بیش از اندازه از منابع نفتی توسط بخش عمومی در ایران، مفهومی عمیق‌تر از صرف اثبات رفتار بیشینه‌سازی درآمد از سوی دولت دارد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد. اما ذکر مطالبی لازم به نظر می‌رسد. گفته شد که کارگزاران اجرایی و سیاسی شکل‌دهنده ساختار دولت در ایران، بیشینه‌خواه بودجه بوده و در نهایت نهاد دولت به عنوان برآیند رفتار آنها، رفتار بیشینه‌سازی درآمد را از خود بروز می‌دهد و نیز ذکر شد که ساختار اقتصادی ایران و عدم دسترسی بخش عمومی به زیرساخت‌های لازم برای کسب درآمد از شیوه‌های معمول مانند اخذ مالیات و به جای آن در اختیار داشتن منبع درآمدهای هنگفت و سهل‌الوصولی چون نفت خام، سبب شده است که بخش عمومی ایران، در زمینه عرضه نفت، یک حداکثرساز درآمد باشد. عرضه برآورد شده نفت خام ایران نیز به خوبی از چنین فرض رفتاری حمایت کرده و کاملاً با آن سازگار است. با تأیید رفتار بیشینه‌سازی درآمد دولت در ایران و به خصوص تبیین رفتار بخش عمومی در عرضه نفت خام براساس مدل، می‌توان به مواردی اشاره کرد، که حاکی از بهره‌برداری بیش از اندازه از منابع نفتی در ایران، به دلیل حاکمیت مالکیت عمومی بر منابع نفتی است.

همان‌طور که ذکر شد، عامل اصلی بروز تبانی و رفتار بیشینه‌سازی درآمد از سوی حکومت، حاکمیت بی‌قید و شرط مالکیت عمومی بر منابع نفتی پایان‌پذیر در ایران است، بدین ترتیب،

**بروز رفتار
بیشینه‌سازی درآمد
از سوی حکومت
ایران، به دلیل
حاکمیت مالکیت
دولتی بر منابع نفت،
همواره موجب کم
توجهی و یا عدم توجه
به اصلاح ساختار
اقتصادی و زیربنایی
جامعه بوده است**



مبانی اقتصادی حاکم بر بازار (که اکنون به دلیل حضور دولت‌ها در این سازمان مغلوب عوامل سیاسی بازار جهانی نفت شده‌اند) بود و در پی آن، تحقق قیمت‌هایی بالاتر در بازار جهانی نفت ممکن می‌شد.

در هر دو بخش، یعنی بروز رفتار بیشینه‌سازی درآمدهای عمومی از طریق درآمدهای نفتی و برقرار شدن قیمت‌های جهانی پایین‌تر نفت خام، علت بروز این پدیده‌ها، برقراری مالکیت عمومی، به جای مالکیت خصوصی بر منابع نفت بوده است.

به عبارت دیگر، اگر مالکیت خصوصی بر منابع نفت برقرار می‌شد و بنابر فرض، حتی اگر بخش خصوصی مزبور حداکثر ساز درآمد نفتی نیز می‌بود، به دلیل برقراری قیمت‌های جهانی بالاتر نفت خام، درآمدهای تاریخی کسب شده ناشی از صدور نفت ایران یا درآمدهایی بیش از آن، به ازای مقادیر تولید کمتر، حاصل می‌شد.

علاوه بر آن، اگر بخش عمومی در ایران مالک نفت و درآمدهای نفتی نمی‌بود، مواردی همچون کاهش کارایی ساختار حکومت و صرف درآمدهای نفتی در هزینه‌های جاری عمومی و عدم برخورد با نفت به عنوان یک ثروت پایان‌پذیر ملی و... بروز نمی‌کرد. لذا بهره‌برداری بیش از اندازه از این منابع (به مفهوم درآمدهای نفتی که صرف ایجاد ثروت و سرمایه پایدار در کشور نمی‌شوند)، شکل نمی‌گرفت.

بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که با توجه به دستاوردهای این پژوهش، براساس مشاهدات انجام شده در اقتصاد ایران و نتایج به دست آمده از تحلیل‌های انجام شده و مدل‌های برآورده شده و با توجه به مبانی نظری شکل‌دهنده این دستاوردها، نمی‌توان فرضیه مطرح شده، مبنی بر آنکه مالکیت عمومی منابع نفتی در ایران، موجب بهره‌برداری بیش از اندازه از این منابع شده است را رد کرد. همچنین به نظر می‌رسد با توجه به مبانی اقتصاد خرد و اقتصاد صنعتی درباره عملکرد اوپک و نیز با توجه به فرضیه رد نشده فوق، نمی‌توان فرضیه دوم، مبنی بر آنکه حاکمیت مالکیت عمومی بر منابع نفتی در ایران، موجب صدور منابع نفتی بهره‌برداری شده در قیمت‌هایی پایین‌تر از ارزش واقعی نفت خام این کشور شده است را نیز رد کرد.

اول دهه ۱۹۷۰، به دلایل مختلف، هیچ‌گاه همچون یک کارتل رفتار نکرد و نتوانست برای بیشینه‌سازی سود مشترک اعضا اقدام کند، چرا که نه در رسیدن به توافق مشترک بر سر استراتژی مناسب برای بیشینه‌سازی سود اعضا موفق بود و نه به تعهدات و سهمیه‌های تولیدی که به هر حال اعضا بر سر آن به توافق رسیده بودند، پایبند ماند.

بررسی عملکرد اوپک از ابتدای تأسیس تاکنون، نشان می‌دهد که اولاً هیچگاه توافق پایدار و جدی میان اعضای اوپک شکل نگرفته، ثانیاً توافق‌های غیرانحصارگرایانه شکل گرفته در زمینه سهمیه‌های تولیدی اعضا، مطابق با اصول اقتصاد خرد و اقتصاد صنعتی در زمینه بیشینه‌سازی سود مشترک کارتل نبوده، و ثالثاً، همواره اختلافات و ناهمگرایی‌های موجود در میان دولت‌های عضو اوپک، مانع از تعهد اعضا به توافقات و سهمیه‌های غیرانحصارگرایانه وضع شده، بوده است.

اکنون سؤال قبلی مجدداً تکرار می‌شود که در چه صورت قیمت‌های جهانی بالاتر نفت خام محقق می‌شدند؟ طبیعی است که از منظر عرضه بازار جهانی نفت، با توجه به آنچه که گفته شد، اگر اوپک مانند یک کارتل انحصارگر عمل می‌کرد، چنین امری و چنین قیمت‌هایی محقق می‌شدند، اما حضور دولت‌ها به عنوان اعضای این کارتل و وجود اختلافات عمده میان آنها، برخاسته از نیازهای مختلف جوامع و اقتصادهایی که این دولت‌ها نمایندگی آنها را برعهده دارند و نیز جهت‌گیری‌های سیاسی مبتنی بر منافع سیاسی و بین‌المللی این دولت‌ها، همواره مانع از تحقق عملکرد همگرایانه دولت‌ها در قالب اوپک و تحقق رفتار انحصارگرایانه در این سازمان شده است. آنچه موجب حضور دولت‌ها به جای بنگاه‌های خصوصی در اوپک شد، سیر تاریخی طی شده در صنعت جهانی نفت و به طور مشخص برقراری حقوق مالکیت عمومی بر منابع نفت در کشورهای عضو اوپک بوده است. قابل تصور است که اگر بنگاه‌های خصوصی به جای دولت‌ها، اعضای کارتل اوپک را تشکیل می‌دادند، بسیاری از اختلافات موجود، ناشی از حضور دولت‌ها در کارتل اوپک، از بین می‌رفت. در آن صورت، آنچه تصمیمات اوپک تشکیل شده از بنگاه‌های خصوصی را شکل می‌داد،

تعادل عمومی (به زعم والراس) است که در آن، قیمت همه کالاها و خدمات مصرفی در داخل آن کشور، دارای نسبت تعادلی معینی با یکدیگر می‌ماند. در این بین، فرآورده‌های نفتی نهایی نیز باید از نظر قیمت با سایر کالاها و خدمات مصرفی در تعادل قرار گیرند. به همین دلیل، معمولاً دولت‌های اروپایی (و البته دولت‌های سایر کشورهای واردکننده نفت خام)، از مصرف هر واحد از فرآورده‌های اصلی نفتی توسط مصرف‌کنندگان نهایی (شهروندان اروپایی)، در قالب مالیات سبز، با انگیزه برقراری تعادل عمومی مزبور و نیز کم کردن اتکای اقتصاد داخلی به محصولات وارداتی و همچنین کسب درآمدهای عمومی، اقدام به اخذ مالیات می‌کنند. به هر حال و به هر دلیل، دولت‌های واردکننده نفت خام، از محل مالیات بر فرآورده‌های اصلی نفتی، درآمدهایی را نصیب خود کرده‌اند که به مراتب بیش از درآمدهای کشورهای صادرکننده نفت خام از محل صدور آن بوده است. (استافر، ۱۹۸۴)

با توجه به این نکته، می‌توان به تبیین مفهوم «قیمت واقعی نفت خام» پرداخت. پس از خریداری نفت خام توسط پالایشگاه و حمل آن، هر بشکه نفت با توجه به الگوی باز یافت ویژه آن نوع خاص از نفت خام و با توجه به ویژگی‌های فنی پالایشگاه پالایش‌کننده آن، تبدیل به فرآورده‌های اصلی نفتی از قبیل، LPG، نفتا، کروژین، نفت، گاز و ضایعات باقیمانده از قبیل، روغن‌های مختلف و قیر می‌شود. این محصولات، به همان صورت یا پس از پالایش مجدد، وارد بازار مصرف کشورهای واردکننده نفت خام (در این جا اروپا) شده و در اختیار مصرف‌کنندگان نهایی قرار می‌گیرد.

هر بشکه نفت خام ایران، براساس روش پالایش مشخص، مقادیر معینی از هر فرآورده را ایجاد می‌کند. هر یک از این فرآورده‌های اصلی نفتی، قیمت‌های مشخصی در بازار مصرف داخلی کشورهای اروپایی، برای مصرف‌کننده نهایی دارند. براین اساس، می‌توان قیمتی را که یک مصرف‌کننده اروپایی در ازای مصرف یک بشکه نفت خام در قالب فرآورده‌های اصلی نفتی می‌پردازد، محاسبه کرد. «ارزش اصلی یک بشکه نفت»، برابر است با قیمت فروش آن توسط تولیدکننده، به اضافه هزینه‌های حمل، پالایش و توزیع، به اضافه متوسط مالیات‌های دولت واردکننده نفت خام بر مصرف نهایی مقدار فرآورده‌های اصلی که از آن بشکه نفت حاصل می‌شود. «قیمت واقعی نفت خام» عبارت از قیمت فروش هر بشکه نفت خام توسط تولیدکننده آن، به اضافه متوسط ارزش مالیات دولت‌های کشورهای واردکننده از مصرف فرآورده‌های اصلی حاصل از آن در این کشورها است.

لازم به ذکر است که در این مطالعه، آنگاه که صحبت از افزایش قیمت‌های جهانی نفت خام می‌شود، منظور، نه افزایش ارزش اصلی یک بشکه نفت خام، بلکه فقط انتقال ارزش مالیات دولت‌های واردکننده در قیمت اصلی نفت خام به دولت‌های صادرکننده آن، در سطح ثابت قیمت اصلی است. بر خلاف انگیزه‌های تشکیل اوپک و ادعای دولت‌های عضو آن، این سازمان به غیر از سال‌های

هر بشکه نفت خام
ایران، براساس روش
پالایش مشخص،
مقادیر معینی از هر
فرآورده را ایجاد
می‌کند. هر یک از این
فرآورده‌های اصلی
نفتی، قیمت‌های
مشخصی در بازار
مصرف داخلی
دارند.

called on his counterparts to participate in relevant research. He added that the group should assign representatives to follow up the work in this regard.

A Market Coordinator

Establishment of such a forum in long term could result in coordination of policy-making in global petrochemicals trade. In 2008, Gas Exporting Countries Forum was established upon Iran's proposal. The member states of the forum include Algeria, Bolivia, Brunei, Egypt, Indonesia, Iran, Libya, Malaysia, Nigeria, Qatar, Russia, Trinidad and Tobago, United Arab Emirates and Venezuela.

Given Iran petrochemicals capacity in producing and exporting of petrochemicals, the country can also be an influential player in this petrochemical organization. Iran's petrochemicals production capacity currently stands at 50 million tons which will increase to 100 million tons, once the country's 66 under-construction petrochemicals plants are completed by the next 5 years.

The world's fifth largest oil producer plans to increase exports of the products by investing in new petrochemical complexes. Iran accounts for 25.8 percent of the Middle East's production of petrochemicals.

Potential Partners

Member-states of Non-Aligned Movement (NAM) are the main customers of Iran's petrochemicals and the value of petrochemical exports has grown six fold since the start of the Fourth Five-Year Economic Development Plan. The organization can be easily turned to the PECF's main partner and also a costumer of the Petrochemical Exporting Countries Forum.

Reshaping the Supply Chains

Petrochemical industry players must rethink the role of logistics amid dynamic structural changes to shape the future supply chain. Over the course of the recent years, petrochemical industry profitability has fluctuated from peaks in the first half of 2008 to record lows as it entered a cyclical downturn, the impact of which was exacerbated by extraordinary global macroeconomic conditions.

Although the industry is now recover-

ing, the recent upturn was attributed to temporary supply shortages. Prices again collapsed as fears of a fundamental weakness in petrochemical markets and moribund economic conditions prevailed. The dampened demand in Asian markets was particularly concerning.

However, in the long term, world polymer consumption for polyethylene (PE), polypropylene (PP) and polystyrene(PS) is expected to grow at a rate of 4.3%/year over the course of the next 10 years, led by increased demand in Asia, the Middle East, Africa and Latin America.

The varied short- and long-term indicators imply that petrochemical producers are attempting to formulate strategies to capture future market growth while maintaining short- and medium-term flexibility to adjust to market fluctuations so the mechanisms like PECF can be helpful in formulating the fluctuation and the needed response to them.

STRUCTURAL CHANGES

The situation for producers is further complicated by deep-rooted structural changes in the industry. Today, fossil energy represents approximately 81% of usable energy. Despite predictions of continued growth in global energy consumption, by 2030 it is anticipated that energy from fossil fuels will decrease to around 75% of usable energy, with advances in areas such as bio, nuclear and hydro energy sources and the decline in the use of oil and gas.

This change is likely to lead to increasing value extraction by oil and gas firms, particularly as most of the substitute energy sources cannot provide additional value chain products. Governments too are becoming involved in further diversification around these fossil fuels to maximize value and plan long-term sustainable growth of the local economy, examples being those of Canada and Abu Dhabi. In the Middle East, this is particularly evident in the expansion of polymer production. The region is expected to account for 18% of world polymer output by 2015 from 5% in 2000. On the demand side, Asia is expected to account for 45% of global polymer consumption by 2015 from 34% in 2000, thus leading to a significant shift in polymer trade patterns.

The resulting globalization of the petrochemical sector is likely to produce further consolidation in areas such as compliance, corporate social responsibility and health and safety as they become key considerations across an increasingly demanding customer base.

The combination of market uncertainties and deep-rooted structural changes in the industry has caused petrochemical producers to review short- and long-term business strategies. Conventional wisdom in the chemical industry has been that specialties are better than commodities. Performance indicators, however, show that despite current economic challenges and changes that have severely affected the industry, top quartile companies outperform competitors independent of the specific chemical vertical within which they operate.

LOGISTICS AND SUPPLY CHAIN

logistics and supply chain excellence is a key component in addressing the uncertainties and opportunities of future petrochemical market requirements and PECF can be defined as a key facilitator in this regard. Existing realities and future developments will provoke a fundamental change in petrochemical industry logistics and market-leading producers will move away from seeing logistics as a functional necessity to a source of strategic marketing, competitive advantage, cost optimization and revenue maximization. To deliver value for customers and shareholders, petrochemical manufacturers will have to adapt by integrating end-to-end business processes, allowing them to become more dynamic to customer demands and flexible to new market opportunities.

Value creation and differentiation will no longer depend solely on product but will encapsulate a broader level of customer intimacy previously not seen in the market. Achieving this across extended geographies and volatile demand patterns will require a focused approach. Producers will increasingly seek the expertise of external service providers and choose to concentrate internal resources on core competencies, using integrated strategic partners to remain lean and responsive.

Establishment of such a forum in long term could result in coordination of policy-making in global petrochemicals trade

Petrochemical OPEC: A Good Idea

Iran has hinted at a proposal for the creation of an OPEC-style global forum for exporters of petrochemical products. The creation of such structure can help easing and balancing the international trade in the petrochemical market. It seems the successful experience of OPEC countries cooperation in balancing the international oil market was the main factor in proposing such multinational mechanism. Abdolhussein Bayat Iran's deputy oil minister said that the formation of the Petrochemical Exporting Countries Forum (PECF) will bring a new order to the market of petrochemical products and create coordination among exporters.



Ali Alimardani

Given Iran petrochemicals capacity in producing and exporting of petrochemicals, the country can also be an influential player in this petrochemical organization

Bayat, who is also the managing director of the National Iranian Petrochemical Company (NIPC), added that Iran, Saudi Arabia, UAE, Russia, Qatar, and Turkey are potential members of PECF which will focus on financial and technological cooperation among members, as well as product pricing and policy making on production issues.

But there are some ambiguities in the suggested members of the future organization, Turkey has not had the experience of membership in any energy grouping like OPEC and the country membership in to-be-PECF faces many hurdles. Also some petrochemical market powerhouses like India can be very useful members in the energy organization. Given the

considerable petrochemical exports of India, the country has almost all potentials for acting as a good player in the petrochemical grouping. This country is a major petrochemicals exporter in the world and its exclusion in the group will create a huge vacuum.

Indian companies are increasingly finding the neighboring countries as an important export destination for petrochemicals. According to a recent report, State-run Indian Oil Corp Ltd plans to sell around 5,000 tones of polypropylene to Pakistan every month this year, double the last year's monthly average. Reliance Industries Ltd (RIL), the largest private sector oil company in the country, also sells around 6,000 tones of

the polymer every month to Pakistan.

India's membership in the PECF also can be helpful for the Iranian position in the group, because the two countries has shown are reliable partners in the energy area. In recent years NIPC succeeded in producing a wide range of petrochemicals and increasing the quality of production. Today, the company is the second largest producer and exporter of petrochemicals in the Middle East.

In October, Iranian Industry, Mine and Commerce Minister Mehdi Ghazanfari also offered a plan to establish a joint petrochemical market among eight developing countries (D8). Addressing the second summit of industry ministers of the D8, held in Turkey, the minister

Application Methods

CPT™ Technique

Halliburton's patented Chemical Placement Technique (CPT) is a very effective method of placing Parachek inhibitors or other chemicals.

It involves pumping an oil solution of Parachek at low pressures into a naturally occurring or previously created fracture. The fluid leaks off into the fracture faces near the wellbore, penetrating and gorging the interstices, forming a reservoir of inhibitor near the wellbore.

When the well begins to produce back, the inhibitor slowly feeds into the oil being produced from the extremity of the fracture. Extensive field tests have shown the CPT to be extremely effective for long-term protection – 200 days or more when applied correctly.

Continuous Injection

Many operators have found that continuous injection of the Parachek inhibitors into the crude stream provides the best results. Several injection methods are available: meter the inhibitor downhole with a small chemical pump; inject the inhibitor into the power oil in wells with a subsurface hydraulic system; or use a bypass feeder arrangement. Continuous injection offers the significant advantage of precise control of the Parachek concentration.

CHASM Service

Adding certain chemicals to HCl produces an exothermic reaction which heats the acid (CHA for chemically heated acid). A temperature rise of 100°F above ambient is feasible. The elevated temperature will not allow paraffin to crystallize in the formation or on tubular goods during stimulation.

Also, wells with existing paraffin damage can be treated very effectively at high temperatures using solvents and dispersants.

Dope Buster™ M Solvent

If not removed, pipe dope and thread lubricant can deposit on the formation and defeat the purpose of stimulation treatments and gravel packs. New Dope Buster M solvent contains no BETX. Dope Buster costs less than BETX-containing solvents, it reduces disposal costs, and it eliminates offshore disposal problems.

Dope Buster M is a true microemulsion that is less than 1 percent aromatic with a flash point of 130°F. It removes conventional and new metal-free dope and lubricant.

Source: Halliburton



When the well begins to produce back, the inhibitor slowly feeds into the oil being produced from the extremity of the fracture.

Paragon™ Solvent

Asphaltene deposits are characterized by their insolubility in straight chain hydrocarbons such as kerosene and gasoline. They are, however, soluble in our aromatic Paragon solvent. This solvent has proved effective in helping dissolve solid or semi-solid paraffin and asphaltene deposits that form or collect near the formation face and on tubular goods.

In addition to wellbore cleaning capabilities, Paragon solvent can be squeezed into a formation to help remove asphaltenes precipitated within the reservoir.

PAD™ Agent

Paragon Acid Dispersion (PAD™) agent is a mixture containing Paragon solvent, acid, and a surfactant (dispersant). The Paragon solvent dissolves organic residues while the acid reacts to remove scale deposits or reacts on the formation to increase permeability. PAD has numerous applications:

- Acidizing formations containing asphaltene residues
- Preventing acid sludge when crudes containing high concentrations of asphaltenes are contacted
- Scale removal where organic residues are entrapped with the scale deposit
- Removal of oil saturation and deposits from producing wells that are converted to injection or disposal wells
- Removing hydrocarbon contamination and scale deposition in one operation to help increase injection rates in injection and disposal wells
- Cleaning screen liners and gravel packs that have been clogged by organic and scale deposits
- Treating producing wells having slight paraffin deposition problems.

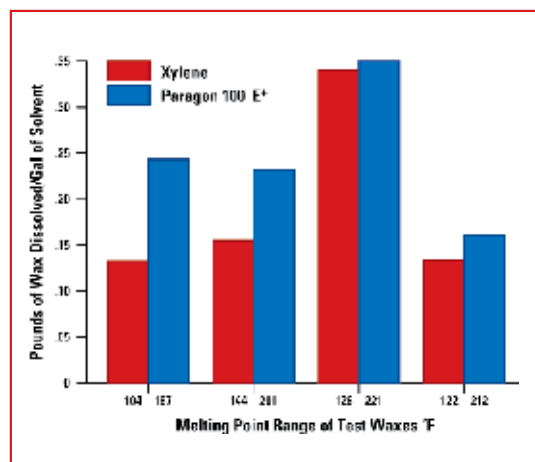
PAD can be prepared with numerous acid solutions so that it can be tailored precisely to well requirements.

Parasperse™ Cleaner

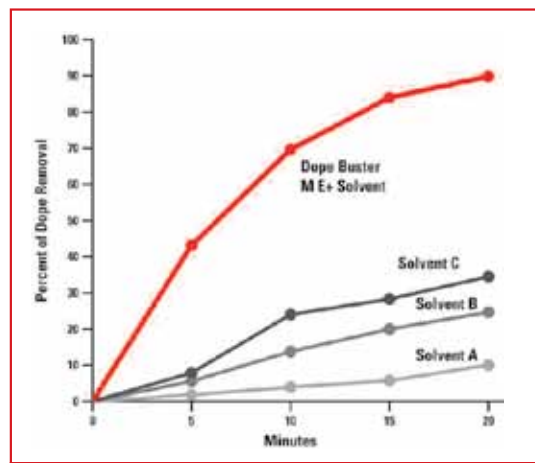
This field-proven cleaner works by dispersing the paraffin particles rather than by dissolving them. Parasperse® cleaner was designed for use in water or other aqueous liquids, such as acid, to eliminate the detrimental problems associated with hot oil treatments.

Laboratory tests have shown that Parasperse cleaner, on a gallon-to-gallon basis, is capable of removing more than 50 times more paraffin than a conventional cleaner.

The required concentration will vary from 1 percent to 10 percent based on how well paraffin adheres to pipe surfaces and the temperature at which paraffin deposits.



Results of tests using various field paraffins with different melting points. The graph shows pounds of wax dissolved per gallon of solvent. In most cases, Paragon E+ solvents perform as well or better than xylene.



Results of lab tests comparing Dope Buster M E+ solvent to conventional solvents. Notice that Dope Buster solvent is three to six times more effective than even the best conventional solvent.

Laboratory tests have shown that Parasperse cleaner, on a gallon-to-gallon basis, is capable of removing more than 50 times more paraffin than a conventional cleaner

Understanding the Problem of Paraffin and Asphaltene Deposition

Paraffin and asphaltene problems vary from area to area, from field to field in the same area, and sometimes from well to well in the same field. This makes it impossible to have one universally effective solution.

The effects of paraffin and asphaltene (tar) deposition, however, are universal. Deposits in the wellbore, feedlines, and, in the case of asphaltenes, sometimes in the formation, gradually choke production. Unless removed, deposits will eventually stop oil flow.

Usually, asphaltenes form part of the paraffin deposit, complicating removal problems.

Paraffin Deposits

Paraffin precipitates out of waxy crudes when there is a slight change in equilibrium conditions, causing a loss of solubility of the wax in the crude. A lowering in temperature is the most common cause of paraffin precipitation, though many other factors can affect the process.

Evidence indicates that suspended particulate matter – such as asphaltenes, formation fines, corrosion products, silt and sand – speeds precipitation. The particulates act as a nucleus for the cohesion of small wax particles into larger particles, which tend to separate more readily from the oil. Even though the wax may separate from the crude, it can often remain in suspension in the crude and not deposit when the oil is flowing.

Waxy crude will probably result in deposition when produced under one of the following conditions:



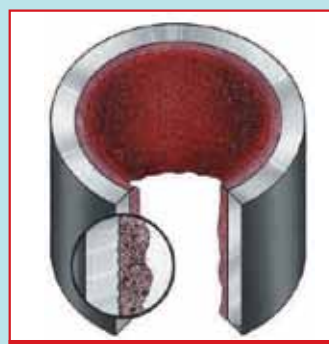
Paraffin crystals can form on tubing walls as the temperature of the produced fluid decreases

- Alternately coating the pipe, then draining the oil, leaving a thin coating on the pipe. Movement of this oil coating is too slow to prevent deposition.
- Contact with an unusually cold surface, such as a production through aquifers, causes paraffin crystals to grow directly on the pipe wall.
- Pipe surfaces are rough, providing excellent sites for paraffin deposition.
- Electrical charges on various materials in the crude promote migration of separated waxes to the pipe wall.

Asphaltenes, however, usually occur at the bottom of the well adjacent to the producing formation wall. In some cases, the asphaltenes precipitate within the formation, creating a damage removal problem.

Asphaltene Deposits

Tars or asphaltenes occur in many crudes as colloiddally suspended solid particles. Precipitation takes place when the crude loses its ability to keep those particles dispersed. Many of the same factors affecting paraffin deposition also affect asphaltene deposition.



A rough surface provides an ideal site for paraffin deposition

The particulates act as a nucleus for the cohesion of small wax particles into larger particles, which tend to separate more readily from the oil.

Production Enhancement

Paraffin and Asphaltene Control

Paraffin and Asphaltene Deposits can be Literally Choking Off Your Production and Creating Very Expensive Mechanical Problems

Halliburton offers the industry's most complete array of paraffin and asphaltene control systems. We can customize a treatment precisely to your well conditions for the most effective and economical remedy available. Systems are available to both help prevent deposition and to remove existing deposits.

Deposit Inhibitors

Parachek® 160™ Paraffin Inhibitor

Preventing, or at least decreasing, the build up of paraffin deposits will go a long way in the battle to maintain production. Parachek® 160™ inhibitor has proved to be very effective.

The materials work by altering the physical structure of the paraffin crystals, making the crystals less likely to adhere to metal surfaces.

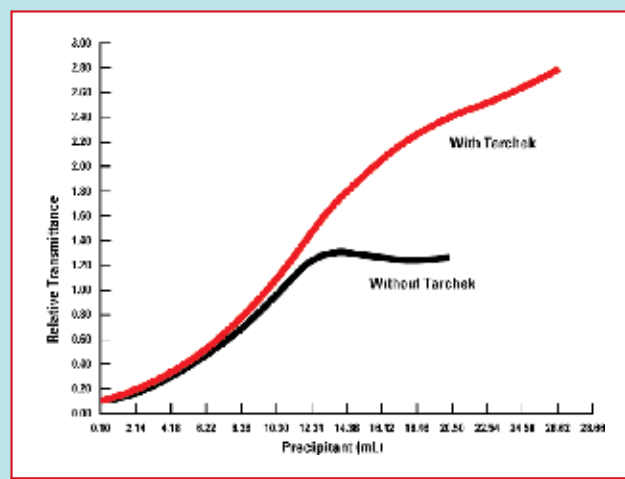
Since crude oil compositions differ so much, sometimes from well to well in the same formation, the oil should be analyzed to determine the Parachek inhibitor concentration needed to help prevent paraffin precipitation.

Experience has shown that, for most crudes, regardless of application method, a concentration of 0.5 gal to 0.75 gal Parachek 160 inhibitor per 100 bbl of produced crude usually works effectively. Parachek inhibitor can be placed by a squeeze treatment, continuous injection or with other stimulation fluids.

Tarchek™ Asphaltene Inhibitor

Tarchek is the industry's first inhibitor for asphaltene deposits. Extensive testing has shown that running Tarchek inhibitor in combination with Parachek inhibitor is a very effective and economical procedure for controlling both asphaltene and paraffin. Running the two together is economical since it reduces the number of treatments required over the life of the well.

The most efficient concentration of Tarchek can be easily determined through an asphaltene dispersant test. Tarchek inhibitor can be placed by a squeeze treatment, continuous injection or with other stimulation fluids.



Flocculation point of Venezuelan crude oil with and without 500 ppm Tarchek inhibitor

Deposit Removal Systems

Paragon™ 100 E+ Solvent

Paragon™ 100 E+ Solvent is a very effective replacement for BETX-containing solvents. It is ideal for cleaning paraffin and oil residue from producing wells by circulating or spotting downhole.

Solvents with benzene, ethyl benzene, toluene and xylene (BETX) are encountering stiff resistance due to environmental concerns and government regulations. These problems are especially acute for offshore applications.

The fact that Paragon 100 E+ solvent does not contain BETX dramatically simplifies transport and handling and provides a high flash point for greater safety.

Paragon 100 E+ is 100 percent aromatic and can be mixed with BETX solvents to obtain an acceptable BETX level.

Flash point for Paragon 100 E+ is above the threshold considered safe for offshore applications.

The most efficient concentration of Tarchek can be easily determined through an asphaltene dispersant test. Tarchek inhibitor can be placed by a squeeze treatment, continuous injection or with other stimulation fluids

President of Iran's Oil, Gas and Petrochemical Products Exporters Association:

The private sector pursues^۲ national interests

Asadollah Khosravi

Petroleum products had a strange season this fall. Unexpected decisions of government to ban the exports of some oil products, protest of exporters and emergence of a very good opportunity for the export of petroleum products, was odd enough to call the previous season "the full contrast season".

For a better review of the past season, we sat to talk with Hasan Khosrojerdi, the chairman of Oil, Gas and Petrochemical Products Exporters Association and a brief part of it as follows.

Economists believe that the capital must be in the people's hands, not the state or government. Unfortunately, all the states or governments have been feared that if the capital and power concentrate in one place; it may lead to some problems. But as the government not always been a good business maker, and has a pale presence in enabling the different economic scopes, Therefore, it is fair to say that if the private sector was given more attention, certainly the wheels of economy have been moving faster. Governments in the last century –that we have seen several revolutions—have grabbed wider areas of the economy, because after each revolution, in order to weaken their opponents, the government has tried to grab more parts of economy. This attitude that if capital and money be in the hands of the opposition and it may challenge the government, has led the authorities to keep the helm of country's economy and to limit other sectors of economic activities. Recent prudent privatization measures employed by the government—which are more similar to nationalizing measures—were not enough to allow the private



sector stand on its feet. Unfortunately, changing the current attitude demands vast cultural activities which certainly take a lot of time. In fact, this wrong perception that the private sector only considers its interest in economic activities and is less concerned with national interests still prevail among the government authorities. In contrast, the truth is that the private sector has always give priority to the national and social interests. And it is the task of the government to make the engagement with the private sector a priority.

Oil, Gas and Petrochemical Products Exporters Association has the capacity of using all the opportunities in production and exporting of these products. Based on integrated planning and not distracted of the current situation, the association has presented government managers the new ideas and solutions of increasing foreign exchange earnings through exports. One of the solutions that the

Association has presented is that a part of the oil production to be given to the private sector for sale and processing to other oil products. The government and the parliament agreed with this proposal that at least ۲۰ percent of the country's total oil production to be given to the private sector for sale. By this measure, not only the private sector's ability in increasing the foreign exchange earnings is to be tested, but also the sector would show its capabilities in helping the nation when it is under the intense enemies' pressure. The private sector also proposed a partisan strategy on the oil sale which in some ways is the same behavior that the private sector has shown before in its cooperation with the public sector. In classic wars, when an army enters the conflict, actually there is a paramilitary force beside it that consists of civilians. The texture of the paramilitary force is just like the Polyacetylene which can adapt itself with any situation and to become a powerful arm of the government. So, we think that in the economic war that has been imposed to us by enemies, we must employ asymmetric measures and convince the government that the private sector has a lot of capabilities in this regard. Private companies by employing asymmetric measures can achieve better and considerable results. We believe that in fact sanctions and current economic threats are as a full-scale war against Iran and the private sector can give considerable contribution to the national interest, using its advantages in utilization of existing spaces, and its proficiency in professional market and business approaches.

Translated by Ali Alimardani

In contrast, the truth is that the private sector has always give priority to the national and social interests and it is the task of the government to make the engagement with the private sector a priority.

Economy of Resistance and Export

Vahid Ebrahimi*

"The private sector should be supported. This economy of resistance that we brought up has its conditions and one of its elements is relying on people."

The Islamic Revolution Supreme Leader

Remarks by Supreme Leader in clarifying aspects of "economy of resistance" led the Iranian officials to focus on the economy and the economic activities. Economy of resistance is not only a theoretical scientific concept, but rather an applied Economics concept. Economy of resistance is not a slogan; it is a fact that its economic indicators are rooted in action, not words. This new look at the economics can be very close to the Political Economics terms which have political and economical concept, and it certainly should be evaluated based on its indices. The most useful feature of this approach is overcoming the crisis based on the teachings of Islam about foresight and preparation for the future.

The economy of resistance

The resistance economy deals with recognition of pressure points including current sanctions and attempt to control and nullify them and turn them into an opportunity for public participation. It demands the belief in rational and prudent management practices. Such approach can not be a short-term, negative and purely defensive action but also in fact it reduces the dependence and emphasizes on domestic production in order to achieve the country's self-reliance. In fact, the resistance economy ultimate goal is to overcome economic pressures and damages from hostile forces to stop the progress of society, and definitely the concept of austerity measure and resistance economy are very different, because the government's austerity measures refer to what government does to reduce spending and eliminate the deficit. A "parallel economy" as some pundits say, is a dimension of what is considered a resistance economy.

As the Islamic Revolution has created new institutions according to its needs, today we must continue to try to achieve the goals of this project to strengthen the capacity of national institutions and non-governmental sectors, including the private sector and cooperatives. It is essential that strategies for resistance be appropriate to the new tools and methods of the enemy. In the study of resistance economy, we certainly find that augment of exports and avoiding imports of non-essential goods are the two main pillars of resistance strategy.

Export sector is the most oppressed and simultaneously the most important sector of Iran's economy. And the realization of 1404 outlook document has complete dependency to it. Export is one of the important tools that can lead the country to even "resistance development" and certainly has the most important role in the development and promotion of exports.

Increased exports and strengthen domestic manufacturing sector are the most important programs that could succeed Iran in achieving the goals of resistance economy. In the field of oil and oil products, avoiding the export of raw materials, trying to access new markets, diversifying the target markets and more focus on value-added in exports has become a priority.

Exports of petroleum products, In the situation that enemy has blocked all ways and focused more on this sector has demand more capabilities among other things. Resistance economy requires cohesion and unity among the public and private sectors and allocation of special facilities in this regard. The special facilities is not the direct payment of money or material support, but applying other measures like removing harmful legislations and avoiding abrupt regulations that creates confusion among exporters can help boosting the export revenues. The private sector by relying to the government support and national wealth can significantly contribute to the economic boom.

Our country has considerable capital and wealth for advancing in production and economy.

We must accept that in the last decade, ignorance and arrogance of the God-given blessings and opportunities has made us so proud and we did not move off the economic vehicle adequately. The government should strengthen the private sector and provide adequate conditions which are necessary for the realization of the economic boom and the goals of resistance economy at the same time.

All Iranian officials have emphasized to this point in their comments, but some officials have shown have some problems in practice. For example, many commodity export bans has been imposed for petroleum products and petrochemicals. That certainly doesn't contribute to export sector and the goals of resistance economy.

It would be interesting that according to the fifth development plan, applying some bans on exports are illegal and no institution can impose any limitation on exporting petroleum products and other commodities. Unfortunately, according to official statistics exports of petroleum products and petrochemicals has significantly reduced and the inappropriate decisions is one of the main factors in this regard.

Association of Oil, gas and petrochemical products exporters hopes that the correct decisions of Iranian authorities' leads to increased volume and value of exports. Certainly the interaction of government and private sector can realize the resistance economy goals sooner rather than later.

*Secretary General of Oil, Gas and Petrochemical Products Exporters' Associations

The resistance economy deals with recognition of pressure points including current sanctions and attempt to control and nullify them and turn them into an opportunity for public participation

SH.E.O.Co.

Shiraz Engine Oil Company

شرکت روغن موتور شیراز (سهامی خاص)

به شماره ثبت ۷۷۹۲ شیراز در سال ۱۳۶۹ تاسیس و به ثبت رسید و در شهرک صنعتی بزرگ شیراز در زمینی به مساحت یکا هکتار تاسیسات خود را احداث نمود.

شرکت با اخذ مجوز پروانه بهره از وزارت صنایع و معادن آغاز به تولید محصولات زیر نمود:

۱- روغن پایه (از تصفیه روغن سوخته)

۲- روغن موتور (از روغن تصفیه دوم)

۳- انواع گریس

در پایان سال ۱۳۹۰ مدیریت جدید شرکت با برنامه ریزی دقیق مبادرت به تغییر سیستم تولید کرد و در کنار تولید به روش اسیدی امکانات تولید به روش غیر اسیدی را نیز فراهم نموده و با سرمایه گذاری مجدد اقدام به بهینه سازی تاسیسات تولید نمود. از سایر اقدامات صورت گرفته ارتقاء پروانه بهره برداری شرکت در مرداد ماه سال ۱۳۹۱ مربوط به تولید محصولات زیر می باشد:

۱- مکمل سوخت

۲- انواع بنزین

۳- انواع گازوئیل

شرکت روغن موتور شیراز با توجه به افق بلند مدت جهت حضور در بازارهای داخلی و خارجی برنامه ریزی نموده است. از محصولات فعلی شرکت، "روغن پایه" با ظرفیت تولید سالانه ۱۳,۰۰۰ تن می باشد.

آدرس دفتر مرکزی، کارخانه:

شیراز - میدان صنعت - خیابان صنعت جنوبی - خیابان ۱۱۳

کد پستی: ۷۱۵۸۱۷۶۹۴۳

تلفن های کارخانه: ۰۷۱۱-۷۷۴۴۹۰۰-۴

فکس کارخانه: ۰۷۱۱-۷۷۴۴۹۰۵

شماره تماس مستقیم یا مدیرعامل: ۰۷۱۱-۶۴۷۳۷۹۰

فکس: ۰۷۱۱-۶۴۷۳۵۱۸

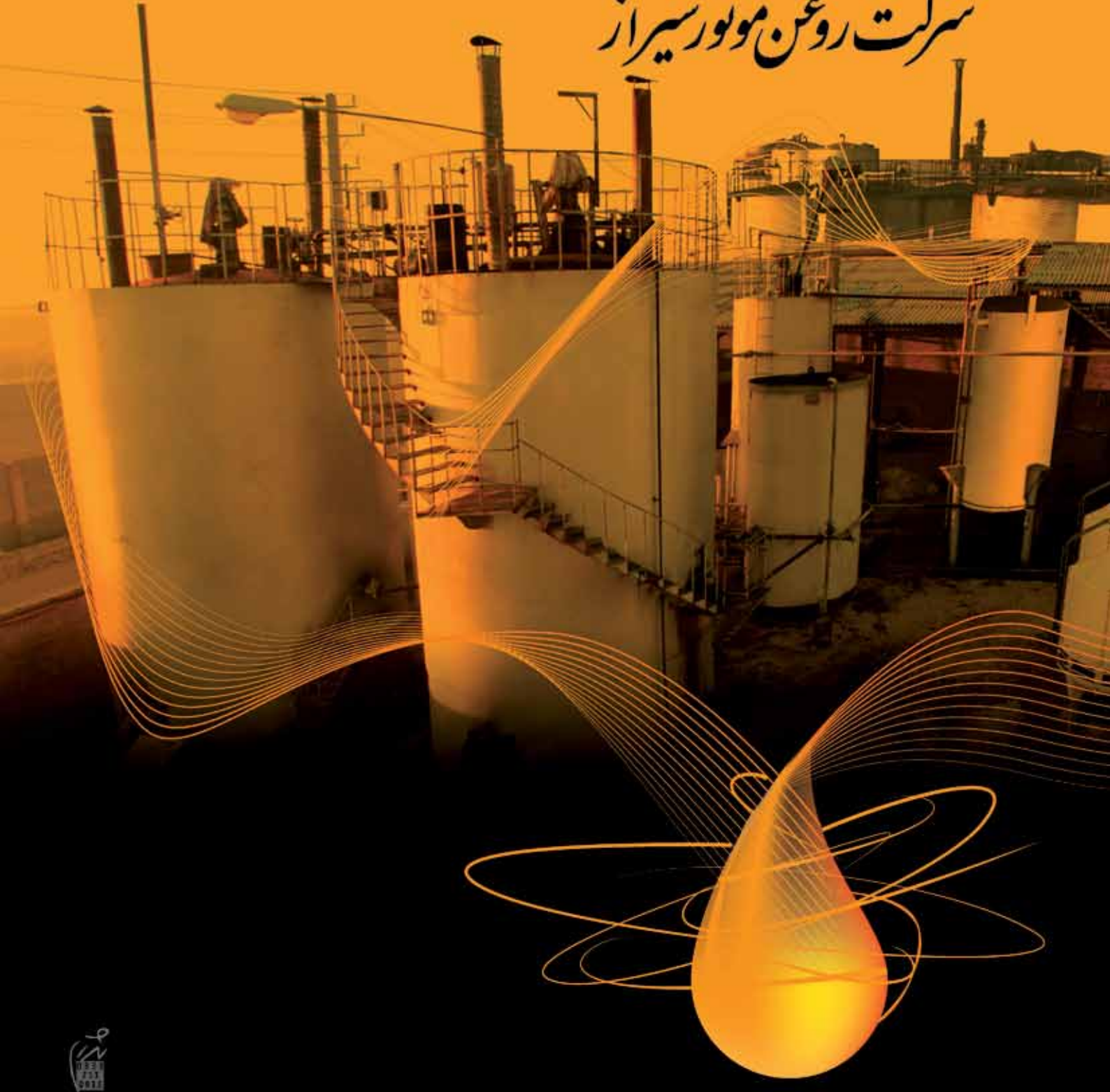
تلفن همراه: ۰۹۱۷۳۱۵۳۳۵۹

وب سایت: www.sheoco.com

پست الکترونیک: info@sheoco.com



شرکت روغن موتور شیراز





HP Manufacturing

شرکت صنایع شیمیایی هدف پارافین

آدرس : تهران - میدان انقلاب - کوچه جنتی - بن بست فرسار - پلاک ۸ - طبقه اول

تلفن ۶۳ - ۶۶۵۶۸۸۶۲

سال تاسیس ۱۳۸۴

Email: yearparaffin@yahoo.com

Website: www.hadafparaffin.com



شرکت رادمهر شیمی جهان

تولید کننده انواع روغن های صنعتی

(موتور ، دنده و هیدرولیک)

به نام های تجاری (جهان - پالدين - ادموس - هوداد - ناسیونال - یاران)

FOR EXPORT



آدرس دفتر مرکزی : تهران خیابان آزادی بین بهبودی و خوش
نبش خیابان شهید نمایندگی ساختمان پارس ۲ واحد ۱
تلفن : ۶۶۴۳۲۱۳۸ - ۶۶۹۱۱۵۸۰ - ۶۶۹۱۰۹۶۵
آدرس کارخانه : جاده ساوه کیلومتر ۷۰ ناحیه صنعتی شهید
مهدی پرندک قطعه ۶۴
تلفن : ۰۲۵۶-۵۲۸۲۹۹۷



Ghatrankaveh Qatrunkaveh

انواع روغن موتور، روغن دنده، روغن هیدرولیک، روغن صنعتی، گریس، ضد یخ و مکمل روغن
All kinds of Engine oil, Gear oil, Hydraulic oil, Industrial oil, Grease, Anti freeze & Oil treatment



ISO 9001:2008
Certified Co.



کارپیه محافظ قدرتمند موتور

آدرس: تهران، خیابان سید جمال الدین اسد آبادی، خیابان ۲۸، پلاک ۱۱
تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۱۶۰۲۲ فکس: ۰۲۱-۸۸۷۱۶۱۳۳

Address: No. 11, 28 St., Seyed Jamaledine Assadabbady Ave., Tehran, Iran
Tel: (+9821) 88716022 Fax: (+9821) 88716133
Website: www.ghatrankaveh.com Email: info@ghatrankaveh.com

روغن موتور
اموت

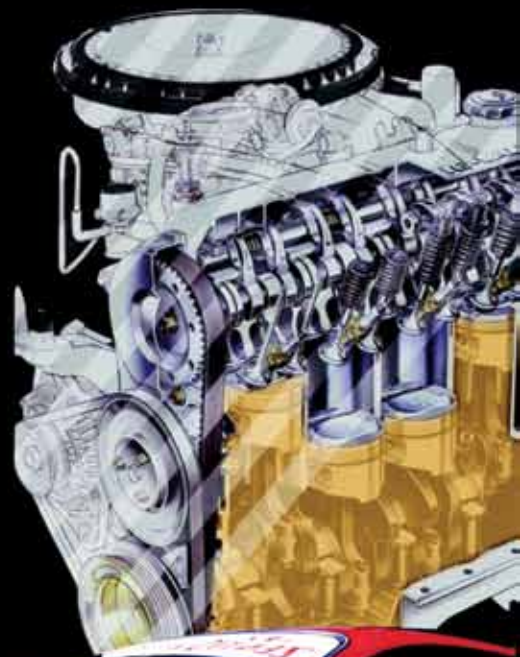
شرکت تکتاز شیمی صنعت
تولیدکننده انواع فرآورده های نفتی
با نشان استاندارد ملی ایران



www.amutengineoil.com



amut
ENGINE OIL



یزدان صنعت مهر سپاهان

شرکت یزدان صنعت مهر سپاهان واقع در کیلومتر ۵۵ جاده اصفهان - شیراز (شهرک شیمیایی بزرگ رازی)، در سال ۱۳۸۸ تاسیس و فعالیت خود را در زمینه تصفیه روغنهای کارکرده و ضایعات هیدروکربنی و تولید انواع روغن و حلالهای آلی آغاز نمود. در سال ۱۳۹۱ نیز در زمینه صادرات حلال آلی و هیدروکربن به موفقیت چشمگیری دست پیدا کرد.



مدیریت شرکت به موازات تلاش برای ارتقای رضایت مشتریان، متعهد به حفظ و جلوگیری از آلودگی محیط زیست و ارتقای کیفیت محصولات خود می باشد.

شرکت یزدان صنعت مهر سپاهان دارای آزمایشگاه مجهز ، جهت انجام امور تحقیقاتی میباشد.

این شرکت علاوه بر تولید، در زمینه های زیر نیز آماده ارائه خدمات میباشد :

- خدمات آزمایشگاهی و تحقیقاتی و مشاوره و همکاری با سایر سازمانها و شرکتهای تولیدی
- مشاوره و اجرا در زمینه راه اندازی سایتهای مربوط به پالایش و رنگبری مواد نفتی و ضایعاتی
- تهیه و آماده سازی انواع فرمولاسیون جهت صادرات انواع فراورده های پالایشگاهی مطابق با قوانین و مقررات گمرکی
- مشاوره و مشارکت در زمینه حمل و نقل و صادرات مواد نفتی



موبایل مدیرعامل : ۰۹۱۳۳۰۸۴۸۱۱

فکس : ۰۳۲۱-۲۳۲۳۲۹۹

تلفن : ۰۳۲۱-۲۳۲۳۴۷۰-۲

e-mail : yazdan.sanat@yahoo.com

web site : www.yazdansanat.com

نفت پارس

شرکت نفت پارس با نیم قرن تجربه تولیدکننده روانکارهای مختلف از جمله روغن های (بنزینی، دیزلی و گازسوز)، روغن های صنعتی، گریس و ضد یخ

آزمایشگاه شرکت نفت پارس

آزمایشگاه همکار اداره استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران



pars oil

آزمایشگاه شرکت نفت پارس، با ارائه خدمات آزمایشگاهی و تحقیقاتی در زمینه آنالیز روغن، گریس، ضد یخ، مایع ترمز و پارافین به عنوان آزمایشگاه همکار اداره استاندارد و تنها آزمایشگاه مورد تایید شل در منطقه می باشد.

► Central Office:
No. 346, East Mirdamad Blvd.,
Modarres High way, Tehran-Iran
Post code: 15499-44511
P.O.Box: 15875-5467
Tel: (+9821)22229500
Fax: (+9821)22229744 - 22229079



www.parsoilco.com

◀ دفتر مرکزی:
تهران، بزرگراه مدرس
میرداماد شرقی، شماره ۳۴۶
کد پستی: ۱۵۴۹۹ - ۴۴۵۱۱
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵ - ۵۴۶۷
تلفن: ۲۲۲۲۹۷۴۴ - ۲۲۲۲۹۰۷۹، فاکس: ۲۲۲۲۹۵۰۰



Pars Bazargan Co.
شرکت پارس بازرگان پارس
وابسته به شرکت نفت پارس

نماینده انحصاری فروش و صادرات محصولات جانبی پالایشگاه نفت پارس

Specially Products

● Paraffin wax (Rerun) ● Residual wax (Foots Oil) ● R.P.O (Rubber Process Oil) ● Light Slack wax ● Base Oil / SN 650 / SN 150

Greases / Marine Lubricants / Antifreeze

www.parsbazargan.com

تهران - بزرگراه مدرس، میرداماد شرقی، شماره ۳۴۶ تلفن: ۲۲۲۲۹۰۷۰ - ۸، فکس: ۲۲۲۲۹۰۶۴



بزرگترین تولیدکننده و صادرکننده انواع قیر،
امولسیون های قیری، قیرهای پلیمری و رنگی
و عرضه کننده محصولات در روش های جدید

Middle East

The largest bitumen producer and exporter of various grades of Bitumen, Emulsion Bitumen, Polymer Modified Bitumen, Colored Bitumen and distributor of bitumen products with new packaging methods.



تهران، بلوار میرداماد، خیابان شمس تبریزی شمالی، پلاک ۱
کدپستی: ۴۵۹۸-۱۹۳۹۵ خط ویژه: ۲۳۰۳۶ (+۹۸۲۱)
info@PasargadOil.com

No. One, North Street Shams Tabrizi,
Mirdamd Blvd, Tehran
P.O.Box: 19395-4598 Special Line: (+9821) 23036



P.A.P

شرکت بازرگانی، تولیدی و پالایش پتروآمووت پویا

PetroAmootPooya

- تولید کننده هیدروکربور سنگین و سبک • تولید کننده انواع حلالها
- وایت اسپریت ۴۰۲، تینر روغنی • دارای برجهای تقطیری اتمسفری پک
- دارای مخازن به مقدار ۶۰۰۰ تن



دارای استانداردهای

ایزو 9001، TS 29001:2003، HSE-MS

از توف نورده آلمان



تلفن: ۰۲۱-۸۸۶۹۹۲۰۲-۳
petroamootpooya@yahoo.com
www.petroamootpoya.com

آدرس شرکت: تهران - سعادت آباد / بلوار فرحزادی / ارغوان شرقی
(خیابان عباس اناری) / پلاک ۹۹ / واحد ۱۸ / طبقه ۵

فکس: ۸۸۶۹۸۳۸۴



شرکت بازرگانی و پالایش روغن
پترو آموت پویا

PetroAmootPooya

آدرس شرکت: تهران/سعادت آباد/بلوار فرحزادی
ارغوان شرقی(خیابان عباس اناری)/پلاک ۹۹/واحد ۱۸ طبقه ۵

تلفن: ۳-۸۸۶۹۹۲۰۴ (۰۲۱) petroamootpooya@yahoo.com
www.petroamootpooya.com

شماره فکس: ۸۸۶۹۸۳۸۴



دارای استانداردهای
HSE-MS , TS 29001:2003 , 9001
ایزو
از توف نورد آلمان

- دارای استاندارد از سازمان استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران
- در بسته بندیهای ۱ لیتری ، ۴ لیتری ، ۲۰ لیتری و ۲۲۰ لیتری
- صادر کنندگان به کشورهای افغانستان ، ترکیه ، کوئو ■ دارای آزمایشگاه تخصصی با کالدر مجرب تحصیل کرده
- انواع محصولات در فاز یک - روغن پایه (تمسفه دوم) ۲- روغن موتور ۳- روغن دنده (واسکازین) ۴- گریس

